بسم الله الرحمن الرحیم

موسسه فرهنگی تقلین
- ۳۵ -

فروغ مسجد
(۳)

مجموعه سخنرانی‌ها، کمیسیون‌ها، بیانیه پایانی و مقالات
سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

▣ ▣ ▣

(۳۰ مرداد ماه ۱۳۸٤ ـ ۲٦ جمادی‌الثانی ۱٤۲٦ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰۵)

مرکز رسیدگی به امور مساجد

همایش بین‌المللی هفته‌جهانی مساجد (سومین: ۱۴۲۶ ق. = ۱۳۸۴ : تهران)
فروغ مسجد(۳): مجموعه سخنرانی‌ها، کمیسیون‌ها، بیانیه پایانی و مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد (۳۰ مرداد ۱۳۸۴ ـ ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۶ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰۵) / مرکز رسیدگی به‌امور مساجد.تهران؛ قم مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ .
۴۰۰ ص: مصور . ـ(مؤسسه فرهنگی ثقلین ؛ ۳۵)
964 - 9960 - 01 - 5
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا
کتابنامه.
۱ . مسجدها ـ کنگره‌ها. ۲ . مسجدها ـ ایران ـ کنگره‌ها. ۳ . مسجدها ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۴ . مسجدها ـ ایران ـ مقاله‌ها و خطابه‌ها. الف. عنوان. ب. عنوان: مجموعه‌سخنرانی‌ها، کمیسیون‌ها، بیانیه پایانی و مقالات برگزیده سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی مساجد (۳۰ مرداد ۱۳۸۴ ـ ۲۶ جمادی الثانی ۱۴۲۶ ـ ۲۱ آگوست ۲۰۰۵).
۸ هـ / BP ۲۶۱ ۲۹۷ / ۷۵
ب ۱۳۸۴

▣ فروغ مسجد (۳) ▣

ناشر: مؤسسهٔ فرهنگی ثقلین

دبیر کمیته علمی همایش: علی رضایی‌بیرجندی

صفحه‌بندی و ناظر چاپ: عباس رحیمی

لیتوگرافی و چاپ: نینوا

قطع: وزیری ـ ۴۰۰ صفحه

تیراژ: چاپ اوّل ـ ۵۰۰۰ نسخه

تاریخ: اردیبهشت ماه ۱۳۸۵

▣ ▣ ▣

نشانی :

دفتر مرکزی: تهران ـ تهرانپارس ـ بین فلکه دوم و سوم ـ خیابان ۱۸۲ غربی ـ پلاک ۶
تلفن ۷۷۷۰۲۳۱۲ ـ دورنویس ۷۷۸۸۱۴۵۲

مرکز انتشارات: قم ـ خیابان انقلاب ـ چهارراه سجادیه ـ کوچه شماره ۳۳ ـ پلاک ۱۳
تلفن ۷۷۳۴۴۶۷ ـ دورنویس ۷۷۳۲۸۶۴

شماره شابک ۵ ـ ۰۱ ـ ۹۹۶۰ـ۹۶۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

سخن ناشر ۱۳
پیش‌گفتار ۱۵

بخش اول: سخنرانی‌ها

بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیةالله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی در دیدار با شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد..... ۲۱
سخنرانی افتتاحیه‌ی حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ابراهیمی، ریاست محترم مرکز رسیدگی به امور مساجد ۲۵
سخنرانی آیةالله هاشمی رفسنجانی، ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۳۱
سخنرانی دکتر شیخ عکرمه صبری، مفتی فلسطین..... ۴۱
سخنرانی آیةالله تسخیری، دبیرکل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ۴۹
سخنرانی جناب آقای شیخ محمّد باقر ناصری، امام جمعه ناصریه عراق ۵۵
سخنرانی آقای دکتر ولایتی، مشاور امور بین‌الملل مقام معظم رهبری..... ۶۱
سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین نقوی، از علمای پاکستان ۷۱
سخنرانی آقای شیخ منعم قویشی، امام جمعه ساحل عاج..... ۷۵
سخنرانی جناب آقای دکتر علی لاریجانی..... ۷۹
سخنرانی حاج شیخ عبدالکریم عبید..... ۹۹

بخش دوم: کمیسیون‌ها و قطعنامه‌پایانی

پیش‌گفتار ۱۱۷
▣ متن جزوه کمیسیون چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد ۱۱۹
اهداف تشکیل کمیسیون ۱۲۰
محورهای مورد بحث در کمیسیون ۱۲۰
تبیین موضوع بحث ۱۲۰
فرازهایی از سند چشم‌انداز و برنامه چهارم ۱۲۱
سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فناوری ۱۲۲
امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی ۱۲۴
امنیت انسانی و عدالت اجتماعی ۱۲۶
تصویر مساجد در چشم‌انداز بیست ساله ۱۲۷
ویژگی‌های مساجد در افق چشم‌انداز ۱۲۷
ضرورت‌های تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله مساجد ۱۲۹
منابع قابل بهره‌گیری در تدوین چشم‌انداز ۱۲۹
موارد شایان توجه در تنظیم سند چشم‌انداز ۱۲۹
اهداف برگرفته از سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامهٔ چهارم توسعه ۱۳۰
▣ جلسهٔ کمیسیون تخصصی مساجد و چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۳۳
گزارش دبیر کمیسیون جناب آقای زارع ۱۳۳
سخنان دکتر پاسوار از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ۱۳۵
سخنان آقای سید حسن فاطمی رئیسی ۱۳۷
سخنان مسؤول مرکز نظارت و ارزیابی سازمان صدا و سیما و مسؤول ستاد انتفاضهٔ قدس ۱۳۸
▣ متن جزوهٔ کمیسیون راهکارهای توسعه منابع انسانی و جذب جوانان کمیسیون تخصصی راه کارهای توسعه کمی و کیفی مساجد و چگونگی جذب جوانان ۱۴۱
الف: توسعهٔ کمی ۱۴۳
ب: توسعهٔ کیفی ۱۴۵

بازخوانی و بازمهندسی نرم‌افزاری مساجد ۱۴۷
فرآیند ارتباط با مدارس ۱۴۸
تربیت رو در رو ۱۴۹
نگاه اسلامی نگاه تربیت محوری است ۱۴۹
توسعه و گسترش کارکردهای مساجد ۱۴۹
مشتریان مسجد ۱۵۲
آسیب‌های مساجد ۱۵۲
راه کارهای جذب جوانان ۱۵۲
ترسیم راه کارها ۱۵۳
جلسهٔ کمیسیون راهکارهای توسعه منابع انسانی و جذب جوانان ۱۵۵
گزارش دبیر کمیسیون جناب حجةالاسلام والمسلمین بهلول ۱۵۵
مدیریت فرایند جذب ۱۵۹
متن جزوه کمیسیون تخصصی آسیب شناسی مساجد و کیفیت مقابله با آنها ۱۶۱
چالش‌های موجود در امور مساجد ایران ۱۶۱
الف: آسیب و چالش‌های ساختاری، مدیریتی و مالی ۱۶۲
ب: آسیب و چالش‌های فیزیکی و سخت افزاری ۱۶۳
ج: آسیب و چالش‌های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران ۱۶۳
د: آسیب و چالش‌های محتوایی و برنامه‌ای ۱۶۳
راه کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان ۱۶۴
فصل اول: مخاطبان مسجد ۱۶۵
موانع جذب جوانان به مساجد ۱۶۶
فصل دوم: معماری مسجد ۱۶۷
بخش اول ۱۶۷
بخش دوم ۱۷۱
۱. نور و روشنایی مسجد ۱۷۱
۲. سیستم صوتی مسجد ۱۷۱

بخش سوم: خدمات جنبی مسجد ۱۷۲
فصل سوم: رسانه‌ها و مسجد ۱۷۲
منبر ۱۷۲
فناوری‌های جدید ۱۷۳
ضعف‌های رسانه‌های عمومی و مسجد ۱۷۳
فصل چهارم: نیروهای انسانی ۱۷۳
امام جماعت ۱۷۳
هیئت امنا ۱۷۴
همسایگان مسجد ۱۷۴
غیرمسلمانان ۱۷۵
مدیریت مسجد ۱۷۵
بانی و واقف ۱۷۵
خادم ۱۷۵
فصل پنجم: منابع اقتصادی مسجد ۱۷۶
کمک‌های مردمی ۱۷۶
دولت و مساجد ۱۷۶
فصل ششم: مراکز و کانون‌های مساجد ۱۷۸
کتابخانه ۱۷۸
بسیج ۱۷۸
کانون‌های مساجد ۱۷۹
مسجد و جهان اسلام ۱۷۹
▣ **جلسه کمیسیون آسیب‌ها و چالش‌ها** ۱۸۱
گزارش دبیر کمیسیون حجةالاسلام والمسلمین موسوی عبادی ۱۸۱
▣ **کمیسیون معماری مساجد** ۱۸۷
حجةالاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی، دبیر کمیته علمی همایش ۱۸۷
گزارش دبیر کمیسیون جناب آقای مهندس نقره‌کار ۱۸۸
سخنان جناب آقای مهندس مروت ۱۹۵

▣ **متن جزوه کمیسیون تخصصی نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت بین مسلمانان و پشتیبانی از حرکت‌های انقلابی جهان اسلام** ۱۹۹
نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکتهای انقلابی جهان اسلام ۱۹۹
▣ **بیانیهٔ پایانی سومین اجلاس هفتهٔ جهانی مساجد** ۲۰۳

بخش سوم: مقالات

▣ **عوامل و موانع جذب مردم‌به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد** / فاطمه تویسرکانی راوری ۲۰۹
چکیده ۲۰۹
مقدمه ۲۰۹
مروری کوتاه بر تحقیقات انجام شده ۲۱۱
موانع و راه‌کارهای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد ۲۱۵
الف) موانع فردی..... ۲۱۵
ب) موانع خانوادگی..... ۲۱۷
ج) موانع اجتماعی..... ۲۱۹
د) عوامل مربوط به مساجد ۲۲۱
چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ ۲۲۷
برنامه‌ریزی..... ۲۲۹
تکریم نوجوانان و جوانان..... ۲۳۱
مسؤولیت‌سپاری..... ۲۳۲
تشویق ۲۳۲
پیشنهادها ۲۳۴
▣ **نقش تاریخی مسجد در تولید و پیشرفت علم و مقایسهٔ آن با وضع کنونی** / اعظم رحمت‌آبادی ۲۳۷
چکیده ۲۳۷
اشاره..... ۲۳۸
جایگاه و نقش مساجد در تولید پیشرفت علم ۲۳۹
وضعیت تحصیل و پیشرفت علم در مساجد..... ۲۴۴
دامنه و وسعت جنبش علمی مساجد ۲۴۸

ابزارها و امکانات تولید علم در مساجد ۲۴۹
وضع کنونی ما ۲۵۱
▣ **پیام مسجد** / جواد محدثی..... ۲۵۸
چکیده ۲۵۸
▣ **پاره‌ای از آداب مسجد در اسلام** / صدیقهٔ محصل ۲۶۳
چکیده ۲۶۳
آداب ظاهری و باطنی ساخت مساجد ۲۶۴
۱. انگیزه الهی..... ۲۶۴
۲. مال حلال..... ۲۶۵
۳. قربانی..... ۲۶۶
۴. شرایط محل بنا..... ۲۶۶
۵. ویژگی‌های بنا..... ۲۶۷
۶. تأسیس مسجد در خانه ۲۷۲
آداب همسایگی با مسجد..... ۲۷۴
آداب تکریم مساجد..... ۲۷۶
آداب رفتن به مساجد..... ۲۸۳
آداب حضور در مسجد..... ۲۸۸
فایده مساجد..... ۲۹۱
آداب خروج از مسجد ۲۹۵
آداب اعتکاف در مسجد..... ۲۹۶
مکان اعتکاف..... ۲۹۹
فواید اعتکاف..... ۳۰۱
▣ **قبسی از اسرار عرفانی مسجد** / عالیهٔ جعفری ۳۰۵
چکیده ۳۰۵
۱. مسجد، سرای معشوق..... ۳۰۶
۲. عمارت مسجد آبادانی ویرانهٔ دل خویش ۳۰۷
۳. ترجیح خواسته معشوق بر خواسته خود ۳۰۸

۴. فقط یاد او رواست ۳۰۹
۵. سائل باید از خانه خود به خانه کریم رود! ۳۱۰
۶. عالَمیان برای اهل مسجد تسبیح می‌گویند ۳۱۱
▣ **نقش فناوری اطلاعات در مدیریت مساجد** / مهدی زارع مؤیدی ۳۱۳
چکیده ۳۱۱
اشاره ۳۱۱
پیشنهادات ۳۲۰
خصوصیاتی که خوب است این سایت داشته باشد ۳۲۱
▣ **مسجد نماد همبستگی اسلامی** / سیدعلی سادات فخر ۳۲۳
چکیده ۳۲۳
اشاره ۳۲۳
احترام و حفظ مسجد و معبد برای پایداری همبستگی ۳۲۵
حضور در مسجد، تمرین همبستگی دینی ۳۲۷
مسجد نماد همبستگی اسلامی ۳۲۹
آینده را از مسجد و با مسجد بسازیم ۳۳۴
▣ **مسجد و استقلال فرهنگی** / محمد سحرخوان ۳۳۵
چکیده ۳۳۵
اشاره ۳۳۵
اهمیت استقلال فرهنگی ۳۳۶
اسلام و استقلال فرهنگی ۳۳۷
مسجد زمینه‌ساز استقلال فرهنگی ۳۳۸
▣ **مسجد کانون استقلال فرهنگی** / سیدمحمدرضا طالبیان ۳۴۳
چکیده ۳۴۳
اشاره ۳۴۴
بخش اول: جهانی شدن، مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها جهانی شدن ۳۴۴
جهانی شدن فرایندی است مرتبط با چهار حوزه ۳۴۴
جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیدهٔ طبیعی؟ ۳۴۶

عناصر اساسی مدرنیسم ۳۴۷
بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن ۳۴۹
بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن ۳۵۱
۱ ـ تکثیر اندیشهٔ دینی ۳۵۱
۲ ـ زدودن شبهات فکری ۳۵۱
۳ ـ تأمین بهداشت روان ۳۵۲
۴ ـ گسترش اندیشه‌ی مهدویت ۳۵۳
۵ ـ بازتابی هویت ۳۵۴
▣ **خانوادهٔ اهل مسجد** / محمدحسین مردانی نوکنده ۳۵۷
چکیده ۳۵۷
اشاره ۳۵۸
اهمیت و نقش مسجد ۳۶۰
مسجد صفابخش روح و جان ۳۶۳
شاخصه‌های خانوادهٔ اهل مسجد ۳۶۵
خانوادهٔ علی و فاطمه علیهما السلام، الگوی خانواده‌های اهل مسجد ۳۸۶
الگوگیری از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، برای داشتن خانواده‌ای متعادل ۳۸۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۳۹۰
▣ **ضرورت بهسازی تبلیغات دینی در مساجد** / علی محمدی‌آشنانی ۳۹۵
چکیده ۳۹۵
اشاره ۳۹۵
۱. شناخت ابزار دوران معاصر و جوانان ۳۹۶
۲. دریافت راز موفقیت یک پیام ۳۹۶
۳. به‌کارگیری راهکارهای تبلیغات دینی ۳۹۸
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۳۹۹

بسم الله الرحمن الرحیم

سخن ناشر

مسجد در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که به عنوان خانه‌های خدا در زمین معرفی شده است، زیرا اصلی‌ترین پایگاه دین، اخلاق و معنویت و برترین مکان تقویت ایمان و عالی‌ترین مرکز نشر آگاهی و بصیرت و والاترین کانون احیا و تقویت اندیشه و زیباترین جایگاه تربیت و پرورش انسان‌های وارسته و مهم‌ترین مکان گسترش فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جهان است.

مؤسسه فرهنگی ثقلین که رسالت خویش را نشر فرهنگ قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌داند برای سومین سال مجموعه سخنرانی‌ها، مباحث مطرح شده در کمیسیون‌ها و مقالات هفته‌جهانی گرامی‌داشت مساجد را که محصول اندیشه و خرد شخصیت‌های علمی و فرهیختگان مسلمان از ایران و جهان است را منتشر می‌سازد. مجموعه‌ای که پیش رو دارید در دو جلد و سه بخش تنظیم و ارائه گردیده است. بخش اول سخنرانی‌ها؛ بخش دوم کمیسیون‌های تخصصی و بخش سوم مقالات.

امید است با استفاده از نظرات اندیشمندان و کاربردی کردن آنها تحولی در عرصه عملی مساجد صورت گیرد که لایق شأن نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام گردد و به عنوان الگویی عملی برای سایر مسلمین قابل ارائه باشد.

در پایان خداوند را سپاس می‌گوییم که توفیق خدمتگزاری به ساحت مقدس قرآن و اهل‌بیت پیامبر علیهم‌السلام را به ما عنایت فرمود.

مؤسسه فرهنگی ثقلین

بسم الله الرحمن الرحیم

پیش‌گفتار

مسجد، گران‌سنگ‌ترین و مقدس‌ترین مکان در روی زمین است؛ از این‌رو تعظیم، تکریم، بزرگداشت و احیای آن، وظیفه و رسالت همه‌ی مسلمانان به‌ویژه اندیشه‌ورزان و مسؤولان اُمت اسلامی است.

به همین لحاظ به پیشنهاد ارزنده‌ی جمهوری اسلامی ایران به سازمان کنفرانس اسلامی درخصوص نام‌گذاری ۲۱ تا ۲۸ آگوست در سال ۲۰۰۳ میلادی، برابر با ۳۰ مرداد تا ۵ شهریور ۱۳۸۲، که مصادف است با به آتش کشیده شدن مسجدالاقصی به‌دست صهیونیست‌های افراطی «هفته‌ی بزرگداشت جهانی مسجد» نام گرفت و با تصویب این پیشنهاد در اجلاس سی‌ام وزرای خارجه‌ی کشورهای اسلامی در تهران، اهمیت و جایگاه بی‌بدیل مساجد در افقی جهانی با رویکردی راهبردی در جهان اسلام، مورد توجه قرار گرفت و پس از آن براساس قطعنامه‌ی کنفرانس ـ که در آن از کشورهای عضو خواسته شده است تا در راستای تحکیم و توسعه‌ی فرهنگ و ارزش‌های اسلامی برای تکریم و گرامی‌داشت مساجد در هفته‌ی مذکور تلاش نمایند ـ اقدامات و تلاش‌هایی به‌منظور بهینه‌سازی وضع مساجد در کلیهٔ کشورهای اسلامی، صورت پذیرفت.

با عنایت به این که این پیشنهاد به همت جمهوری اسلامی ایران مطرح شده، که خود پرچمدار انقلاب اسلامی و داعیه‌دار مرکزیت و ام‌القرای کشورهای اسلامی است و با توجه به‌نقش محوری مساجد در تشکیل نظام جمهوری اسلامی و شبکه‌ی گسترده‌ی مساجد در کشور، در قالب اماکنی مقدس، بی‌بدیل و بی‌نظیر ـ که هر یک به تنهایی نمادی از هنر

و معماری و تاریخ گویای فرهنگ و تمدن اسلامی به‌شمار می‌روند ـ و با عنایت به‌حضور هماهنگ و با انگیزه‌ی میلیون‌ها تن به صورت مداوم در این مکان‌های الهی، وظیفه‌ی جمهوری اسلامی در اهتمام ویژه به بهینه‌سازی و احیای کارکردهای مساجد، سنگین‌تر از سایر کشورهاست؛ زیرا بدون طراحی استراتژی و اتخاذ سیاست‌های اجرایی مدون و جامع الاطراف و در برگیرنده‌ی تمامی مسائل مبتلا به مساجد در داخل و بدون ساماندهی امور مدیریت و منابع انسانی و مالی آن و پشتیبانی‌های لازم جهت اعتلای جایگاه مساجد و رفع نقصان و کاستی‌ها در حوزه‌ی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن، هرگز نمی‌توانیم برای استفاده‌ی مناسب از مسجد در جهان اسلام، الگوسازی و به دیگر کشورهای جهان عرضه کنیم.

مرکز رسیدگی به امور مساجد که به امر مقام معظم رهبری تأسیس شده و در سال‌های اخیر با عنایت خاص معظم‌له، تحولاتی جدید در آن رخ داده، درصدد است که باکاوش‌های عمیق علمی و اجرای طرح‌های پژوهشی بنیادی و کاربردی و با استفاده از دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشه‌ورزان، راهکارهای عملی و طرح‌های هدفمند کاربردی و اجرایی بهینه‌سازی و احیای کارکردهای مساجد را تدوین و عرضه نماید، لذا با چنین نگرشی است که سومین همایش گرامی‌داشت مساجد را برگزار نموده است.

سومین همایش گرامی‌داشت مساجد، از سه ویژگی زیر برخوردار است که آن را در قیاس با همایش‌های پیشین جلوهٔ بیشتری بخشیده است:

۱ . در همایش سوم، افزون بر حضور بیشتر و فعال‌تر اندیشه‌مندان و فرهیختگان کشوری در زمینه‌ی طرح مقاله و سخنرانی پژوهشی، در آن اندیشه‌ورزان بین‌المللی و شخصیت‌هایی از جهان اسلام نیز حضور یافتند و دیدگاه‌ها و تجارب خود را مطرح ساختند.

۲ . در همایش سوم، افزون بر جلسات عمومیِ سخنرانی و خواندن مقالات برگزیده، پنج کمیسیون تخصصی به شرح ذیل طراحی و برگزار گردید:

الف. کمیسیون تخصصی چشم‌انداز بیست ساله‌ی مساجد؛

ب. کمیسیون تخصصی راه‌کارهای توسعه‌ی کمّی و کیفی مساجد و چگونگی جذب جوانان؛

ج. کمیسیون تخصصی آسیب شناسی مساجد و کیفیت مقابله با آنها؛

د. کمیسیون تخصصی معماری مساجد؛

هـ کمیسیون تخصصی نقش جهانی مساجد در برقراری وحدت بین مسلمانان.

انتخاب عناوین و موضوعات یاد شده از میان موضوعات گوناگون، پس از بحث و بررسی فراوان و با توجه به اهمیت آن موضوعات در شرایط کنونی جهان اسلام، صورت گرفت، سپس مطالب اساسی مربوط به هر یک از موضوعات، جمع‌آوری و تدوین شد تا به صورت مکتوب به شرکت‌کنندگان عرضه گردد و جلسات با خوراک فکری لازم و طرح و برنامه‌ریزی مناسب برگزار شود.

خوشبختانه در جلسات هر یک از این کمیسیون‌ها، دیدگاه‌های گوناگونی بیان گردید که جمع‌بندی آن در مجموعه‌ی حاضر درج شده است تا ان‌شاءالله در برنامه‌ریزی‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۳ . افزون بر جلسات و کمیسیون‌های همایش سوم و در کنار آن، نمایشگاه توانمندی‌های مساجد در سطحی گسترده‌تر و با کیفیتی بهتر و متمایز از سال گذشته، برگزار گردید که نظر بسیاری را به توانایی‌های گسترده‌ی مساجد جلب نمود، به‌گونه‌ای که برخی با اظهار شگفتی و تعجب، بر لزوم گسترش کارکردها و توانایی‌های مساجد تأکید کردند.

اکنون که با توفیق الهی، متن سخنرانی‌ها، جزوات و گزارش کمیسیون‌ها و مقالات برگزیده، لباس طبع در بر می‌کند، بر خود لازم می‌داند که از همه شرکت‌کنندگان به‌ویژه مسئولان گرانقدر نظام، میهمانان خارجی و داخلی، شخصیت‌های علمی و معنوی، سخنرانان، مقاله‌نگاران، مسئولان برگزاری، اعضای کمیته‌های گوناگون، ارزش‌یابان مقالات و کلیهٔ کسانی که در آماده‌سازی این کتاب نقشی داشته‌اند، تشکر و قدردانی نماید و برای یکایک آنان از ذات قیوم سرمدی سلامت و اجر و پاداش وافر درخواست کند.

همچنین بر خود فرض می‌داند از مقام معظم رهبری حضرت آیةالله خامنه‌ای ـ مدظله‌العالی ـ که براساس کریمه «و **خـــتامه مسك**»، شرکت‌کنندگان همایش را در پایان، به حضور پذیرفتند و با رهنمودهای با ارزش خود، ضمن اشاره به نقش و جایگاه مسجد، بر لزوم عمران معنوی مساجد نیز تأکید فرمودند و موجبات دلگرمی دست اندرکاران امور مساجد را فراهم ساختند، سپاس مرکز را عرضه بدارد.

کمیته‌ی علمی ستاد گرامی داشت هفته‌ی جهانی مساجد

علی رضایی بیرجندی

بخش اول:

سخنرانی‌ها

بیانات رهبر فرزانه انقلاب اسلامی
حضرت آیةالله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی
در دیدار با شرکت‌کنندگان داخلی و خارجی
سومین همایش بین‌المللی هفته جهانی گرامی‌داشت مساجد

اشاره

در این دیدار که در تاریخ ۳۰ مرداد ۱۳۸۴ صورت پذیرفت و شرکت‌کنندگان همایش بین‌المللی هفته‌ی گرامی‌داشت مساجد در آن حضور داشتند، پس از تلاوت آیاتی از قرآن‌مجید؛ حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، گزارشی از همایش به محضر رهبر انقلاب معروض داشتند، آنگاه مقام معظم رهبری به ایراد سخنان زیر پرداختند.

بسم الله الرحمن الرحیم

برادران و خواهران عزیز بسیار خوش آمدید، به خصوص خیرمقدم می‌گویم به میهمانانی که از کشورهای دیگر در جمع شما حضور پیدا کرده‌اند. امیدواریم اجتماع و گردهمایی شما فواید محسوسی داشته باشد؛ چون بعضی از گردهمایی‌ها حامل فواید واقعی و محسوس نیست؛ یعنی بیشتر توجه آنها به ظواهر امر است. امروزه دنیای اسلام در وضعی نیست

که کوچک‌ترین فرصت را از دست بدهد. این گردهمایی‌ها نیز فرصت مغتنمی است، که باید حداکثر استفاده از آن شود.

مسجد یکی از امتیازات اسلام و متعلق به مردم است. جایگاه عبادت و ارتباط انسان با خدا به‌شمار می‌رود. مراسم مسجد منحصر در مراسمی خاص نیست، یعنی مانند کلیسا نیست، درهای مسجد باز است. خانه‌ی خدا و ملجأ مردم است؛ مسجد جای توجه، جای ذکر، جای نماز و جای شناخت یکدیگر و محل تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی است. از صدر اسلام تا امروز این معنا مورد توجه بوده است که مسجد، همان‌گونه که در نظر فرد جای توجه به خداست، در مسائل اجتماعی هم جایگاهی است که ممکن است محور اجتماع مردم قرار بگیرد. این مسئله نکته‌ی مهم در کارکرد مسجد است، پس استفاده از مسجد برای دنیای اسلام فرصتی مغتنم محسوب می‌شود، منتها چون اجباری در آمدن به مسجد نیست، باید دل‌ها به آمدن مسجد رغبت و شوق پیدا کنند و این ممکن نیست، مگر این که کانون مسجد، شوق‌آور و شوق‌آفرین باشد.

اما چه باید کرد که دل‌ها به مسجد گرایش پیدا کنند؟ یعنی به حضور در مسجد، ماندن در مسجد و عبادت در مسجد شوق پیدا کنند؟ مشکل اصحاب مسجد این است! البته این فقط مشکل ما نیست؛ در دنیای غیر اسلام هم این مشکل مشاهده می‌شود، اما آنها راه‌های غلطی انتخاب می‌کنند، برنامه‌هایی در مساجد می‌گذارند که با طبیعت مسجد و حقیقت آن در تضاد است. مثلاً در کنار مساجد، سالن‌هایی می‌گذارند که در آن سالن‌ها همان منکراتی انجام می‌گیرد که در کنار کلیسا صورت می‌گیرد، حال آنکه کلیسا موظف به نهی از آن است لکن به وسیله‌ی خود کلیسا در آن سالن‌ها منکراتی صورت می‌گیرد. این نقض غرض است؛ ما برای مساجد چنین چیزی را تحمل نمی‌کنیم، اما فعالیت‌های گوناگون، از جمله استفاده از ابزارهای تبلیغی، کتابخانه‌های مطلوب، از روش‌های هنری برای تبلیغ مفاهیم دینی و تولید شوق به عبادت، از جمله مواردی است که لازم است در باره‌ی آن مطالعه شود.

ارتباط بین مساجد در کشورهای اسلامی هم کاری بسیار پسندیده و نیکوست. برگزاری هفته‌ی مساجد به مناسبت حادثه‌ی مسجدالاقصی و قدس شریف است. علاوه براین که خود مسجدالاقصی نقطه‌ای متبرک و محترم در بین مسلمان‌هاست، حادثه‌ی مسجدالاقصی و اهانتی که آن زمان به مسجدالاقصی شد، نشان دهنده‌ی جهت‌گیری دنیای سلطه برضد مظاهر اسلامی و برضد هر چیزی است که مسلمان‌ها هویت خود را در آن متجلی می‌بینند.

بسیار کار شایسته‌ای کردند که این هفته را به این مناسبت، هفته‌ی جهانی مساجد قرار داده‌اند. جزو کارهای شایسته‌ی سازمان کنفرانس اسلامی همین انتخاب بود؛ باید این فکر و این دستاویز عقیدتی و سیاسی را رها نکنید تا ان‌شاءالله این قضیه در دنیای اسلام زنده بماند و ساری و جاری باشد.

بنابراین، نفس مسئله‌ی مسجد و پرداختن به عمران و آبادی مسجد مهم است، البته عمران مسجد فقط عمران ظاهری و پرداختن به در و دیوار نیست. عمران معنوی مسجد بیشتر از عمران ظاهری اهمیت دارد. عمران معنوی مسجد با برنامه‌های مسجد، بر عهده‌ی امام جماعت و مؤمنانی است که در آنجا عبادت می‌کنند. هم‌چنین مسئله مسجد الاقصی و توجه دنیای اسلام به خطر صهیونیست‌ها و خطر سیاست‌های امریکایی و صهیونیستی در این منطقه مطرح است و قدرت اثرگذاری اسلام و از طرفی عجز برنامه‌های نظام سلطه برای خنثی کردن نفوذ اسلامی در این منطقه، یعنی علی‌رغم این همه تلاش سیاسی که امریکا و متحدانش در این منطقه انجام می‌دهند و اسرائیل را تجهیز می‌کنند، در عین حال و در مقابلِ روش‌های نو به نو که از ایمان اسلامی در این منطقه سرچشمه می‌گیرد، آنان درمانده شده‌اند، چنانچه ما درست عمل کنیم، با امید و ایمان و ابتکار و خلاقیت عمل کنیم، یقیناً همه‌ی برنامه‌های ایشان خنثی خواهد شد. وعده‌ی الهی درست است که فرمود: ﴿وَلَيَنصُرَنَّ ٱللَّهُ مَن يَنصُرُهُۥٓ﴾ هرکس خدای‌متعال را نصرت کند، خدا هم به او نصرت خواهد کرد.[1]

---

۱. حج / ۴۰.

بار دیگر به حضار محترم و به همه میهمانان گرامی خوش آمد می‌گوییم و از دست‌اندرکاران این همایش تشکر می‌کنیم.

امیدواریم خداوند همه‌ی شما را موفق و مؤید بدارد و ان‌شاءالله این نشست و برخاست‌ها به نتایجی مطلوب و فوایدی درخشان منتهی شود.

والسلام علیکم و رحمةالله.

سخنرانی افتتاحیه‌ی
رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین ابراهیمی

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله:

﴿و ان مساجدلله فلا تدعوا مع الله احداً﴾.

ابتدا خیر مقدم عرض می‌کنم خدمت همه‌ی عزیزان و سروران، ائمه‌ی محترم جماعات و علمای والا مقام و مهمانان عزیزی که از ایران وکشورهای اسلامی در این محفل حضور پیدا کرده‌اند و نیز به محضر شریف حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای هاشمی رفسنجانی و خواهران عزیز خیرمقدم می‌گویم.

همان‌گونه که در آیات و روایات آمده است، مسجد بهترین و مقدس‌ترین، با فضیلت‌ترین، عزیزترین و پاک‌ترین مکانی است در زمین که خداوند به انسان‌ها معرفی کرده و نقش مساجد هم والاترین، و زیباترین نقش محسوب می‌شود.

در طول تاریخ اگر به سیره‌ی نبی مکرم اسلام نظر بیفکنیم می‌بینیم که سیره‌ی نبوی آن حضرت برای ما حجت شرعی به شمار می‌رود، به این معناکه نخستین اقدام رسول الله قبل از رسیدن به مدینه‌ی منوره، احداث مسجد قبا و بعد از رسیدن به مدینه، ساخت مسجدالنبی و محور قرار دادن مسجد بود تا آنجاکه همه‌ی امور را از مسجد هدایت می‌کردند و جهت

می‌دادند، چه مسائل تربیتی و آموزشی و معارف اسلامی و چه مسائل جنگ و مبارزه و جهاد و چه قضاوت و حل و فصل امور مردم؛ همه و همه از پایگاه مسجد نشأت می‌گرفت و پیامبر آنها را انجام می‌داد، که البته بعدها نیز به همت جانشینان رسول خدا این سنت ادامه داشت.

شماره ۱

بعدها که خلفا با دین فاصله گرفتند، آرام آرام بساط حکومت را از مساجد جمع کردند و دارالخلافه و قصر و ساختمان‌های مدرن ساختند و بساط اداری را از مساجد بیرون بردند و حکومت را از مساجد جدا کردند که بعد از قرن‌ها در این قرن معاصر، احیاگر اسلام ناب محمدی، امام والا مقام و رهبر کبیر انقلاب بار دیگر همان بساط نبوی را پهن و جهت را به سمت و سوی مساجد مشخص کرد و این انقلاب عظیم و عزیز را از مساجد پایه‌ریزی نمود.

امروزه باید پایگاه اصلی درخشش انقلاب در سراسر جهان را، در مساجد جست‌وجو کرد، نیروهای تربیتی و آموزشی و فرهنگی و شخصیت‌های گرانقدر ما که انقلاب را برپا کردند، همه و همه به نحوی مرتبط با مساجد بودند و پیام‌های حضرت امام از طریق مساجد

به‌گوش مردم می‌رسید و بهترین رسانه‌ی مردمی چه قبل از انقلاب، چه در آستانه‌ی انقلاب و چه بعد از انقلاب، یعنی جاهایی که در بحران‌ها توانستند انقلاب را هدایت کنند، این مراکز مقدس بودند که به حق انقلاب را هدایت و رهبری کردند.

هشت سال دفاع مقدس را ما نمی‌توانیم فراموش کنیم، زیرا پایگاه اصلی نیرو و امکانات از مساجد تجهیز می‌شد، مساجد بودند که توانستند از این راه خطیر بگذرند و با افتخار و سربلندی و عزت از میدان نبرد و مبارزه با دشمن پیروزمندانه و سرافراز بیرون آیند.

امروز هم مساجد ما به کانون‌های فرهنگی تبدیل شده است. حضور جوانان عزیز و بالندگی مساجد را روز به روز بیشتر می‌بینیم. امسال مسئله‌ی اعتکاف در ایران اسلامی، در حد یک حرکت جهشی ملاحظه شد، جوان‌ها گرایشی فوق‌العاده‌ای به این مسئله داشتند به‌طوری که ما در مساجد امکانات لازم برای پذیرایی از همه‌ی جوانان در مراسم اعتکاف نداشتیم و فقط بخشی از آنها را توانستیم ثبت نام و پذیرایی کنیم که البته برای ما بسیار ارزنده و بالنده بود.

برای آنکه مرکز رسیدگی به امور مساجد به رسالت خویش عمل کند و مسائل مربوط به مساجد را مطرح سازد، مسائلی که چندین سال به آن توجهی نشده بود. لذا فرصتی به دست آمد که ما بتوانیم امور مساجد را مطرح کنیم. سه سال است که برگزاری هفته‌ی گرامیداشت مساجد، وسیله‌ای شده تا مساجد مطرح شود. سال گذشته هم نمایشگاهی برپا شد تا توانمندی‌های مساجد افقی روشن برای ما ترسیم کند لکن امسال این نمایشگاه از بالندگی بیشتری برخوردار است، در حدی که بعضی از بینندگانی که در محضرشان بودیم، گفتند حرکتی جهشی صورت گرفته به طوری که این نمایشگاه تا حد چشم‌گیری توان مساجد را به نمایش گذاشته است. ما امیدواریم بتوانیم دوران گذشته‌ی مظلومیت مساجد را جبران کنیم.

ما معتقدیم حکومت‌ها و حاکمیت و از همه مهم‌تر جهان اسلام نیازمند توجه بیشتر به مساجد است، زیرا نخستین جایی را که دشمنان اسلام مورد هجوم قرار می‌دهند، مساجد است، برگزاری همین هفته‌ی گرامیداشت مساجد هم علتش آتش زدن مسجدالاقصی به دست صهیونیست‌ها بود تا مسلمان‌ها به این فکر بیفتند که باید از مساجد دفاع شود و هفته‌ی مذکور در سازمان کنفرانس اسلامی تصویب شد که امروز سراسر جهان اسلام باید این هفته را گرامی بدارند و به مساجد توجهی ویژه نمایند.

شماره ۲

لازم می‌دانم در این جا از عنایات مقام معظم رهبری سپاسگزاری کنم، چون، هرچه داریم از هدایت‌ها و جهت‌گیری‌های ایشان داریم؛ در پایان نیز از رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام جناب آقای هاشمی رفسنجانی تشکر می‌کنم ایشان سه سال متوالی در همه‌ی جلسات مرکز شرکت کردند از این‌رو ما جرأت کردیم که امسال این اجلاس را شایسته‌تر از گذشته برگزار کنیم.

ان‌شاءالله در سال‌های آینده نیز با حضور میهمانان عزیزی که از کشورهای گوناگون اسلامی داریم به جایی برسیم که امور مساجد با جدیت بیشتر پی‌گیری شود. ضمناً پیشنهاد مشخص ما در سال اول اجلاس این بود که یک شورای عالی متشکل از علمای تراز اول جهان اسلام در امر مساجد تشکیل بدهیم که تجربیات را در یک سمت و سو حرکت دهند. شعار امسال ما هم «مسجد پایگاه معنویت و وحدت» بود تا ما با معنویت در این پایگاه عظیم بتوانیم به وحدت اسلامی نایل گردیم. ان‌شاءالله

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

سخنرانی آیةالله هاشمی رفسنجانی
ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام

بسم الله والسلام علی رسول الله و آله الطیبیّن.

شماره ۳

از نعمت‌های الهی این بود که توفیق شرکت در مراسم بزرگداشت و گرامی‌داشت مساجد نصیبم شد تا بهره بگیرم؛ باید از این مرکز که این سنت مطلوب را نهادند و امروز

تکاملی یافته است، سپاسگزاری کنم. از این‌رو امید داریم به اهداف مقدسی که به این منظور ترسیم شده است برسیم.

از جمله اهداف این قبیل اجلاس‌ها تعامل با بزرگان اسلام در سراسر جهان است که امری مهم به شمار می‌رود. ضمناً میلاد حضرت علی‌علیه‌السلام را تبریک می‌گویم و شهادت حضرت زینب را تسلیت عرض می‌کنم. بجاست در ابتدای برنامه یادی کنیم از برادر ارجمند آیةالله مهدوی کنی که رسیدگی به امور مساجد را بنیان نهادند و همچنین برادر دیگرمان آیةالله انواری که زحمات فراوانی کشیدند و امروز هر دوی این عزیزان گرفتار بیماری هستند که امیدواریم خداوند به ایشان شفا عنایت فرماید. از جناب آقای ابراهیمی به‌لحاظ جدیتی که مبذول می‌دارند و نیز از همکارانشان که این راه را به شایستگی ادامه می‌دهند، قدردانی و تشکر می‌کنیم.

در باره‌ی مساجد هم خود شما اطلاعات کافی دارید و هم جامعه‌ی ما در زندگی نقش مساجد را احساس می‌کند، ولی حقیقت این است که هنوز با آن نقشی که در اسلام برای مساجد طراحی شده است، فاصله‌ی بسیار داریم. در همه‌ی ادیان الهی معابد، مرکزی برای اهداف مذهب خود بوده است. اسلام به طور جامع‌تری به این نقطه رسیده و حقیقتاً برای مساجد، موقعیت ممتاز مرکزی و محوری ترسیم کرده که نمی‌شود نقش مسجد را در عواملی محدود بگنجانیم، نقش مساجد جامعیت انکارناپذیر دارد.

مسجد محل زندگی امت اسلامی را در خود دارد و باید دارا باشد. همان طورکه با حضور پیامبر در مدینه شروع شد، تا آخر عمر ایشان، مسجد محور بود و همه می‌دانیم که البته برجستگی‌هایی در نقش مساجد دیده می‌شود که بنده روی یکی دو تا از آنها صحبت می‌کنم.

از جمله نکات مهمی که برای مسجد تعریف و عمل شده و در زمان پیغمبر مطرح بوده است، آن نقطه‌ی تلاقی مردم با مسؤولان و مدیران جامعه است؛ چون مبنای دین اسلام مردم بودند و در نظر مردم مسجد مؤلفه‌ای است بین خدا و خلق که از وحی آغاز می‌شود و با مبلّغان و مفسران وحی ادامه می‌یابد، از این‌رو نقطه‌ی جغرافیایی آن مسجد است. مساجد به‌حق

خانه‌ی خدا معرفی شده‌اند. خداوند هم همه جا هست و اختصاص به مکانی ندارد. این تشرفی که برای این نقاط پیش آمده به این سبب است که نقاط را نقاط تلاقی مردم و هدایت خداوند از طریق مفسران و مبلغان در نقاط معین، تعریف و تعیین کرده‌اند و به آنها شکل داده‌اند؛ چون تدبیر الهی همه جانبه و عمیق است و با فطرت هماهنگی دارد، خدای فطرت‌ها با محور قرار دادن خداجویی در فطرت، انسان را در جایی به نام خانه‌ی خدا و فرستاده شدگان خود با هم می‌بیند و می‌خواهد. از طرف دیگر زمین، زمین است و ساختمان‌ها، ساختمان است و فضا، فضاست. آن جهت و آن تقدسی که با اضافه شدن به خدا به آن داده‌اند، این ویژگی‌ها را در مساجد پدید آورده است؛ ﴿**و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله اَحَـدا**﴾ که آنجا توحید، اخلاص و نقطه‌ای که انسان به خدا می‌رسد و خدا به انسان عنایت ویژه می‌کند، اینجا مرکز و محوری شده است برای زندگی جامعه، اداره‌ی جامعه و هدایت هر جامعه.

باید پذیرفت که بعد از پیغمبر اکرمﷺ، این بخش عملاً ضعیف و در دوره‌های تاریخ جابه‌جا شده است. گاهی قوی و گاهی ضعیف شده، اما هیچ وقت به حد مورد نظر خود نرسیده است. با همه‌ی ضعفی که در این هدف پدید آمده، به جای خود، اما مساجد در طول تاریخ (و حتی در قرون تاریکی که با افراد فاسق و فاجر در دنیای اسلام، درگیر بوده) بخش هدایت مردم را بر عهده داشته است. محدودیت‌ها هم فراوان بوده اما بخشی از مردم همواره با مساجد مرتبط بوده‌اند. یعنی از مساجد همیشه شعله‌های نور الهی دیده شده‌است. تعبیر پیغمبرﷺ که مساجد را «**انـوار الله**» نامیده‌اند، واقعاً تعریفی گویاست. با این ویژگی ثبات و استحکام در کارکرد مساجد، تضمین شده؛ یعنی خداوند تضمین کرده است و این تضمین استمرارداشته و دارد.

پس دو نکته‌ای که می‌خواهم اشاره کنم، **یکی نقطه‌ی تلاقی مردم با برنامه‌های الهی در مساجد** است ودیگری وظیفه‌ی مهمی است که‌مسؤولان مساجد به‌خصوص ائمه‌ی‌جماعات در مساجد برای آموزش مردم بر عهده دارند؛ یعنی آموزش مردم به معنای عام.

در باره‌ی نقطه‌ی تلاقی مردم و بحث جمهوریت جمهوری اسلامی که در عصر ما به وقوع پیوسته و سابقه هم به این شکل نداشته و از افتخارات امام راحل ماست

هم‌چنین شاگردان ممتازی که در عصر سیاه پهلوی تربیت کردند، حال آنکه این بعد مساجد و مسئله‌ی سرنوشتی که به دست مردم برای جامعه در چارچوب اسلامی شکل می‌گرفت فراموش شده بود و امام این واقعیت را برگرداند. شما و اکثریت ملت در دوران مبارزه حاضر بودید و می‌دانید که محور دوران مبارزه مساجد و شاگردان امام و روحانیت در مساجد بود. ایشان پیام الهی و راه خدا را برگزیدند. یعنی همان نقشی که از ابتدا برای مسجد تعریف شده بود، نقشی که پیامبر اکرمﷺ می‌خواست انجام بدهد و این کاری بزرگ بود. رژیم به همه جا دست انداخته بود، حتی به مساجد هم می‌خواست دست بیندازد و البته انداخته بود اما طبیعت مسجد و عظمت آن به‌گونه‌ای بود که رژیم راکور وگیج کرده بود.

ماه‌های آخر دوران مبارزه، این انفجار بزرگ مجدداً از مساجد شروع شد. وقتی اعلام راه‌پیمایی می‌شد، از هر مسجدی، مردم مثل جویباری به راه می‌افتادند و سیلی تشکیل می‌دادند و در مرکزی، این سیل به هم می‌پیوست و سرانجام قدرت سیل مردمی، رژیم پهلوی را از بین برد و امریکا و مردم سایر همراهان رژیم را از ایران بیرون راندند شک نکنید! ماکه دستی بر آتش داشتیم و بسیاری از شماکه حضور داشتید، می‌دانید که جامعهٔ ما این‌گونه بود و این خاصیت تلاقی ماست و الله با واسطه مفسران قرآن و پیام الهی در نقطهٔ مقدس مساجد. این مسئله واقع شد و این کانون‌ها آن چنان نقش خود را در تاریخ نشان دادند که کسی نمی‌تواند منکر بشود. سایر انقلاب‌هایی که در دنیای اسلام به وقوع پیوسته همین‌گونه بوده است. از جمله در در الجزایر که جزو سخت‌ترین آنها بود. چون واقعاً با یک ارتش بزرگ اجنبی هم چون فرانسه در ستیز بودند. بیش از یک میلیون شهید دادند. حال آنکه در انقلاب و دوران دفاع و تا به امروز، دویست و چند هزار شهید داده‌ایم، الجزایری‌ها فقط در دوران انقلابشان، یک میلیون شهید دادند. نمایندهٔ الجزایر بعد از پیروزیشان آمد ایران؛ ما آن موقع جوان بودیم. او در مسجد آیةالله طالقانی سخنرانی کرد. می‌گفت: فرانسوی‌ها همه چیز ما راگرفته بودند جز مساجد، فقط مسجد داشتیم و این مانده بود برای ما و از همانجا حرکت کردیم و پیروز شدیم. این تصریح او بود.

در تاریخ ما هم شما می‌بینید که مسجدالاقصی، یعنی قبلهٔ اسلام به مرکز الهام بخش در همهٔ خاک فلسطین تبدیل شده است. جاهای مقدس فراوان است؛ هرگوشه‌ای از خاک فلسطین را انسان نگاه کند، اثر یک پیامبری می‌بیند، ولی مسجدالاقصی درخشندگی بیشتری دارد، هم قبلهٔ اول ما مسلمان‌ها بوده و هم قبلهٔ یهودیان مقدس به شمار می‌رود و هم برای مسیحیان مقدس است. همه برای خود آنجا هدف مقدسی دارند.

شماره ۴

نبض سیاست جهانی و به خصوص منطقه‌ای در دنیا در مسجدالاقصی می‌زند، این مکان بسیار حساس شده و برنامه‌های شما و هفتهٔ جهانی مساجد، ناشی از برکات مسجدالاقصی است. وقتی به مسجدالاقصی اهانت کردند، دیدیم که در سراسر دنیا خشمی پدید آمد و امروز هم وقتی اشاره‌ای و اهانتی به مسجدالاقصی می‌شود، خون مردم را به جوش می‌آورد به راستی این حساسیت از چه ناشی می‌شود؟

نقاطی است که خداوند انتخاب کرده، نقاطی در روی زمین، برای تلاقی انسان‌ها

و خداوند، و مفسران آن را مسجد نام نهاده‌اند. قداست مسجد، در بعضی از مساجد، جلوهٔ بیشتری دارد که شاید آن هم خواست خداوند باشد که خواسته کعبه و مسجدالاقصی قبله باشند.

می‌خواهم این نتیجه را از این بخش از عرایضم بگیرم که آقایان ائمه‌ی جماعات، مسئلهٔ اساسی خود را این قرار دهند که با مردم و تودهٔ مردم سر و کار داشته باشند و هر برنامه‌ای لازم است، انجام دهند که مردم سر و کارشان با مسجد بیشتر بشود. البته مسجد ویژگی خاص دارد که جاهای دیگر ندارد. انسان وقتی به مسجد می‌آید از زمانی که راه مسجد را انتخاب می‌کند، خدا را می‌بیند و حالتی معنوی پیدا می‌کند و سعی می‌کند با وضو وارد شود، سعی می‌کند پاک وارد شود، احکام مساجد هم نشان می‌دهد. این احکام آن چنان تقدسی دارد که در این نقطه، از خدا و وجود خدا آثار بیشتری دیده می‌شود و انسان‌ساز است. لذا مراجعات مردم به مسجد با سایر نقاط جغرافیایی دیگر یکسان نیست. در اینجا جایی است که انسان‌ها وقتی می‌آیند و تا وقتی که بیرون می‌روند، تفاوت می‌کنند اگر درست وارد شوند. یعنی اگر ما درست عمل کنیم، انسان سازی را به عنوان بهترین دست آورد حضورمان در مساجد می‌توانیم درک کنیم.

عرض کردم ما جمهوریت و حاکمیت مردم را از مساجد داریم، تداوم این هم، مرهون اعتبار مساجد است؛ اگر روزی اعتبار مساجد و روحانیت را از ما بگیرند، هم‌چنین اعتبار مفسران گرامی الهی را از ما بگیرند، دوباره همان تفرقه و بی‌هویتی در دنیای اسلام پدید خواهد آمد.

مسجد باید چنین خاصیتی دارا شود که محل تجمع و اتحاد واقعی (و نه جسمی) و همدلی مردم باشد، یعنی محور پیام و ارادهٔ خداوند. البته این امر جای بحث دارد و در یک سخنرانی افتتاحیه که بسیاری از سخنرانان عالم و متخصص می‌خواهند صحبت کنند نمی‌گنجد، من هم اشاره‌ای می‌کنم و می‌گذرم فقط می‌خواهم تأکید کنم که ائمهٔ جماعات نقش مهم تلاقی مردم و خدا را بسیار بسیار جدی بگیرند.

وقتی امام برنامه‌های جهاد را شروع کرد بسیاری به این امر عقیده نداشتند، بعضی‌ها فکر می‌کردند که هر پرچمی که قبل از ظهور حضرت حجت در برابر حکومت برافراشته شود، آن پرچم را محکوم و منحرف تلقی می‌کردند. امام این مسئله و این مطالب و طلسم را شکستند. البته حضرت امام به تنهایی نمی‌توانستند. بلکه خود با شاگردان شایسته‌ای که تربیت کرده بودند، راه را باز کردند. ایشان در صحبت‌هایشان همیشه به ما می‌گفتند: شما هر جا می‌روید، از مسجد شروع کنید، با مسجد سر و کار داشته باشید. در کشور هم زیاد نبودند ائمه جماعاتی که حاضر باشند. گو اینکه معمولاً هواهای نفسانی، شیطان‌ها و خودخواهی‌ها نمی‌گذارند که این جاده‌ی مستقیم دائماً پیموده بشود.

نکتهٔ دومی که می‌خواهم در بارهٔ آن تأکید کنم، آموزش است؛ البته شما بهتر می‌دانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وقتی به مدینه وارد شدند کارشان آموزش بود. متن آموزشی ایشان هم قرآن بود که به تدریج نازل می‌شد و هر آیه‌ای از قرآن که نازل می‌شد، سوژهٔ حرفی جدید بود. در اولین جلسهٔ درس، خود پیغمبر توضیح می‌دادند. شاید این موضوع آن موقع روشن و مفهوم آیات آسان‌تر بوده است. چون منطبق با واقعیت امر و در همان جا اتفاق افتاده بود، اما پیامبر معمولاً به تفسیر و تبین تذکر می‌دادند و می‌گفتند: این آیه مخصوص این مورد نیست. بل نظرش به بسیاری موارد دیگر هم بوده است. به هر حال شاید مهم‌ترین کاری که پیامبر در این دوره کردند، همین تعلیم و تربیت در مسجد بود.

گویا در مدینه تا آخر زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسجد ساخته شده بود؛ قطعاً در مسجدها، افرادی بودند که قرآن تفسیر می‌کردند، تفسیر قرآن هم مثل کلاس مدرسه و در سنی معمولی نبود. بل می‌نشستند در آنجا در بارهٔ فنون جدید، وظیفهٔ جدید و عرفان جدیدی که از طرف خداوند رسیده بود، بحث می‌کردند و به نتیجه می‌رسیدند و افرادی ساخته می‌شدند و می‌رفتند.

تفسیر قرآن مهم‌ترین کاری بود که بحث می‌کردند و به نتیجه می‌رسیدند، اما مهم قضیه این است که قرآن، یک مسئلهٔ سادهٔ فلسفی یا عقاید خاص یا مناسک خاص یا مسائل عبادی نبود. بل بخشی از این‌ها بود، ولی در قرآن همهٔ مسائل زندگی مندرج بود. حتی به علوم دقیق

هم اشاره می‌شد، اما قرآن کتابی تخصصی برای یک علم مخصوص نبود. مثل علم ریاضی، علم طبیعی و غیره، ولی این‌ها هم در درونش مستتر بود. حتی در موقعی که در مکه بودند؛ مسلمان‌ها اجتماع درستی نداشتند، اما همان آیات مختصر و کوتاهی که نازل می‌شد، آن قدر محتوا داشت که برای مسلمان‌ها، بسیار بسیار آموزنده بود و بعداً هم در دوران مدینه این مسائل بیشتر باز شد.

خوب این همایش امروز به جای آن نُه مسجد در مدینه و به جای آن مسجد اصلی که مسجدالنبی بود، در سراسر دنیا پخش شده و دبیران ما ممکن است در ده‌ها هزار مسجد این آموزش‌ها را عرضه کنند، اما به نظر می‌رسد الان ما جامعیت آموزش نداریم هر جمعیتی با سلیقهٔ خویش و با معلومات خود و با عقاید خویشتن مردمی را تربیت می‌کند. این مطلوب است یعنی یک بعد درستش این است که سرانجام با واقعیت‌های این جامعه و نیازها و امکاناتی که در اختیار یک امام جماعت است، انجام می‌شود، مهم است، یعنی بسیار هم مهم هست. همه روزه در ۶۰ ، ۷۰ هزار مسجد این امر صورت می‌گیرد؛ عده‌ای از مردم با یک امام جماعت نماز می‌گزارند؛ جمع این‌ها راکه نگاه کنید، شماری چشم‌گیر می‌شود و بعد این‌ها را ضرب در ایام و روزهای سال کنید که شماری عظیم به دست می‌آید، اما چه خوب بود و چه شایسته است که این کار را به صورت برنامه‌های جامع و حساب شده و منطبق با شرایط تنظیم کنیم تا بتوان این دوره‌ها راگذراند. هر روز هم گروهی تازه به دانش‌آموزان این مراکز اضافه می‌شود و مراتب بالاتر را می‌پیماید.

شما تاریخ دانش و علم را مطالعه کنید، همه جا همین‌گونه است. در دنیای اسلام و ایران و دوره‌های گذشتهٔ حوزه‌های علمیه دینی و بخش‌های فلسفه را بنگرید، بسیاری از علوم جزو بحث‌های ما بوده است. مسائل علمی دنیا در این حد است. بخش طبیعی‌اش همهٔ علوم طبیعی را دربرمی‌گیرد، فلکیاتش همهٔ علوم فضایی را در برمی‌گرفته است، گرچه آنها امروز کهنه شده و متأسفانه در مدرسه‌های دینی ما همان‌ها را می‌خوانند. آنها علمی است که امروزه جزو تاریخ علم شده است. اما علم آنان چیز دیگری است.

من می‌دانم همه مساجد نمی‌توانند در ابتدای امر شریک باشند ولی به تدریج می‌توانند شرکت کنند. در چند مسجد مهم این کار را شروع کنید. با استفاده از امکانات خودتان، امکاناتی در اختیار می‌گذارید و با انسان‌هایی که به دانش آنان واقف‌اید. دانشمندان فراوانی که امروز علاقه‌مندند و عاشقند که از طریق مساجد مطالبشان را عرضه کنند، این بحث‌ها در مساجد به صورت منظم انجام بشود. کلاس‌هایی که شما ترتیب می‌دهید ممکن است از گروه پایین جامعه، یعنی آدم‌های کم سواد تا انسان‌های والا در طبقات مختلف باشد. دانشمندان بزرگ می‌توانند در جوی که شما برقرار می‌کنید، تخصص‌های عالی را عرضه کنند. مگر کلاس‌های دانشگاه چه صورتی دارد، آنجا هم استادی دو سه شاگرد در مراحل بالا می‌گیرد و آنها بعد دانشنامه می‌گیرند و فارغ‌التحصیل می‌شوند. آیا در مساجد نمی‌شود چنین کاری کرد؟

ما همه رشته‌ها را به تدریج اما با محتوایی دینی با چاشنی اسلامی که در همهٔ این‌ها باید تمرین کرد، یعنی خود، مرکز آموزش باشیم برای کسانی که می‌خواهند علوم روز را فرا بگیرند. مسائل سیاسی دنیا دیگر نمی‌شود از مساجد بیرون باشد، در مساجد حتماً باید کلاس‌های سیاسی سطح بالایی باشد و انسان‌های آگاهی مراجعان را با آنچه هست و باید باشد آگاه کند. این کار را عملی می‌دانم که در مساجد ما با ظرفیتی که داریم و با تقدسی که هست و با عشق و علاقه‌ای که هست انجام بشود. بسیاری می‌خواهند از مسجد چیز یاد بگیرند این زمینه را آماده کنیم. احساس می‌کنم که اگر شما نمونه‌هایی را شروع کنید، افراد خیّر فراوانی در دنیا هستند که امکانات برای شما بگذارند. همان‌هایی که امروزه مسجدی می‌سازند. فراوانند مردمی که همهٔ ثروت‌شان را وقف می‌کنند تا مسجدی بسازند، چرا این‌ها حاضر نمی‌شوند؟ قطعاً حاضر می‌شوند.

مردم دارند مدرسه می‌سازند، دانشگاه می‌سازند، اگر تقدس مسجد را در نظر بگیریم، با تخصیص علم و دانش و تربیت، شکل منظمی به خود می‌گیرد. در مواقعی که حکومت اسلامی هم در ایران نبود، ما این کار را می‌توانستیم بکنیم اما امروزه بیشتر می‌توانیم، مسائل حکومتی هم باید در مساجد شکل بگیرد و زعمای مساجد باید صاحب‌نظر داشته باشند و نظرات‌شان را مطرح سازند.

از میان ده‌ها نوع خدمتی که مسجد به جامعهٔ اسلامی و دنیا ممکن است عرضه بکند فقط به این دو نکته تأکید کردم؛ یکی بُعد جمهوریت مردمی و تلاقی مردم و آیات الهی در مسجد و دیگر بُعد پرورشی و آموزشی که باید مساجد داشته باشند. هر دو این‌ها را هم شما دارید. من در ایران مسجدی را نمی‌شناسم که از این دو بُعد خالی باشد، اما اگر این‌ها شکل داده شود و شکل منظمی پیدا کند و برنامهٔ تنظیم و زمان‌بندی شده‌ای داشته باشد، بیشتر خود را نشان می‌دهد و جاذبهٔ بیشتری خواهد داشت که شاید مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران بتواند پیشتاز این راه مهم باشد و این سنت حسنه را به یادگار در تاریخ ایران بگذارد.

والسلام.

شماره ۵

اعطای جایزه از سوی ریاست محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام به ائمه جماعات نمونه

سخنرانی دکتر شیخ عکرمه صبری
مفتی فلسطین

بسم الله الرحمن الرحیم

﴿انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الآخر و اقـام الصـلوة و آتی الزّکوة و لم یخشی الا الله...﴾.

شماره ۶

مساجد خانه‌های خدا و سفارتخانه‌های الهی بر روی زمین و مناره‌های علم و تکیه‌گاه و جایگاه عالمان و عالی‌ترین و شریف‌ترین اماکن برای نفوس پاک و متعبد و مطمئن به‌شمار می‌رود. برای مساجد همین فخر و شرافت کافی است که خداوند آنها را به خود منسوب فرموده و در قرآن «**مساجد الله**» نامیده و در حدیث قدسی فرموده است:

«**اِنَّ بُیُوتی فِی الأرَضِ الْمَساجِدَ وَ زُوّاری فیها عُمّارُها فَطُوبی لِعَبْدٍ تَطَّهر فی بَیْتِهِ ثُمَّ زارَنی .... علی المزور انه یکرم زائره**».

خانه‌های من در زمین مساجد و زائران من در آنها آبادکنندگان مساجدند، پس خوشا به حال بنده‌ای که خود را در خانه‌اش پاک کند و به زیارت من بیاید و البته بر زیارت شده است که زائر خود را اکرام کند.[۱]

علاوه بر این، رسول اکرم ﷺ عنایتی ویژه به مساجد داشت و بنیان مسجد قبا را در یکی از مناطق اطراف مدینه منوره با دست مبارک خویش بنا نهاد؛ پس گویا مسجد قبا نخستین مسجدی بود که در تاریخ اسلام بنا نهاده شده است.

بدینسان امامان جماعت و خطیبان در مساجد، نقش سفیران الهی در زمین را ایفا می‌کنند، چنان‌که ابن قیم جوزی در کتابش ذیل عنوان «**عُمران حقیق و عمران مجازی مسجد**» می‌گوید: عمران مسجد در اسلام شامل این موارد می‌گردد:

۱. معنای حقیقی عُمران که با تأسیس ساختمان و یا تجدید بنا و ترمیم و حفظ و توسعه و نظافت و مرتب کردن آن صورت می‌گیرد.

۲. معنای مجازی عمران و آن با اقامه نمازها و بلندکردن صدای اذان و اقامه و تلاوت قرآن و حفظ و حضور در دروس تجوید و حلقه‌های علمی و ذکر و تسبیح صورت می‌گیرد.

پس در عُمران حقیقی و مجازی مساجد ثواب بزرگ الهی است علاوه بر آن‌که تعمیر مساجد از صدقات جاریه محسوب می‌گردد که هیچ گاه ثواب آن در دنیا و آخرت قطع نمی‌گردد.

---

۱. اخرج الطبرانی عن الصحابی الجلیل عبدالله بن مسعود (ره).

«عثمان بن عفان» نیز می‌گوید:

«**سمعت رسول الله یقول: من بنی مسجدا یبتغی به وجه الله بنی الله له مثله فی الجنة**».[۱]

عثمان در عهد خلافت خود به این حدیث شریف استدلال نموده و اصلاحات و ترمیمات لازم را در مسجد نبوی که در شرف تخریب و ویرانی بود، انجام داد و نیز به آن وسعت بخشید، تا عدهٔ بیشتری از جمعیت نمازگزار را در برگیرد و اصحاب نیز، برداشت عثمان از این حدیث شریف را تأیید کردند و بر توسعه و ترمیم مسجد صحه گذاشتند. اکنون به تحلیل محتوای این روایات توجه کنید:

مشارکت در ساختمان مسجد: حدیث شریف نبوی که عثمان از پیامبرﷺ نقل کرد به الفاظ عمومی وارد شده و شامل هر شخصی می‌گردد که مسجدی بزرگ یا کوچک و فردی یا جمعی یا دولتی، یا بین‌المللی، یا تأسیس و تجدید و ترمیم کند، یا مسجدی را توسعه بخشد.

مضمون این روایت نبوی را روایتی دیگر تأکید می‌کند، که فرمود:

«**من بنی مسجداً کمفحص قطاة او اصغر بنی الله له بیتاً فی الجنة**».[۲]

«کسی که یک مسجد به اندازه لانهٔ مرغ یا کوچکتر درست کند، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت بنا می‌کند».

و قطاة یک نوع کبوتر بیابانی است که در بیابان‌ها زندگی می‌کند و مفحص به معنای گودالی است که کبوتر مذکور در زمین برای خود حفر می‌کند تا در آن تخم بگذارد و به منزله یک لانه زمینی برای او محسوب می‌گردد و پیداست که مسجدی به این مقدار هیچ کس نساخته و قابلیت ساخت هم ندارد، ولی ممکن است که یک تن به این اندازه مشارکت در ساخت مسجد داشته باشد و این زمانی است که دست به دست هزاران تن دیگر بدهد و به اتفاق مسجدی بسازند تا سهم او به اندازه‌ی یک لانهٔ کبوتری گردد. پس این روایت نبویﷺ یکی از دلایل وارد شده از سوی مقام نبوّت محسوب گردیده و نشان می‌دهد که **ان هو الا**

---

۱. اخرجه البخاری و مسلم.

۲. اخرجه ابن ماجه و ابن هزیمة عن الصحابی الجلیل عبدالله بن جابر.

وحی یوحی و روح تعاون و تشویق مردمان بر شرکت در ساخت مساجد را هر چند با مالی اندک و کوشش هر چند ناچیز، به نتیجه می‌رساند.

ما در حال حاضر می‌بینیم که به حمد و توفیق الهی در سرزمین مبارک فلسطین و سایر مناطق جهان صدها هزار مسجد با مشارکت هر چند اندک افراد ولی با کوشش‌هایی عظیم و در زمانی بسیار اندک ساخته شده است.

این که برخی می‌گویند: مساجد باید تنها به همت دولت‌ها ساخته شوند سخنی پوچ و بی‌اساس است؛ چراکه این سخن نه فقط هیچ مدرک شرعی ندارد که روایات در این زمینه تأکید می‌کنند که باید تلاش‌های فردی و اجتماعی و مشارکت عمومی در ساختن مساجد صورت بگیرد.

ضرورت اخلاص در ساختن مساجد: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اخلاص را شرط ساختن مساجد دانسته و فرموده که باید این عمل، به طور خالص برای رضای خدا باشد و مسلمان در ساخت مسجد هدفی جز آن نداشته و به هیچ وجه ریا و سمعه و فخر فروشی و منت‌گذاری در آن راه پیدا نکند. حضرت در این زمینه می‌فرماید: «**یبتغی به وجه الله**». یعنی منظور او فقط کسب رضای الهی باشد.

ابن‌جوزی در شرح این روایت می‌گوید: مثلاً اسم خود را بر سر در مسجدی که ساخته، ننویسد که از رضای الهی دور می‌شود.

همانندی خانه‌های بهشتی سازندگان مسجد به مسجد: در شرح مدلول تشابه خانهٔ بهشتی سازنده مسجد با مسجدی که در دنیا ساخته است، علمای حدیث، تفسیرها و تحلیل‌ها و اجتهادات گوناگونی ذکر نموده‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. کسی که مسجدی را می‌سازد به اندازه‌ی بذل و بخششی که کرده، آن را در بهشت می‌یابد.

۲. به مقدار و مساحت مسجدی که ساخته، در بهشت مسکن می‌یابد. البته تشابه ظاهری مراد نیست بل خانه‌ای بسیار بزرگتر و عالی‌تر مراد است.

۳. این یک پاداش به مِثل است، یعنی خداوند به ازای آن مسجد به او خانه‌ای در بهشت می‌دهد و به تناسب فضل الهی در کمیت و کیفیت آن افزوده می‌شود.

۴. تشابه فقط در لفظ بیت است، ولی در حقیقت هیچ چشمی آن را ندیده و گوشی نشنیده و بر هیچ قلبی خطور نکرده است. این نظر منسوب به امام نووی است و این رأی را بنده نیز می‌پسندم و به آن فتوا می‌دهم و تعارضی بین اقوال گذشته نمی‌بینم؛ بل برخی از آنها مؤید برخی دیگرند.

شماره ۷

ستمِ منع از نماز در مساجد: یکی از بالاترین ظلم‌ها، ممانعت از اقامهٔ نماز در مساجد و یا تخریب و یا تغییر اهداف مسجد به اهدافی دیگر است و قرآن کریم همه این موارد را تحریم کرده و فرموده است:

﴿و من اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه و سعی فی خرابها اولئك ما کان لهم ان یدخلوها الا خائفین لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخرة عذاب عظیم﴾.[1]

۱. بقره: ۱۱۴.

این آیهٔ کریمه دو چیز را حرام کرده است:

۱ . منع اقامهٔ نمازها در مساجد و محروم کردن مسلمانان از رفتن به مساجد و نماز خواندن در آن.

۲ . تخریب مساجد و اشغال نظامی و یا اشتغالات دنیوی که منافات با آداب و اخلاق و ارزش‌های انسانی و تمدنی و یا ایجاد حفریات در زیر پایه‌ها و یا سوزاندان محتویات آن و دیگر شکل‌های ظلم و ستم و تخریب.

بنابراین هر کس که در یکی از این اشکال تخریب و ستم مشارکت کند، بالاترین ظلم و ستم را مرتکب شده است و خداوند در وصف او فرموده است که ترس و رسوایی در دنیا و عذاب شدید در آخرت نصیب او خواهد بود و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

﴿ما کان للمشرکین ان یعمروا مساجد الله شاهدین علی انفسهم بالکفر، اولئك حبطت اعمالهم و فی النار هم خالدون﴾.[1]

«مشرکان در حالی که شاهد کفر خویش‌اند نباید مسجدها را تعمیر کنند، چرا که اعمال آنها نابود است و آنان در آتش جاودانه‌اند».

یادی از قدس

جنایت سهمگین و هتک حرمت مسجد الاقصی، در بامداد روز پنج‌شنبه ۲۱ آگوست ۱۹۶۹ میلادی صورت گرفت و دست جنایت و کینه و خیانت و وحشت شخصی به نام «مایکل دنیس روهان» که تابعیت استرالیایی داشت، از آستین به در آمد و آتش کینهٔ او منبر صلاح الدین ایوبی را سوزانید و آتش به سقف مسجد و قبهٔ داخلی و پنجره‌ها رسید و بسیاری از قرآن‌ها و قالی‌ها و فرش‌ها در آتش سوخت.

در هر سال عده‌ای از مسلمانان این خاطره را که نسل‌های آینده ننگ آن را فراموش نمی‌کنند، زنده نگه می‌دارند چرا که این جنایت در حق قبلهٔ نخست مسلمانان و دومین مسجد و سومین حرم شریف الهی صورت گرفته است، و این جنایت وحشیانه یکی از حلقه‌های

---

۱ . توبه: ۱۷ .

زنجیر توطئه‌های پی در پی در خصوص شهر قدس و تمامی مقدسات امروز ماست.

ان شاءالله مسلمانان این توطئه‌ها را خنثی خواهند کرد. آری قدس محل فرود پیامبرﷺ در معراج به آسمان‌های بالا و نخستین قبله و دومین مسجد بزرگ و سومین حرم شریف الهی است و خداوند هادی و راهنماست.

ما به همه علمای بزرگوار اطمینان می‌دهیم که هم‌چنان در بیت‌المقدس حضور داریم و حضور خواهیم داشت و توطئه‌های صهیونیست‌ها و یهودیان افراطی را برای ضربه زدن و اهانت به مسجدالاقصی خنثی خواهیم کرد و نخواهیم گذاشت این رژیم پلید، در مقاصد خود در اهانت و حمله به مسجدالاقصی موفق شود. دفاع ما از مسجدالاقصی در واقع دفاع از ایمان است؛ چون مسجدالاقصی سمبل ایمان ما و ایمان مسلمانان و سمبل جایگاه مقدسی است برای همهٔ پیروان ادیان و ما همچنان پا برجا هستیم و از ایمان خویش و همهٔ مسلمان‌ها دفاع خواهیم کرد.

در پایان از تمامی مسؤولان، اعم از مقام معظم رهبری، رئیس جمهور محترم، نهادهای گوناگون و همهٔ افراد تشکر می‌کنیم که این‌گونه در دفاع از مسجدالاقصی ایستاده‌اند. همچنان از آیةالله تسخیری و آیةالله ابراهیمی که مرا دعوت کردند، صمیمانه تشکر می‌کنم و از همهٔ دست اندرکاران این سمینار و شما سپاسگزارم و امیدوارم که همگی موفق و مؤید باشند.

سخنرانی آیةالله تسخیری
دبیرکل محترم مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی:

﴿و من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب﴾.

بنده در این محفل با شکوه به ذکر چند نکته بسنده می‌کنم:

نکتهٔ اول: مراوده با مسجد در قالب شخصیت جامعهٔ اسلامی است. از متون اسلامی به دست می‌آید که مساجد شخصیت جامعهٔ اسلامی است، شعار جامعه اسلامی است. شخصیت یک جامعهٔ اسلامی با شکوه، در واقع مسجدی است که در آن جامعه قرار دارد و هرچه آن مسجد، قوی، فعال باشد و نقش خود را به شایستگی انجام دهد، نشان دهنده فعالیت و شکوه آن جامعهٔ اسلامی است. واقعیتی که شما امروز به طور کامل شاهد آن هستید.

قرآن مجید هم وقتی شخصیت یک جامعه مسلمان را بیان کند، به بسیج آن اشاره می‌نماید. در آیه ۴۰ سوره حج خداوند متعال می‌فرماید:

﴿و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع﴾.

«اگر تدافع بشری نباشد بیوت عبادت که خانه‌های ارتباط با خداوند است، تباه می‌شد».

آری نشانهٔ هر جامعه اسلامی همین مسجد است؛ این مسئله‌ای است که امروز نیز به‌طور

کامل ما شاهد آن هستیم. هفتاد سال شوروی سعی کرد تا شخصیت مسلمانان را محو کند، جایی که شخصیت مسلمانان را نگه داشت، مسجد جامع مسلمانان بود. ما پارسال در یک اجلاس بزرگ در مسکو شرکت کردیم و دیدیم که چه‌اندازه مسلمانان روسیه به مسجد جامع خود ـ که بنا داشتند آن را تجدید بنا کنند ـ اهتمام شایسته نشان می‌دادند و رؤسای جمهوری‌های محلی و جمهوری‌های کوچک داخلی اغلب می‌آمدند و به صورت کامل به مسجد اصلی جامع مسکو احترام می‌گذاشتند، آن روز، روز عید ایشان و روز تجدید بنای مسجد جامع مسکو بود.

شماره ۸

هرجا هم که می‌بینید یک جامعهٔ مسلمان فعال است، مسجد جامعش مرکز اصلی آن فعالیت است، پس در حقیقت ما که دعوت می‌کنیم به اعمار مساجد اسلامی در کل جهان، اعلام می‌کنیم که شخصیت امت اسلامی، شخصیتی فعال و متحرک است و به طور صحیح حضور خود را در مسیر تمدن بشری اعلام می‌کنند.

نکتهٔ دوم: مرحوم شهید سید محمد باقر صدر مطلب زیبایی در بارهٔ مسجد با زندگی دارد؛ ایشان در کتاب «الخطاب الواضحه» می‌نویسد که عده‌ای کل زندگی خود را در مسجد خلاصه می‌کنند و آنان راهبان هستند و رهبانیت از اسلام زدوده شده است. عده‌ای بین مسجد و زندگی، جدایی قائلند، بزرگانشان هم می‌گویند: دین حرکتی شخصی است و باید به مسجد سپرده شود و زندگی مسیر خود را به صورت مستقل طی کند!

اما نه آن درست است نه این، نظر اسلام این است که باید بین مسجد و زندگی، پیوند محکم برقرار شود تا روح مسجد در کل زندگی منعکس شود. درست است که مسجد محل عبادت و محل آموزش و محل ویژه‌ای است، ولی هر انسان مسلمان باید در کل زندگی خود روح مسجد را احساس کند. اگر در کارهایش بنگرد و احساس کند که مشغول اقامهٔ نماز است، اگر در اداره کار می‌کند باید احساس کند در مسجد و مشغول نماز است. یعنی روح مسجد را در کل زندگی جاری سازد. به تعبیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطاب به اباذر:

«**یا اباذر ان استطعت اَلا تشرب و لاتأکل الا لله**».

«اگر می‌توانی کل زندگی‌ات برای الله باشد».

متفکر بزرگی که از جمله شخصیت‌های سترگ مارکسیس‌ها بود و مسلمان شد و شاید شما بشناسید آقای حاجی دارودی است، او در اولین دیدار از جمهوری اسلامی با یکی از مسئولان طراز اول کشور ملاقات داشت و من در آن جلسه بودم، آن مسؤول از او سؤال کرد که: جمهوری اسلامی را در اولین دیدار چگونه دیدید؟ تعبیر این متفکر این بود که «به‌نظرم بزرگترین هنر جمهوری اسلامی این است که دین و دنیا را با هم جمع کرده است چون انسان اگر در حال نماز باشد، احساس می‌کند که دارد زندگی می‌کند و اگر در حال زندگی عادی باشد، احساس می‌کند که عبادت می‌کند و نماز می‌خواند». آن مسؤول گفت: دقیقاً مطلب را درک کرده‌اید؛ من همین جا که دارم با شما صحبت می‌کنم نیت قربةً الی الله دارم و احساس می‌کنم که دارم نماز می‌خوانم.

نکتهٔ سوم: در مورد مناسبتی است که هفتهٔ جهانی مسجد براساس آن بر پا شده است، برادران و خواهران! شما می‌دانید که سازمان کنفراس اسلامی به سبب آتش‌سوزی

بیت‌المقدس تأسیس شد. یعنی خشمی عمومی در کل جهان اسلام پدید آمد و این خشم عمومی تبدیل به چند سازمان شد، یکی از آنها تشکیل سازمان کنفراس اسلامی بود.

شماره ۹

سازمان کنفرانس اسلامی در گام اول نتوانست کل اهداف خود را محقق کند به‌ویژه در زمینه‌های سیاسی، مگر در بعضی از موارد جزئی، در زمینه‌های اقتصادی هم زمینهٔ را لازم برای بازار مشترک اسلامی نتوانست محقق کند، مگر در بعضی موارد، از جمله تأسیس بانک توسعه اسلامی که این بانک امروز فعال است و دقیقاً متعهد به احکام اسلام است. اتفاقاً یک کمیتهٔ بین‌المللی متشکل از چند کشور، مالزی، مصر، سوریه، عربستان سعودی و ایران، که بنده هم نمایندهٔ جمهوری اسلامی هستم، تشکیل شد؛ در این کمیته ما همهٔ فعالیت این بانک را کنترل می‌کنیم و جداً به احکام دین متعهد هستیم، حتی اگر موجب خسارت‌های مالی فراوانی باشد و اعلام می‌کنیم که باید براساس اسلام فعالیت کنیم و خدمت‌های چشم‌گیری به جهان اسلام و جمهوری اسلامی هم کرده است، البته در حل مسائل اقتصادی، مگر در چند مورد، موفق نبوده است. اما در زمینه‌های فرهنگی به نظرم این کنفراس اسلامی

موفق بوده است؛ یکی از موفقیت‌ها، تشکیل سازمان بزرگ فرهنگی علمی و آموزش «ایستو» بود. این سازمان در امور هماهنگی دانشگاه‌های اسلامی و گسترش زبان عربی و تعلیمات قرآنی و تقویت مذاهب اسلامی فعال بود و یکی از نتایجش هم تشکیل مجمع جهانی فقه اسلامی بوده که بیست سال است این مجمع در جده تشکیل جلسه می‌دهد. همهٔ کشورهای جهان اسلام حضور و نماینده دارند، از جمله جناب آقای شیخ عکرمه به نمایندگی از فلسطین حضور دارند. از دیگر کشورهای جهان اسلام هم حضور دارند. از همه مذاهب هستند و همه مسائل مستحدثه را بررسی می‌کنند و به نتیجهٔ جامع و اجتهاد مجموعی می‌رسند. آنجا هم خداوند به ما لطف کرده و من نماینده شیعیان جهان هستم. حدود بیست سال است که آنجا هستم و تنی چند از علمای بزرگ هم خدمتشان هستیم و آنجا شرکت می‌کنند. این یکی از نتایج این سازمان بود. از نتایج بزرگ این سازمان مواضع صحیح آن است؛ یکی از مواضع شایستهٔ این سازمان، تأیید حکم امام خمینی در بارهٔ سلمان رشدی بود که بزرگترین پشتیبان ایران بودند و در کنفراس وزرای خارجی کشورهای اسلامی، کل کشورهای اسلامی اعلام کردند که ما حکم امام خمینی در بارهٔ با سلمان رشدی را تأیید و با او به صورت یک مرتد برخورد می‌کنیم. این پشتیبانی عظیم ۵۷ کشور اسلامی بود که اروپا مجبور شد سفرای خود را که فرا خوانده بود، به تهران برگردانند و امام فرمودند که: ببینید چطور آنها با ذلّت، سفرای خود را به ایران برگرداندند. این یک موضع‌گیری درستی است که ما فراموش نمی‌کنیم.

یکی از تصمیم‌های خوش، همین اعلام روز ۲۱ آبان ۱۳۶۹ به عنوان روز جهانی مسجد است که بسیار کار پسندیده‌ای است. فقط به این نکته اشاره کنم که این روز، روز عظیمی است. شاید ما بعدها به عظمت آن برسیم، ولی بدانیم استکبار جهانی از سال ۱۶۰۰ میلادی گام به گام می‌خواست اسلام را تحت استعمار مستقیم خود قرار بدهد. هلند از سال ۱۶۴۸ میلادی، اندونزی به این عظمت و بزرگترین کشور اسلامی را تحت استعمار خود درآورد و تا سال ۱۹۴۷ میلادی، یعنی ۳ الی ۴ قرن، اندونزی را تحت استعمار خود قرار داد و وقتی اندونزی هم استقلال یافت، آن را به رسمیت نشناخت. شصت سال گذشت تا همین دو روز قبل اعلام کردند ما استقلال اندونزی را به رسمیت می‌شناسیم!

ببینید غربی‌ها چه اشخاصی هستند! هند و پاکستان را استعمار کردند و تا نیمهٔ قرن بیستم همهٔ جهان اسلام را استعمار کرده بودند. فقط مانده بود ایران و ترکیه و یکی دو جای دیگر که در آنها هم حکومت‌های مزدور که بدتر از خود استعمار بودند، حکومت می‌کردند.

یکی از نویسندگان ایرانی غرب‌گرا به نام «شیرین همتا» می‌گوید:

«ما پنجاه سال سعی کردیم تا سه چیز را در جهان اسلام جا بدهیم: اول تفرقه، دوم عقب ماندگی در همه زمینه‌ها و سوم سکولاریزم، بدترین و شدیدترین سختی‌ها را در جا دادن سکولاریزم در جهان اسلام تحمل کردیم و متاسفانه موفق هم شدند».

امروز نود درصد حکومت‌های حاکم در جهان اسلام، سکولارند!! می‌گویند موفق شدیم ولی با آمدن دو حادثه همه طرح‌هایمان نقش بر آب شد، حادثهٔ اول آتش‌سوزی بیت‌المقدس، خشم مسلمانان را برضدّ ما برانگیخت، احساس مسلمانان به حس اسلام سیاسی با این حادثهٔ عظیم برگشت، حادثهٔ دوم پیروزی عظیم انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی بود.

اساس استراتژی جدید امریکا در سال ۹۷ میلادی به بعد براساس دو پایه برپا شده است؛ یکی مبارزه با اسلام سیاسی و دومی توافق آمریکا و دیگر کشورها در این زمینه، اسلام از این حادثه جانی تازه گرفت و با حادثهٔ پیروزی انقلاب گام بیشتری برداشت که به‌نظر می‌رسد مهمترین هنر امام این بود که رهبری بیداری اسلامی را به دست گرفت و هدایت کرد و عمق بخشید.

امیدوارم همهٔ ما حافظ میراث امام باشیم و این حرکت بیداری اسلامی را، به سوی اهداف بزرگ با رهبری حضرت آیةالله خامنه‌ای ادامه دهیم و بتوانیم آن اهداف بزرگ را دنبال کنیم.[1]

---

۱. شایان ذکر است که آیةالله تسخیری این سخنان را در عین بیماری ایستاده بیان کردند.

سخنرانی جناب آقای شیخ محمّد باقر ناصری
امام جمعه ناصریهٔ عراق

با درود بر شما حضار گرامی و علمای گرانقدری که تشریف دارید و با تبریک به شما که در کشورتان به یُمن رهبری امام و رهبر معظم انقلاب آیةالله خامنه‌ای، مساجد نقش واقعی خود را برعهده گرفته‌اند.

شماره ۱۶

درود ما از عراق، کشور امام حسین علیه‌السلام و امام علی علیه‌السلام و کشور تمدن‌ها بر شما باد، نخستین سرزمینی که دعوت اسلامی را مبارک شمرد، از جنوب عراق، از شهر ناصریه، همان شهری که آیةالله سید محمّد سعید حقوبی در سال ۱۹۱۴ میلادی انقلاب به راه انداخت، از شهری که حضرت علی علیه‌السلام چند روزی در سرراه‌شان به بصره، در آنجا اقامت گزیدند و تبرّک بخشیدند، به شما سلام و درود می‌گوییم، به شما و کشور شما و شما عزیزان میهمان و به رهبرتان.

با توجه به آیاتی که در قرآن مجید در تجلیل از علما آمده است، در عین حال که مسؤولیت این گروه را بسیار بزرگ دانسته است، برای سلاطین و کسانی که در مقابل حرکت و ایمان مردم ایستادند، عذاب سختی را پیش‌بینی کرده است.

من از عراق خونین برای شما سخن می‌گویم از عراقی که امروز وضع بسیار حساس دارد و از همه شما و دست‌اندرکارانی که از من دعوت کرده‌اند و این فرصت را به من داده‌اند تا با شما صحبت کنم، تشکر می‌کنم.

در اهمیت این سرزمین همین بس که حضرت علی علیه‌السلام، آن را برای اقامتش برگزید؛ امام علی و امام جعفر صادق علیهماالسلام آنجا را سرزمین تعلیم قرار دادند و در جلسات درس‌شان حدود نهصد تا چهارهزار شاگرد تربیت کردند که جملگی از جعفر بن محمّد روایت می‌کردند. ائمهٔ معصومین، این کشور را برای زندگی و فعالیت‌های خود برگزیدند. ائمه بسیاری از مذاهب اسلامی در این سرزمین به تحصیل و زندگی پرداختند؛ شیخ توسی، شیخ مفید، سیدین شریفین نیز در اینجا بودند و در بسیاری از کنفراس‌های کشور، شاهد بودیم که بسیاری از شخصیت‌های برجستهٔ اسلامی در این کشور زندگی کردند، درس خواندند و دانش فراگرفتند و به هر حال نسبتی با این کشور داشته و دارند. من می‌خواهم تا آنجا که فرصت اجازه می‌دهد، به عنوان نماینده‌ای از این سرزمین، برای شما صحبت کنم.

از جمله مسائل مطرح عقیدهٔ انسان است. این عقیده هم جنبه‌های مثبت دارد و هم ممکن است دارای جنبه‌های دشوار و آزمایشی باشد. عشق به اسلام از موقعی که خود پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در صدر اسلام بود، در این سرزمین پدید آمد و به خصوص براساس آیه

و حدیث ثقلین بر محبت پیروان به اهل‌بیت خود تأکید داشتند البته خطاب من به عراقی یا ایرانی نیست، بل به همهٔ افرادی است که اسلام را پذیرفته و به آن عشق ورزیده و چه دشواری‌هایی به جان خریده‌اند. حتی حضرت امام حسین علیه‌السلام وقتی حرکت خود را شروع کردند، علی‌رغم توصیه‌های بسیار برای جلوگیری از قیام‌شان به لحاظ آنکه مردم فقط ظاهر کار را می‌دیدند، ولی امام حسین علیه‌السلام تأکید کردند که من باید حتماً قیام کنم حتی اگر تکه‌تکه شوم و این قیام نشان دهندهٔ اوج ایمان امام به حرکت مردمی خود بودند.

عزیزان من! دشواری و عوارض عشق به اهل‌بیت علیهم‌السلام، همیشه گریبانگر عراقی‌ها بوده است. از ۱۴۰۰ سال به این سو از طرف اموی‌ها، عباسی‌ها و به ویژه از طرف عثمانی‌هایی که این عوارض را بر ما تحمیل کردند.

در عهد اموی‌ها بدبختی جامعهٔ اسلامی شامل همهٔ حکومت‌های اسلامی بود، ولی عراقی‌ها بیش از همه دشواری را تحمل کردند. زمان عباسیان که اوضاع بدتر شد، باز هم عراقی‌ها سهمی عمده داشتند. در دوره عثمانی‌ها کار به جایی رسید که حتی شهادت دادن یک فرد شیعه را در دادگاه‌ها نمی‌پذیرفتند، در حالی که ۶۵ تا ۷۰ درصد مردم عراق از شیعیان بودند!!

پس از عثمانی‌ها نیز، انگلیس وارد معرکه شد، که باز علمای شیعه سردمدار مبارزه با انگلیس شدند و مردم نیز همکاری و ایشان را وادار به خروج از کشور کردند که آنان هم‌چنان کینه‌ای بسیار شدید به علمای نجف دارند. البته مبارزات علمای نجف بر صدر ایشان فراموش نشده است. ما در چندین دههٔ گذشته درگیر این مسائل بوده‌ایم.

پس از آن، انگلیسی‌ها نظام شاهنشاهی را در عراق مستقر و علمای مخالف خویش را عمدتاً به ایران تبعید کردند؛ چون از این حیله بهره بردند، دست به دامن حزب بعث شدند! در این میان، میشل عفلق مسیحی که از جمله رهبران حزب بعث بود به حمایت پرداختند، او که در سال ۱۹۶۸ میلادی معاون رئیس جمهور بود می‌گوید بعثی‌ها نه با دست انگلیس بل با دست امریکا وارد معرکه شدند. بدینسان ما همچنان به پرداخت مالیات و عوارض ادامه می‌دادیم.

شماره ۱۶/۲

در زمان حزب بعث هزاران تن از علما را تبعید یا زندانی کردند و بسیاری را کشتند که در صدر آنها آیةالله شهید محمّد باقر صدر بود که واقعاً امت ما مدیون این شخصیت بزرگ است. شخصیتی که حرکتی بسیار بزرگ شروع کرد و مسائل مهم در مسیر تحقق حکومت اسلامی و مبارزه با انحرافات پیمود.

این بدبختی‌ها و دشواری‌ها فقط در حق شیعیان معمول نمی‌گردید، بل آنان که اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می‌دادند، در سختی بیشتری بودند، اگر چه مخالفان اصلی حکومت، ایشان بودند، ولی همهٔ مردم عراق با این مسئله درگیر بودند. یکی از علمای مسلمان را به‌نام «عبدالعزیز بدوی» که سنی هم بود، بعد از اعدام، تکه‌تکه کردند!! در سال ۱۹۷۰ میلادی یک میلیون شیعه، قربانی رژیم بعث شدند، این رژیم آن چنان خونخوار و سفّاک بود که فقط در یک عملیات، ۱۸۰ هزار کرد را زنده به گور کرد. هنوز هم بعد از سال‌ها گورهای دسته جمعی یکی پس از دیگری کشف می‌شوند. این فجایع مختصری از جنایات وی بود که هم‌چنان ادامه دارد.

حرکت نظام فاشیست بعث برضد جهان عرب و همه مسلمانان و نیز جهان متمدن ادامه یافت و سرانجام به تحمیل جنگ برضد جمهوری اسلامی منجر شد که ما نخستین کسانی بودیم که دعوت امام را در دفاع از جمهوری اسلامی لبیک گفتیم و اکنون در خود ایران، آرامگاه‌هایی برای شهدای ما تعبیه شده که در دفاع از جمهوری اسلامی برضدّ رژیم صدام به شهادت رسیدند.

در واقع رژیم صدام را همهٔ مردم و علما به سقوط کشاندند. یعنی این خود مردم بودند، ولی امریکایی‌ها نمی‌خواهند این را بپذیرند. اکنون نیز آنان مانع از محاکمه صدام می‌شوند. مردم عراق برای سقوط رژیم صدام قربانی‌های فراوانی دادند، اما سرانجام موفق شدند تا او را به آنجایی که شاهدش هستید، بیندازند. ان‌شاءالله محاکمهٔ او هم تحقق خواهد یافت.

متأسفانه منافع برخی کشورها هم ایجاب می‌کند که بگویند امریکا باعث سقوط صدام شده است، در حالی که چنین نیست! امریکا هرگز در پی سقوط صدام نبوده است. امریکا می‌خواست مقداری از گرفتارهای‌های او را کم کند و کسی را جای او بیاورد که بیشتر مردم او را قبول داشته باشند، علما هم هرگز صدام را قبول نداشتند، مردم و علما بودند که صدام را سرنگون کردند و تمام علما و از جمله شخص خود من و آیةالله سیستانی هرگز مقامات و شخصیت‌های برجسته امریکایی را به حضور نپذیرفته‌ایم و گفتیم که از طریق سازمان ملل باید مسائل را مطرح کنید، چون شما کشور ما را اشغال کرده‌اید، ولی اکنون کسانی بی‌اطلاع از مبارزات و میهن پرستی ما و مدعی مبارزه با امریکا و مقاومت برضدّ امریکا می‌شوند، در حالی که امریکا، بی‌گناهان را به خاک و خون می‌کشد.

ما از خون ترسی نداریم، اهل مبارزه‌ایم، ولی از این ناخشنودیم که دوستان ما برخی اوقات چیزهایی را که باید تشخیص دهند، تشخیص نمی‌دهند، ظرف این دو سال، ده‌ها و صدها تن از علما و شخصیت‌های علمی و مجاهد به خاک و خون افتادند. باید یادشان را گرامی داریم و از این قبیل حرکت‌ها جلوگیری کنیم.

آنچه اینک در عراق صورت می‌گیرد، تروریسم حادی است که با اموال صدام و رسوبات حزب بعث صورت می‌گیرد و مبارزان و علما و مردم بی‌گناه را هدف می‌گیرد

و به تروریسم کور خود ادامه می‌دهد. برای نمونه آیةالله شهید حکیم است که در واقع از او فقط انگشتری ماند و تکه‌تکه شد. این حرکت اقدامی جنایتکارانه از طرف این مدعیان است که با پول صدام و عمل حزب بعث صورت گرفته است.

از جمهوری اسلامی ایران، از رهبری آیةالله خامنه‌ای و از همه علما و مردم شریف ایران می‌خواهم که این حرکت تروریستی را در عراق محکوم کنند، بیانیه بدهند. حرکت تروریستی محکوم است. ما اصلاً در عراق مقاومتی نداریم. یکی از امریکایی‌ها می‌گفت اگر یک امریکایی را می‌کشند در مقابل یکصد عراقی کشته می‌شوند. در نقاطی که مردم بی‌گناه کشته می‌شوند، باید محکوم شود. مردم باید بدانند چه توطئه‌هایی در عراق شکل می‌گیرد و بیگانگان چه اقداماتی صورت می‌دهند.

سخنان جناب آقای دکتر ولایتی
مشاور محترم امور بین‌الملل مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله رب العالمین و صلّی الله علی محمّد و آله الطاهرین.

شماره ۱۷

توفیقی است که بنده در خدمت حضرات علما و ائمه محترم جمعه و جماعات

از کشور خودمان و دیگر کشورها و برادران مسلمان هستم. البته دومین سال است که این توفیق نصیب بنده شده است.

ایام ولادت حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را خدمت همگی شما تبریک می‌گویم و لازم است از کسانی که در شکل‌گیری این مجموعه ارزشمند نقش اساسی داشتند، به‌خصوص جناب حجةالاسلام والمسلمین ابراهیمی که نقشی بسیار اساسی در فعال کردن این مجموعه و سازمان مساجد داشتند، قدردانی کنم.

اگر چه عرایض بنده زیره به کرمان بردن است، با این همه مطالبی را راجع به مسجد و نقش مسجد در تاریخ اسلام و در زمان حاضر و توقعی که برای آینده از مساجد می‌رود، به عرض می‌رسانم.

نقش مسجد در تاریخ اسلام در حوزهٔ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کاملاً مشخص است؛ همه چیز مسلمانان، مسجد بود و همه امور در مسجد ساماندهی می‌شد؛ از امور دنیوی تا امور اخروی.

مسجد رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مَثَلِ اعلای کارکرد و نقش مسجد در تاریخ اسلام بوده و هست. در عهد امام صادق علیه‌السلام هم جمع کثیری ـ براساس اقوال مختلف نزدیک به چهار هزار تن ـ خدمت امام بزرگوار تلمذ می‌کردند، مرکز این درس و بحث و تشریح مواضع اسلامی در مسجد بود. نه فقط پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه ما علیهم‌السلام، بل بزرگان فکری جهان اسلام، هم بساط ارشاد و طرح افکار عمومی خود را در مسجد می‌گستردند.

از جمله نقل‌های معروف تاریخ در بارهٔ حسن بصری در قالب یکی از بزرگان و عرفای قرون اولیه اسلام است که در مسجد جامع بصره، مجلس درسی داشت و معارف اسلامی تدریس می‌کرد. صبح یکی از روزها که وارد شد، دید که عده‌ای در گوشه دیگر مسجد نشسته، از او کناره گرفته و مجلس دیگری را تشکیل داده‌اند. از او پرسیدند که این‌ها چه کسانی هستند؟ گفت: از ما کناره‌گیری کرده‌اند. گفته می‌شود که پایه اولیهٔ تاریخی مکتب فکری معتزله از همین مسجد شروع شد. یعنی یک طرف حسن بصری تدریس می‌کرد؛ مبانی و معارف اسلامی را براساس آنچه خود می‌فهمید و بعد اشخاصی مثل عمر بن عمیر

و واصل بن عطا که آن مسیر را به آن شکل قبول نداشتند و بیشتر تکیه بر مبانی عقلی در استنباط احکام اسلام داشتند، به اصطلاح مسیر خود را از حسن بصری جدا کردند و در گوشهٔ دیگری از مسجد جامع بصره نشستند و به درس و بحث پرداختند و مذهب معتزله را پی‌ریزی کردند که چند قرن ادامه داشت و تا زمان معتصم عباسی به اوج رسید، تا ابتدای حکومت معتصم به عنوان یکی از جلوه‌های فکری مکاتب اسلامی بود.

به این ترتیب هم حسن بصری در مسجد بود و هم پایه‌گذاران معتزله در مسجد بودند. در کتاب‌های ما از جمله دیوان سعدی، می‌گوید که من در جامع کاشغر بودم؛ در سالی که بین محمد خوارزم شاه و خطاب صلح برقرار شده بود، جوانی مقدمات و نحو می‌خواند که و می‌گفت: «ضرب زیـــد عـــمرواً»، گفتم: که ختن و ترکستان با یکدیگر صلح کردند، ولی هنوز این زید و عمرو با هم صلح نکردند، سپس قدری لطیفه گفتم. آن جوان گفت: که تو سعدی نیستی؟

کاشغر شهری است در شرق و در چین امروز، چینی‌ها به آنجا می‌گویند کاشون، ما زمانی در خدمت مقام معظم رهبری آنجا رفتیم و به مسجدی وارد شدیم که چند قرن سابقه داشت.

در جای دیگر سعدی می‌گوید که در مسجد جامع دمشق بودم، کسی وارد شد و گفت: آیا در بین شما کسی هست که پارسی بداند؟ گفتم: خیر است، گفتند: فردی در حال نزع فارسی تکلم می‌کند ما نمی‌فهمیم چه می‌گوید! بر بالین او حاضر شدم پیرمردی بود در جان کندن و مطالبی، شعری زیر لب زمزمه می‌کرد. گفتم: چند سال عمر داری؟ گفت: صد و پنجاه سال، با خود می‌گوید که دمی زندگی کردیم حال آنکه صد و پنجاه سال زندگی کرده بود، و می‌گفت: دمی بوده است! زمانی که برای دوستان خودم در جامع دمشق، ماجرا را نقل کردم همه به تعجب افتادند.

باز سعدی می‌گوید: در مسجد جامع کوفه بودم [ملاحظه کنید که همهٔ این اتفاقات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جملگی در مسجد بوده است] در جامع کوفه بودم و کفشی برای پوشیدن نداشتم کسی را دیدم که پا نداشت، خدا را شکر کردم و بر بی‌کفشی صبر نمودم.

به هر حال همان طور که در تاریخ اسلام می‌بینیم فرهنگ و هنر و علوم عقلی و علوم تجربی و درس عقاید در کنار فقه و معارف اسلامی در مساجد، تدریس می‌شده است. مسجد الحمراء که در اندلس اسپانیا قرار دارد، مدت هشتصد سال یا همان بخشی که به آن اندلس گفته می‌شود، تحت حکومت مسلمین بود. از جمله مورخان فرانسوی راجع به الحمراء، نکته‌ای می‌گوید و حکایت می‌کند که یکی از خیره کننده‌ترین مجموعه‌های معماری و هنری اروپا، مسجد الحمراء است.

در ایران هم مساجد ما تجسم و نماد همهٔ هنرها و علوم به شمار می‌روند، هم‌چنین مسجد شاه سابق، مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف الله به لحاظ هنری و معماری در دنیا منحصر به فردند هم ریاضی و هم هندسه و هم هنر و هم معماری و خلاصه همهٔ چیزها در آنها هست؛ زمانی که شما چنین مساجدی در جای جای جهان اسلام می‌بینید، در حقیقت یادگاری از فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار می‌رود.

هم چنین مسجدی که در پکن است، چند صد سال سابقهٔ بنا دارد؛ یعنی در پایتخت قدیمی چین هم که از هزار سال به آن طرف پایتخت چین بوده است مسجدی مربوط به قرن هفتم احداث شده است. ما از آنجا که گذر کردیم، دیدیم که اوقات نماز را بر سر در مسجد به زبان فارسی البته به گونه فارسی قرن هفتم نوشته‌اند؛ آن هم با خطوط فارسی که محتملاً با خط نستعلیق بود نوشته بود اوقات نماز صبح و ظهر و عصر را نوشته بودند و نیز وقت نماز خفتن یعنی نماز عشا، معلوم می‌شود که اسلام را ایرانی‌ها به آنجا برده بودند و همچنان آثار این فرهنگ اسلامی و ارتباط بین ملل از طریق مساجد و تمرکز آنان نیز در مساجد بوده است. قبر دو تن از علمای بزرگ ایران در مسجد پکن هست که اینها در تأسیس آن مسجد نقش داشته‌اند.

ما به مسجد کاشغر که رفتیم شبیه همین مساجدی ساخته شده است که در ایران می‌بینید. در آسیای مرکزی، یعنی در شرق اسلامی، مسجدی متعلق به چند قرن پیش بود و ما آنجا نشستیم، آقای عباس امام جمعه که قاری قرآن هستند، آنجا بودند آقا به ایشان گفتند که قرآن بخوانند، ایشان شروع به قرآن خواندن کرد و جمعیت انبوهی در مدت کوتاهی به مسجد

ریختند، مسجد و شبستان و حیاط آن پر از جمعیت شد، بعد هم موقع نماز ظهر که شد، آن امام جماعت ایستاد و مسجد پر بود از جمعیت و دیدیم که پیرمردی در صف اول رو کرد به سمت راست و گفت: چپ، راست و رو به سمت چپ کرد و گفت: چپ، راست آن هم با همین لحن فارسی که معلوم است متعلق به قرن‌ها پیش بوده است. به این ترتیب مسجد به عنوان میراث‌دار فرهنگ اسلامی، علی‌رغم حاکمیت کمونیست‌ها در دوران گذشته، همچنان باقی مانده است.

امروزه اگر به جمهوری آذربایجان هم بروید، می‌بینید که عمدهٔ آنچه اسلام را علی‌رغم حکومت طولانی تزارها و کمونیست‌ها بر جمهوری آذربایجان (که در گذشته جزئی از ایران بوده) حفظ کرده است، همین مساجد بودند. در آنجا مسجد تاج فیل را دیدیم که از معماریش معلوم است که متعلق به گذشتهٔ دور است، مسجدی که در گنجه است نیز در زمان شاه عباس صفوی ساخته شده و در کنار یک حمام و یک کاروانسرا در قالب مرکزیت شهر گنجه و از عصر حاکمیت اسلام باقی مانده است. خلاصه اگر قرآنی قرار است خوانده شود در مسجد خوانده می‌شود و اگر مردم صدای قرآن را بخواهند بشنوند، می‌آیند در مسجد، علی‌رغم این که سال‌های طولانی کاشمر جزو جهان اسلام نبود، بل بخشی از چین بوده است که حاکمیتش در دست کمونیست‌ها بوده و در زمان‌های حاکمیت کمونیست‌ها چه در زمان مائو در چین و چه در زمان استالین در شوروی، بسیاری از مساجد را از بین بردند و بسیاری را در شوروی سابق تبدیل به موزه یا انبار کردند، ولی سرانجام باز آنچه از مساجد پابرجا مانده پایگاه‌های اسلام شناخته می‌شود و امروز مسجد به عنوان پایگاه‌های بیداری اسلامی در کل جهان اسلام دیده می‌شود.

مرحوم حسن البنا پایه‌گذار اخوان المسلمین در مصر کار خود یعنی پایه‌گذاری اخوان المسلمین را (که امروز گسترده‌ترین و پرطرفدارترین مجموعهٔ سیاسی دینی در جهان اهل‌سنت است) از سال ۱۹۲۷ میلادی، یعنی حدود هشتاد سال پیش از مساجد شروع کرد. تعلیم قرآن به جوان‌ها و نوجوان‌ها در مساجد مصر صورت می‌گیرد که نشان دهندهٔ بیداری اسلامی در مصر است. امروز اگر شما به مصر بروید، علی‌رغم حاکمیت طولانی سکولارها در

مصر، که در زمان محمد علی پاشا شروع شد و سکولارها یعنی آن‌هایی که معتقد به جدایی دین از سیاست بودند، سال‌ها قبل از ایران، از مصر شروع کردند و پایه‌گذارش هم محمد علی پاشا حاکم مصر بود. از آن زمان شروع کردند آن هم برای این که دین را از صحنهٔ اجتماع در مصر جدا کنند. سال‌های طولانی آنها کمک کردند، بعد حکومت پادشاهی قارون بود و دیگران و سرانجام جمال عبدالناصر هم که آمد، ابتدا با اخوان المسلمین همکاری داشت و بعد مقابل آنها ایستاد و چهار تن از سران اخوان المسلمین را اعدام کرد. به هر حال تقابل با اخوان المسلمین در مصر، به نوعی تقابل با حاکمیت اسلام و حضور اسلام در جامعه بود و مرحوم سیّد قطب به دست جمال عبدالناصر اعدام شد و امروز که به قاهره می‌روید، با وجود مساجد متعدد، نماز جمعه برگزار می‌شود، یعنی در همهٔ مساجد نماز جمعه می‌خوانند و بنده از نزدیک شاهد بودم که مساجد پر می‌شود و در خیابان‌ها فرش می‌اندازند و مردم به نماز می‌ایستند.

همین وضع را شما در ترکیه می‌بینید؛ در ترکیه از زمان حاکمیت ترک‌های جوان، که اسم حزبشان همین حاکمیت «ترک‌های جوان» بود و در زمان حاکمیت مصطفی کمال معروف به آتاترک در سال ۱۹۲۴ میلادی، دین ستیزی به معنای اشد کلمه در ترکیه شروع شد و همین امروز هم که آقای اردوغان نخست وزیر فعلی ترکیه است، موقعی که می‌خواهد دخترش را در دانشگاه ثبت نام کند، برای این که دخترش حجابش را حفظ کند او را می‌فرستند به امریکا!! برای این که ورود دخترهای محجبه به دانشگاه‌های ترکیه، ممنوع است!!! این را موقعی آقای اردوغان در مصاحبه با مجله نیوزویک گفت: برای این که خبرنگار امریکایی از او پرسید که شنیدیم شما می‌خواهید حجاب را اختیاری بکنید؟ آقای اردوغان یک پاسخ نغزی داد، آقای رجب طیب اردوغان سابقاً عضو حزب رفاه آقای نجم‌الدین اردکان بود و بنده می‌دیدم که که خانواده‌ی ایشان محجبه هستند و خود او هم پای‌بند ادای فرایض اسلامی است. جواب خبرنگار مجله بی‌بی‌سی را این‌گونه داد: یعنی شما که امریکایی هستی و می‌خواهی با این سؤال به نوعی به من ایراد وارد می‌کنی، بدان که من برای این که دخترانم حجاب‌شان را حفظ کنند و در عین حال می‌خواستم که آنان درس بخوانند، ایشان را به امریکا (که در آنجا مردم آزادند حجاب داشته باشند یا نداشته باشند)

شماره ۱۸

فرستادم. این حکایت از این می‌کند که کسانی که با اسلام می‌خواستند مقابله کنند، کاتولیک‌تر از پاپ شدند. عواملی که تحت تأثیر بیگانگان در جهت مقابله با ارزش‌های اسلامی در کشورهای اسلامی حاکم شدند عبارت بودند از: رضا شاه در ایران، امان الله خان در افغانستان و مصطفی کمال پاشا در ترکیه بودند. هشتاد سال با اسلام در ترکیه مبارزه کردند، اما امروز به شما عرض می‌کنم که براساس آماری که ما داشتیم و از آقای سلیمان دمیرل رئیس جمهور سابق ترکیه شنیدم که تعداد مساجد در آن زمان (امروز حتماً بیشتر شده) در ترکیه یکصد هزار مسجد بود. هر مجموعهٔ مسکونی که امروزه در ترکیه ساخته می‌شود، حتماً جزو معماری آن شهرک‌ها، ساختن یک مسجد لحاظ شده است، مسجد بزرگ آنکارا را سال‌های اخیر ساخته‌اند؛ شما در روز جمعه که به آنکارا بروید، می‌بینید که این مسجد بزرگ، از نمازگزاران پر می‌شود و در خیابان‌ها مردم می‌آیند و نماز می‌خوانند مردم علی‌رغم دین‌ستیزی که مصطفی کمال پاشا داشت و بعد عصمت دیمانوف و حزب آن‌ها داشتند، موقعی که به آرای عمومی مراجعه کردند مردم به حزب اسلامی رأی دادند و در دههٔ ۵۰ او آمد و اسلام را در

ترکیه احیا کرد. با این حال همین‌گونه که عرض می‌کنم مسجدسازی و مراجعه به مسجد و حضور در آن از جمله ارکان مهم رجعت مسلمانان به ارزش‌های اسلامی است.

در سایهٔ تحولی که در دنیا حاصل شده و نقطهٔ اوج این تحولات، یعنی قلهٔ بیداری اسلامی که از دویست سال پیش شروع شد و بزرگانی در ایران هم‌چون مرحوم میرزای شیرازی، سید جمال الدین اسدآبادی و مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی، و شیخ فضل‌الله نوری و آخوند خراسانی، مرحوم مدرس و کاشانی و امام رضوان الله علیهم در ایران، و در هند افرادی همچون علاّمه اقبال لاهوری و در کشورهای عربی افرادی نظیر شیخ محمد عبده، عبدالرحمان کواکبی و دیگران نقشی اساسی در بیداری مسلمانان داشتند.

قله این امواج بیداری اسلامی را شما در انقلاب اسلامی می‌بینید و لذا از آن به بعد تحولاتی شگرف در کل جهان اسلام اعم از سنی و شیعه، عرب و غیرعرب، پدید آمده و این موج بر جهان مسیحیت هم اثر گذاشته است.

دو نمونه ذکر می‌کنم تا ببینید در جهان مسیحیت نیز این بیداری اسلامی موجب بیداری دینی شده است؛ رجعت مجدد به دین یعنی رونق مجدد دین و رجعت مردم به دین. بعد از انقلاب نهضت همبستگی در لهستان و فروپاشی کمونیسم در لهستان، بنده سفری به لهستان داشتم، رهبر این نهضت به بنده گفت: کاری که در ایران شد، موجب شد که دین در دنیا احیا شود، حتی در بین مسیحیت! وی کاتولیکی متعصب و در قید حیات است.

روز گذشته آقای پاپ‌بندپکت شانزدهم که‌پاپ جدیداست، درشهرکلن آلمان خطاب به جوان‌ها که شمار آنان از چند ده هزار تا چند صد هزار گفته شده و پای سخنرانی آقای پاپ نشسته بودند، گفت: من شما را دعوت می‌کنم که از سکولاریزم کناره‌گیری کنید و به اصل مسیحیت و ارزش‌های اصیل آن برگردید!

آگاهید که بعد از این که اروپایی‌ها انقلاب کبیر فرانسه (که منشأ سکولاریزم است) و انقلاب مارکسیستی و نهضت نازی‌ها را در آلمان و دیگران پشت سر گذاشتند، یک رجعت به دین مطرح است؛ همین که پاپ می‌آید در یک کشور با اکثریت پروتستان و ده‌ها و صدها هزار تن جوان، پای صحبت پاپ جمع می‌شوند، او دیگر از این نمی‌ترسد که در اروپا ایشان

را هو کنند، وی با صراحت گفت: من سفارش می‌کنم که دست از سکولاریزم بردارید. سکولاریزم فقط بی‌دینی را رواج نمی‌دهد. بل کنار گذاشتن خدا و دین از جامعه در پی آن است. برخی می‌گویند: هر کسی می‌خواهد دیندار باشد، بداند که امری فردی است. ولی پاپ آمده و در قلب اروپا که زادگاه سکولاریزم و جدایی دین از جامعه است، مردم را به رجعت به کلیسا و دست برداشتن از سکولاریزم دعوت می‌کند.

این‌ها مقدمه‌ای است برای عرض اصلی بنده و آن، این است که جهان به دین برمی‌گردد؛ زیرا همهٔ مسیرها را پیموده و سرخورده شده است، شما می‌بینید در جهان اسلام نیز به طریق اولی شما این رجعت را می‌بینید. در همین فلسطین خودمان آنها همهٔ راه‌های فکری و سیاسی را پیمودند آقای احمد جبریل که رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین است در جمعی برای ما تعریف می‌کرد که من در جمع بزرگی از علما در سوریه و لبنان گفتم بعد از انقلاب اسلامی ایران من به اسلام رو آوردم. (خود او به عنوان معلم مارکسیسم است) او بلافاصله گفت: نه اسلام شما بل به اسلام امام خمینی رو آوردم. ایشان به عنوان یک نماد الحاد یعنی کمونیسم، به اسلام بازگشت. همین مسئله را شما در فلسطین هم می‌بینید که موجب پیروزی مسلمانان شده است. امروز اگر صهیونیست‌ها از غزه عقب نشینی کردند، به سبب مجاهدات مسلمانان بوده است. حماس و جهاد اسلامی با بازگشت به اسلام بود که توانستند برای نخستین بار در تاریخ مبارزات فلسطین، اسرائیلی‌ها را از بخشی از سرزمین غصب شده بیرون کنند.

البته این بخشی از اقدامی بود که حزب‌الله در جنوب لبنان کرد و اسرائیل را وادار به عقب‌نشینی نمود. این نقطه کلیدی و بسیار مهم بود آنان نشان دادند که اسرائیل شکست‌پذیر است. در فلسطین، هم حزب‌الله و هم مقاومت اسلامی، از اسلام درس گرفتند. امروز پرچم اصلی مبارزه به دست مسلمانان است. آنها مارکسیسم و لیبرالیسم را آزمودند. در زمانی که مرحوم حاج امین الحسینی مفتی فلسطین از علما دعوت می‌کرد از علمای ایران و کشورهای عربی که بیایید جمع شوید و در مجامع بین‌المللی متوسل بشویم به جامعهٔ بین‌الملل، یعنی همین وضعی که در دنیای لیبرالیسم و لیبرال دموکراسی مرسوم است. توسل به مجامع بین‌المللی

برای این که حق غصب شدهٔ خود را بگیرند که البته به نتیجه نرسیدند.

از دههٔ ۶۰ که گروه الفتح تشکیل شد، سازمان آزادی‌بخش فلسطین با سه عامل اصلی فتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و جبههٔ دموکراسی، این سه ارکان اصلی بودند که دوتای آنها مارکسیسم بودند. مسیرشان مسیر چپ بود و حداقل سکولاریسم، این‌ها هم موفق نشدند و شکست خوردند، اما مسلمانانی که پرچم را برافراشتند و سرانجام در همین روزهایی که ما ناظر هستیم، آخرین نفرات شهرک‌نشینان صهیونیسم از غزه عقب‌نشینی کردند و این آغاز کار است. اصولاً انتفاضهٔ مسجدالاقصی نقشی بسیار اساسی داشته و از حدود ۵ سال پیش فعال شده است.

انتفاضه تاکنون نقشی بسیار حساس در شکست اسرائیل ایفا کرده است. مسجد به‌عنوان نهادی مقدس دراسلام مطرح‌است. دربارهٔ مسجدالاقصی، شارون نخست‌وزیر کنونی، باکفش وارد مسجد الاقصی شد، عده‌ای پلیس هم همراهیش کردند و غرض او این بود که مسجدالاقصی تخریب شود و جای او معبد سلیمان به پا شود! این جرقه‌ای بود که به انبار باروت زده شد و تا به آنجا رسید که همین شارون (که آن زمان نخست وزیر نبود، و رهبر حزب اقلیت بود) نتوانست کاری کند و به جای مسجدالاقصی، معبد سلیمان برپا کند، امروز هم که قدرت در دست اوست او نه فقط نتوانست، بل از غزه هم عقب‌نشینی کرد و این نبود مگر به برکت بیداری اسلامی به مرکزیت مسجد.

امروزه هم وقتی نماز جمعه برپا می‌شود هزاران پلیس اسرائیلی، بسیج می‌شوند تا افراد زیر چهل سال را در مسجد الاقصی راه ندهند و نماز جمعه نخوانند. یعنی ترس ایشان از مسجد است، ترس ایشان از کسانی است که معتقد به مسجد هستند معتقد به این که دین باید در زندگی مردم حضور داشته باشد!

امیدواریم که ما هم به سهم خودمان بتوانیم در رونق مساجد نقش داشته باشیم.

سخنرانی حجةالاسلام والمسلمین نقوی
از علمای پاکستان

بسم الله الرحمن الرحیم

قال الله تعالی:

﴿سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا انه هو السمیع البصیر﴾.

شماره ۲۷

از جمله علل اهمیت و عظمت مسجد نزد خداوند تبارک و تعالی این است که این نقطه مقدس و مبارک و متبرک، منزل معراج برای حضرت رسول اکرمﷺ قرار داده شده است. زمانی که خداوند تبارک و تعالی حبیب گرامی‌اش رسول اللهﷺ را برای معراج به آسمان‌ها دعوت کرد، منزل و نقطه‌ای که پیامبرﷺ باید از آنجا به آسمان‌ها می‌رفتند مسجد بود. هنگامی که پیامبرﷺ به آسمان‌ها رسیدند، خداوند به حبیبش نگریست و با تعبیری که نشان از عظمت امر دارد فرمود:

﴿ سبحان الذی اسری بعبده لیلاً ...﴾.

منزه است آن خدایی که **اسری** یعنی دعوت کرده، **بعبده لیلاً**، واژه **اسری** کلمه‌ای است که معنای شب در آن نهفته یعنی شب سیر کردن، بعداً که فرمود **لیلاً** مقدار شب را مشخص می‌کند. **لیلاً** نشان دهنده این است که تمام شب معراج نبوده، بلکه تنها مقداری از آن بوده است. اینجا نکته‌ای به ذهن می‌رسد و آن این که زمان، در دست پیغمبر است. وقت چیست؟ وقت همان مقدار حرکت است. از آنجا وقت پیدا شده که خداوند می‌فرماید:

﴿ الله الذی خلق السماوات و الارض فی ستة ایام﴾.

این ایام که روز نبوده، همانند اوقات این جهانی بلکه وقت و زمان مقدّر منظور است.

مقصودم از بیان این مقدمه این است که یکی از موارد اهمیت و فضیلت‌های مسجد در اینجا مشخص می‌شود و آن این که سید انبیا وقتی می‌خواست به معراج برود از خانه خودش عزیمت نکرد. پس به لحاظ این که اولین مکان معراج پیغمبر مسجد است، باید مسجد را احترام و احیا کنیم.

البته مساجدی هم هست که خداوند در قرآن مجید درخصوص آنها می‌فرماید:

﴿ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرَاراً وَكُفْراً وَتَفْرِيقاً بَيْنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَاداً لِمَنْ حَارَبَ ٱللهَ وَ رَسُولَهُ مِن قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا ٱلْحُسْنَىٰ وَ ٱللهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾.[1]

---

۱. توبه: ۱۰۷.

شماره ۲۸

این‌ها کاذب‌اند به چنین مساجدی نباید قدم گذاشت. لذا خداوند متعال پیامبر ﷺ و مؤمنین را از رفتن به چنین مساجدی نهی کرده است. پس مسجدی که محل عبادت است چه‌طور مسجدی باید باشد؟ مسلماً مسجدی که از ابتدا اساسش بر تقوی استوار بوده است؛ چنین مسجدی مکان عبادت است و سزاوار است که پیغمبر به چنین مسجدی برود و نماز گزارد.

ان‌شاءالله خداوند متعال به ما توفیق احیای مساجد و عبادت در آنها را عنایت بفرماید. به حق محمد و آل پاکش.

سخنرانی آقای شیخ منعم قویشی
امام جمعه ساحل عاج

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین.

سلام بر حضرت حجت و امید به این که از یاران صدیق ایشان باشیم، سلام بر رهبر کبیر انقلاب، سلام بر مقام معظم رهبری و سلام بر شما حاضران عزیز!

شماره ۲۱

چون می‌خواهم سخنانم سخنان مسؤلانه‌ای در برابر خدا باشد لذا فقط پنج دقیقه از وقت شما را می‌گیرم. می‌خواهم راجع به بقعه‌ای از این زمین که همچنان به نام مسجد خوانده می‌شود، برای شما صحبت کنم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: دنیا مسجد پیامبران علیهم السلام است. مسجد جایی است که در واقع پیوند بین خدا و خلق اوست. حضرت امیر علیه السلام مسجد را به بهشت هم ترجیح می‌دهند؛ چون موقعی که از ایشان پرسیدند: کدام یک را ترجیح می‌دهید؟ فرمودند: یک ساعت حضور در مسجد را بر چندین ساعت حضور در بهشت ترجیح می‌دهم!

مساجد پناهگاه‌های خداوندی است که بندگان به آنجا پناه می‌برند و راه نجات خودشان را می‌یابند. در واقع مسجدها هم خودشان شعبه‌هایی هستند از آن مسجد اصلی عرشی؛ یعنی شعبه‌هایی هستند از مسجدالحرام و کعبه، آری هر یک از این مسجدها و هر یک از آنها عضوی از اعضای یک پیکرند که چون یکی از آنها به درد بیاید، بقیه هم باید صدایشان بلند شود و به کمک او بشتابند و مسجد الاقصی یکی از این اعضا است. یکی از این اندام‌هایی است که از زشتی و پستی اعمال صهیونیست‌ها فریادش بلند است و از همه مسلمان‌ها کمک می‌طلبد.

من بیست سال است که در آفریقا زندگی می‌کنم، قاره‌ای معروف به قاره سیاه با ۵۲ رژیم و کشور و با ۶۰ درصد مسلمان، دقیقاً در کشور ساحل عاج هستم؛ کشوری در غرب آفریقا و در ساحل اقیانوس آرام، من از طرف جناب آقای سید حسن نصرالله، رهبر مقاومت به آنجا رفتم و در خدمت شصت هزار مسلمان لبنانی هستم که حدود صد سال است در آنجا زندگی می‌کنند، تا این که دین خدا در آنجا گسترش پیدا کند و عشق و محبت اهل بیت علیهم السلام در آنها تقویت شود.

کشورهای بزرگ در پی بهره‌برداری از جنگ در این قاره هستند ولی ما به رغم وجود چنین جنگی با مردمی پابرهنه و بی‌فرهنگ که فاقد حداقل وسائل معیشتی‌اند روبرو هستیم. از طرفی وضعیت خاصی نیز بر این قاره حاکم هست، می‌توانم بگویم صدها هزار تن از مردم آفریقا فاقد هرگونه دینی هستند؛ نه دین آسمانی دارند، نه دین زمینی، حتی خیلی از آنها از

زندگی ابتدایی محروم‌اند. عقب‌ماندگی در آنجا به حدی است که بعضی‌ها هنوز نمی‌دانند در رگ‌های انسان خون جاری است!!

شماره ۲۲

نکتهٔ دیگر این که قاره آفریقا شاهد حمله ددمنشانه و وحشیانه‌ای است؛ استعمار می‌خواهد وضعی راکه در آنجا حاکم است، پایدار نگهدارد و تعمیم دهد. پاپ دوم در ۳۵ سال پیش اظهار امیدواری کرده بود که تا سال ۲۰۰۰ همهٔ مردم آفریقا مسیحی خواهند بود، ولی اراده خداوندی بر آن قرار گرفت که عکس آرزوی پاپ تحقق پیدا کند و با وجود کم‌کاری‌ها و کاستی‌هایی که ما به عنوان ائمه مساجد یا امامان جمعه داشتیم، هم اکنون مسجد در آفریقا آن چنان اهمیت پیدا کرده که آفریقایی‌ها با عشق و علاقه فراوان به آن می‌نگرند. امروزه نماز جماعت نیز جایگاه خود را تا حدودی پیدا کرده به‌طوری که مردم آفریقا حتی اگر شده در خیابان، نماز جماعت برگزار می‌کنند. حتی زنِ خانه، اگر در آشپزخانه مشغول کار باشد وقت نماز دست از کار می‌کشد و بیرون می‌رود و سعی می‌کند نمازش را با جماعت بخواند. این آفریقایی‌ها دارای سیرت بسیار پاک و زلالی هستند و استعدادهای شگرفی هم

دارند، مردمانی هستند که به راحتی می‌توانیم با آنها ارتباط برقرار کنیم و آنها را قانع کنیم، برای همین هم هست که دشمنان نقشه‌های بسیار خطرناکی برای آنها کشیده‌اند. مسائل مربوط به آفریقا و مردم آن برای ما بسیار مهم است همان‌طور که در روایات هم گفته شده است، بالغ بر پنجاه نفر از همین قاره در رکاب حضرت حجت علیه‌السلام خواهند بود.

دو سازمان مهم در آفریقا وجود دارد؛ یکی مربوط به اسرائیلی‌ها و یکی مربوط به انگلیسی‌هاست آنها سعی می‌کنند عفت زنان آفریقایی را به سرقت ببرند که بر آنها نیز اثر گذشته‌اند.

من چند پیشنهاد دارم که به طور خلاصه به آنها اشاره می‌کنم:

یکی این که باید دبیرخانه‌ای تأسیس شود و گسترش پیدا کند. چون سازمان یا نهاد یا ارگان جهانی بایستی در همه امورش جهانی باشد و یکی از کارهایی که این دبیرخانه باید انجام دهد آمارگیری از مساجد و ائمه مساجد در سطح جهان است.

دیگر این که صندوق مالی برای رسیدگی و تنظیم امور مالی مساجد، برابر نیاز هر مسجد تشکیل شود.

و مسئلهٔ دیگر تهیه نشریهٔ دوره‌ای در این خصوص است تا اطلاعات مربوط به مساجد و ائمه مساجد را منعکس کند.

آخرین پیشنهادم این است که درخصوص تبلیغات بیشتر کار شود تا مردم، خصوصاً جوانان بیشتر جذب مساجد شوند.

در پایان، ایام ولادت مولود کعبه و شهید کوفه، مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام را تبریک می‌گویم و به اطلاع‌تان می‌رسانم، زمانی که من وارد ساحل عاج شدم، هیچ مسجدی در آنجا نبود ولی با یاری و رهنمودهای مقام معظم رهبری و توجیهات رهبر مقاومت آقای سید حسن نصرالله، موفق شدیم مجتمعی را به نام «مجمع الزهراء» تأسیس کنیم و تا پنج ماه دیگر این مجتمع افتتاح خواهد شد. ان‌شاءالله

سخنرانی جناب آقای دکتر علی لاریجانی

بسم الله الرحمن الرحیم

با عرض سلام و ادب خدمت شما علمای عزیز و ائمه جماعات، از این‌که جناب آقای ابراهیمی زحمت کشیدند و چنین نشست‌هایی را در این چند سال برگزار می‌کردند به سهم خودم سپاسگزاری می‌کنم زیرا کار بسیار مهمی است؛ هم به لحاظ این‌که مساجد نقش مهمی

شماره ۱۲

در تعمیق تفکر اسلامی در کشورهای مختلف مخصوصاً ایران داشته و دارند و هم تأثیری که امروزه مساجد می‌توانند در صحنه‌های بین‌المللی داشته باشند.

بنده نمی‌خواهم راجع به اهمیت مساجد در رشد تفکر اسلامی در ادوار مختلف تاریخی، سخن بگویم زیرا شما خودتان صاحب‌نظر هستید. لذا می‌خواهم درخصوص شرایط کنونی و مسائلی که به امنیت ملی و بین‌المللی انسان‌ها مربوط است، مطالبی عرض کنم.

سخنم را با مطلبی که وزیر امور خارجه آمریکا گفته است شروع می‌کنم. شاید تعجب کنید؛ چون معمولاً سخنرانی‌ها را با صحبتی از ائمه و یا روایات شروع می‌کنند، ولی بنده می‌خواهم با این موضوع شروع کنم، چون آنها حرف دل‌شان را زده‌اند. بپردازیم به اصل موضوع و بحث را از فاصلهٔ دور شروع نکنیم.

اخیراً خانم رایس سخنرانی در دانشگاه قاهره کرد و در آنجا مطلبی گفت که مربوط به کار شما و اهمیت کار شما می‌شود. ایشان گفته است که:

«مأموریت ما فراتر از دولت‌هاست! و میدان درگیری‌ما فقط شامل دولت‌ها نیست؛ این مساجد و سیستم تغذیهٔ مالی آنها برای ما فوق‌العاده مهم است!!!».

مساجد چگونه کار می‌کنند؟ منبع مالی آنها کجا است؟ مساجد چطور سر پا هستند؟ و در ادامه گفته است که:

«امریکا به این نتیجه رسیده است که غیر از کار بر روی سیستم‌های دولتی، باید اهداف دیگری را نیز دنبال کرد، زیرا عرصهٔ جنگ ما عرصهٔ جنگ نرم است! لذا باید توجه خودمان را بیشتر از قبل بر روی مساجد معطوف کنیم».

موضوع فوق‌العاده مهمی است، گاهی انسان مجبور است حرف دلش را بزند و سعی در پنهان کاری نکند. امروز مرز درگیری، و نگرانی و اضطرابی که امریکایی‌ها برای تسلط بر دنیا دارند، صرفاً مسئلهٔ دولت‌ها نیست. بل مساجد و تغذیهٔ مالی آنها را نیز در برمی‌گیرد.

این سخن دو پیام دارد، یکی این که نقطهٔ کانونی مورد توجه ما مساجد است و پیام

دیگر تغذیهٔ مالی مساجد است. شما باید نگران باشید که درخصوص تغذیه مالی مساجد چه کار می‌خواهند بکنند؟ چطور می‌توانند مساجد را وابسته کنند؟ این که می‌گویند تغذیه مالی مساجد، یعنی شما باید بدانید این نقطه‌ای است که روی آن تمرکز کرده‌اند.

مسئله دیگر این که فرد دیگری است به نام آقای جیمز لورسی، ایشان هم از صاحب‌نظران امریکایی است که قبلاً رئیس «C.I.A» (سازمان سیا) بوده است. ایشان هم سخنی دارد که به این بحث مربوط می‌شود. بعد هم می‌خواهم نتیجه‌ای بگیرم. ایشان می‌گوید:

«ما ادیان بسیاری در سراسر جهان داریم؛ از نظر اختلافات با دنیای اسلام و کشورهای در حال توسعه و از منظر گسترش لیبرالیزم نیز چند دوره دیده‌ایم، بعد از جنگ جهانی اول تعداد کمی از کشورها دموکراسی لیبرال را پذیرفتند اما بعد از جنگ جهانی دوم برتعداد آنها افزوده شد. آلمان و ژاپن از جمله آنها بودند. بعد از فروپاشی شوروی ما به دوره آخرالزمان رسیدیم، اکثر کشورها دموکراسی لیبرال را پذیرفتند و ما احساس کردیم امنیت کامل داریم!».

من داخل پرانتز عرض می‌کنم، یکی از مسائل مهمی که در بین این موجوداتی که امروز در آمریکا سیطره دارند، مطرح است، نظریهٔ «امنیت کامل» است؛ یعنی برای ما مهم این هست که به چه ساز و کارهایی دست بزنیم (چه اجتماعی، چه فرهنگی و سیاسی) تا بتوانیم به امنیت کامل برسیم؟

ایشان می‌گوید:

«ما بعد از یازده سپتامبر به این نتیجه رسیدیم که اشتباه کرده‌ایم و چیزی از دید ما مخفی مانده است و آن حرکتی بود که در سطح فرهنگی در دنیای اسلام وجود دارد و کانون آن این منطقه اسلام‌خیز است که باید مورد توجه قرار بگیرد! بعد می‌افزاید که: کشورهای منطقه را باید به چند لایه تقسیم کنیم، تعدادی از کشورها بیمارند و تعدادی دیگر خطرناک هستند! بیمارها را معالجه می‌کنیم و در کشورهای خطرناک تغییر ایجاد می‌کنیم.

اما چطوری معالجه می‌کنند؟ کشورهایی مثل اردن و عربستان و بحرین و امارات را بیمار می‌نامند. زیرا دولت حاکم مطلوب آنهاست، اما نیروی انسانی و مردم آن کشورها مورد قبول آنها نیست؛ باید معالجه بشود! چگونه باید معالجه‌شان کرد؟ کتاب‌های درسی آنها باید عوض شود. روی رسانه‌های آنها باید تسلط پیدا کرد و عملیات روانی در بارهٔ این‌ها انجام شود تا چه بشود؟ تا نسل بعدی که از آنها به وجود می‌آید، تصور نکند چیزی بهتر از دموکراسی لیبرال وجود دارد!!».

با صراحت می‌گویند در دوران آینده مجموعهٔ اقدامات ما باید به نحوی باشد که جوانان مسلمان تصور نکنند چیزی بهتر از دموکراسی لیبرال وجود دارد!

نگرانی آنها این است که این مساجد با روشنگری اسلامی که به وجود آورده‌اند باعث بشود جوانان مسلمان دنبال هویت خویش بروند، شاخک‌های ذهنی آنها تیز شود و حرف‌های نوینی که متناسب با عصر امروز هست اشاعه پیدا کند. لذا می‌گویند باید بمباران تبلیغاتی بکنیم از آموزش دبستان گرفته تا دانشگاه! رسانه‌ها باید به نحوی عملیات روانی انجام دهند که در کشورهای اسلامی جوان مسلمان حتی تصور هم نکند چیزی بهتر از لیبرال دموکراسی وجود دارد!

به نظر ایشان کانون کشورهای خطرناک، ایران است و در کشورهای خطرناک باید تغییر عمده ایجاد شود. یعنی باید اخلال در ساختار حکومتی به وجود بیاید به طوری که وابستگی به همراه آورد. تصوری که از ایران دارند این است که ایران کانون اشاعه فکر است، یعنی دولتی حاکم است که دارای مبنای اسلامی و دارای تفکری حقیقت‌جو است؛ یعنی تفکر اسلامی و شیعی که در ایران وجود دارد، مبنای عقلانی دارد که قابل انتشار است.

مسئلهٔ دیگر این که عنصر الهام بخش ایران محدود به چارچوب جغرافیایی خودش نیست. آقای نیکسون کتابی دارد در باره صلح و جنگ، در آنجا کشورها را با هم مقایسه می‌کند و می‌گوید: تفاوت ایران و عراق در این است که عراق فقط موتور جنگی دارد، اما ایران عنصر الهام‌بخش دارد. سپس ایران را با شوروی سابق مقایسه می‌کند و می‌گوید:

شوروی هم عنصر الهام‌بخش داشت اما تفاوت عنصر الهام‌بخش ایران با آنها در این است که شوروی سابق عنصر الهام‌بخش خود را در کشورهای دیگر کپی می‌کرد و چون با مختصات بومی هر منطقه سازگار نبود پس می‌زدند، اما در تفکر اسلامی این عنصر الهام‌بخش، متناسب با شرایط بومی است و با هر منطقه سازگار است، چون عنصری عقلانی است؛ یعنی شما اسلام نوین در مصر دارید، اسلام نوین در لبنان دارید، در عراق دارید، هر کدام یک نوع‌اند؛ کپی نیستند، لذا پایدارند. پیام با مخاطب بومی سازگار است؛ پس باید پذیرفت که ایران عنصری الهام‌بخش است.

موضوع دیگر این که ایران قدرتمند است؛ از نظر دانش و استعداد، صلاحیت اداره کشور را دارد، لذا می‌خواهند در این کشور اخلال به وجود آورند! شما می‌بینید هر چندگاهی ما با مشکلی مواجه می‌شویم. اوایل انقلاب کودتا و تجزیه‌طلبی بود، سپس حمله عراق به ایران را طراحی کردند، چون نبایستی این انقلاب پا می‌گرفت. امروز مسائل دیگری به وجود آورده‌اند که مسئله انرژی اتمی از جمله آنها است، در حالی که امریکایی‌ها در زمان شاه با این موضوع موافقت کرده بودند که ایران فن‌آوری اتمی داشته باشد، سازمان انرژی اتمی نیز در زمان شاه پایه‌گذاری شد، همین راکتور تحقیقات اتمی را در زمان شاه به ایران دادند. در زمان شاه قرار شد آلمان‌ها در ایران نیروگاه اتمی بسازند. چه حادثه‌ای رخ داده است که امروز می‌گویند: ایران نباید انرژی اتمی داشته باشد؟ چون نظریه آنها برای اداره دنیا عوض شده است، می‌گویند اگر ایران همان وضع زمان شاه را داشت ما نه تنها فن‌آوری هسته‌ای به او می‌دادیم، بلکه بمب اتمی هم اگر داشت مشکلی نبود، چون بنا بود ژاندارم امریکا در منطقه باشد. اما امروز که ایران کشوری مستقل و اسلامی است، الهام‌بخش است، فن‌آوری اتمی نباید داشته باشد، چون قدرتمند می‌شود و این قدرت پشت این عنصر الهام‌بخش قرار می‌گیرد و منفجر می‌شود! پس باید جلو آن را گرفت.

حقوق بشر مسئله‌ای دیگر است؛ زمان شاه در ایران چه خبر بود؟ مبارزین ما در زندان بودند و نمی‌گذاشتند صدای کسی در بیاید، اما ایران مشکلی درخصوص حقوق بشر نداشت. امروز هر چند وقت یک بار موضوعی را در زمینه حقوق بشر در کشور ما مطرح می‌کنند

کشورهای خلیج فارس و اطراف را نگاه کنید، در کدام‌شان دموکراسی وجود دارد؟ سلاطین آنجا حاکم هستند، اما مشکل حقوق بشر ندارند! ولی علیه ما هر روز مسائلی در بارهٔ فقدان حقوق بشر در ایران ارایه می‌کنند، زیرا تدبیر آنها این است که شما را کشور خطرناکی جلوه دهند. اما خطرتان کجاست همان جایی است که خانم رایس گفت: مساجد!

نمی‌خواهم غلوّ کنم؛ نمی‌خواهم بگویم فقط مساجد، ولی مسجد رکن فوق‌العاده مهمی است؛ رکنی بالقوه مهم است نه بالفعل، در همه جا سعی دارند که همان بالقوه بماند. شما با چند چیز مواجه هستید: اول این مسأله که بدانید آنها توجه‌شان به مساجد فوق‌العاده زیاد هست! متأسفم از این که باید عرض کنم، در کشور ما و بعضی از کشورهای اسلامی هر کدام به یک شکل، آن قدری که آنها به مساجد توجه دارند خودمان نداریم! یعنی درک نکرده‌ایم که این پایگاه چه ظرفیتی دارد و چه کارهایی می‌تواند بکند!

شما با دو چالش بیرونی و چالش مهم درونی مواجه هستید که با هم مرتبط هستند. چالش بیرونی چیست؟ وقتی خانم رایس می‌گوید مساجد، نمی‌گوید با بلدوزر مساجد را خراب کنید، اصلاً این طور نیست، مساجد باشند، پول هم می‌دهیم، حتی می‌توانید مساجد را زیاد کنید، اما نوع کاری که در مساجد باید انجام بشود، متفاوت است. چه کاری نباید در مساجد بشود؟ آقای جیمز می‌گوید: ما با اسلامی خاص مواجه شده‌ایم و اسمش را گذاشته‌اند اسلام جنگی! اما ما می‌گوییم اسلام جهادی، اعتقاد آنها این است که این اسلام باید از ذهن جوان مسلمان پاک شود، یعنی فکر جهاد باید از ذهن جوان مسلمان بیرون رود. پس شما با این مسئله مواجه هستید، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر، می‌خواهند کاری کنند که در مساجد، آن اسلام واقعی که اسلام ناب محمدی ﷺ است با همه ابعادش مطرح نباشد و محدود بشود. می‌گویند نماز بخوانید، اما نباید این فکر اسلامی را ترویج کنید که این نکته بسیار مهمی است.

بعضی از نزاع‌هایی که در کشورهای اسلامی به وجود می‌آید نشأت گرفته از همین موضوع است. می‌گویند شما وارد این حریم نشوید. هم‌اکنون قانون اساسی عراق در دستور کار است، خوب هزار سال است که نجف پایگاه مرجعیت بوده است، نمی‌شود که مرجعیت را

در عراق نادیده گرفت، مگر می‌شود قانون اساسی در آنجا نوشت و مرجعیت را نادیده گرفت، نمی‌شود! اگر هویت تاریخی آنجا را در نظر بگیریم می‌بینیم امکان ندارد. ولی امریکایی‌ها با صراحت گفته‌اند که مرجعیت نباید در قانون اساسی بیاید و اگر هم ذکری شد این مراجع نباید در مسائل سیاسی دخالت کنند، یعنی فقط قبّه نُور باشند و در زندگی مردم دخالت نکنند، چرا؟

امریکایی‌ها تحلیلی دارند، مخصوصاً آن‌ها که الآن حاکم هستند، با صراحت می‌گویند: ما این قدر قدرتمند شده‌ایم که می‌توانیم هم امیر دنیا باشیم و هم سلطه جهانی داشته باشیم!! اگر کسی می‌خواهد آقایی کند باید لوازمش را هم داشته باشد و این لوازم همیشه یکی نیست. همین آقای جیمز در آخرین کتابش می‌گوید: امریکایی‌ها دو چیز را خلط معنا کردند: یکی رهبری جهانی و دیگری سلطهٔ جهانی، می‌گویند: می‌خواهیم هم رهبر جهان باشیم و هم گوناگونی را از همهٔ دنیا بگیریم، مختلف سخن گفتن، مختلف زندگی کردن و...!

اگر کسی می‌خواهد آقای کسی باشد، باید احترام دیگران را هم حفظ کند، ولی آنها طور دیگری عمل می‌کنند. از نظر آنها هیچ دولت و مردمی محترم نیست و حقی ندارد، این‌ها چرا به این نتیجه رسیدند؟ شصت تن از دانشمندان آمریکایی نامه‌ای نوشتند و هویت خودشان را نشان دادند، گفتند: ما بهترین روش زندگی برای بشر را به دست آورده‌ایم!!

می‌گویند ما دو روش برای زندگی داریم؛ یکی روش زندگی امریکایی که بهترین دستاورد بشریت و روشی نوین است و همه عرصه‌ها را اعم از سیاست، اجتماع، فرهنگ و دیگر مسائل را در برمی‌گیرد. در دل این روش زندگی، نگاه نفرت‌گرایانه‌ای به زندگی دینی هست، اخلاق نسبی وجود دارد، سیاست لیبرال وجود دارد، اقتصاد سرمایه‌داری وجود دارد، مجموع این‌ها روش زندگی امریکایی را نشان می‌دهد. می‌گویند: امروز ما مواجه شده‌ایم با روشی دیگر در زندگی، آن روش دیگر چیست؟ روش زندگی اسلامی است، تفکّر اسلامی فقط نماز خواندن نیست؛ عنصر جهاد را نیز در بردارد، اگر مسائلی هم‌چون جهاد نبود نگرانی آنها کمتر می‌شد. می‌گویند: چیز جدیدی دارد به وجود می‌آید و آن عنصر روشنگری اسلامی است! که این حرف درستی است.

واقعاً امروز دنیای اسلام وارد عصر روشنگری اسلامی شده است؛ اگر شما به چهل سال پیش برگردید، می‌بینید در کشورهای اسلامی مانند عربستان، بحرین و امارات حتی یک فرد تحصیل‌کردهٔ مسلمان نبود که آگاهی او درخصوص مسائل اسلام فراتر از مسائل شرعیه‌ی فردی باشد. اما امروز این طور نیست. امروز طبقه روشنفکری به وجود آمده است (چه شیعه و چه سنی) می‌خواهند هویت اسلامی را یاد بگیرند و به خوبی درک کنند تا روش زندگی‌شان را براساس اسلام پایه‌ریزی کنند چه در سطح اجتماع، چه سیاست، چه فرهنگ، چه زندگی فردی و چه اجتماعی.

جیمز سخن جالبی دارد؛ می‌گوید که:

«روشنگری یعنی خارج شدن از دوران کودکی، از دوران جاهلی، و عبور به جهان اندیشه‌ورزی، یعنی زمانی که عقلانیت بلوغ پیدا می‌کند، دوران رهایی از قید سادگی و جسارت فهمیدن و فهماندن فرا می‌رسد».

جهان اسلام امروز وارد این عرصه شده یعنی شرایطی به وجود آمده است که از دوران کودکی عبور کند و به دوران اندیشه‌ورزی برسد. می‌خواهد از قید حاکمیت‌های سیاسی و بعضی از تعصبات غلط خارج شود، می‌خواهد بفهمد. هم‌اکنون عصرِ روشنگری اسلامی است. نگرانی آنها هم این است، می‌خواهند یک اسلام بدلی به ما بدهند. پس نکته اول این است که باید همین مساجد باشند، اما علاجشان کنیم، در عصر روشنگری اسلامی باید چیزی ارایه دهیم که مبنای عقلانی داشته باشد. جوان می‌خواهد منبسط به اسلام نگاه کند، همه حقایق اسلام را در عرصه‌های گوناگون متوجه بشود. این تفکر باید به جوان مسلمان بگوید که تو هویت تاریخی داری، تو عقبه تاریخی داری، اسلام محدود به احکام و مسائلی خاص نیست بلکه در همه زمینه‌ها مطلب دارد جهان‌بینی دارد، ایدئولوژی دارد. آنها می‌خواهند در این اخلال ایجاد کنند، لذا شما می‌بینید که در عراق همان مقدار مبارزه می‌کنند که در افغانستان می‌کنند.

برای شما جالب است که بدانید، در بعضی از کشورهای اسلامی، می‌گویند: اگر می‌خواهید حزب تشکیل دهید مانعی ندارد اما نباید هویت اسلامی داشته باشد.

این مجموعه شطرنجی است که برای دنیای اسلام طراحی شده است! چرا؟ برای این که این فکر اسلامی از درون مساجد در می‌آید، لذا می‌خواهند آن فکر جهادی را از بین ببرند تا همانند کبریت بی‌خطر بشود.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«ان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه».

جهاد است که باعث عزت‌مندی مسلمین می‌شود، باعث می‌شود برای مجاهدین راه باز شود همان‌طورکه برای اولیا و خاصان درگاه خداوندی باز می‌شود. همین عنصر را می‌خواهند بگیرند! چرا با حزب الله لبنان مبارزه می‌کنند؟ چون حزب‌الله می‌گوید: ما می‌خواهیم از حقوق مردم دفاع کنیم، چیز دیگری نمی‌گوید. فکر نوینی در حال پیدایش در منطقه است. شما به هر حال با چالشی بین‌المللی که فشارش را در داخل به کشورهای اسلامی وارد می‌آورد، مواجه هستید.

حال می‌خواهم چالش درونی را عرض کنم. خانم رایس می‌گوید:

«حوزه‌ی کار فقط شامل دولت‌ها نیست، عرصه جنگ ما عرصهٔ جنگ نرم است».

لذا دنبال منابع مالی مساجد هستند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که عرصه جنگ نرم یعنی چه؟ یعنی با شما مواجه می‌شوند با عملیات روانی که انجام می‌دهند، مجموعه محصولات فرهنگی که عرضه می‌کنند طوری است که شما تاب نمی‌آورید، این چالش درونی است! یعنی تمام ساز وکارهای رسانه‌ای و امکانات فرهنگی را طوری سوق دهند که جوان مسلمان در کشور خودش در پیله‌ای غوطه‌ور باشد تا او را به عالم اطراف خودش مشغول نماید. اعتیاد، فحشا و مسائل اخلاقی نمونه‌هایی از آن است، وقتی سرگرم زرق و برق دنیا شدند دیگر نمی‌توانند از این هاله در بیایند.

اقدامات فرهنگی برای دنیای اسلام فوق‌العاده مهم است که روی آن دارند سرمایه‌گذاری می‌کنند. این اختصاص به ایران هم ندارد. مربوط به همه کشورهای اسلامی است، البته برای ما هم هست. یعنی از ماهواره‌ها، محصولات فرهنگی و انواع این‌ها استفاده

می‌کنند، حتی بازی‌های کامپیوتری طراحی می‌کنند، برای این که عرصه، عرصه جنگ نرم است، باید فکرها را عوض کرد، یعنی می‌خواهند با جوان مسلمان کاری بکنند که تصور نکند چیزی بهتر از دموکراسی لیبرال وجود دارد. خوب شما این دو چالش مهم را در پیش رو دارید.

چه کار باید بکنیم؟ من چند توصیه دارم:

اولین مسئله این است که فرهنگ اسلامی را یک بُعدی منتشر می‌کنند، لذا شما باید تلاش کنید تا همه زیبایی‌های اسلام منتقل شود. یعنی پایگاه مسجد تبدیل شود به مکان تبیین جهان‌بینی اسلامی، ایدئولوژی اسلامی، همه حقایق اسلامی؛ قبول کنیم که در این زمینه کاستی داریم. خیلی از مساجد هستند که روحانی ندارند! ببینید چقدر ضرر است مسجد را داریم، روحانی هم داریم، اما این دو با هم متصل نمی‌شوند، چرا نمی‌شوند؟ بیشتر از همه مشکل مالی است! مثلاً روحانی امکاناتی ندارد که بتواند در محل موردنظر زندگی کند!!

فکر می‌کنم استقلال مساجد از نظر مالی رکن است، ولی این نباید ما را غافل کند که کمک کردن به مساجد تنها در حد سرپا نگاه داشتن آن باشد، بلکه باید روحانی برود به مسجد و روشنگری بکند. نباید این مسئله تحت‌الشعاع دیگر مسائل قرار گیرد. بعضی‌ها از روی حسن نیت می‌گویند: مساجد باید روی پای خودشان بایستند! اما وقتی مردم آن منطقه پول ندارند خرج روحانی را بدهند، این مسجد چگونه روی پای خود بایستد. اگر دولت اسلامی وجود دارد، همان‌طور که برای تئاتر پول می‌دهد، برای موسیقی و سینما پول می‌دهد، کمی هم پول برای مساجد هم اختصاص بدهد.

این موضوع برای ما خیلی مهم است، اگر خانم رایس می‌گوید که مساجد نباید دایر باشد، شما باید دایرش کنید. در مساجد باید همه حقایق اسلام را بگوییم، همان اسلامی که آنها از آن فرار می‌کنند. باید جهان‌بینی اسلامی توضیح داده شود. گاهی فکر می‌کنم، اگر برخی از آثار متفکرین را مانند جهان‌بینی توحیدی شهید مطهری برای جوان‌ها بیان و توضیح داده شود، این‌ها هدایت می‌شوند، در مورد امواج فکری صاحب نظر می‌شوند. باید با نهج‌البلاغه و قرآن آشنا بشوند، باید کلاس قرآن داشته باشیم؛ یعنی خیلی کارها باید در مساجد انجام

شود، زیرا فقط نماز نیست، هرچند رکن است. کلاس قرآن و نهج‌البلاغه، آیین جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلامی است. یعنی اگر ما می‌گوییم وارد عصر روشنگری اسلامی شده‌ایم، بدانیم که باید جوان‌ها را از نظر مبانی فکری تغذیه کرد.

نکـــتهٔ دوم درگیر کردن شیعه و سنی است که آن را تدبیر امریکا و غرب می‌دانم؛ می‌خواهند ما را مشغول کنند. خطرناک‌ترین شرایط برای آمریکا این است که شیعه و سنی با هم متحد بشوند. لذا سعی می‌دارند ما را در هر زمینه‌ای به هم بدبین کنند؛ یعنی رفتاری که در مناطق مختلف به وجود آمده طوری است که این دو گروه نسبت به هم بدبین شوند.

مرحوم آیةالله بروجردی زحمت زیادی کشیدند که این دو قشر را به هم نزدیک کنند. نظر امام بزرگوار ما هم این بود که امروز خطر نزدیک شدن دو فکر شیعه و سنی برای آمریکایی‌ها خیلی جدی است، لذا تلاش می‌کنند آنها را به هم بدبین کنند، در نجف بمب می‌گذارند تا تمام شیعیان نگران بشوند و روز بعد در منطقه سنّی‌ها این کار را می‌کنند تا آنها را هم نگران می‌کنند و باعث بدبینی شود. این کاری از پیش طراحی شده است!

توصیه‌ام این است که ما حقایق دینی را بگوییم ولی حواسمان جمع باشد، آنها دنبال این هستند که شیعه و سنی را به جان هم بیندازند! شیعه و سنی با عصبانیت به هم نگاه نکنند زیرا هر دو مسلمان‌اند، باید با هم گفتگو بکنند بدون نفرت و کینه.

از خانم بی‌نظیر بوتو در مصاحبه‌ای پرسیدند: شما که تحصیل‌کردهٔ انگلیس هستید، چه طور عمل کردید که این طالبان را به وجود آوردید؟ آنها که افراطی و تروریست‌اند؟ گفت:

«این قدر به ما حمله نکنید، طالبان را فقط ما به وجود نیاوردیم، طراحی‌اش را امریکا و انگلیس کرده‌اند؛ پولش را امارات و عربستان داده‌اند و امور اجرایی آن را هم ما انجام دادیم».

این خلاصه کلامش است. طالبان را به وجود آوردند تا بین شیعه و سنی اختلاف به وجود آورند!

چندی پیش شهردار لندن گفت: ما «القاعده» را به وجود آوردیم، وقتی که بحران در

انگلیس به وجود آمد رویهٔ آنها تغییر کرد. نمی‌خواهم بگویم این حرف درست است ولی زمانی این‌ها حامی این جریان بودند، نمی‌دانستند وضعیت «القاعده» تغییر خواهد کرد.

این موضوع برمی‌گردد به حرفی که امروز نئوکان‌ها می‌زنند، آنها در مورد امریکای لاتین می‌گویند که در زمان ریگان جنبش‌های اجتماعی و سیاسی را دامن زدید برای این که مقاصدی داشتید، می‌خواستید دولت‌هایی را نابود کنید و با شوروی سابق بجنگید در آن زمان این‌ها پاگرفتند و حالا جلو شما می‌ایستند.

این هم نادرست است، زیرا همه مطلب این نیست. موضوع این است دنیای اسلام به عصر روشنگری اسلامی رسیده و انقلاب اسلامی ایران نیز در آن خیلی مؤثر بوده است؛ یعنی نسل امروز صرفاً با حقایق سطحی و مسایل پنداری ارضا نمی‌شود، می‌خواهد همه منظومه فکر اسلامی را بفهمد و آنها هنوز این را نفهمیده‌اند، اما بعضی از این‌ها، طالبان را به وجود آوردند تا افراطی‌گری به وجود آورد، اگر قبول داریم پس چرا نشستیم؟ پایگاه‌های مساجد باید تلاش کنند تا دوستی در دنیای اسلام به وجود بیاید. نگوییم بهتر است بعضی از مسائل مطرح نشود چون امکان دارد مشکل ایجاد کند. باید از امام بزرگوار و آیةالله بروجردی پیروی نمود، آن نگاه، نگاه درستی است.

نکته دیگر فشار آمریکاست تا همه بگویند اسلام مصادف با خشونت است. انصافاً بسیار نامردی می‌کنند، وقتی حمله کردند به مسجد الخلیل در فلسطین و مردم را قتل عام کردند (حادثه خیلی خشنی بود، قابل توجیه در سطح یک انسان متعارف نبود، کسانی به مسجد حمله کنند و همه را به رگبار ببندند!) در رسانه‌های غربی مسئله این طور مطرح شد که حادثه‌ای سهوی بود، گفتند کسی که این کار را کرده دیوانه بوده است. نگفتند: تروریست! اما به فلسطینیانی که از سرزمین خود دفاع می‌کنند، می‌گویند: تروریست است! یعنی طراحی عملیات روانی می‌کنند؛ آنجا که اسرائیلی‌ها کاری می‌کنند می‌گویند: دیوانه بود و آنجا که فلسطینی دفاع می‌کند می‌گویند: تروریست است! چون قصد جوسازی دارند، می‌خواهند بقبولانند که اسلام با خشونت مترادف است!! بعضی از رفتارهای طالبان باعث می‌شود این اتهام در ذهن این‌ها کاملاً جا بیفتد.

اسلام دینی عقلانی است، روش زندگی اسلامی، روشی عقلانی است؛ روایات بسیاری درخصوص توجه به عقل داریم. در قرآن کریم تدبّر و تعقل، حق است. خطری که آنها احساس می‌کنند همین است، چون تا چیزی معقول نباشد فراگیر نمی‌شود، وقتی بر دل‌ها می‌نشیند که زیبایی داشته و مفهوم باشد، از این مسئله می‌ترسند؛ لذا می‌خواهند دین اسلام را افراطی نشان بدهند.

بعد از ۱۱ سپتامبر، توجه به اسلام و خواندن کتاب‌های اسلامی در دنیای غرب فزونی یافت؛ امروز در اروپا و کشورهای اسلامی این فکر به وجود آمده که زندگی ایرانی و روش زندگی اسلامی بر پایه‌ی عقل استوار است، یعنی با هواپیما به داخل ساختمان نمی‌رود، بلکه عاقلانه مبارزه می‌کند، آمریکا را به صورت عقلانی قبول ندارد؛ رفتارش معقول است، همین مسئله است که آنها را نگران کرده، مبنا داشتن برای مسائل عقلانی یعنی درست مقابله کردن با این امر.

قبل از انقلاب روزی به شهید مطهری گفتم: دانشجویان ما با این که جوهرشان خوب است ولی گرایش به مارکسیسم و تشکل‌های دیگر پیدا می‌کنند، چرا این طور می‌شوند؟ (نکته‌ای که گفتند به درد امروز ما می‌خورد) گفتند: شماها در دانشکده فنی درس می‌خوانید، فیزیک می‌خوانید، ریاضی می‌خوانید، اما از نظر معارف اسلامی کاوش عمیق نمی‌کنید، بعد از دانشگاه هم اعتبارات اجتماعی پیدا می‌کنید، آقای مهندس! آقای دکتر! ولی به همین میزانِ اعتبار اجتماعی، از نظر اسلامی قوام فکری پیدا نکرده‌اید، لذا در برخورد با امواج فکری گمان می‌کنید، همین موقعیتی را که در اجتماع دارید، در حوزه اندیشه هم دارید. راه حلش این است که مسائل معقول اسلامی را هم بیاموزید تا نگاه‌تان به مسائل اسلامی، عقلانی باشد؛ که این آموزش می‌خواهد، در مساجد باید این فکر جا بیفتد.

اگر امروز می‌خواهید جلو سکولاریزم یا لیبرالیزم بایستید، باید به صورت معقول باشد، با فحاشی که نمی‌توانید چون جوان مسلمان در دانشگاه و دبیرستان با این فکر مواجه می‌شود لذا احتیاج به تعلیم و سازماندهی صحیح دارد. هم‌چنین باید مسائل اخیر را بشناسیم که یکی همه جانبه بودن تفکر اسلامی است، بدانید آمریکایی‌ها نمی‌خواهند اندیشه جهاد را ترویج کنید.

موضوع دیگر اختلافات شیعه و سنی است و مطلب دیگر این است که می‌خواهند مبانی عقلانی در آموزش‌ها پایین باشد؛ یعنی نتواند با مکتب‌های دیگر مواجه شود!

از دیگر مسائلی که امروز برای دنیای اسلام فوق العاده مهم است، گفتگوی بین ادیان است. سال‌هاست که بحث گفتگوی بین ادیان در جمهوری اسلامی در سطح وزارت ارشاد و وزارت خارجه مطرح است، اما کافی نیست، باید از حالت رسمی در بیاید و جنبه گسترده‌تری پیدا کند. اینکه چند تا عالم اسلامی بروند واتیکان و با چند تا عالم مسیحی صحبت کنند، خوب است ولی باید فراتر برویم؛ اگر می‌خواهید دنیای امروز تحول پیدا کند باید روشنگری اسلامی را منتشر کنید.

شماره ۱۳

برای شما جالب است بدانید اگر ۴۰ سال پیش دانشمندان زیست‌شناس و ریاضی‌دان را جمع می‌کردید و می‌گفتید: کدام‌تان موحدید؟ شاید یک نفرشان می‌گفت: من موحدم! اما امروز شرایط عوض شده است؛ یعنی نیاز فکری انسان‌ها موجب شده مسیحی و مسلمان

به این سو کشیده شوند این امور که به عنوان دانش می‌خوانیم، همهٔ حقیقت نیست، چیزهای دیگری هم وجود دارد! این نکته مهمی است. امروز در مجامع علمی این بحث مطرح است که آیا این تعریف ارایه شده برای علم و دانش و توانایی‌ها و اندیشه انسان‌ها جامع و کامل است، آیا این مجموعه قدرت عقلانی و توانایی بشر است؟ مسلم است که نمی‌توانیم دانش و توانایی فکری بشر را در قالب علم فرموله کنیم.

برای آنها که در زمینه‌ی علم منطق کار کرده‌اند روشن شده است که نمی‌شود همهٔ توانایی‌های فکری و عقلانی بشر را فرموله کرد و در قالب علم امروز قالب‌ریزی کرد. ذهن بشر چیزی بیشتر می‌خواهد، که بخشی از آن انبساط علم است و بخشی هم نیازهای دیگر است و این موجب گرایش به معنویت و اخلاق شده که مسئله‌ای عمومی است و فقط منحصر به دنیای اسلام نیست. اخلاق‌گرایی امروزه خیلی طرفدار دارد. گفتگوی بین ادیان باید در سطوح پایین‌تر جامعه گسترش یابد. گفتگوی بین ادیان کمک می‌کند تا شطرنجی که امریکایی‌ها برای به وجود آوردن افراطی‌گری درست کرده‌اند باز شود. برای برقراری صلح جهانی نقاط قوت بسیاری وجود دارد. اما نمی‌خواهند چنین شود، می‌خواهند سرگرم‌مان کنند تا از راه صحیح منحرف شویم.

اگر تاریخ را مطالعه کرده باشید متوجه شده‌اید که انگلیسی‌ها در شرق و خاورمیانه پیوسته دنبال این بوده‌اند که مذاهب جعلی درست کنند و مردم را به جان همدیگر بیندازند. و امروز با روشی پیچیده‌تر مطرح است؛ تدابیر خود را عوض کرده‌اند، اما نتیجه کار همان است، این که شما را به جان هم بیندازند، سعی دارند مسائل جزیی را بزرگ جلوه دهند. لذا باید حتماً روش‌ها را تغییر بدهیم.

باید نکته‌ای را عرض کنم که خیلی اهمیت دارد. شاید تا بیست سال پیش دکترینی در امریکا وجود داشت که می‌گفتند: «برای کشورهای ضعیف باید روش‌مان این باشد که چماق را بلند کنیم ولی صدامون پایین باشد، چماق را که بلند بکنیم آنها کوتاه می‌آیند؛ آن وقت با زبان نرم بر آنها مسلط می‌شویم» اما امروز روش را عوض کرده‌اند؛ نئوکان‌ها می‌گویند: «چماق بلند با صدای بلند!!» زیرا اعتقاد دارند که ابتدا باید در سطح دنیا از نظر حقوقی دیگران

را خراب کنند، و چماق را هم بلند کنند، تا از ترس مرگ، همه را به خودکشی وا دارند. امروزه دنبال جنگ نیستند، اما با صدای بلند و با چماق حرکت می‌کنند تا شما با دست خودتان آن چه آنها می‌خواهند، انجام بدهید!! لذا دنیای اسلام مضطرب است. ببینید در عراق چه کار کردند! مردم را بیچاره کرده‌اند، هرچند خودشان در عراق گرفتار شده‌اند. آنها نمی‌خواهند این حادثه تکرار بشود، لذا صدا را بلند می‌کنند که شما از ترس تحرک‌تان را از دست بدهید. امریکا نمی‌خواهد حادثهٔ عراق تکرار شود. ۱۴۰ هزار سربازشان در عراق گرفتار شده است، بیش از ۲۰۰۰ کشته و زخمی داده‌اند. در حال حاضر نگران مادرانِ سربازان امریکایی هستند زیرا نمی‌توانند این مسئله را توجیه کنند. آنها در آنِ واحد نمی‌توانند در چند جا بجنگند چون ظرفیتش را ندارند، لذا چماق عراق را بلند کرده‌اند تا دیگران را فریب دهند، و بترسانند.

باید درست تحلیل کرد؛ دنیای اسلام دنیای فقیری نیست، نباید از صدای بلند ترسید، تدبیر آنها این است! باید به فرزندان مسلمانان تحلیل صحیح سیاسی ارایه بدهیم، آنچه در ظاهر است، عملیات روانی است، همه حقیقت نیست.

اخیراً کتابی نوشته شده به نام «سرزمین من» که نویسنده‌ی آن یهودی است. مؤلف این کتاب می‌گوید:

> «من با این که بوش نسبت به ایران سختگیری کند موافقم، ولی با رفتار جنگ‌طلبانه علیه ایران مطلقاً مخالفم، زیرا اگر با ایران جنگ کنیم آنها با هم متحد می‌شوند، خودتان را درگیر مسائل پیچیده و مشکلی می‌کنید، بهتر است سیاست چماق و صدای بلند را ادامه دهید».

مسلمانان باید بدانند در عصری زندگی می‌کنند که تاکتیک «صدای بلند و چماق» است، قصد ندارند با شما درگیر شوند، عملیات روانی انجام می‌دهند، مراقب باشید تو دل‌تان را خالی نکنند. زمانی است که شما باید پایگاه بصیرت فرهنگی و بصیرت سیاسی در مسجد بنیان نهید.

من در اینجا الگویی برای مساجد در عصر حاضر طرح و عرضم را تمام می‌کنم. امروز اگر بخواهیم این مأموریت بزرگ را در مساجد به خوبی انجام دهیم تا فقط جایی برای نماز نباشد، ابتدا باید سعی کنیم که مسجد بدون روحانی نباشد، و این وظیفهٔ دولت و علماست. در ایران بسیاری از مساجد روحانی ندارند.

نکته دیگر این که باید با مدیریت درست اقامه نمازها سروقت صورت گیرد (صبح، ظهر و مغرب)، نه این که صبح‌ها نماز نخوانند! زیرا نماز صبح خودش باعث بیداری و بصیرت می‌شود؛ وقتی خدا به فجر قسم می‌خورد: ﴿**والفجر و لیال عشر**﴾ یعنی این که فجر موجب بیداری و بصیرت می‌شود؛ این خواب‌آلودگی که نسل امروز دارد به علت این است که فجر ندارد، صبح باید بیدار شوند! خواب صبح بسیار کراهت دارد، اما همه می‌خوابند! اگر می‌خواهید روشنی دل و روشنی فکر داشته باشید به گفته‌های اسلام توجه کنید، قرآن را هنگام فجر بخوانید. این یکی از وظایف مساجد است. وقتی می‌گوییم اسلام را همه جانبه نگاه کنید، یعنی این‌ها را هم ببینید، نگوییم تحجر است، این‌ها اصل و واقعیت اسلام است! امروز تحجر سنتی همان قدر اسلام را تهدید می‌کند که تحجّر مدرن تهدید می‌کند.

وقتی راجع به اسلام صحبت می‌کنیم، همه حقایقش را ببینیم، نه آن که در این زمینه روشنفکری داشته باشیم به این معنا که بخواهیم اسلام را در قالب سیستم دیگر پیاده کنیم!! وقتی می‌خواستیم راجع به مستضعفان صحبت کنیم آنها می‌گفتند: پرولتاریا! یادتان هست این گروه‌های مارکسیستی چه می‌گفتند و چرا؟ می‌خواستند اسلام را در قالب مارکسیسم پیاده کنند، فکر می‌کردند روشنفکری فقط آن است! امروز روشنفکری چیز دیگری است. وقتی راجع به حقوق انسان‌ها صحبت می‌کنند راجع به آزادی صحبت می‌کنند، مثل این که اسلام، مخالف است! وقتی راجع به عدالت صحبت می‌کنند، می‌گویند: عدالت را باید همراه با آزادی در نظر بگیریم!

برادر عزیز! کمی کتب اسلامی بخوانید تا ببینید در عالم اسلام، هم آزادی نهفته است؛ اگر عدالتی که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید (که هر ذی حقی به حق خود برسد) بخواهد محقق شود، باید فرد آزاد باشد که برسد.

آزادی یکی از حقوق طبیعی انسان است؛ علامه طباطبایی و شهید مطهری می‌فرمودند:

«آزادی یکی از حقوق طبیعی انسان‌هاست، چرا این‌ها را از هم جدا و محدود می‌کنیم، این تحجر مدرن است؛ اسلام را وارونه نشان می‌دهد».

اکنون که عصر روشنگری اسلامی است باید حقیقت اسلام را با همان زلالی در نظر بگیریم و با دید عقلانی به آن نگاه کنیم. وقتی خدا به فجر قسم می‌خورد نشانه عظمت موضوع است، لذا اگر می‌خواهی زنده‌دل باشی، باید صبح بیدار شوی، اما وقتی مسجد شما صبح‌ها نماز جماعت ندارد، چطور دوست دارید جوان‌ها صبح داشته باشند؟ شما چراغ مسجد را روشن نگه دارید تا آنها صبح داشته باشند؛ تا عادت کنند بیایند. تلاش کنید صبح‌ها حتماً در مسجد نماز جماعت برگزار شود. مسجد جای نماز است، اما باید بدانید مقدماتی لازم است؛ یعنی باید جاذبه‌های آن را زیاد کنید. دشمنان با جاذبه‌های فرهنگی جوان‌ها را توی تور خودشان می‌اندازند، خوب شما هم تور فرهنگی داشته باشید. به ظاهر جوان‌ها توجه نکنید، به باطن آنها توجه کنید. امروز نیاز جوانان مسلمان این است که شما حقایق قلبی را برای آنها بیاورید و اسرار را به آنها بیاموزید.

مرحوم فیض کاشانی وقتی کتاب محجةالبیضاء را نوشت، ضمن ذکر آداب صلاة، اسرار آن را هم نوشت. وقتی شما اسرار حج را می‌خوانید، لذت حج را احساس می‌کنید. لذت حج و لذت عمل به احکام اسلامی را باید به جوان‌ها چشاند؛ یعنی این معارف قلبی چیزی است که جاذبه اسلام را زیاد می‌کند. جوان امروز نیازمند این فکر است؛ باید کانون‌های فرهنگی و هنری در کنار مساجد به وجود بیاید، ما امکانات زیاد داریم؛ از آموزش کامپیوتر گرفته تا آموزش‌های گوناگون دیگر، جوانی که به سایت کامپیوتری مسجد وارد می‌شود باید طوری آموزش ببیند که وقتی «**اشهد ان لا اله الله**» گفتند، مهیای نماز شود، شما دانه بپاشید تا جوان بیاید. امروز زمانی است که شما باید از روش‌های مختلف استفاده کنید، کلاس‌هایی با روش امروزی برگزار کنید، امروز شما نیاز به استفاده از روش‌های نو دارید.

من تحلیل کردم که آنها از شما چه می‌خواهند؟ اگر می‌گویید اسلام باشد

ولی در عرصه‌های جهانی نباشد؛ یعنی اسلام، جهانی نباشد! شما هم باید بروید این‌ها را یاد بگیرید، برای خانم‌ها و آقایان، جوان‌ها و کودکان، کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه بگذارید، این کلاس‌هاست که می‌تواند اندیشه‌ی اسلامی را منبسط کند. جهان‌بینی اسلامی را به روش عقلانی آموزش دهید تا جوانان بتوانند در مقابل افکار دشمنان دوام بیاورند. اگر شما بخواهید مسؤولیت امروز خودتان را بشناسید، باید شرایط بین‌المللی را بشناسید و از این ظرفیت استفاده کنید.

یادتان نرود که اول حرفم سخن خانم رایس را گفتم، خاتمه‌اش هم سخن از او می‌گویم تا یادتان نرود چه گفت؟ گفت:

«مأموریت ما فراتر از دولت‌هاست».

این مساجد و سیستم تغذیه مالی آنهاست که ما باید به آن توجه کنیم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

سخنرانی حاج شیخ عبدالکریم عبید
روحانی آزاده لبنانی

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدلله ربّ العالمین.

بزرگواران اهل علم، برادران و خواهرانم سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

در آغاز می‌خواهم خواهش کنم که گفتارم مقارن با ترجمه نباشد، زیرا بر اهل علم

شماره ۱۹

و اهل قرآن واجب است زبان عربی را یادگرفته، به صورت درست بفهمند و به همین جهت من نیز با زبان عربی فصیح سخن می‌گویم و اهل علم نیز باید مطالب را دریافت کنند. همچنین درخواست می‌کنم که توجه خود را به مطالبی که تقدیم می‌دارم معطوف فرمائید زیرا آنچه به محضرتان تقدیم می‌دارم مطالبی است که آن را از عالمان و نظامیان یهودی در داخل زندان اسرائیل در مدت ۱۵ سالی که در چنگال صهیونیست‌ها بودم، شنیده‌ام و مطالبی است که بین اینجانب و آنها رد و بدل شده است؛ بدین‌رو نکته‌ای که سخنم را با آن آغاز می‌کنم تعبیری است که یهودیان به زبان جاری کرده‌اند نه تعبیر یک مسلمان است و نه سخن قرآن کریم!

یهودی‌خواه عالمان و خواه مأموران حکومتی آنها تعبیری به کار می‌بردند مبنی بر «**الحرب الفاصلة معکم** = جنگ جدایی‌افکن و آشتی‌ناپذیر ما با شما» من از آنها می‌پرسیدم: چرا شما چنین می‌گویید؟ آنان در پاسخ با همان تعابیری که برادرم دکتر لاریجانی هم‌اکنون در سخنرانی خود بازگو نمود، چنین می‌گفتند، زیرا:

اوّلاً: عقیده شما، عقیده‌ای است عقلانی، عقیده‌ای است منطقی؛ بدین‌رو ممکن است به دیگران و حتی به غیرمسلمانان نیز منتقل شود. این عقیده قلب‌ها را قبل از گوش‌ها مخاطب قرار می‌دهد.

ثانیاً: شما به استوانه‌ها و مطالب بزرگی استناد می‌جویید و به رموز مهمی تکیه می‌کنید؛ شما هماره در طول ۱۴۰۰ سال گذشته بر امام حسین علیه‌السلام گریسته‌اید و از او فلسفه «شهادت و جهاد» را آموخته‌اید؛ همچنان که از امام علی علیه‌السلام، معنای «عدالت» را گرفته‌اید و از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آموزهٔ «رحمت» را فراگرفته‌اید و این معانی و مبانی و رموز اکنون نزد شما وجود دارد. [و ما باید بگوئیم این‌ها گنجینه‌هایی است که هرگز بر روی این کره خاکی از بین نمی‌رود.] بنابراین شما ثروتمندترین ملت روی زمین و غنی‌ترین مردمان هستید! اکنون اگر این عقیده و این مبانی با قدرت و توان مادی و معنوی یعنی با وحدت صفوف و قدرت اسلحه جمع شود؛ (همان‌گونه که وزیر مالی کنونی دولت نتانیاهو که خود دو دوره قبل نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی بوده نیز به صراحت آشکارا در سال جاری اعلام کرد و من

آن را شنیدم و چه بسا دیگران نیز شنیده باشند). او نیز گفت: سخت‌ترین دشمن و نخستین دشمن ما ایران و مقاومت اسلامی است و این تعابیر، مصداق سخن خداوند عزوجل است که ما آن را در کتاب الهی «قرآن» چنین می‌یابیم:

﴿لتجدنَّ اشدّ الناس عداوة للذین آمنوا الیهود و الذین اشرکوا﴾.[۱]

آنان حتی نام قرآن را نیز هتک حرمت می‌کنند و خود می‌دانند و ما نیز می‌دانیم که آنان سخت‌ترین دشمنان ما هستند بدین‌معنا که آنان به شدت هرچه تمام‌تر با ما دشمنی می‌ورزند. براین اساس توان و قدرت ما در برابر آنان بر دوگونه است:

۱ ـ قدرت و توان مادی مشتمل بر قدرت مالی و توان نظامی و همه آنچه که خداوند به آن اشاره فرموده است:

﴿و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون‌به عدوالله و عدوکم﴾.[۲]

۲ ـ قدرت معنوی که همان وحدت بین مسلمانان است؛ در اینجا باید بگویم که نخست وحدت باید میان شیعیان تحقق یابد تا آنها قوی شوند. سپس باید میان برادران اهل‌سنت نیز وحدت برقرار شود تا آنان نیز قدرتمند گردند آنگاه باید میان اهل‌سنت و شیعیان با یکدیگر وحدت به وجود آید که در این صورت مسلمانان قدرتی را پدید خواهند آورد که قابل شکستن و قابل استیلا نیست.

این گفتار آن یهودیان بود. اما باکمال تأسف چه بسا بسیاری که من نمی‌خواهم از آنان نام ببرم و در میان آنها برخی یا بسیاری از عالمان دینی جهان اسلام، این حقایق را نمی‌فهمند و ارزش و قدر و منزلت این جمهوری اسلامی که اکنون ما در آن هستیم و ارزش این ولایتی که بر ما سایه افکنده و ما در ظل آن به سر می‌بریم و ارزش امام راحل رضوان‌الله تعالی علیه و ارزش ولی‌امر مسلمین را که خداوند بقا و تداوم سایه وجودش بر مسلمانان را مستدام

---

۱. مائده / ۸۲.

۲. انفال / ۶۰.

بفرماید، نمی‌دانند! آری ما ارزش این‌ها را نمی‌دانیم و چه بسا برخی از آنان، چون در سایه این آفتاب و در نزدیکی این بهشت به سر می‌برند قدر آن را نمی‌دانند!! در مقابل و به دور از آنها نیز افرادی وجود دارند که ارزش و منزلت این نعمت‌ها را به خوبی می‌شناسند.

بنابراین من می‌خواهم در آستانه سالگشت ولادت امیرالمؤمنین علیه السلام و در حالی که در گرامی‌داشت مسجد گفت‌وگو می‌کنیم، سخنی بگویم که چه بسا کسی آن را بدین‌گونه بیان نکرده است و آن این است که: بیت‌الله الحرام از هر خانه‌ای نزد خداوند متعال عزیزتر است، تنها خانه‌ای است که خداوند در قرآن، دو بار آن را به خود نسبت داده و به تطهیر آن امر نموده؛ یک بار حضرت ابراهیم علیه السلام را مخاطب قرار داده ﴿و طهّر بیتی﴾[1] و بار دیگر به حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل علیهما السلام با هم خطاب نموده است: ﴿و طهّرا بیتی﴾[2] در حالی که همه‌خانه‌ها از آنِ خداست و از مساجد الهی نیز ۱۹ بار در قرآن نام برده شده است، ولی از آن میان، تنها بیت‌الله الحرام را دو بار به خود منتسب ساخته است.

اکنون اگر در مورد ولادت امیرمؤمنان علیه السلام در درون کعبه تأمل کنیم، می‌توانیم حقیقت خانهٔ خدا را دریابیم؛ خداوند عزوجل آنگاه که ما را در نماز به رو کردن به سوی خانه‌اش فرمان می‌دهد، همانا اراده نفرموده که ما به سوی سنگ‌های آن خانه رو کنیم زیرا سنگ‌های آن خانه همانند سنگ‌های دیگری است که ارزش چندانی ندارد؛ بلکه ما را از آن جهت به روی آوردن به آن خانه فرا خوانده است که در آن معنا، قداست و محتوایی بلندی قرار دارد؛ امام علی علیه السلام آنگاه که در آن خانه ولادت یافت یا خداوند اراده فرمود که بعداً در آن خانه ولادت یابد تا به مردم بگوید یعنی پس از ولادت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و نزول وحی بر او، خداوند در حقیقت اراده فرموده به مردمان چنین بگوید: هنگامی که خواستید در نمازهایتان به آن خانه رو کنید، به خانه حقیقی توجه کنید! خانه حقیقی همان کعبه خداوند عزوجل است که در رسول الله و امام علی علیهما السلام تمثّل یافته است و ما می‌دانیم که اگر کسی رو به سوی کعبه بایستد و نماز بگزارد اگر از ولایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام را برخوردار نباشد،

---

۱. حج / ۲۶.
۲. بقره / ۱۲۵.

نمازش ارزشی ندارد. این معنا و حقیقت با توجه به حدیث قدسی مشهور، بیشتر دریافت می‌گردد که فرمود:

«لایسعنی ارضی و لاسمائی ولکن یسعنی قلب عبدی المؤمن».

«آسمان و زمین نمی‌تواند مرا در خود جای دهد ولی قلب بنده مؤمنم مرا در خود جای می‌دهد».

آری قلب مؤمن می‌تواند مولی را در خود جای دهد ولی آسمان‌ها و زمین‌ها نمی‌توانند مولی را در درون خود فرا بگیرند و راستی چه قلبی بیشتر از امام علی علیه‌السلام ایمان به خدا و رسول او را در خود جای داده بود؟ مگر پیامبر به او نفرمود:

«یا علی! لایعرف الله الا انا و انت ولایعرفنی الا الله و انت ولایعرفك الا الله و أنا».

«ای علی! خداوند را جز من و تو، کسی نمی‌شناسد و کسی جز خدا و تو مرا نمی‌شناسد و هیچ کس جز خداوند و من، تو را نمی‌شناسند».

در اینجاست که ما وقتی به دشمن توجه می‌کنیم می‌بینیم او این معانی و رموز را [در مورد امام علی علیه‌السلام] دریافته است ولی باید گفت با کمال تأسف برخی از عالمان مسلمان این نکته را درنیافته‌اند بدین‌معنا که به حقیقت آن نایل نگشته‌اند.

اما در باره رمز و مبنای دیگر یعنی امام حسین علیه‌السلام یعنی همان کسی که اسلام را زنده نموده است. نزد ما روایات بسیاری وجود دارد که در مورد زیارت ابی‌عبدالله‌الحسین علیه‌السلام آمده است:

«من زار الحسین عارفاً بحقه کتب له عندالله اجر سبعین حجة مبرورات مشکورات».

«هر کس امام‌حسین علیه‌السلام را در حالی که حق او را می‌شناسد، زیارت کند برای او نزد خداوند پاداش هفتاد حج مقبول و پذیرفته شده خواهد بود».

با پوزش از محضر علما و اسطوانه‌های دانش! در اینجا داستان مشهوری است که مایلم آن را بازگو کنم.

که یکی از علما پس از دیدن روایت فوق در مضمون آن دچار تردید شد که آیا ممکن است زیارت امام حسین علیه السلام هفتاد برابر زیارت خدا پاداش داشته باشد؟ در میان راه به عالم فرهیخته‌ای برخورد کرد و به او گفت: من از دریافت معنای این روایت فرو مانده‌ام! آن دانشمند فرهیخته به او گفت: قبل از پاسخ این داستان را بشنو؛ روزی پادشاهی که برای صید به صحرا رفته بود، پس از گذشت دو روز یا بیشتر که به شدت خسته، گرسنه و تشنه شده بود، به خیمه‌ای رسید در آن خیمه پیرزنی را یافت، ابتدا از او نوشیدنی خواست و وقتی سیرآب شد، اظهار گرسنگی نمود. پیرزن به او گفت در خیمه جز گوسفندی که فرزندم به دلیل ناتوانی جسمیش او را به چرا نبرده، طعامی ندارم؛ اکنون کارد را برگیر و آن را ذبح کن و از آن بخور! پادشاه گوسفند را سر برید ولی بدان‌جهت که بسیار خسته بود، فقط قلب آن گوسفند را که به سرعت آماده می‌شد، خورد و خوابید. شبانگاه فرزند پیرزن از چرا بازگشت و گوسفندان را به آغل برد و نزد مادر آمد. مادر جریان را برای او باز گفت. پسر جوان نگاهی به گوسفند انداخت و دید تنها قلب آن خورده شده است. لذا صبحگاهان که برای نماز صبح برخاست. (همان‌گونه که سخنران پیشین جناب آقای لاریجانی فرمود، من نیز می‌خواهم به اهمیت نقش علما در اقامه نماز صبح اشاره کنم و با کمال معذرت نکته‌ای را بیفزایم و بگویم که برای طالبان علوم دینی فقط اقامه نماز صبح کافی نیست بلکه برآنان لازم است نماز شب را اقامه نمایند برآنان لازم است که با این کار، چراغی باشند که مردم به وسیله آنها هدایت شوند؛ زیرا اگر یک طلبه، نماز شب را اقامه ننماید و در ابتدای طلوع فجر نماز صبح را با مردمان برپا ندارد و بر اقامه نماز و رفتن به مسجدش مداومت نورزد، نمی‌دانم از علوم دینی چه طرفی بسته است و چه به دست آورده است؟!)

بهرحال پسر جوان برای اقامه نماز صبح برخاست و برای تهیه غذای میهمان، چندین گوسفند را سربرید و دل آنها را بیرون آورده، برای پذیرایی از میهمان آماده نمود. داخل پرانتز بگویم (این شخص از نژاد عرب بود که همه چیز خود را برای میهمان آماده می‌کند؛ البته عرب گاه همه‌چیز خود را برای پذیرایی میهمان آماده می‌کند ولی چه بسا برای کسب وجاهت و اعتبار نه برای خداوند که ارزشی ندارد بلکه باید اطعام فقط برای خداوند باشد).

پسر جوان به انتظار نشست تا میهمان از خواب برخاست؛ پس غذایی را که از دل گوسفندان تهیه شده بود، به میان آورد. میهمان ناشناخته به او گفت: چه کرده‌ای؟ گفت گوسفندانم را سر بریدم تا غذای مطبوع تو را فراهم کنم! میهمان گفت: چنین نیست من از گوشت گوسفندان نیز استفاده می‌کنم، دیروز به خاطر خستگی فراوان، فقط از دل گوسفند استفاده کردم! سپس در موقع خداحافظی به او نشانی خود را داد و گفت: هرگاه توانستی بدان شهر که من برآن حکم می‌رانم بیا و این نشان را با خود بیاور تا پاداش کار تو را ادا کنم.

پس از گذشت مدتی جوان چوپان بدان شهر رفت و علامت را ارائه کرد. او را به نزد پادشاه آوردند! پادشاه پس از بازگو کردن داستان، از اطرافیان پرسید: پاداش کسی که همه هستی و دارایی خود را برای پذیرایی از من که خسته و گرسنه بودم، تقدیم کرده بدون آن که بداند من پادشاه هستم، چیست؟ هرکدام پیشنهادی ارایه نمودند؛ برخی گفتند: او را استخدام کن یا واگذاری مناصبی همچون ریاست خدمتگذاران، سرآشپزی و حتی وزارت و مشاورت را مطرح کردند! پادشاه به آنان گفت: انصاف را در حق او رعایت نکردید! گفتند: به نظر شما انصاف در مورد او چیست؟ پادشاه گفت: انصاف آن است که او را پادشاه مملکت قرار دهیم زیرا او سبب احیای پادشاه شده است.

پس از نقل داستان فوق، دانشمند فرهیخته به او فرمود: آیا می‌توان پذیرفت که پادشاهی، چوپانی را که تعدادی از گوسفندان خود را برای او قربانی نموده تا او زنده بماند، به واگذاری منصب پادشاهی پاداش دهد ولی امام حسین علیه السلام که دین جد خود را مخاطب قرار داده فرمود:

«ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیا سیوف خذینی و اشربی من دمی یا کربلا».

«اگر دین جدم حضرت محمد صلی الله علیه و آله جز با شهادت من برپا نمی‌ماند پس ای شمشیرها مرا بگیرید و ای زمین کربلا از خون من سیراب شو!».

و در مقام عمل نیز خانواده، فرزندان، اهل‌بیت و یاران خود و هر آنچه در اختیار داشت به پیشگاه الهی تقدیم کرد تا اسلام زنده بماند، مستحق آن نیست که اگر مردم به زیارتش

نایل شوند، پاداشی برابر هفتاد حج مقبول دریافت کنند؟ براستی آیا اگر امام حسین علیه السلام نبود، بیت‌الله باقی مانده بود؟ اگر امام حسین علیه السلام نبود، هم‌اکنون اسلام باقی بود؟ نماز و روزه باقی مانده بود؟ نه هرگز! بدینسان در حقیقت، قلب امام حسین علیه السلام، قبله‌ای است که باید بدان‌رو کرد.

اکنون سخن را به مساجد متوجه سازیم؛ حقیقت مساجد را باید شناخت و اینجاست که باید به نقش و جایگاه عالمان دینی پرداخت. عالم دینی ـ باکمال معذرت از روی تجربه می‌گویم ـ همان کسی است که افراد را تربیت می‌کند. وقتی می‌گویند: فلان فرد از فلان مسجد بیرون آمده است، چه کسی او را در مسجد تربیت نموده است؟ روشن است امام جماعت و عالم دینی آن مسجد وگرنه سنگ‌ها و دیوارهای مسجد که کسی را تربیت نمی‌کند؛ این عالم دینی است که افراد را تربیت می‌کند، زیرا مردم از عالمان دینی پیروی می‌کنند و به همین جهت بر عالمان دینی لازم است که قبل از آن که دیگران را آموزش دهند و بگویند: این کارها را انجام دهید! خود به انجام آن کارهای نیک بپردازند. قبل از آن که به دیگران بگویند: نماز بخوانید! خود باید نماز بگزارند قبل از آن که به دیگران توصیه کنند، با برادران خود خوب باشید و کمکشان کنید، خود با برادرانشان چنین باشند. آری عالمان دینی باید الگو باشند البته نه در گفتار بلکه در عمل! براستی آیا در قرآن هیچ آیه‌ای را خوانده‌اید که به شما فرمان دهد که فقط به مردم بگویید؟ خیر! ولی در قرآن و خطاب الهی می‌بینیم که خداوند می‌فرماید:

﴿و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله﴾.[1]

«بگو پس عمل کنید بزودی خداوند و رسول او عمل شما را می‌بینند».

بنابراین عالم دینی باید الگوی عملی باشد نه فردی که فقط سخن می‌گوید، تدریس می‌کند؛ اگر فردی خودش بنشیند ولی به مردم بگوید: شما بروید! براستی آیا مردم خواهند رفت؟ و به همین جهت امام راحل قدس سره در خانه‌ای ساده و بی‌آلایش مسکن گزید و از زندگی در قصرها سرباز زد آری چگونه در حالی که برخی از مردم در تهران و جاهای

---

۱. توبه / ۱۰۵.

دیگر، وضع معیشتی مناسبی نداشتند به آنجاها برود؟ این نوع نگرش و عمل، سخن امام علی علیه‌السلام را به خاطر می‌آورد که فرمود:

«الا و ان لکل مأموم اماماً یقتدی به و یستضی بنور علمه الا و ان امامکم قد اکتفی من دیناه بطمریه و من طعمه بقرصیه الا و انکم لاتقدرون علی ذلك ولکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد».

«آگاه باش که برای هر پیروی، پیشوایی وجود دارد که باید به او اقتدا نموده، از نور دانش او، روشنی جوید؛ بدان که امام شما از دنیایش به همین دو جامه کهنه و از غذایش به دو قرص نان اکتفاء نموده است بدانید که شما توانایی آن را ندارید که چنین باشید ولی مرا با ورع، تلاش، عفت و پاکی و پیمودن راه صحیح یاری دهید».

آن حضرت ضعف مردم را می‌دانست که ما نمی‌توانیم به گرده‌ای از نان جوین و پوشاکی ساده اکتفاکنیم لذا ما را به ورع و کوشش و عفت فرا خواند! مسأله همین جاست. اینجاست که عالِم دینی باید الگوی عملی باشد براین اساس مایلم نکاتی را در محضرتان مطرح سازم:

۱ ـ در تجربه‌ای که در مدت ۱۵ سال زندان به دست آورده‌ام. (نمی‌خواهم مبالغه کنم) تجربه من نشان می‌دهد که اگر انسان به وظیفه خود عمل کند و آنچه خداوند به او فرمان داده، عمل نماید، می‌تواند حتی در دشمنان خود نیز تغییر ایجاد کند و عقیده و حالت دشمن خود را نیز دگرگون سازد و مسایل را برایش تبیین کند تا چه رسد به خانواده، آشنایان، فرزندان و جوانان خودمان!

یکی از نظامیان جوان دشمن صهیونیستی که به زندان منتقل شده بود و من او را در زندان دیدم، از او پرسیدم: در مورد من چه فکر می‌کنی؟ حتماً فکر می‌کنی من فردی تروریست هستم که در حال جنگ علیه شما یهودیان هستم و علیه شما فعالیت می‌کنم؟ گفت: آری چنین می‌اندیشم! ولی او پس از گفت‌وگو، روش خود را در برخورد با من تغییر داد و در آن گفت‌وگوها از او پرسیدم: چرا در مورد ما چنین فکر می‌کنی؟ گفت به خاطر آن

که تو می‌خواهی یهودیان را بکشی و علیه آن‌ها فعالیت می‌کنی و جرایمی را در این مورد مرتکب شده‌ای! به او گفتم: هرگز از خود پرسیده‌ای چرا من به این اقدامات علیه شما دست می‌زنم؟ آیا شما چنین کارهای ناروایی را انجام نداده‌اید و یک‌یک برایش کارهایشان را برشمردم.

شماره ۲۰

او سر به زیر انداخت و پس از مدتی کار به جایی رسید که مشکلات خود را با من در میان می‌گذاشت و مسائل خاص خود حتی در مورد نکاتی که بین او و پدرش، مادرش، دوستانش و با دیگران رد و بدل شده بود، با من مشورت می‌کرد و بدین صورت راه گفت‌وگو بین من و او هموار گردید و در روز ۱۵ ایلول که یهودیان در آن روز به مدت ۱۵ ساعت روزه می‌گیرند و آن را روز مغفرت می‌نامند به هنگام غروب که مصادف با شب جمعه بود با او به گفت‌وگویی طولانی به مد ۴ ساعت پرداختم که پس از آن به جوانی خدمتگذار برای زندانیان در بند بدل شد و چون دیدم جز با پذیرفتن اسلام نمی‌توان او را حفظ نمود، پس از گفت‌وگوی بسیار با لحنی حاکی از دوستی به او گفتم: تو یهودی هستی و متأسفانه

گرچه با من نیکی نمودی ولی سرانجام تو آتش جهنم است و من نیز نمی‌توانم در درگاه الهی کاری کنم و شهادت دهم تو با زندانیان نیکو سلوک می‌کردی مگر آن‌که به دین حق روی آوری؟ او پرسید: من چگونه از آتش جهنم نجات می‌یابم؟ من به او گفتم: پس از ایمان به خداوند بزرگ، باید به همهٔ انبیا و پیامبران الهی ایمان بیاوری!

و به تدریج کار را به جایی رساندم که شهادتین را به او ارایه نمودم، او ترجمه آنها را به زبان عبری گفت و مسلمان شد و بعدها به صراحت گفت:

«**اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انّ محمداً رسول الله**».

بنابراین اگر کسی می‌تواند دین یک یهودی را تغییر دهد، بدون شک می‌تواند در یک مسلمان نیز تغییر به وجود آورد و این همان نقش شما عالمان دینی است که باید الگوی مردمان باشید، به آنان آموزش دهید به‌گونه‌ای که همچون قبله‌ای باشید که مردم به آن‌رو می‌کنند و همان‌طور که سخنران پیشین گفت: همه آموزه‌های اسلام را به مردم ارایه کنید، همهٔ ابعاد اسلام را به جوانان آموزش دهید.

عالِم دینی باید بداند چگونه در مورد آموزش دادن جوانان، هزینه نماید، زیرا اگر توجه به جوانان را فروگذارد، آنان به مکان‌های دیگری رو می‌کنند و غرب و شرق نیز درب همه چیز از لذت‌ها و مسایل دیگر را به روی آنها گشوده‌اند؛ این نقش شما عالِمان دینی است که به تعلیم و تربیت جوانان، توجه ویژه داشته باشید؛ بنابراین من در پایان بر چند مطلب تأکید می‌کنم:

نخست آن‌که جایگاه نقش و عالم دینی در مساجد باید عزیز و گرامی داشته شود همچنان‌که وی باید نقش اساسی خود در مسجد را به صورت کامل‌تری ایفا نماید و باید رقابت آشکاری برای حفظ وحدت و عدم تفرقه در مساجد وجود داشته باشد. هر تفرقه‌ای که میان مسلمانان به وجود آمده و حتی هرگونه انشعابی که در میان یک مذهب پدید آمده و اصلاً پیدایش مذاهب متعدده همه از سخنان یک عالم دینی ریشه‌گرفته که بدون دانش لازم سخن گفته است و به آنجا منجر شده است چه بسا کلمه‌ای که به انجام برخی از اعمال یا ایجاد فتنه‌ای انجامیده در فضای بزرگتری منتشر شده است همان‌گونه که دامنهٔ آتش، به اطرافش گسترش می‌یابد، بدین‌رو عالِم باید مسؤولیت اساسی خود را بر دوش گیرد.

دوم آن‌که جوانان ما، اولاد ما هستند و در این راستا عالم دینی باید نخست از خانه خود شروع کند، سپس همه جوانان را مورد توجه قرار دهد. همان‌گونه که مقاومت اسلامی که اکنون در برابر اسرائیل صف‌آرایی کرده، جوانان را به خود جذب نموده است و هم‌اکنون مردم از مقاومت درخواست می‌کنند که آنان را در مبارزه علیه دشمن مشارکت دهند. بدینسان ما باید آگاه باشیم و ویژگی نسل‌ها را بشناسیم و در همه عرصه‌ها به آن توجه کنیم. خداوند ما را در لبنان به یاری دینش موفق گرداند و ما را توفیق دهد که الگو باشیم و ما نیز آمادگی داریم که چنین باشیم.

در پایان خدمت همه و عزیز خودمان مفتی فلسطین می‌گویم که مسأله فلسطین مسؤولیت و امانتی است بر دوش ما تا ان‌شاءالله از دست صهیونیست‌ها آزاد گردد.

از سوی خود و از سوی رهبر مقاومت سید حسن نصرالله و از سوی همه جهادگران مقاومت اسلامی و خانواده‌های آنان و خانواده شهدا و آزادگان و جانبازان مقاومت به شما سلام رسانده و درود می‌فرستم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

افـــتتاح نمـایشگاه بـزرگ تـوانمـندی‌های مسـاجد در هـفته جـهانی گـرامـی‌داشت مسـاجد

بدست حضرت حجةالاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی

ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی

شماره ۳۵

شماره ۳۴

سخنرانی حضرت حجةالاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی، ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری در مراسم افتتاحیه نمایشگاه بزرگ توانمندی‌های مساجد

شماره ۳۶

بازدید ریاست محترم دفتر مقام معظم رهبری از نمایشگاه توانمندی‌های مساجد

شماره ۳۸

نمایشگاه بزرگ توانمندی‌های مساجد

بخش دوم:

کمیسیون‌ها و قطعنامه پایانی

پیش‌گفتار

سومین همایش هفته گرامی‌داشت جهانی مساجد، فرصت مناسبی فراهم آورد تا محققان، پژوهشگران، فرهیختگان و اندیشمندان امت اسلامی در فضایی آکنده از حس مسؤولیت و دلسوزی گردآیند و برای رفع موانع و چالش‌های کنونی مساجد، چاره‌جویی نمایند و برای افزون ساختن زمینه‌های جذب جوانان و ارتقای کمی و کیفی مساجد به تبادل اطلاعات و تجربه بپردازند.

از آنجا که مرکز رسیدگی به امور مساجد بر مبنای مطالعات بنیادی و میدانی خود، تدوین برنامه اجرایی و عملیاتی جامع احیای عظمت، جایگاه و کارکردهای اساسی مسجد در دوران معاصر را مورد توجه قرار داده است، کمیته علمی ستاد هفته گرامی‌داشت مساجد به‌منظور بهره‌مندی هر چه بیشتر از دیدگاه صاحب‌نظران فرهیخته و مدعوان دانشور همایش، براساس طرح و برنامه‌ریزی پیشین، موضوعات اساسی مربوط به مساجد را بررسی کرد و اهم آنها را در قالب پنج کمیسیون تخصصی به شرح ذیل ساماندهی نمود:

۱. آسیب شناسی مساجد و کیفیت مقابله با آنها؛

۲. چشم‌انداز بیست ساله مساجد؛

۳. راه‌کارهای توسعه کمی و کیفی مساجد و چگونگی جذب جوانان؛

۴. معماری مساجد؛

۵. نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت بین مسلمانان.

سپس مطالب اساسی مربوط به موضوعات فوق، تدوین و به صورت مکتوب ارایه گردید و در جلسات هر یک از این کمیسیون‌ها، دیدگاه‌های گوناگونی بیان گردید

که جمع‌بندی آن در مجموعه‌ی حاضر به حضورتان تقدیم می‌گردد و ان شاءالله در برنامه‌ریزی‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

آنچه در پی می‌آید متن جزوه و مباحث مطرح شده در کمیسیون‌های تخصصی است.

خداوند بزرگ را می‌خوانیم که با لطف بیکران خود توفیق بهره‌مندی مطلوب از مساجد را به عنوان زیباترین فضاهای مقدس روی کره زمین به جامعه اسلامی عنایت فرماید تا بتوان از شبکهٔ گسترده، نورانی و جهانی مساجد برای رفع مشکلات جهان اسلام استفاده نمود. ان شاءالله.

دبیر کمیته علمی همایش هفته گرامی‌داشت مساجد

علی رضایی بیرجندی

متن جزوه کمیسیون چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد

﴿انما یعمر مساجد الله من آمن بالله و الیوم الاخر﴾

مسجد به عنوان نخستین و مؤثرترین کانون جمعی و ابزار انتقال و اشاعهٔ اندیشهٔ والای اسلامی از چنان اهمیت و نقشی برخوردار است که پاسداشت و احیای آن یکی از مؤثرترین روش‌های پاسداشت و حراست واقعی از اصل اسلام قلمداد گردیده است و به فرموده امام خمینی قدس سره:

«حفظ مساجد، امروز جزو اموری است که اسلام به آن وابسته است».

برخورداری مساجد از چنین نقش عظیم و تأثیرگذاری در رشد و گسترش فرهنگ اسلامی ایجاب می‌نماید تا به عنوان محوری‌ترین پایگاه فرهنگی و مذهبی‌مدار توجه جدی برنامه‌ریزان فرهنگی قرار گیرد و با آینده‌نگری شایسته، نسبت به تقویت بیش از پیش آن اقدام گردد.

کمیسیون چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد با رویکرد پیش گفته، می‌کوشد تا ضمن توجه به نقش ارزنده و تأثیرگذار مساجد در آینده فرهنگی کشور، **احیای مساجد** را متناسب با مقتضیات زمان بررسی کند تا در مسیر توسعه و سازندگی مساجد در جهت هدف‌های والای خود، دستیابی به محورهایی را برای تدوین سند برنامه‌ای جامع و عملیاتی برای دوره‌های گوناگون پنج ساله فراهم سازد.

اهداف تشکیل کمیسیون

شناخت راهبردها، سیاست‌ها و اولویت‌های آینده مساجد.

شناخت امکانات و ملزومات مورد نیاز در جهت احیا و تقویت مساجد.

بهره‌گیری از نظریات و تجربیات کارشناسان حاضر در کمیسیون جهت تدوین سند چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد.

محورهای مورد بحث در کمیسیون

اولویت‌های سند چشم‌انداز بیست سالهٔ مساجد.

بررسی سهم نهادهای فرهنگی در تقویت نهاد مسجد در جامعه اسلامی.

سهم و نقش ائمه جماعت مساجد در تبدیل مساجد به کانون‌های گسترش فرهنگ اسلامی.

شیوه‌ها و راهکارهای افزایش مشارکت مردمی در احیای مساجد.

تبیین موضوع بحث

ابلاغ متن کامل چشم‌انداز بیست ساله از جانب مقام معظم رهبری به رئیس جمهوری و ارسال همزمان آن برای رئیس مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام، از یک سو فصل جدیدی از جهت‌گیری، سیاست و اهداف کلی برنامه‌ریزی، الزامات و راهبردها را پیش رو نهاد و تحقق آرمان‌ها، سازندگی‌ها، بهبودسازی، پالایش و پیرایش و در یک کلام، تعالی و رشد متناسب با شأن و جایگاه مردم بزرگوار و انقلابی ایران را نوید بخشید و از سوی دیگر برابر فرمودهٔ پرچمدار فرزانه انقلاب اسلامی:

«تدوین سند چشم‌انداز بیست سالهٔ کشور که در آن هدف نهایی تبدیل ایران به کشوری توسعه یافته با هویت اسلامی و انقلابی و الهام بخش در جهان اسلام عنوان شده، تمام امیدهای آنان (دشمنان) را به یاس مبدل کرد».

براساس تأکید متن ابلاغیه، تدوین برنامه جامع و عملیاتی و اهتمام و دقت نظر در تقنین و تحقق و تلاش مجدانه در جهت اجرای آن، از وظایف مهم دولت، مجلس، مجمع تشخیص مصلحت، قوه قضائیه، آحاد سازمان‌های دولتی، مطبوعات و مردم است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد نیز بر مبنای مطالعات بنیادی و میدانی خود، تدوین برنامهٔ اجرایی و عملیاتی جامع را در جهت تحقق اهداف فرهنگی چشم انداز بیست ساله وجهه همت خود قرار داده و جهت استفاده‌ی بهینه از دیدگاه صاحب نظران و اندیشه‌مندان و فرهیختگان، کمیسیون ویژه‌ای را در سلسله همایش‌های هفته بزرگداشت جهانی مساجد برای این امر اختصاص داده است.

امید است که خداوند متعال توفیق بهره‌مندی از نظریات، تدوین نهایی و تحقق اجرای آن را عنایت فرماید.

فرازهایی از سند چشم‌انداز و برنامه چهارم

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی وکوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق آرمانها و اصول قانون اساسی، در چشم انداز بیست ساله:

ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین الملل. جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:

توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر:

مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی؛

برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی؛

امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت؛

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت قضایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب در آمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب؛

فعال، مسؤولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایت‌مند و برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن؛

دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی؛ شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه با تاکید بر جنبش نرم‌افزاری تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح در آمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل؛

الهام بخش، فعال و مؤثر در جهان اسلام با تحکیم الگوی مردم سالاری دینی، توسعه کارآمد، جامعه اخلاقی، نواندیشی و پویایی فکری و اجتماعی، تأثیرگذار بر همگرایی اسلامی و منطقه‌ای بر اساس تعالیم اسلامی و اندیشه‌های امام خمینی قدس سره.

دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه در امور فرهنگی، علمی و فناوری

۱ . اعتلا و تعمیق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایه قرآن و مکتب اهل‌بیت علیهم السلام:

ـ استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل؛

ـ تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده؛

ـ برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی؛

۲ . زنده و نمایان نگه داشتن اندیشهٔ دینی و سیاسی حضرت امام خمینی قدس سره و برجسته کردن نقش آن به عنوان معیار اساسی در کلیهٔ سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها.

۳ . تقویت وجدان کاری و انضباط اجتماعی و روحیه کار و ابتکار، کار آفرینی، قناعت و اهتمام به ارتقای کیفیت تولید، فرهنگ‌سازی برای استفاده از تولیدات داخلی، افزایش تولید و صادرات کالا و خدمات؛

۴ . ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز؛

۵ . تقویت وحدت و هویت ملی مبتنی بر اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی و آگاهی کافی درباره تاریخ ایران، فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی اسلامی و اهتمام جدی به تقویت زبان فارسی؛

۶ . تعمیق روحیه دشمن شناسی و شناخت ترفندها و توطئه‌های دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی؛

۷ . سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر؛

ـ اطلاع رسانی مناسب برای تحقق ویژگی‌های مورد نظر در افق چشم انداز؛

۸ . مقابله با تهاجم فرهنگی؛

ـ گسترش فعالیت‌های رسانه‌های ملی در جهت تبیین اهداف و دستاوردهای ایران اسلامی برای جهانیان؛

۹ . سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیت‌های کشور در جهت افزایش سهم کشور در تولیدات علمی جهان؛

ـ تقویت نهضت نرم افزاری و ترویج پژوهش؛

ـ کسب فناوری، به ویژه فن آوری‌های نو شامل ریز فناوری و فناوری‌های زیستی، اطلاعات و ارتباطات، زیست محیطی، هوا فضا و هسته‌ای؛

۱۰ . اصلاح نظام آموزشی کشور، شامل: آموزش و پرورش، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی و کارآمد کردن آن برای تأمین منابع انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم انداز؛

۱۱ . تلاش در جهت تبیین و استحکام مبانی مردم سالاری دینی و نهادینه کردن آزادی‌های مشروع از طریق آموزش، آگاهی‌بخشی و قانونمند کردن آن.

امور اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی

۱۲ . تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌هایی از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد؛

۱۳ . ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی مؤسسات و خیریهٔ مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی؛

۱۴ . تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان؛

۱۵ . تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی؛

ـ فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب‌های اجتماعی آنان؛

ـ توجه به مقتضات دوره جوانی و نیازها و توانایی‌های جوانان؛

۱۶ . ایجاد محیط و ساختار مناسب حقوقی، قضایی و اداری برای تحقق اهداف چشم‌انداز؛

۱۷ . اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت افزایش تحرک و کارآیی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان، به کارگیری مدیران و قضات لایق و امین و تأمین شغلی آنان، حذف یا ادغام مدیریت‌های موازی، تأکید بر تمرکز زدایی در حوزه‌های اداری و اجرایی، پیشگیری از فساد اداری و مبارزه با آن و تنظیم قوانین مورد نیاز؛

۱۸ . گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم؛

۱۹ . آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول ذیل:

ـ ملاحظات امنیتی و دفاعی؛

ـ کارآیی و بازدهی اقتصادی؛

ـ وحدت و یکپارچگی سرزمین؛

ـ گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛

ـ حفاظت محیط زیست و احیای منابع طبیعی؛

ـ حفظ هویت اسلامی ایرانی و حراست از میراث فرهنگی؛

ـ تسهیل و تنظیم روابط اقتصادی درونی و بیرونی کشور؛

ـ رفع محرومیت‌ها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور؛

۲۰ . تقویت امنیت و اقتصاد ملی با تأکید بر رشد علمی و فناوری، مشارکت و ثبات سیاسی، ایجاد تعادل میان مناطق گوناگون کشور، وحدت و هویت ملی، قدرت اقتصادی و دفاعی و ارتقای جایگاه جهانی ایران؛

۲۱ . هویت بخشی به سیمای شهر و روستا؛

ـ باز آفرینی و روز آمد سازی معماری ایرانی ـ اسلامی؛

ـ رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمنی بناها و استحکام ساخت و سازها؛

۲۲ . تقویت و کارآمد کردن نظام بازرسی و نظارت؛

همان طور که می‌دانید مطالعات مربوط به تهیه سند چشم انداز بلند مدت جمهوری اسلامی ایران برای دوره بیست ساله با در نظر گرفتن سه عامل:

- آرمان‌ها و ویژگی‌های جامعه ایده‌آل؛
- شرایط اقتصادی ـ اجتماعی موجود کشور؛
- تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای و ویژگی‌های اقتصادی و فناوری جهانی انجام گرفته که نتایج آن جمع‌بندی شده است.

در سند چشم‌انداز محورهای اساسی و دیدمان چشم‌انداز براساس ذیل تنظیم شده است:

□ رشد مستمر و پایدار؛

□ توسعهٔ مبتنی بر دانایی؛

- تعامل فعال با اقتصاد جهانی؛
- رقابت پذیری اقتصاد؛
- امنیت انسانی و عدالت اجتماعی؛
- امنیت ملی؛
- ارتقای کیفیت سطح زندگی؛
- محیط زیست و توسعه پایدار؛
- توسعهٔ فرهنگی؛
- توسعهٔ مدیریت دولت؛
- امنیت و توسعه قضایی؛
- تعادل و توازن منطقه‌ای کشور بر اساس موازین آمایش سرزمین.

امنیت انسانی و عدالت اجتماعی

ایجاد زمینه های لازم برای ایجاد رشد و تعالی انسان ایرانی از طریق:

آموزش و کسب مهارت، رفع موانع قانونی و کاستن از نابرابری ها و تبعیض‌های جنسیتی، ایجاد امنیت شغلی، برقراری عدالت اجتماعی، زمینه‌سازی برای شکل‌گیری مطلوب هویتی، احترام به حقوق و حریم خصوصی افراد، ایجاد امنیت فردی و مصونیت از خشونت و تجاوز.

هم‌چنین در تبیین توسعه فرهنگی در سند چشم‌انداز چنین آمده است:

بسط توسعه‌ای باورها، تفکرات، سنت ها و تلقی‌ها از طریق: تقویت و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی ـ ایرانی، پی‌ریزی ارتباط مبتنی بر همدلی و تفاهم بین آحاد مردم، رشد فرهنگ معنویت، ایمان و اعتقاد و وجدان اجتماعی، ترویج و تعمیق فرهنگ قانون‌پذیری و برای امنیت و توسعه قضایی.

یکی از موارد: ایجاد ساز و کار و بستر لازم برای پیشگیری از وقوع جرم مطرح شده است.

نگاهی کوتاه به آنچه به صورت گزینشی از چشم‌انداز بیست ساله کشور تقدیم شد، به خوبی روشن می‌سازد که بدون ارتقای نقش مساجد و ایفای صحیح آن، تحقق اهداف و راهبردها و الزامات چشم‌انداز میسر نیست؛ بر این اساس با توجه به آن‌که بخشی عمده از فضای فرهنگی کشور را مساجد تشکیل می دهد، برای تحقق اهداف فرهنگی باید مساجد را احیا نمود.

تصویر مساجد در چشم‌انداز بیست ساله

با اتکال به قدرت لایزال الهی و در پرتو ایمان و عزم ملی و کوشش برنامه‌ریزی شده و مدبرانه جمعی و در مسیر تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، تصویر مساجد در سند چشم‌انداز عبارت است از:

مسجد نهادی است فعال، اثرگذار و مسؤولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی و برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، توانا، پویا، کارآمد و توانمند در ترویج، آموزش و تبلیغ فرهنگ اسلامی با بهره‌مندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی و متعهد به انقلاب و نظام اسلامی براساس تعالیم عالیه اسلامی و اندیشه‌های گوهربار حضرت امام خمینی‌ﷺ و رهنمودهای گرانقدر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مدظله‌العالی در جهت تقویت هویت اسلامی، انقلابی و وحدت ملی و الهام‌بخشی فعال و مؤثر برای جهان معاصر به ویژه کشورهای اسلامی.

ویژگی‌های مساجد در افق چشم‌انداز

در افق چشم‌انداز کشور مساجد از نظر وضعیت باید دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱ . برخوردار از تشکیلات مدیریت کلان و یکپارچه در کل کشور؛

۲ . رشدیافته ودارای ساختاری‌متناسب وکارآمد در عرصه‌ی مأموریت‌هاوتوانمند در جذب و جلب اقشار مختلف مردم و مؤثر در عرصه نشر و گسترش اسلام ناب محمدی‌ﷺ ؛

۳. دارای حضور مؤثر در عرصه تصمیم سازی و تصمیم‌گیری‌های فرهنگی کشور؛

۴ . برخوردار از دانش پیشرفته کارشناسان و صاحب نظران عرصه‌های مرتبط با فعالیت‌ها و رسالت مساجد؛

۵ . توانا در ایجاد انگیزه‌های مذهبی و توجه دادن نسبت به رخدادهای مرتبط با جهان اسلام؛

۶. توانمند در فراخوانی مؤثر مردمی و بسیج افکار عمومی در ترویج امر به معروف و نهی از منکر؛

۷ . برخوردار از شبکه‌ی ارتباط قوی و نظام کارآمد اطلاع‌گیری و اطلاع رسانی و برقراری ارتباطات مردمی؛

۸ . برخوردار از توانایی‌های رشد یافته، روز آمد و کارآمد با بهره‌گیری از فن‌آوری‌های نو در راستای مأموریت، رسالت و ادای وظایف؛

۹. از نظر ظاهری شکیل، زیبا، نظیف و معطر با ساختمان و تجهیزاتی کامل براساس استانداردها و معیارهای قرآنی، روایی با رعایت معیارهای پیشرفته برای ایمن‌سازی بناهای مساجد و استحکام ساخت و سازها و بازآفرینی و روزآمد سازی معماری ایرانی ـ اسلامی و هویت بخشی به سیمای شهری اصیل مساجد متناسب با شأن نظام جمهوری اسلامی و ملت بزرگ و قهرمان ایران و برابر نظام مهندسی کشور؛

۱۰ . اقامه سه وقت نماز، باز بودن درب در همه‌ی اوقات، برقراری کلاس آموزش قرآن و معارف دینی، مجهز به کتابخانه و رایانه برای نشر علوم اسلامی و بدون ایجاد مزاحمت برای همسایگان؛

۱۱ . برخوردار از ائمه جماعاتی عالم، اندیشمند، پارسا، آشنا با فنون مشاوره و مدیریت و دارای ارتباطات مردمی گسترده؛

۱۲ . دارای کارگزارانی مدیر، مدبر، پارسا، آزموده، مجرب و توانا؛

اکنون پرسش اساسی آن است که طی این طریق چگونه باید صورت پذیرد و چه اقداماتی برای تحقق آن باید انجام شود؟

ضرورت‌های تدوین سند چشم‌انداز بیست‌ساله مساجد

● فقدان سندی راهنما برای توسعه، سازندگی و احیای مساجد در زمینه‌های گوناگون در قالب سیاست‌های مدون و هماهنگ؛

● لزوم مشخص ساختن روش‌های اجرایی و نظارتی و سازمان‌های مسؤول در امر مساجد؛

● لزوم دسته‌بندی و عملیاتی نمودن دستاوردها و تجربیات بیست و شش ساله پس از انقلاب در سطح کلان و ملی؛

● به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و توانمندی‌های مساجد در زمینه‌های گوناگون؛

● تدوین استراتژی فرهنگی ـ مذهبی مساجد به منظور ممانعت از شیوه‌های آزمون و خطا در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مساجد.

منابع قابل بهره‌گیری در تدوین چشم‌انداز

۱ . قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛

۲ . اندیشه‌های حضرت امام خمینی و توصیه‌های ایشان در خصوص مساجد؛

۳. رهنمودها و سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری؛

۴ . اصول سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

۵ . سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های توسعهٔ سوم و چهارم.

موارد شایان توجه در تنظیم سند چشم‌انداز

● فعال‌سازی مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگ، اندیشه و معنویت اسلامی؛

● اولویت‌یابی مساجد به عنوان مراکز نشر معنویت و معرفت دینی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی؛

● طرح دین به زبان روز با بهره‌گیری از شیوه‌های جذاب و ابزار و امکانات نو؛

● مهندسی مجدد ساختار آموزشی و تعلیم براساس معیارهای کیفی و همراه‌سازی تعلیم و آموزش با تزکیه و تهذیب؛

● کارآمدسازی مساجد در ساخت جامعه اخلاقی نواندیش با پویایی فکری و اجتماعی؛

● تأثیرگذاری مساجد بر همگرایی اسلامی و حاکم سازی روحیه اخوت ایمانی، محبت و الفت در فضای جامعه؛

● فعال‌سازی مساجد در مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن؛

● مقابله با خرافات، مقدس مآبی، تحجّر و دگراندیشی‌های بیگانه محور؛

● ارتقای سطح فرهنگ مشارکت مذهبی به مثابهٔ وظیفه اجتماعی و مشارکت فرهنگی مردم در احیای مساجد؛

● ارتقای سطح فرهنگ خیررسانی و دیگر یاری در مساجد؛

● حفظ و ترویج فرهنگ بسیج از طریق مساجد؛

● ایجاد جاذبه‌های لازم برای جذب و جلب گروه‌ها به ویژه جوانان و نوجوانان؛

● تدوین و ارایه منشور جامع فرهنگ توسعه و احیای مساجد؛

● روش‌های تقویت جنبش نرم‌افزاری در مساجد؛

● حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی؛

● ایجاد تعادل میان مناطق گوناگون و اولویت سرمایه‌گذاری و ساماندهی در ساخت مساجد مورد نیاز و توسعهٔ فرهنگی مساجد روستایی.

اهداف برگرفته از سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامهٔ چهارم توسعه

● اعتلا و عمق و گسترش دادن معرفت و بصیرت دینی بر پایهٔ قرآن و مکتب اهل‌البیت علیهم‌السلام ؛

- استوار کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی در اندیشه و عمل؛
- تقویت فضایل اخلاقی و ایمان، روحیه ایثار و امید به آینده؛
- برنامه‌ریزی برای بهبود رفتارهای فردی و اجتماعی؛
- زنده و نمایان نگه‌داشتن اندیشهٔ دینی و سیاسی حضرت امام خمینی‌ﷺ و برجسته کردن نقش آن به عنوان معیار اساسی در تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها؛
- ایجاد انگیزه و عزم ملی برای دستیابی به اهداف مورد نظر در افق چشم‌انداز؛
- تعمیق روحیه دشمن‌شناسی و شناخت توطئه‌ها و ترفندهای دشمنان علیه انقلاب اسلامی و منافع ملی، ترویج روحیه ظلم ستیزی و مخالفت با سلطه‌گری استکبار جهانی؛
- سالم‌سازی فضای فرهنگی، رشد آگاهی‌ها و فضایل اخلاقی و اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر؛
- تقویت نهضت نرم‌افزاری و ترویج پژوهش؛
- اصلاح نظام آموزشی فرهنگی و دینی و کارآمد کردن آن برای تأمین نیروی انسانی مورد نیاز در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز؛
- زمینه‌سازی فرهنگ و تدوین و اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات خیریه مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی؛
- تقویت هویت ملی جوانان متناسب با آرمان‌های انقلاب اسلامی؛
- فراهم کردن محیط رشد فکری و علمی و تلاش در جهت دفع و رفع دغدغه‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛
- توجه به مقتضیات دوران جوانی و نیازها و توانایی‌های آنان در برنامه‌های مساجد؛
- مساعدت برای اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت افزایش تحرک و کارآیی و بهبود خدمت‌رسانی به مردم با به‌کارگیری افراد لایق و امین؛
- تلاش در جهت گسترش و عمق بخشیدن به روحیه تعاون و مشارکت عمومی و بهره‌مند ساختن دولت از همدلی و توانایی‌های عظیم مردم؛

● دادن مشاوره برای اصلاح قوانین و مقررات در جهت رفع تداخل میان وظایف نهادها و طرح مدیریتی توانمند و کار آمد در جامعه اسلامی؛

● تلاش برای همگرایی بیشتر میان کشورهای اسلامی؛

● کوشش برای تحکیم روابط با جهان اسلام و ارایه تصویری روشن از انقلاب اسلامی و تبیین دستاوردها و تجربیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جمهوری اسلامی و معرفی فرهنگ غنی و هنر و تمدن ایرانی و مردم سالاری دینی؛

● پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و فرصت یافتن استعدادهای فنی و پژوهشی؛

● توجه و عنایت جدی به مشارکت عامه مردم در فعالیت‌ها؛

● اهتمام به نظم و انضباط مالی و بودجه‌ای و تعادل بین منابع و مصرف و پرهیزدادن از هرگونه اسراف و تبذیر و ریخت‌وپاش در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق فرهنگ‌سازی دینی.

جلسهٔ کمیسیون تخصصی مساجد و چشم‌انداز بیست‌ساله

گزارش دبیر کمیسیون جناب آقای زارع

بسم الله الرحمن الرحیم

پیش‌نویسی که خدمت شماست، با عنوان «مباحث کمیسیون چشم انداز ۲۰ سالهٔ مساجد»، حاصل زحمات افراد بسیاری است به ویژه برادر عزیزمان دکتر پاسدار که در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی درگیر سند برنامهٔ سوم و چهارم و چشم‌انداز بودند و سایر عزیزانمان از جمله حجت‌الاسلام بخش‌زاده، برادر عزیز صدیقی و بقیه عزیزانی که حضور ندارند و افرادی که به شیوه‌های گوناگون به ما کمک کردند.

می‌خواهم مطالبی درخصوص نوع نگرش و بحثی که قرار است مطرح شوم عرض کنم. ما نمی‌خواهیم اینجا ضعف‌های مساجد را بررسی کنیم، زیرا جایگاه مساجد را همه می‌دانیم. به صورت مختصر دوستان اشاره کردند که مساجد چه کارکردهایی باید داشته باشند. باید بپذیریم که اسلامی بودن جامعه به معنای اسلامی بودن مسجد است؛ جامعه اسلامی جامعه‌ای است که مؤثر، فعال و تأثیرگذار باشد مسجد هم باید همین وضعیت را داشته باشد.

وقتی می‌گوییم نگاهمان به آینده است، یعنی می‌خواهیم آینده‌ای خوب و ایده‌آل را ترسیم کنیم به طوری که بتوان پله‌پله از آن نبردبان بالا رفت و به مقصد رسید. در چشم‌انداز این نگاه هست که دوستان باید ایده‌آل‌ها را بیان کنند. مثلاً در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی می‌گویید که می‌خواهیم کشور اول منطقه باشیم، یعنی با این نگاه ایده‌آل‌ها جمع‌بندی می‌شود و یک سند می‌گردد. البته اگر ایده‌آل‌ها جنبه عملی به خود بگیرد. به نوعی ما در چشم‌انداز آرزوها و آرمان‌ها و خواسته‌هایمان را از مسجد واقعی بیان می‌کنیم.

در این پیش‌نویس که در خور نقد است، آن چارچوبی که چشم‌انداز مساجد باید داشته باشد ارایه شده است. در صفحه سه سند چشم‌انداز که تصویر مساجد آمده، تعریف مسجد به این نحو است:

شماره ۵۰

مسجد نهادی است فعال، اثرگذار و مسؤولیت‌پذیر در صحنه تعاملات فرهنگی و برخوردار از روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، کارآمد و توانمند در ترویج و تبلیغ فرهنگ اسلامی با بهرمندی از حضور و مشارکت مردمی و حمایت دستگاه‌های فرهنگی و اجرایی و متعهد به نظام جمهوری اسلامی، براساس تعالیم عالیه اسلامی و اندیشه گوهربار حضرت امام(ره) و رهنمودهای گرانقدر مقام معظم رهبری در جهت تقویت هویت اسلامی انقلابی، و هدف ملی و الهام بخشی فعال و مؤثر برای جهان معاصر به ویژه کشورهای اسلامی.

یعنی کلیت خلاصه شده مسجدی که برای ۲۰ سال آینده انتظار داریم، به تعبیری که در فرموده‌های مقام معظم رهبری بود، «نه یک ظاهر فقط داشته باشد». این کلیات مسجد، که برایش افق‌هایی هم ترسیم شده اما قرار است بیشتر از نظریات دوستان استفاده کنیم.

گمان می‌کنم در این محور وقتی به آرزوهایمان درخصوص مسجد می‌اندیشیم، باید بدانیم اگر یک مسجد آن چنانی داشته باشیم، می‌شود انقلابی به وجود آورد که سابقه هم داشته باشد. شما و عزیزانی که در این زمینه کار می‌کنند، می‌دانید که مسجدی در افریقا هست که یک تنه در مقابل مسیحیت ایستاده، یک مسجد توانسته است ۱۷ هزار تن مسیحی را مسلمان کند. وقتی مسجد نظام تعلیمی و آموزشی صحیح داشته و آموزش خوب برنامه‌ریزی شده باشد و هدفمند جلو برود، مسلماً این آثار را خواهد داشت، در غیر این صورت همان راهی می‌شود که ما رفتیم، یعنی هرجا جواب نگرفتیم به تأسیس فرهنگ یا کانون‌های دیگر اکتفا کنیم. مسلم است که این راهش نیست، مسجد باید جاذب تمام اقشار و تأثیرگذار بر تمام اقشار در هر نقطه‌ای باشد.

باید متوجه باشیم نظام تعلیمی مسجد با آموزش و پرورش یکسان نیست، تفاوتش این است که اگر از آموزش و پرورش تنها انتظار تعلیم دارید، از مسجد نمی‌توان انتظار تعلیم بدون تهذیب را داشته باشید، یعنی کسی که یک سال است به مسجد آمده با فردی که دو سال زودتر آمده باید تفاوت داشته باشد، زیرا تقوای آن فردی که سه سال است به مسجد می‌آید باید بیشتر از کسی باشد که دو سال بعد از او به مسجد آمده است.

سخنان دکتر پاسوار از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی

ضمن عرض سلام خدمت شما باید بگویم که چشم‌انداز که خوشبختانه بعد از ۲۵ سال پیروزی انقلاب اسلامی تدوین شد، فی‌الواقع دستاوردی برای نظام ماست؛ کشورهایی هستند که به سمت و سوی این نوع دورنگری می‌روند و آینده‌نگری می‌کنند. کشورهایی که از امنیت و ثبات لازم برخوردار می‌شوند، بیشتر به سمت این نوع برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌ها حرکت می‌کنند که خوشبختانه این کار در کشور ما به انجام رسیده است. در سال ۱۳۸۲ سند چشم‌انداز به تأیید مقام معظم رهبری رسید، ایشان هم خیلی به این چشم‌انداز دل بسته‌اند و در اکثر صحبت‌ها و فرموده‌های خود به این نکته اشاره می‌کنند که ما می‌توانیم این چشم‌انداز را محقق بکنیم.

تفاوتی که این چشم‌انداز با برنامه‌های پنج ساله دارد، این است که در برنامه‌های پنج ساله ما افق دیدمان همان طور که از زمان آن مشخص می‌شود پنج ساله و در نتیجه محدودتر است، در صورتی که در چشم‌انداز ما افق بیست ساله را در نظر داریم و به نوعی ترسیم می‌کنیم آینده مورد نظرمان و ایده‌آل‌هایی را که به دنبال آن هستیم تا بتوانیم آن را در قالب برنامه‌های ۵ ساله خودمان که برنامه‌های بلند مدت تلقی می‌شود محقق بکنیم.

ما باید در چهار برنامه ۵ ساله به آنچه در چشم‌انداز آمده جامهٔ عمل بپوشانیم. چشم‌انداز آینده‌نگرانه طراحی شده؛ ما می‌توانستیم به گذشته نگاه بکنیم ببینیم در گذشته چه مشکلات و تنگناهایی داشتیم و بعد چه قدم‌هایی توانستیم برداریم و چه موفقیت‌هایی به دست آوریم و سپس به نوعی آن را تعمیم بدهیم به آینده و بگوییم با این سرعت و بااین دقت و در این مدت، برای رسیدن به این هدف می‌توانیم این قدم‌های دیگر را برای چهار تا پنج سال دیگر برداریم و در نتیجه چشم‌انداز خودمان را طراحی کنیم. به عبارتی، گذشته‌گرا برنامه را طراحی بکنیم، در صورتی که این چشم‌انداز که عرض کردم با نگاه به آینده ترسیم شده است، به نوعی ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها را در دل خودش دارد.

آرمان‌ها موتور حرکت دهنده جامعه تلقی می‌شود که اگر بخواهیم به آن سمت و سو حرکت کنیم، قطعاً این آرمان‌ها و ایده‌آل‌ها نبایستی خیال‌پردازانه و دور از دسترس باشد، بایستی با واقعیت‌ها و امکانات و توانایی‌های موجود متناسب باشد به عبارت دیگر بایستی توانایی‌ها و قدرت‌های بالقوه را به بالفعل تبدیل کنیم. حسن این چشم‌انداز این است که ما را به حرکت در می‌آورد تا این استعدادها را بالفعل بکنیم.

در این چشم‌انداز همان طور که می‌دانید، آینده کشور طوری شده که مقام اول منطقه در ابعاد گوناگون باشد، چه از بعد اقتصادی و چه از بعد سیاسی و چه از بعد امنیتی و فرهنگی، و مساجد پایگاه‌های اصلی این فرهنگ‌سازی در جامعه هستند. مساجد باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند تا بتوانیم به آن چشم‌انداز نایل بشویم؟ لازمه پاسخ به پرسش این است که ما ابتدا خود چشم‌انداز بیست ساله را خوب حلاجی بکنیم و ببینیم که این چشم‌انداز بیست ساله چه انتظاراتی را مطرح می‌کند و بعد مسجدی را که باید در آن راستا باشد

طراحی کنیم. در نتیجه می‌توانیم آن ایده‌آل‌هایی راکه در چشم‌انداز هست طراحی کنیم و بعد در برنامه‌های ۵ ساله خودمان آنها را تنظیم کنیم. اگر دوستان ملاحظه کرده باشند در برنامه سوم و در برنامه چهارم به فعالیت‌هایی اشاره شده که اختصاصاً درباره بحث مساجد است؛ ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم اختصاصاً درخصوص مساجد است. ولی آیا این فعالیت‌هایی که در سند پیش‌بینی شده در راستای چشم‌انداز است؟ چه تعداد از مراکز امور مساجد در طراحی و تنظیم این سند مشارکت داشته‌اند؟ این بخشی است که دوستان باید در مورد آن توضیحات بیشتری بدهند، منظورم این است که زمانی می‌توانیم مؤثر عمل کنیم که خودمان آن را طراحی کرده باشیم، آن وقت می‌توانیم در برنامه‌های ۵ ساله نقش‌آفرین باشیم. به همین دلیل می‌خواستم این را عرض کنم که نگاه دوستان باید یک نگاه آینده‌گر باشد و نه وضع موجودی که الآن مساجد ما با آن روبه‌رو هستند.

سخنان آقای سید حسن فاطمی رئیسی، امام جماعت

بسم الله الرحمن الرحیم

در آغاز، سالروز شهادت‌گونه اسوه خوبی و عصمت و حیا، زینب کبری علیهاالسلام را به همه پیروانش مخصوصاً حاضرین تسلیت عرض می‌کنیم.

اگر بخواهیم به اهداف چشم انداز بیست ساله برسیم، باید توجه به امکانات مساجد داشته باشیم. زیرا مسجدی می‌تواند فعالیت بیشتری کند که توانمندی داشته باشد. مسجد ما هزار و صد و بیست متر مساحت دارد اما دو تا اتاق برای خادم ندارد و خادم مجبور است بیرون از مسجد زندگی کند. الآن بیشتر از ده هزار جلد کتاب در منزل و مسجد داریم اما کتابخانه نداریم تا از این کتاب‌ها استفاده کنیم، نیاز به بررسی و کمک و زیر نظر داشتن است.

باید پذیرفت که به لحاظ مشکلات هست که ما از نظر فرهنگی عقب مانده‌ایم، این را باید در نظر داشته باشیم.

والسلام.

سخنان مسؤول مرکز نظارت و ارزیابی سازمان صدا و سیما
و مسؤول ستاد انتفاضهٔ قدس

خیلی خوشحال هستم که این توفیق نصیبم شده تا در جمع ائمه‌ی محترم جماعات تعدادی از مساجد شاخص تهران و کشور حضور داشته باشم. البته بحث کردن در باره مساجد در جمع علما زیره به کرمان بردن است. بحث این است که مساجد باید مقداری کاربردی‌تر بشود و در صحنهٔ مسائل اجتماعی، در وهلهٔ اول مسائل آموزشی و در تکامل یافتن شخصیت اجتماعی مردم، خصوصاً جوان‌ها به هر حال نقش خود را ایفا کند.

کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای جهان است؛ بخش زیادی از جامعه ما متوسط سنی زیر سی سال را نشان می‌دهد خود متولیان و علمایی که تصدی امور مساجد را به عهده دارند باید بررسی کنند ببینند در بین نمازگزاران چه سهمی از این حضور متعلق به جوانان است. آقایان نمونه‌هایی را ذکر کردند، ما هم مساجدی را می‌شناسیم که تا چند سال قبل تعداد نمازگزارانش اندک بود اما بعد حضور امام جماعت محترمی تعداد صف جماعتش بیشتر از تعداد نمازگزاران قبل شد با این که در گذشته همان یک صف هم باید چند دقیقه بعد از اذان تشکیل می‌شد که غالباً هم از پیرمردهای محل بودند.

تنها تغییر و تحولی که در مسجد صورت گرفته این است که نیروی جدیدی در این مسجد حضور پیدا کرده و سعی کرده است ارتباط خودش را با مردم محل خصوصاً با جوان‌ها تقویت کند. مسجدی را در تهران سراغ دارم که اگر قبل از اذان مغرب تشریف ببرید قطعاً جایی برای ورود شما به مسجد نیست، زیرا مسجدی است که در فعالیت‌های مختلف اجتماعی نقش دارد و از قدیم محل رجوع مردم و حل بسیاری از مشکلات آنها بوده است.

مسجد محور شکل‌گیری معنویت است، همان‌طور که در شهرهای قدیم امامزاده‌ها محور شکل‌گیری شهرها بوده‌اند، بازار شهر، مسجد اعظم شهر، مدرسه علمیه و حتی بخش‌های حکومتی در حول امامزاده‌ها بودند. محور دینی و مذهبی در خیلی از شهرهای ما خصوصاً ایران طبیعی است. این وضعیت را در گذشته در شهرهایمان داشتیم.

مساجد جامع در شهرها نقش خاصی را داشته‌اند، حتی در معماری شهرهای بزرگ نقش محوری داشته‌اند. بعد از احیای مجدد شیعه در شهر اصفهان که مرکز حکومت در دوره صفویه بوده است می‌بینید که هم مسجد جامع قبلی آن شهر و هم مسجد جامع جدید در حول و حوش میدان نقش جهان شکل گرفته است، خود مسجد امام، مسجد شیخ لطف‌الله و مدارس دیگر آنجا همین وضعیت را داشته‌اند.

در تاریخ گذشته کشورمان، محوریت مساجد خصوصاً مساجد جامع به روشنی هویداست، در انقلاب اسلامی عمده حرکت مردم از مساجد شروع شد، حتی دانشجویانی که از دانشگاه‌ها حرکت‌شان را شروع کردند، مثل دانشگاه تهران که محوریت خاصی را در این نهضت داشت، مسجد محل تجمع دانشجویان مسلمان و شکل‌گیری حرکت انقلابی آنان بود. به همین دلیل بود که امام تأکید کردند مسجدها را سنگر قرار بدهید، مسجدها را محکم نگه دارید، در مسجدها تجمع کنید. در ایام دفاع مقدس هم مسجدها در جمع‌آوری کمک‌های مردمی، سرزدن به خانواده رزمندگان، در شکل‌گیری انصار المجاهدین، در سرکشی به خانواده‌های شهدا نقش اصلی خودش را ایفا کرد.

بعد از جنگ، در شکل‌گیری جدید فضای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور احساس می‌کنیم مساجد نقش خودشان را ایفا نکردند زیرا توجه لازم به مساجد نشد.

به هر حال اولیای امور مساجد باید به مساجد توجه بیشتری کنند، مساجد باید نقش خودشان را در آینده کشور خیلی جدی‌تر ایفا بکنند. هم اولیای کشور و هم سیاستمداران کشور در چشم انداز کلان کشور جایگاه‌هایی را برای ایفای این مسؤولیت‌ها پیش بینی بکنند.

به نظر من به صورت کاملاً درون‌زا خود ائمه جماعات و خود اولیای مساجد باید در جهت جا انداختن این نقش تلاش بیشتری کنند. این مسأله فقط با شعار و برگزاری سمینار عملی نیست. باید ائمه محترم جمعه و جماعات به فکر باشند، الآن با وضعیتی که به لحاظ توسعه فن‌آوری جدید ارتباطی به وجود آمده است، (اینترنت و بازی‌های کامپیوتری) مسجدها نباید عقب بمانند. البته این که باید عیناً تبعیت از این فن‌آوری جدید کرد بحثی است

که قطعاً مورد تأیید بزرگان نیست، ولی این فاصله‌ای که عملاً بین بسیاری از مساجد وجود دارد و وضعیتی که رسانه‌های جدید دارند زنگ خطر جدی است و باید تجدید نظری بشود.

این فاصله باید با سرمایه‌گذاری بیشتر و با آوردن امکانات جدید به مساجد و بالا بردن بنیه و بضاعت مالی مساجد از بین برود تا در مسائل اقتصادی حداقل درون محلات تأثیر گذارد و هم‌چنین در بقیه امور تا جبران گذشته بشود.

متن جزوهٔ کمیسیون راهکارهای توسعه منابع انسانی و جذب جوانان
کمیسیون تخصصی راه کارهای توسعه کمی و کیفی مساجد
و چگونگی جذب جوانان

راه کارهای توسعهٔ کمی و کیفی مساجد و جذب جوانان

پژوهش‌ها ثابت کرده که توسعه به عنوان واقعیتی مطلوب دارای ابعادی گوناگون است. خوشبختانه در جهان معاصر ابعاد گوناگون توسعه و ارتباط و پیوندها و تأثیر و تأثر متقابلی که بین ابعاد توسعه وجود دارد مورد توجه جدی قرار گرفته و به خوبی آشکار شده است که توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی بدون توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی امری کاملاً دور از دسترس است؛ همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع نیروی انسانی بدون انجام دادن توسعه اقتصادی ـ اجتماعی ـ سیاسی با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود!

براین اساس ضرورت توسعه فرهنگی و لزوم تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کار آمد و توانا در تحقق دیگر ابعاد توسعه واقعیتی انکار ناپذیر است. نکته مهم و شایان توجه در این راستا تبیین نقش و جایگاه مساجد در توسعه همه جانبه کشور است.

با کمال تأسف نداشتن توجه کافی به مساجد، نقش و جایگاه، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و ممکن مساجد را به شدت کاهش داده و این کاهش پیامدهای ناگواری همچون توسعه تأثیرات تهاجم فرهنگی بر جوانان و امت اسلامی را در پی داشته است.

اکنون این حقیقت نه تنها برای اندیشمندان و فرهیختگان کشور و امت اسلامی، بلکه بر عموم مردم به خوبی آشکار شده است که برای تحقق ابعاد دیگر توسعه در کشور

و جهان اسلام باید نخست به فکر توسعه کمی و کیفی مساجد بود. این سخن، سخنی احساسی یا توصیه‌ای غیرکارشناسی و غیرعلمی و از سر خیالپردازی و آرمانگرایی صرف نیست، بلکه سخنی است براساس تحقیق و پژوهش‌های بنیادی و کاربردی که بر مبنای «**ولکم فی رسول الله اسوه حسنه**» بوده و از روش و سیره مبارک آن حضرت ﷺ در بنیانگذاری تمدن بزرگ اسلامی اتخاذ شده است. پیامبر بزرگی که در توقف چهار روزه خود در دهکده قبا، مسجد قبا را بنا نمود و در مسیر آمدن به مدینه در محل زندگی قبیله بنی‌سالم، نماز جمعه را در مسجد آن قبیله اقامه فرمود و در آغاز ورود به شهر مدینه با فرود آمدن ناقه (دارای مأموریت) آن محل را برای ساختن مسجد خریداری و مسجد نبوی یا به دیگر سخن قطع‌هایی از باغ‌های بهشت را در زمینی خاکی بر پا ساخت و همه ابعاد زندگی مردم را با آن گره زد و تلألؤ نورانی آموزه‌های مسجد را بر زوایای گوناگون حیات بشری تاباند و دین توحیدی و شریعت عالی خود را از آن‌کانون هدایت منتشر ساخت و بدین طریق، راه و روش توسعه همه جانبه امت اسلامی را به امت اسلامی آموزش داد.

آری بدون تردید در توسعه کشور مهمترین مسئله بُعد فرهنگی است و اگر در توسعه اجتماعی و اقتصادی به مسائل فرهنگی توجه نشود، توسعه اجتماعی و اقتصادی به مفهوم امروزی آن نیز تحقق نخواهد یافت. با عنایت به این‌که مساجد محل اصلی نشر فرهنگ دینی و مذهبی کشور است، در توسعه اقتصادی اجتماعی فرهنگی، باید توسعه را از پایگاه‌های فرهنگ دینی یعنی مساجد شروع کرد، زیرا تقویت این پایگاه‌ها به معنای مصون‌سازی فرهنگ خودی در برابر هجوم فرهنگی بیگانگان است. فرد هالیدی، از شخصیت‌های امنیتی و سیاسی انگلیس و طراح براندازی خاموش یا براندازی در سکوت، یکی از راه‌های براندازی جمهوری اسلامی را محدودکردن نقش شبکه مساجد عنوان می‌کند.

نکته شایان تأمل آن است‌که مساجد تنها مراکزی هستندکه می توان از آنها به عنوان بهترین اماکن مقدس برای جذب مردم عموماً و جذب جوانان خصوصاً استفاده‌کرد. اگر امت اسلامی بخواهد جوانان را در مکان‌های دیگری جز مساجد سازماندهی کند باید هزینه‌های فراوانی صرف کند، اما با بهره‌برداری بهینه از مساجد، جذب جوانان کاملاً عملی، موفق و مقرون به صرفه می‌شودکه دارای آثار بسیار مبارکی نیز خواهد بود.

آنچه در پی می‌آید موضوعاتی است برای تأمل، اندیشیدن، جستجو و کاوش در بارهٔ راه‌های توسعه و چاره‌اندیشی برای رفع موانع توسعهٔ کمی و کیفی مساجد.

امید است در سایه الطاف الهی با توسعه مساجد، توسعه حقیقی و همه جانبه در کشور و در میان امت اسلامی پدید آید.

الف: توسعهٔ کمی

با آن‌که در کشور بیش از شصت‌هزار مسجد با مساحتی بالغ بر ۳۶،۰۰۰،۰۰۰ متر مربع زمین و ۱۷،۰۰۰،۰۰۰ متر مربع زیر بنا در بهترین مکان‌های شهر و روستا یعنی تقریباً به ازای هر یک‌هزار تن یک مسجد وجود دارد، اما باکمال تأسف باید گفت به علت آن‌که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامون، منطقه جغرافیایی، فاصله مساجد، با یکدیگر و دیگر مسائل اساسی رعایت نشده و سیاست مدون و مشخصی در زمینه ساخت مسجد وجود نداشته است، در بعضی از محلات پر جمعیت مسجدی وجود ندارد و یا اگر هست بسیار کوچک است و جوابگوی خیل عظیم نمازگزاران نیست و بر عکس در برخی از مناطق کم جمعیت، مساجد بزرگ یا نزدیک به هم ساخته شده که خلوت بودن بعضی از آنها هنگام اقامه نماز در شأن جامعه اسلامی نیست. این مشکل در کل جهان اسلام نیز به چشم می‌خورد.

در این راستا باید براساس مطالعات آماری و جمعیت‌شناسی، بررسی و تحلیل لازم صورت پذیرد تا مشخص شود چه مناطقی به چه تعداد مسجد و با چه مساحتی نیاز است تا در زمینه ساخت مسجد افراط و تفریط صورت نگیرد.

افزون برآن در تجهیز، آراستگی، رنگ‌آمیزی و تنظیف مساجد و زیباسازی نمای بیرونی آنها باید به نکات ذیل توجه شود:

ـ مقاوم‌سازی ساختمان مسجد در برابر حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله، طوفان و غیره؛

ـ تمهیدات لازم برای حضور قشر عزیز جانباز و معلول؛

ـ در نظر گرفتن مکان لازم برای پارکینگ خودروهای نمازگزاران در مناطق مورد نیاز؛

ـ طراحی مکان مناسب همچون مهد کودک برای نگهداری نوزادان زنان و مادران دارای فرزند خردسال؛

ـ ایجاد تأسیسات تکمیلی و مورد نیاز مسجد همانند مهد کودک، مدرسه، درمانگاه، صندوق قرض‌الحسنه، مرکز مشاوره و امور تربیتی و ورزشی و مرکز کمک‌رسانی به مردم؛

ـ طراحی تأسیسات برودتی و حرارتی پیشرفته متناسب با محیط جغرافیایی؛

ـ تنظیم صحیح سیستم نور و صدای مسجد؛

ـ طراحی و اجرای فضای سبز و گلکاری و استفاده از رنگ‌های آرام‌بخش همراه با طرح‌های تلفیقی؛

ـ استفاده از اسپری‌های خوشبوکننده هوا قبل از شروع نمازهای جماعت و مراسم مذهبی در فضای‌صحن مسجد موردنظر؛

ـ ساخت کفشداری خارج از شبستان، از جنس سنگ؛

ـ استفاده از سجاده یا فرش‌های مناسب سراسری و علامت‌گذاری با پارچه سفید و شستشوی آن در هر شش ماه یک بار؛

ـ حفظ سادگی و پویایی مسجد.

دیدگاه خویش را درخصوص پرسش‌های ذیل بیان فرمایید:

۱. آیا می‌توان استاندارد مشخصی برای تأسیس مسجد به ازای جمعیت و تراکم آن ارایه نمود، استدلال شما برای آن پیشنهاد چیست؟

۲. برای اصلاح وضع موجود که در ساختن مساجد، میزان جمعیت پیرامون، منطقه جغرافیایی، فاصله متناسب با مساجد دیگر و جز به آن رعایت نشده است، چه راه کارهایی وجود دارد؟ تأسیس مساجد براساس استانداردهای علمی مصوب؟ یا ...

۳. افزون بر جمعیت و تراکم آن چه معیارهایی را می‌توان برای لزوم تأسیس مسجد در نظر گرفت؟!

۴. چه روش‌هایی برای جذب مشارکت هر چه بیشتر مردم در ساخت و توسعه کمی مساجد وجود دارد؟

۵. در چه زمینه، چگونه و با چه روش‌هایی می‌توان از مساعدت و کمک‌های عمومی و دولتی برای ساخت و توسعه کمی مساجد بهره برد، بدون آن‌که استقلال مساجد خدشه‌دار شود؟ تدوین و اجرای قوانین لازم؟ اختصاص بودجه و در اختیار قرار دادن؟ ساخت تأسیسات جانبی و تکمیلی؟ اجرای ساخت؟ تصویب و اجرای معافیت در پرداخت هزینه های آب و برق و گاز؟ و...

۶. موانع و چالش‌های توسعه کمی مساجد و راه بر طرف ساختن آن چیست؟

ب: توسعهٔ کیفی

مقصود از توسعه کیفی، بهینه‌سازی بهره‌برداری، افزایش نقش، جایگاه، کارکرد و ارتقای سطح و بالا بردن کیفیت و عرضهٔ خدمات عبادی، آموزشی و غیره و افزون ساختن جاذبه‌های مسجد و در یک جمله آوردن مسجد در متن زندگی مردم مسلمان و برقراری و مستحکم ساختن پیوند بین مسجد و امور گوناگون در حیات بشری است.

نگاهی کوتاه به تاریخ اسلام نشان می دهد که مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم مثل بعضی از مساجد خاک گرفته، متروکه و یا تشریفاتی امروز نبود که تنها هنگام نماز باز و پس از آن بسته شود و از روح زندگی و حرکت اصیل حیات باز بماند. در صدر اسلام مسجد مرکز زندگی و تپش حیات و محل دریافت طرح، مرکز جدیدترین خبرها و اقدامات مسلمانان و مرکز ارسال پیک‌ها به قبایل و کشورها و خلاصه جایگاه اصلی دعوت به اسلام بود. سرنوشت ملت‌ها و دولت ها در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رقم زده می‌شد و تمدن و فرهنگ اسلامی از آن مرکز نورانی راهی جهان می‌گردید.

براین اساس با توجه به آن‌که منحصر ساختن مساجد کشور با این فضای بزرگ و عالی به برگزاری یک یا دو وعده نماز جماعت، برگزاری مجالس ترحیم و عزاداری، و بسته بودن در آن در بیشتر اوقات و برگزار نشدن مجالس شادی و آموزشی هم چون مراسم ازدواج، تعلیم و تربیت و مذاکرات علمی و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و امور مربوط به پیشرفت و توسعه و برنامه‌های خانوادگی و غیره، یکی از خسارت‌های سنگین دوران معاصر است، به نظر شما برای بهینه‌سازی استفاده از مساجد چه باید کرد؟

۱. در دوران معاصر مساجد چه نقش و کارکردهایی را می توانند بر عهده گیرند؟

۲. نوع خدمات عمومی و اجتماعی که اکنون بر زمین مانده و مسجد می تواند آنها را بر عهده گیرد کدام است و ارائه آن از طریق مسجد چگونه باید صورت گیرد؟

۳. چه نوع تأسیساتی را در کنار مسجد و برای بر عهده گرفتن نقش و کارکردهای جدید لازم می‌دانید؟

۴. چگونه می‌توان کارکرد و خدمات مساجد کنونی را افزایش داد؟ و راه‌اندازی مرکز ارایه خدمات آموزشی و رفاهی مسجد تا چه اندازه نیاز است و ارایه آن به چه صورت باید باشد؟

۵. برنامه‌ریزی کلان و برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت اجرایی برای مساجد به صورت متمرکز یا غیر متمرکز، کدام یک مناسب‌تر است؟ چرا؟

۶. درخصوص ائمهٔ محترم جماعات و کارگزاران دیگر مساجد چه نوع آموزش‌هایی می‌تواند در توسعه کیفی مساجد مؤثر باشد؟

۷. تشکیل کلاس، فعال ساختن کتابخانه و نوارخانه، برگزاری دوره‌های سیر مطالعاتی، تشکیل گروه‌های سرود و تواشیح، در اختیار داشتن رایانه، قرار دادن نام مساجد و فعالیت‌های آن در شبکه جهانی اینترنت و ارائه خدمات علمی دیگر از طریق مساجد، اطلاع‌رسانی نیکو، نصب تراکت‌ها و پیام‌های تبلیغاتی و فرهنگی دو روز قبل از اعیاد و ایام مبارک خجسته و عزاداری‌ها و جمع‌آوری آنها بعد از مراسم و چگونگی آن در بالا بردن کیفیت و افزونی جاذبه ها چه نقشی می تواند ایفا نماید؟

۸. نقش امام جماعت، هیئت امنا، خدام، بسیجیان و سایر نیروهای دست اندرکار در توسعه چیست؟ امام جماعت ثابت، مراعات حال نمازگزاران، پرهیز از خطابه طولانی در بین دو نماز، خوش برخورد، خوش اخلاق، خوش سیما، آشنا به مسائل شرعی و حتی‌الامکان جوان بودن خادم مسجد، تعیین مؤذن و تعقیب خوان خوش صدا، پخش نکردن صدای برنامه‌های مسجد از جمله سخنرانی‌ها و سرودها از بلندگوی مساجد، رعایت اصول بهداشتی خصوصاً در آبدارخانه مسجد و نظافت مستمر وضوخانه و سرویس‌های بهداشتی و نصب

جای مایع دستشویی و خشک‌کن برقی و... چه نقشی در ایجاد جاذبه برای همسایگان و توسعه کیفی مساجد دارند و موارد مؤثر دیگر کدام‌اند؟

۹. شیوه‌های مشارکت مردم خصوصاً جوانان در مدیریت مساجد چگونه باید باشد تا ضمن جلوگیری از اخلال در امور، مساجد را از ظرفیت و توانایی جوانان بهره‌مند سازد؟

۱۰. موانع و مشکلات موجود در راه توسعه کیفی کدام است و راه‌کارهای عملی حل آنها چیست؟

در جستجو برای پاسخگوئی به پرسش‌های فوق توجه به نکات ذیل لازم و ضروری است:

بازخوانی و بازمهندسی نرم‌افزاری مساجد

۱. مسجد مرکز بیمه انسان

مسجد بهترین مرکز تأمین و تضمین سلامت روحی ـ روانی انسان است با توجه به محیط آلوده به مفاسد اجتماعی، تنها مکان‌های معنوی همچون مساجد هستند که پناهگاه جوانان و فرزندان ما در برابر معضلات و مفاسد اجتماعی می‌باشند. آری مسجد و روحانی می‌تواند اصلی‌ترین پایگاه و مرجع امنی برای مردم و جوانان باشد. بنابراین مسجد مطلوب مسجدی است که بتواند در طی مراحل زندگی نقش مؤثری داشته باشد و امام جماعت آن امور فرهنگی را به خوبی مدیریت و رهبری کند.

مساجد می‌توانند دو نقش بنیادین را در تضمین و تأمین سلامت فرزندان و جوانان ایفا نمایند:

الف. دفع و پیشگیری از بیماری‌های روحی ـ روانی و فکری (واکسینه سازی معنوی).

ب. تقویت و تأمین قدرت‌های معنوی و ایمانی و فکری.

۲. ارتباط مسجد و مدرسه و دانشگاه

جوان موجودی پرانرژی و دارای شرایط روحی ـ روانی خاصی است که او را در برابر معضلات و مفاسد اجتماعی و اخلاقی آسیب‌پذیر ساخته است.

یکی از مهمترین کارکردهای مساجد تعامل با مراکز تجمع جوانان و نوجوانان یعنی مدارس و دانشگاه‌ها است.

نوجوان و جوان در برابر معضلات و مشکلات شخصی نیازمند فردی امین هستند تا مسائل و نیازهای خود را با او در میان بگذارند.

روحانی با سواد و آشنا به مسائل مشاوره‌ای و علوم روانشناختی و شخصیتی بهترین فرد برای مساجد موجود در جامعه و شهرک‌ها است.

فرآیند ارتباط مسجد و روحانیِ فاضل با مدارس و مراکز علمی نیازمند مدیریت صحیح و هوشمندانه است و می‌تواند آثار مفید و برکات زیادی به همراه داشته باشد. آری، ارتباطات کلید طلایی موفقیت است و از این جهت سرمایه‌ای ارزشمند به‌شمار می‌آید که نیازمند مدیریت همه جانبه است.

ارتباطات بر سه پایه و رکن استوار است، یعنی قوام و تحقق آن به این عناصر وابسته است:

۱. توسعه ارتباطات؛

۲. تعمیق ارتباطات؛

۳. تداوم ارتباطات.

فرآیند ارتباط با مدارس

برای این کار روحانی باید نخست مدیران مدارس محله را شناسایی، تحلیل و طبقه‌بندی و سپس با آنها ارتباط برقرار کند، ارتباطی از جنس رفاقت و دوستی، به او(مدیر) به‌چشم مشتری خاص نگاه کند که اگر مشتری او بشود، می‌تواند مشتری‌های زیادی برای او به همراه خود بیاورد.

روحانی، تولیدکننده و عرضه کننده کالای معنویت است، این کالا باید هم خوب تولید و هم خوب بسته‌بندی و هم خوب عرضه شود و به راحتی در دسترس مشتریان قرار بگیرد و از ویژگی‌ها و جاذبه‌ها و امتیازهایی برخوردار باشد که آن را نسبت به دیگر کالاها ممتاز گرداند.

۳. تعلیم و تربیت رسالت اصلی مساجد

آموزش ابزار تربیت و مرکز آموزشی(مدرسه ـ دانشگاه) بستری مناسب برای تربیت است. از مهم‌ترین کارکردهای مسجد ایجاد حیات معنوی جمعی و همبستگی اجتماعی مؤمنان است. اسلام برخلاف مسیحیت دینی فردگرا نیست، حتی به حیثیت جمعی انسان‌ها توجه بیشتری دارد.

تربیت رو در رو

ازکارکردهای انحصاری و همیشگی مسجد، تعلیم و تربیت حضوری و واقعی است که با توجه به تأثیر فضا و نوع فیزیک مسجد از حیث تربیتی، و امام جماعت با ارتباط مستقیم؛ مخاطبان، مؤثرترین نقش را خواهند داشت.

نگاه اسلامی نگاه تربیت محوری است

بهترین جا برای تحقق تربیت دینی و اسلامی فرزندان ما مسجد است، زیرا مسجد مکان انسان‌سازی است.

توسعه و گسترش کارکردهای مساجد

الف. راه‌کارهای بنیادین ـ نظری

۱. شناساندن مسجد به جامعه و تشریح نقش مهم و والای آن در تعادل بخشی حیات اجتماعی (جایگاه سرمایه بودن مسجد ـ مدیریت کلان مساجد)؛

۲. محافظت و صیانت بخشی مساجد ـ آسیب‌شناسی و پاتولوژی مساجد؛

۳. شناسایی عوامل و ابزارهای مورد نیاز برای استفاده بهینه از امکانات مساجد؛

۴. بررسی آسیب‌ها و تهدیدها در روند فعالیت کلان اجتماعی، شناخت بحران‌های اجتماعی معاصر و نقش مساجد در کاهش و رفع آنها؛

۵. نگاه سیستمی به مساجد؛

۶. تبیین نگاه کمیتی (حداقل و حداکثر) درخصوص کارکردهای مساجد؛

۷. تبیین امور ذاتی و عرضی کارکردهای مساجد؛

۸. انعطاف‌پذیری کارکرد مساجد در شرایط گوناگون.

ب. راه‌کارهای کاربردی توسعه کارکردهای مساجد

۱. شناساندن امام جماعت به عنوان مدیر مسجد؛

۲. آموزش مدیریت فرهنگی به امام جماعت؛

۳. تأسیس دانشگاه مساجد (مرکز آموزش پودمانی ـ نیمه حضوری) و رشته مدیریت استراتژیک فرهنگی برای مدیران فرهنگی، امامان جماعت و مؤمنان حاضر در مسجد؛

۴. حمایت مادی و معنوی از مدیران و کارگزاران مساجد و تعیین جایگاه حقوقی برای فعالیت‌های تمام وقت با لحاظ همه لوازم و امکانات مورد نیاز؛

۵. ارتقای مرکز رسیدگی به امور مساجد و ادغام مراکز همسو و در نهایت تشکیل سازمان مساجد؛

۶. تخصیص بخشی از بودجه عمومی برای امور مساجد؛

۷. استقلال مدیریتی و پرهیز از وابسته نمودن مساجد به دولت؛

۸. جلب مشارکت مردمی در قالب‌های معنوی؛

۹. ایجاد شورای برنامه‌ریزی مساجد (جهت مشارکت بخشی و استفاده از توانمندی‌های مردمی)؛

۱۰. ارایه آسان مجوز برای فعالیت‌های مورد انتظار علمی، آموزشی و... به صورت رسمی و قانونی در مساجد؛

۱۱. توسعه حوزه ارتباطات مساجد با مراکز دولتی و غیردولتی؛

۱۲. تأمین قدرت و اقتدار برای نقش‌آفرینی مساجد؛

۱۳. نهادینه کردن جایگاه مسجد با تدوین و تصویب قانون لازم در جهت نهادینه کردن نقش مسجد در توسعه فرهنگ دینی و تعمیق ارزش‌ها و باورها و معارف دینی (تعلیم و تربیت دینی) همسوسازی نهادهای فرهنگی، هنری و مشارکت بخشی آنها با مساجد و باز مهندسی دیگر مراکز فرهنگی؛

۱۴. تغییر نگاه سنتی به مسجد، براین اساس مسجد تنها محل اقامه نماز نیست، بلکه پایگاه و مرکز اصلی:

ـ توسعه و ترویج فرهنگ دینی؛

ـ تبیین اصول اعتقادی و فروعات دین؛

ـ تعمیق باورهای دینی و مسائل دیگری که مربوط به حوزه دین می‌باشد.

۱۵. به باور رساندن مسؤولین نسبت به جایگاه، نقش و کارکرد مساجد؛

ـ در تعریف دقیق و جامع از حکومت دینی، مسجد در صدر ارکان و مقامات است؛ لذا برای این که مسجد جایگاه خود را پیدا کند باید از دو سو فعالیت نمود:

الف) هماهنگی از بالا و همکاری و تعامل با مساجد در جهت رفع مشکلات اجتماعی مانند شورای حل اختلاف و...

ب) اجرای نمونه‌هایی عینی از کارکردهای متعدد مساجد

۱۶. بازخوانی تعریف مسجد به اقتضای نگاه جامعه شناختی به مسجد؛

۱۷. ارتباط مسجد با دیگر نهادها و عناصر کلیدی جامعه؛

۱۸. انطباق کارکرد مساجد با مقتضیات محیط تا حدّی می‌شود نسخه‌ای مشترک برای مساجد نوشت، اما مساجد به تناسب شرایط گوناگون کارکردهای متفاوتی باید داشته باشند؛

ـ بسترسازی برای حضور جوانان خصوصاً تحصیل کرده‌ها در مسجد (ایجاد تیم‌ها و هسته‌های علمی و کارآفرین و هسته مشاوران جوان مسجد)

۱۹. استفاده از فرصت‌ها و شناسایی تهدیدها و آسیب‌ها در مسجد؛

۲۰. رفع مشکلات معیشتی و معرفتی امام جماعت، پیش نیاز مدیریت و رهبری مسجد؛

۲۱. ایده، «هر محله یک مسجد و هر مسجدی خانه یک عالم و روحانی فاضل»؛

۲۲. توسعه ساخت مسجد در میدان‌های اصلی.

ـ تعیین منابع مالی برای مساجد (مصوبه مجلس مبنی بر اخذ X درصد از هر معامله در کشور جهت تعیین پشتوانه مالی برای تقویت اسلام و برنامه‌ریزی استراتژیک)؛

ـ ضرورت تشکیل NGO ائمه جماعات با سواد و خوش فکر و نشست‌های مستمر و ارتباط با بزرگان و مراجع دینی، مقام معظم رهبری و اخذ حمایت آنها جهت برنامه‌های استراتژیک و هماهنگی با دولت و مجلس و طرح افکار راهبردی با آنها از طریق «اتاق فکر».

﴿فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَن يَتَطَهَّرُوا﴾.[1]

مشتریان مسجد

ـ هر کسی که به مسجد ما می‌آید، مشتری محصولات معنوی و دینی ماست؛

ـ مشتریان را خوب شناسایی کنید؛

ـ کارشناسی مشتریان را امری جدی بدانید؛

ـ ارتباط با مشتریان را توسعه دهید؛

ـ خدمات‌دهی به مشتریان را ارزش به حساب آورید.

آسیب‌های مساجد

ـ مراکز رقیب (خانه‌های فرهنگ محله و غیره)؛

ـ کم رنگ شدن فعالیت‌های مساجد در توسعهٔ تعلیم و تربیت دینی؛

ـ محدود بودن ساعت بازبودن مساجد.

راه کارهای جذب جوانان

ـ مدیریت فرآیند جذب:

---

۱. توبه: ۱۰۸.

۱. شناخت صحیح و دقیق یا نگرش سیستمی به جوان؛

۲. شناخت موانع و عوامل دفع؛ پیش‌بینی و پیشگیری؛

۳. شناخت ابزارها و عوامل جذب؛ استفادهٔ صحیح از امکانات.

۱ ـ ۳ ـ ابزارهای نرم‌افزاری:

ـ نگرش سازی و بازمهندسی ذهن؛ نگرش‌های خرد و جزیی؛

ـ تعریف و تبیین راهبردهای ضروری؛ تعیین اهداف و چشم‌انداز؛

ـ تعیین روش و برنامه‌ریزی و تبیین دستورکارها.

ترسیم راه کارها

۱. فرضیه سازی، تعیین تمام احتمالات ممکن برای حل مسئله یا دست‌یابی به هدف؛

۲. الگوریتم‌سازی روند حل مسئله (تشخیص نیاز + تشخیص قوانین و امکانات موجود و ممکن + برقراری ارتباط بین امکانات و نیازها) که به صورت مرحله به مرحله انجام شود؛

۳. بازنگری و اصلاح.

الف) اثبات یا نقد درست بودن برنامه‌ها؛

ب) اثبات یا نقد بهینه بودن تصمیم.

جلسهٔ کمیسیون راهکارهای توسعه منابع انسانی و جذب جوانان

گزارش دبیر کمیسیون جناب حجةالاسلام والمسلمین بهلول

بسم الله الرحمن الرحیم

قبل از هر سخنی از زحمات برادران بزرگوار درخصوص برپایی این همایش، هم‌چنین کمیتهٔ علمی و کمیسیون‌های تخصصی به‌منظور بهینه‌سازی مدیریت کلان مساجد تشکر می‌کنم. به اعتقاد کارشناسان و صاحب‌نظران دست‌اندرکار، نگریشی سیستمی به مقولهٔ مسجد لازم است. مسجد را ما در حیات کلان جامعه به لحاظ کارکردهای مادی و معنوی سرمایه‌ای استراتژیک لحاظ و تعریف کرده‌ایم و در واقع باید این‌گونه هم تعریف بکنیم. اگر نگاه ما نگاه سرمایه‌ای باشد، به تعبیر مرحوم استاد مطهری:

«هرجا سرمایه است، مدیریت امری اجتناب‌ناپذیر است».

و با این فرض مساجد در حیات اجتماعی همه جوامع بشری نقشی تعادل‌بخش به آن جامعه و تمام جوامع بشری دارد که نشانگر ضرورت اعمال مدیریت و رهبری است.

از این زاویه تعریفمان از اهالی مسجد و آنهایی که به مسجد می‌آیند، «مشتریان بالفعل» است. باید توضیح بدهم که چرا تعبیر مشتریان را آورده‌ایم. به اعتقاد بنده اگر بخواهیم نگاه و رفتارمان را در باره مخاطب‌مان دقیق بکنیم، باید در مدیریت فرهنگی نگاهمان نگاه مدیریت تجاری باشد؛ یعنی جنس نگاه ما به عبارتی از زاویهٔ نگاه مدیریت تجارت و یا بازرگان و تاجر باشد. دلیل بنده این است که مدیریت تجارت درخصوص مشتری‌های خودش حساسیت فوق‌العاده‌ای دارد، و باید چنین باشد.

شماره ۵۱

امروزه در حوزه تجارت مسأله مشتری مداری و مشتری محوری مطرح است و حتی مشتری آفرینی نیز باید مطرح باشد. در مدیریت خصوصی برخلاف دولتی مدیر می‌داند که اگر نتواند مشتری‌های خودش را جذب بکند، آنها را به راحتی از دست خواهد داد. بنابراین تمام سرمایه گذاری‌هایی که در حوزه اقتصاد و تولید انبوه کرده است، به علاوه بازار را از دست خواهد داد و خسارت خواهد دید. در واقع این نگاه او را حساس و دقیق می‌کند که به مشتری همچون مهمان نگاه بکند و همان رفتارهایی را داشته باشد که برای مهمان تعریف می‌کنند. مثل معروفی است در مدیریت تجارت که مشتری را همچون مهمان ببینید! مهمان که به منزل شما می‌آید چیزی را می‌خورد و در حقیقت بخشی از سفره شما را همراه خودش می‌برد. ما از نگاه معنوی معتقد به برکت مهمان هستیم، اما از نگاه مادی به هر حال چیزی از منزل ما کم می‌شود، با این حال او را مورد احترام خاص قرار می‌دهیم. ولی در تجارت مشتری چیزی از شما کم نمی‌کند، بلکه چیزی را برای شما می‌آورد، به همین لحاظ این مثل معروف است که مشتری را همچون مهمان احترام کنید. تعبیر مشتری برای انتقال آن

فضا و حساسیت‌های مدیریت تجارت به مدیریت فرهنگی است، یعنی ما مخاطب خودمان را همچون مشتری خاص نگاه کنیم. در طبقه‌بندی مشتری نیز مخاطبان را باید با نگاه مشتری‌مداری کارشناسی بکنیم؛ یعنی مشتریان را خوب شناسایی، تحلیل و طبقه‌بندی بکنیم و ارتباط با مشتریان را توسعه بدهیم.

با توجه به این مقدمه‌ای که عرض کردم، هر کسی که به مسجد ما می‌آید، مشتری محصولات معنوی و دینی ماست و در حال خریداری است. در آیات شریفه خداوند می‌فرمایند:

﴿ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم﴾.

این نگاه حساسیت‌آفرین است، در مدیریت خدمات‌دهی به مشتریان ارزش به حساب می‌آید. در نگاهی کلان، استراتژیک و تولیدی می‌گویند که ما مبانی ارزشی خاص را باید تعریف بکنیم و از آن ارزش به هیچ عنوان نباید تخطی بکنیم، گویی وحی مُنزَل است. پس نگاه ما به مسجد باید نگاه مدیریتی آن هم مدیریت تجاری باشد.

همان مخاطبانی که کالای معنوی ما را می‌خرند مشتری ما به حساب می‌آیند. لذا مسجد و مخاطب سرمایه ما هستند. در اینجا به بخشی از راه‌کارهای بنیادین و نظری گسترش کارکردهای مسجد اشاره می‌کنم:

ـ شناساندن مسجد به جامعه و تشریح نقش استراتژیک آن در تعادل بخشی حیات اجتماعی؛

ـ محافظت و صیانت بخشی مساجد؛

ـ آسیب‌شناسی و پاتولوژی مساجد؛

ـ شناسایی عوامل و ابزارهای استفاده بهینه از مساجد؛

ـ بررسی موانع و تهدیدها و روند فعالیت‌های مساجد در بخش کلان اجتماعی؛

ـ شناخت بحران‌های اجتماعی معاصر و نقش مساجد در کاهش و رفع آنها.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین بحران امروز جوامع بشری بحران معنویت است که به دنبال خودش همه بحران‌های چندگانه خانواده، خودکشی، افزایش طلاق، بحران زیست محیطی،

بحران فناوری و بحران اخلاقی را به دنبال خود دارد و نقش مسجد در اینجا نقشی استراتژیک است. دیگر موارد عبارت انداز: نگاه سیستمی به مساجد در مقابل نگاه زاویه‌ای، تعریف امام جماعت به عنوان مدیر مسجد، تأسیس دانشگاه مدیریت و فرهنگ دینی، حمایت مادی و معنوی مدیران فرهنگی مساجد و تعیین جایگاه حقوقی برای آنها و برای فعالیت‌های تمام وقت از هشت صبح تا ده شب (چهارده ساعت) و لحاظ همه لوازم و امکانات مورد نیاز، تخصیص بودجه‌ای برای مدیریت امور مساجد تا استقلال آن حفظ شود. البته باید توجه داشت که مدیریت مسجد مدیریتی مردمی است و به این استقلال نباید خدشه‌ای وارد شود.

تا اینجای مطالب را قبول داریم اما بعدش را قبول نداریم، این که مدیریت باید مشارکتی باشد، پس همه تصمیم را باید مردم بگیرند. متأسفانه این اشتباهی است که همه می‌کنند اما به لحاظ غلط بودن این تئوری احتیاجی به ابطال نیست چون اساساً اجراشدنی نیست. جلب مشارکت‌های مردمی در قالب‌های معنوی و ایجاد شورای برنامه‌ریزی مساجد.

ـ تعیین منابع مالی برای مساجد و مصوبه مجلس مبنی بر اخذ چند درصد از هر معامله در کشور جهت تعیین پشتوانه مالی برای تقویت اسلام؛

ـ برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان آخرین طرح کاربردی در توسعه منابع انسانی و جذب جوانان در مسجد؛

ـ ضرورت تشکیل NGO ائمه جماعات باسواد و خوش فکر و برگزاری نشست‌های مستمر با یکدیگر و ارتباط با مراجع دینی و مقام معظم رهبری و جلب حمایت آنها برای برنامه‌های استراتژیک و هماهنگی با دولت و مجلس و طرح افکار راهبردی با آنها از طریق «اتاق فکر»؛

ـ در بخش جوانان، راهکارهای جذب جوانان به مسجد که شاید اصلی‌ترین موضوع هر مسجدی است به لحاظ نقش و کارکردی که در محله و جامعه دارند و می‌توانند داشته باشند و افراد دیگر که کودکان و خردسالان و چه سالمندان که مخاطبان و مشتریان مساجد هستند.

مدیریت فرایند جذب

۱. شناخت صحیح و دقیق و نگرش سیستمی به جوان؛

۲. شناخت موانع و عوامل دفع، که باید این موانع دفع شود و عوامل دفع پیش‌بینی بشود تا پیش‌گیری بشود. لازمه پیش‌گیری، پیش‌بینی است و این البته از ذهن خاصی برمی‌آید که ما آن را تعریف کرده‌ایم به ذهن A یا فرد فعال؛

۳. شناخت ابزارها و عوامل جذب که استفاده صحیح از امکانات است. ابزارها را به ابزارهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری تقسیم کردیم در بخش ابزارهای سخت‌افزاری سه نکته را یاد آور شدیم که یکی مسئله مکان و فضاسازی محیط مسجد است؛ (مکان هسته هوشمند است) و دیگری رسیدگی به امور بهداشت مسجد، و آخری رسیدگی به عوامل مؤثر مادی است. ابزارهای نرم‌افزاری را برشمردیم که شامل نگرش‌سازی و بازمهندس‌سازی ذهن، نگرش فرا فرد و کلان و جزئی، تعریف و تبیین راهبردهای ضروری تعیین روش و برنامه ریزی و تبیین دستور کارها می‌شود.

همچنین خانم علیزاده درخصوص جذب جوانان، و فعالیت هرچه بیشتر (علی‌رغم کمبود امکانات)، برقراری ارتباط بین امام جماعت و جوانان و جوان بودن ائمه جماعات، سلام کردن و تحمل جوان‌ها و زیباسازی مساجد، اشتغال امام جماعت و در نتیجه برگزار نشدن نماز ظهر و عصر در مسجد و خسته بودن در هنگام نماز مغرب و عشا، و ساخت مساجد در جاهای دور از دسترس برای ساکنان شهرک‌ها را از جمله چالش‌ها دانستند.

حجةالاسلام کیوانی‌پور مسؤول حوزه سه شمال شرق تهران نیز به نکاتی اشاره کردند و سپس خانم بتول نیاقی بر لزوم جذب جوانان و برخورد درست با آنان تأکید کردند.

همچنین یکی از شرکت‌کنندگان، آموزش مدیریت، روانشناسی، مخاطب‌شناسی و جامعه‌شناسی به ائمه جماعت و تدریس دین به زبان ساده (نه تخصصی) در مساجد را خواستار شد.

متن جزوه کمیسیون تخصصی آسیب شناسی مساجد و کیفیت مقابله با آنها

چالش‌های موجود در امور مساجد ایران

برابر روایات مساجد پایگاه توحید، خانه های خدا در زمین، سکوی عروج، محل عبادت، بازار آخرت، محیط رحمت، بهترین مکان‌های زمین، کلاس تربیت، بستان بهشتیان، مطاف عاشقان، امید محرومان، مأمن مستضعفان، میعادگاه متقین و صیانت‌گاه مؤمنین است.

افزون برآن با سیری در سنت و سیره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام و مؤمنان صدر اسلام به این حقیقت دست می یابیم که مساجد در امور و ابعاد گوناگون دارای نقش عمده و اساسی بودند و در خدمت ترویج فرهنگ اسلام و نشر معارف دین و ابلاغ پیام و رهنمودهای حیات بخش پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و در یک جمله در راستای تأمین سعادت و ارتقای سطح اندیشه، اخلاق و فرهنگ مسلمانان قرار داشتند.

با کمال تاسف به تدریج مساجد در کشورهای اسلامی به آسیب، چالش‌ها و موانعی دچار شدند که کارایی آنها را در امور گوناگون کاهش داد. کاهش نقش آفرینی مساجد در همهٔ سرزمین‌های اسلامی پیامدهای ناگواری در پی داشت که مشهود است.

اکنون در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو آمریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد آغاز شدن دوباره جنگ های صلیبی را به گوش رسانیده و از سوی دیگر دشمن با به کار گرفتن همه تجهیزات و امکانات خود در زمینه فرهنگی تهاجم همه جانبه ای نسبت به نسل جوان صورت داده است و می‌کوشد در سایهٔ آن هویت جوانان مسلمان را به یغما ببرد و آنان را به مبلغان بی مزد خود بدل سازد، باید بکوشیم با شناخت موانع و آسیب ها، بار دیگر از

مساجد در عالی‌ترین شکل ممکن بهره‌برداری کنیم و برای صیانت از دستاوردهای انقلاب و خون‌بهای شهیدان آن فضاهای مقدس را فعال و پر نشاط سازیم.

آسیب‌ها، چالش‌ها و موانع را می‌توان در امور ذیل دسته‌بندی نمود:

الف: آسیب و چالش‌های ساختاری، مدیریتی و مالی

۱. نبود اطلاعات جامع از وضعیت مساجد کشور و در نتیجه فقدان تحلیل آماری لازم برای مورد توجه قراردادن آن در جهت‌گیری های اساسی مربوط به مساجد؛

۲. وجود تشکیلات موازی و ناهماهنگ و تعدد مراکز دخیل در مدیریت و امور مساجد؛

۳. فقدان استراتژی و سیاستگذاری کلان در امور گوناگون مساجد در برنامه کلان توسعه و توجه کافی نداشتن به برنامه‌ریزی‌های بلند مدت توسعه مساجد و نبود بودجه لازم برای آن؛

۴. فقدان برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده کامل، مطلوب و بهینه از مساجد در شرایط و وضعیت کنونی؛

۵. فقدان استراتژی روشن در مورد چگونگی حضور و دخالت دولت و نحوه مشارکت مردم؛

۶. نبود گروه کارشناسی قوی و کاردان جهت بازآفرینی نقش‌ها و کارکردهای مساجد و به روز کردن آن و بی‌توجهی مدیران و برنامه‌ریزان کلان کشور به این امر؛

۷. فقدان مرکز قوی پژوهش و تحقیقات بنیادی و کاربردی ویژه مساجد و اجرای نامناسب و غیر کاربردی طرح‌های تحقیقاتی و پژوهشی مساجد؛

۸. ساخت مراکز متعدد فرهنگی و هنری رقیب، با بودجه و امکانات کافی، به جای تقویت و گسترش فضای‌فرهنگی و هنری مساجد؛

ب: آسیب و چالش‌های فیزیکی و سخت افزاری

۹. فقدان طرح‌های مناسب معماری برای ساخت مساجد در دوران معاصر؛

۱۰. فقدان امکانات مناسب تأسیساتی، فرهنگی و رفاهی همانند کفشداری، پارکینگ، مهد کودک، درمانگاه، صندوق قرض الحسنه و... ؛

۱۱. نبود سرویس‌های بهداشتی مناسب، تهویه، سیستم‌های برودتی و حرارتی مطبوع، بی‌توجهی به نظافت، آراستگی، زیبایی، خوشبویی و نداشتن فضای بیرونی جذاب؛

۱۲. نبود نظارت کیفی و رعایت نکردن اصول مهندسی، مقاوم‌سازی و سهل‌انگاری در حفظ و مرمت مساجد؛

ج: آسیب و چالش‌های مربوط به نیروی انسانی و کارگزاران

۱۳. فقدان سیستم جذب و گزینش نیروی انسانی؛

۱۴. نداشتن ساماندهی مناسب برای نیروی انسانی موجود در مساجد؛

۱۵. فقدان نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد کارگزاران مساجد؛

۱۶. استفاده نکردن از توانایی‌های جوانان در امور مساجد و به کار نگرفتن نیروی کار آنان؛

۱۷. فقدان آموزش های روز آمد برای کارگزاران مساجد؛

۱۸. کوتاهی در تغذیه فکری نیروی انسانی به طور مداوم؛

۱۹. تأمین نبودن کارگزاران و به ویژه خادمان از لحاظ مالی و در نتیجه مسؤولیت‌ناپذیری آنان؛

د: آسیب و چالش‌های محتوایی و برنامه‌ای

۲۰. تعطیلی اغلب مساجد جز در ایام خاص، اقامه نشدن نماز جماعت در سه یا پنج نوبت، بسته‌بودن در مساجد جز در وقت نماز و نبود برنامه مداوم نیایش و قرآن‌آموزی در آن؛

۲۱. فقدان برنامه‌ریزی‌های جذاب هماهنگ و متناسب با نیازهای اقشار گوناگون جامعه و در نتیجه اجرا نشدن برنامه های تبلیغی و فرهنگی مناسب؛

۲۲. فقدان فضاسازی برای حضور مردم و نسل جوان و نبود فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح در مورد برنامه مساجد در رسانه های جمعی به ویژه رسانه ملی؛

۲۳. کوتاهی در تقویت و غنی‌سازی کتابخانه‌های مساجد کشور به طور مداوم؛

۲۴. استفاده نکردن از تجهیزات فرهنگی، هنری، رایانه‌ای و نرم‌افزاری روز و هم‌چنین استفاده از ابزار و زبان هنر در برنامه های تبلیغی ـ فرهنگی مساجد.

راه کارهای توسعه و تعمیق جایگاه و نقش آفرینی مساجد و جذب جوانان

۱. ادغام تشکیلات موازی در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شده است و هماهنگ نمودن کلیهٔ فعالیت ها ی مرتبط با مسجد با آن؛

۲. تعیین استراتژی و سیاست کلان در برنامه چهارم توسعه و اختصاص بودجه لازم و کافی؛

۳. اهتمام دولت و تشویق و ترغیب عمومی برای احداث، نوسازی و بهسازی مساجد و مجهز ساختن آن به تجهیزات روز آمد و حمایت از مساجد مناطق محروم؛

۴. تلاش در جهت وضع قوانین لازم برای حمایت های حقوقی و اجتماعی از مساجد؛

۵. جذب نیرو و بهره‌مندی از نیرو و امکانات شایان استفاده در محدودهٔ مسجد؛

۶. اقدامات لازم برای بازنشسته نمودن خادمان از کار افتاده و تلاش برای به کار گرفتن خادمان جوان و مناسب با حقوق و مزایای مناسب در جهت پاکیزگی و نظافت مساجد؛

۷. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان فرهنگی، متناسب با نیازهای اقشار گوناگون جامعه بر محوریت آموزش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن در مساجد؛

۸. فضا سازی لازم برای جذب هرچه بیشتر نسل جوان به مساجد در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی توسط رسانه های جمعی به ویژه رسانه ملی؛

۹. تأسیس دانشگاه مسجد و ارایه آموزش های روز آمد به کارگزاران مسجد؛

۱۰. تداوم بر پایی همایش‌ها و جشنواره‌های بین‌المللی، کشوری، استانی و شهرستانی برای تبیین، احیا و ارتقای جایگاه مساجد در جهان اسلام؛

۱۱. احداث پژوهشکده مسجد و انجام دادن مداوم پژوهش‌های بنیادی و کاربردی برای احیا و روز آمد نمودن مساجد؛

۱۲. تشکیل شورای عالی مهندسی مساجد و طراحی الگوی مناسب معماری و ساماندهی و نظارت بر کمیّت و کیفیت بنا و تجهیزات مساجد و هدایت و ساماندهی ساخت و تجهیز مسجد براساس نیاز مناطق گوناگون؛

۱۳. طراحی سیستم ماهواره‌ای و شبکه جهانی مساجد در اینترنت و بهره‌گیری مناسب از فن‌آوری ارتباطات و مبادله اطلاعات و برنامه‌ها و تجربیات با مساجد سراسر جهان و جوامع دیگر اسلامی در جهت اعتلای هرچه بیشتر نقش و جایگاه مسجد در جهان؛

۱۴. تلاش در مدیریت و برنامه‌ریزی کلان کشور برای حضور مسجد در متن زندگی مردم و ارتباط آن با مراکز مختلف آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و غیره.

اینک به موانع و چالش‌های مساجد به صورت تفصیلی در حوزه‌های مختلف آن توجه فرمائید:

فصل اول: مخاطبان مسجد

۱. خردسالان: در اکثر کشورهای جهان تربیت را از خردسالان شروع می‌کنند و با سرمایه‌گذاری روی خردسالان آینده کشورشان را می‌سازند.[۱] و با استفاده از شیوه‌های جدید آموزشی توانسته‌اند قبل از دبستان کلیه رفتارهای اجتماعی و اخلاقی خود را به آنان بباورانند.

---

۱. نمونه بارز آن در کشور ما جامعةالقرآن قم است که زیر نظر حجةالاسلام طباطبایی پدر گرامی محمدحسین طباطبایی است که قرآن و نهج‌البلاغه و روایت را به طرق گوناگون آموزش می‌دهد و هزاران خردسال را هم حافظ قرآن و نهج‌البلاغه نموده است.

۲. کودکان

۳. نوجوانان

٤. جوانان

موانع جذب جوانان به مساجد

ـ ناهمگونی روحیات و خواسته‌های جوان با فضای مسجد؛

ـ ناهنجاری و ناسازگاری با اطراف؛

ـ دین گریزی؛

ـ فقدان ارتباط عاطفی با انقلاب و جنگ؛

ـ دید نقدانه به فروریزی آرمان‌ها؛

ـ روحیه جوانی و نوگرایی؛

ـ زندگی در آینده؛

ـ نسل فرزند سالار؛

ـ استقبال از فن‌آوری‌های روز جهان و افزایش فاصله‌ها؛

ـ منابع اطلاعاتی گسترده؛

ـ دسترسی به جریان آزاد اطلاعات؛

ـ روحیه انتقادی؛

ـ سنت شکنی؛ کاهش تبعیت از بزرگترها؛

ـ رویکرد علمی؛ فرهنگی؛ هنری؛ اجتماعی.

۵. میانسالان

ـ اشتغال فراوان باعث شرکت نکردن در نماز؛

ـ وقت نداشتن برای شرکت در آموزش‌های مسجد.

۶. بزرگسالان

۷. بانوان

ـ ارتقا پیدا نکردن نقش و جایگاه زنان در مساجد؛

برجسته نمودن بُعد عبادی و فقدان فعالیت‌های دیگر برای نیمی از جمعیت کشور که زنان باشند؛

ـ نبود جای مناسب در داخل مسجد برای خانمهای معذور (حائض)؛

ـ فقدان مهد کودک در مساجد برای نگهداری کودکان در وقت نماز؛

ـ فقدان آموزش‌های تخصصی برای بانوان.

فصل دوم: معماری مسجد

بخش اول

۱. موقعیت مسجد

ـ تطابق نداشتن کارکردهای فعلی مساجد با پیشینه تاریخی و فلسفه وجودی آنها؛

ـ عقب ماندگی ایران در ساخت، تعمیر و تجهیز مساجد در مقایسه با سایر کشورهای اسلامی؛

ـ فقدان مساجد در خور شأن در بسیاری از شهرها و روستاها؛

ـ مسجد باید در بهترین موقعیت شهر و روستا قرار بگیرد؛

ـ مرکزیت محله را داشته باشد؛

ـ اگر محله شیب‌دار باشد در قسمت مناسب قرار گیرد؛

بنای مسجد متناسب با وضع اقتصادی و فرهنگی مردم و ساختمان‌های اطراف باشد.

۲. نمای مسجد

ـ ایوان مسجد بلند و در قسمت شرق باشد که هزینه‌اش کمتر از گلدسته و مناره است؛

ـ امکان تعبیه راه پله و اتاق‌های خدماتی در خود ایوان که در زمستان آفتاب‌گیری مناسب دارد.

۳. گنبد؛ ایوان؛ گلدسته

نشانهٔ مسجد، نورگیر کافی، هوای مناسب در هنگام ازدحام جمعیت، گرمایش در زمستان و سرمایش در تابستان، رنگ‌های سبز و آبی به کار رود، نمای مناسب با در نظر گرفتن ساختمان‌های بلند اطراف مسجد.

٤. ورودی به صحن و شبستان مسجد

- صحن مسجد درهای متعدد در جهات گوناگون داشته باشد؛
- راهرو ورودی مقداری از سطح زمین بلندتر باشد؛
- در مناطق سردسیر دو در پشت سر هم داشته باشد؛
- بالای سردر، دعاهای مخصوص نوشته شود.

۵. کف شبستان مسجد

شبستان مسجد چند پله پایین‌تر از سطح زمین باشد. زیرا اتصال صفوف به خارج شبستان، آسان‌تر می‌شود، اشراف بر جمعیت و جاذبهٔ خاص دارد، قیام و قعود امام جماعت از دور قابل دید است.

۶. شبستان مسجد

سرانهٔ هر نفر در مسجد ۷۵ سانتی‌متر در نظر گرفته شود. ستون‌ها مدور و شبستان مستطیل باشد تا طولش همسو با قبله باشد و مشابه کلیسا نشود، محل بانوان مساوی با مردان باشد. هم‌چنین تقسیم مسجد به مردان و زنان زیبا خواهد بود.

۷. سقف مسجد

مقداری از سقف مسجد شیشه‌ای باشد و سقف مسجد مستحکم باشد. هم‌چنین شیب‌دار باشد تا برف و باران به آن آسیب نرساند.

۸. پله‌های مسجد

پله‌ها حتی‌الامکان تقسیم شود، مثلاً بعد از هر چند پله مسافتی نفس‌گیر قرار داده شود و برای احساس خستگی نکردن حتی الامکان سرباز باشد.

پله‌های قسمت بانوان محفوظ باشد و از ارتفاع مناسبی برخوردار باشد و حتی‌الامکان پله‌های کمتری داشته باشد.

۹. بالکن

در صورت نیاز از بالکن استفاده شود.

۱۰. منبر

ـ حتی‌الامکان جنب پردهٔ زنانه باشد تا همه، سخنران را ببینند؛

ـ توجه روحانی به حضور زنان و طرح مباحث مربوط به آنان؛

ـ تأثیر بیشتر سخنرانی به جهت دیده شدن سخنرانان؛

ـ سکوت و آرامش بیشتر در قسمت بانوان؛

ـ با توجه به نقش تربیتی بانوان در مقام همسر و مادر؛ تأثیر سخنرانی در آنان برای جامعه بسیار ارزشمند خواهد بود؛

نور از بالا به سخنران بتابد؛ به‌گونه‌ای سایه نداشته باشد. بنابراین باید پشت منبر یا طرف راست و یا طرف چپ؛ نور نباشد که سایهٔ سخنران موجب حواس پرتی شود؛

ـ بین منبر و مردم نور قوی نباشد تا چشم‌ها را خسته کند؛

ـ رنگ منبر ملیح باشد و چشم را نزند؛

ـ منبر در داخل دیوار به صورت محراب، تعبیه شود؛

ـ جای لیوان آب داشته باشد؛

ـ برای منبر از نور سبز استفاده شود و همیشه روشن باشد.

۱۱. محراب

ـ محراب تو رفتگی زیاد نداشته باشد؛

ـ در محراب از اشکال هندسی و اسامی مقدس استفاده شود؛

ـ از نور سبز در محراب استفاده شود؛

ـ چراغ سبز محراب از سیستم جدا و همیشه روشن باشد؛

در قسمت بیرونی محراب که همسو با دیوار مسجد است؛ دعاها و آیات قرآنی که در قنوت خوانده می‌شود نوشته شود.

۱۲. نوشتار در مسجد

ـ نوشته روی در مسجد به کمک ابزار جدید با خط‌های زیبایی باشد؛

ـ به جای نقش گل و بوته بهتر است؛ از نوشتار بیشتری استفاده شود تا بیننده را بیشتر به یاد خدا اندازد؛

ـ توجه به نوشتار قرآنی و روایی قلب‌ها را آرام می‌کند.

۱۳. تعبیه جا قرآنی وکتاب

ـ بلندگوها در دیوارها تعبیه شود؛

به لحاظ کراهت نماز در مقابل آتش بخاری در جهت قبله نباشد؛

ـ هواکش و کانال کولر در دیوارها قرار داده شود نه پنجره‌ها تا جلو نور گرفته نشود و صدای کمتری باشد؛

ـ هواکش در منظر نباشد؛

ـ سنگ مخصوص برای تیمم؛ در دیوار مسجد نصب نباشد.

بخش دوم

۱. نور و روشنایی مسجد

ـ نور فیزیکی

ـ همه قسمت‌های شبستان، مانند بالکن و... در روز از نور کافی برخوردار باشد؛

ـ فضای روشن از روح خاصی برخوردار و آرام‌بخش است؛

ـ فضای روشن موجب می‌شود بیشتر در مسجد توقف کنند؛

ـ برای تأمین نور شبستان پنجره‌هایی با طول و عرض مناسب نصب شود؛

ـ مطالعه و قرائت قرآن با نور طبیعی راحت‌تر است؛

ـ در و پنجره‌های رو به خورشید آفتابگیر باشد.

ـ نور الکتریکی

ـ نور مستقیم چراغ‌های قوی مخل دید است و چشم را اذیت می‌کند؛

ـ در محراب چراغ آویزان نباشد و از بیرون محراب نورپردازی شود؛

ـ چنانچه لوستر و جار؛ وسط مسجد آویزان شده؛ بیرون به آن تابیده شود و یا از قسمت میانی جار؛ توسط نور افکن‌های قوی به سقف؛ نورپردازی روز باشد، فرق داشته باشد؛

ـ سر در ایوان ورودی شبستان هم؛ حتی‌الامکان از بیرون و به صورت غیرمستقیم؛ نورپردازی شود.

۲. سیستم صوتی مسجد

در دیوارهای محراب محلی برای دستگاه صوتی در نظر گرفته شود و از بیرون با کلید روشن و خاموش شود.

ـ سیستم صوتی مخصوص محراب

ـ سیستم صوتی مخصوص سخنران؛

ـ سیستم صوتی مخصوص مداح؛

ـ منظم بودن صدا در همه اوقات؛

ـ استفاده از بلندگوی بیرون مسجد فقط برای اذان (سه وقت)؛

ـ استفاده نکردن از بلندگوی بیرون برای مراسم ختم و غیره؛

ـ استفاده از صدای مناسب در داخل مسجد؛

بی‌توجهی به نقاط ضعف در معمارهای مساجد؛

ـ بی‌توجهی به زیبایی؛ نظافت و آراستگی مساجد؛

ـ بی‌توجهی به مساجد و متناسب نبودن آنها با شأن جامعهٔ ایران.

بخش سوم: خدمات جنبی مسجد

ـ وضوخانه؛

ـ سرویس بهداشتی؛

ـ پارکینگ؛

ـ محل زندگی امام جماعت؛

ـ محل زندگی خادم.

فصل سوم: رسانه‌ها و مسجد

منبر

استفاده از منبر یکی از روش‌های سنتی و با سابقهٔ هزار و چهارصد ساله است که هنوز جایگاه خود را حفظ کرده است و هیچ چیز نتوانسته جای آن را پر کند برای منبر و اهل منبر شرایطی است که در بحث سخنران به آن اشاره خواهد شد.

فناوری‌های جدید

تلویزیون و ماهواره و رایانه با تمام جذابیت‌هایی که دارند؛ هنوز نتوانسته‌اند جایگاه مناسبی در مساجد پیدا کنند. البته از آنها استفاده‌های فراوانی می‌شود و جا دارد از منافع مثبت آن بیشتر استفاده شود.

اینترنت و اینترانت؛ در مقایسه با موارد پیش گفته جذابیت بیشتری دارد که هم‌اکنون از جمله ابزارهای جذب جوانان به مسجد است که خود قسمت‌های گوناگون دارد و هر کدام جاذبه‌های خاص خود را دارد. گیم نت یا بازی‌های رایانه‌ای که جدیداً در بعضی از مساجد به کار گرفته شده است، باعث جذب جوانان شده است و بعد از آن جوانان جذب مسجد و نماز می‌شوند.

البته استفاده از فناوری‌های جدید حتماً باید زیرنظر ائمه جماعات و با نظارت آنان باشد.

ضعف‌های رسانه‌های عمومی و مسجد

پیدایش مراکز موازی مساجد مثل فرهنگ‌سراها و مراکز متعدد فرهنگی، تعدد کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره و اینترنت و غیره، سرگرمی‌های متنوع و برنامه ورزشی و تفریحی با سرمایه‌گذاری‌های کلان، جذب امکانات فرهنگی به منظور اجرای طرح‌های گوناگون و چیزهای کم اهمیت مثل موسیقی و سرگرمی‌های بی‌محتوا، ارایهٔ چهره ضعیف از اهل مسجد در فیلم، حاضر نشدن پیوسته در مسجد (فقط در مواقع گرفتاری و مریضی به مسجد می‌رود یا ماه رمضان و محرم)، ضعف تبلیغات، پیام‌های بی‌محتوا، پخش برنامه‌های که گاهی به گونهٔ غیرمستقیم بر مسجد تأثیر منفی دارد.

فصل چهارم: نیروهای انسانی

امام جماعت

خصوصیات اخلاقی امام جماعت، امام جماعت و ارگان‌ها، امام جماعت و نماز، امام جماعت

و سخنرانی، امام جماعت و توانمندی‌ها، امام جماعت و خانواده، امام جماعت و نحوهٔ انتخاب، امام جماعت و تسلط علمی، امام جماعت و آموزش، امام جماعت و سیاست، امام جماعت و منبع درآمد، امام جماعت و ضعف‌ها از نکات قابل توجه است.

سخنرانی‌های ضعیف و دعوت نکردن از سخنوران، نبود ارتباط با مراکز روحانیت، نبود ارتباط با مساجد دیگر، فقدان ارتباط با مراکز رسیدگی‌کننده به مساجد، استفاده نکردن از تجربیات دیگران، بی‌توجهی به برنامه‌ریزی و ساماندهی امور مساجد، فقدان مدیریت مسجد (فقط نماز می‌خواند و کار به چیز دیگری ندارد)، ارتباط نداشتن با اهل مسجد، عدم نظارت ارگان‌های رسیدگی کننده به مساجد و امام جماعت، فقدان امام جماعت متخصص در حوزه علمیه، فقدان رشته خاص امامت جماعت در حوزه علمیه، نبود نقد و نظارت بر ائمه جماعت، غفلت از طبقه جدید فرهنگی مثل دبیران دانشگاهیان و دانشجویان، منحصر بودن در تبلیغ سنتی و استفاده نکردن از ابزار روز، پاسخگو نبودن به گرایش‌های گوناگون، تأمین نبودن ائمه جماعت از چالش‌های مهم در این عرصه است.

هیئت امنا

به‌کارگیری هیئت امنای صاحب ابتکار و خلاق، که با برنامه‌ریزی‌های متنوع خواهند توانست افراد را به مسجد جلب نمایند، همکاری جدی، تقسیم کار، علاقه به کار، تأمین بودجه، توجیه جوانان و نوجوانان، اهتمام به مسئله جوانان و نوجوانان، استفاده از تخصص‌های گوناگون، وابسته نبودن به قشری خاص، پرهیز از اختلاف بین هیئت امنا، هماهنگ نبودن با امام جماعت، سختگیری نکردن با جوانان، تعیین شرح وظایف، تعیین مسؤولیت‌ها، آموزش و فرستادن جزوه‌های تخصصی مخصوص هیئت امنا، ایجاد معاونت‌های گوناگون، نظرخواهی باید مورد توجه جدی‌تر قرار گیرد.

همسایگان مسجد

رعایت حقوق همسایگان مسجد، جلوگیری از مزاحمت صدای مسجد و هم‌چنین رفت و آمد به مسجد بویژه به هنگام ازدحام در مراسم ختم و غیره، پارک نکردن ماشین در مقابل منزل مردم، پخش نکردن موزیک و قرآن بیش از حد باید مدنظر قرار گیرد.

غیرمسلمانان

با عنایت به آن‌که طبق فتوای برخی از مراجع از نظر شرعی ورود غیرمسلمان به مساجد حرام است، از طرفی در صدر اسلام کفار و مشرکین به خدمت پیامبرﷺ می‌رسیدند و در مسجد مباحثه می‌کردند و خیلی‌ها هم مسلمان می‌شدند. جاذبه‌های مساجد و خیلی در مسلمان شدن کفار تأثیرگذار می‌باشد. حل مسئله ورود غیرمسلمانان به مساجد یکی از ضروریات است.

مدیریت مسجد

ساختار پیشنهادی مدیریت مسجد: حضور فعال و دایمی یک روحانی، هیئت امنای فعال و متدین و خوش اخلاق، مسؤولین پایگاه‌های فعال مسجد، ساماندهی رابطین فعال فرهنگی مساجد، جذب خدام افتخاری و تقسیم مسؤلیت‌ها و فعالیت‌ها، ناهماهنگی وضع موجود مساجد با شرایط زمان و نیازهای انقلاب اسلامی، فعال نبودن مساجد در تمام ساعات روز به لحاظ نبود امکانات، دخالت نهادهای گوناگون در مدیریت مساجد با عنایت به نبودن مدیریت منسجم و کارآمد برای مسجد از چالش‌های موجود مساجد ماست.

بانی و واقف

شرط شرعی نکردن در وقف، تعیین نکردن تولیت خاص، تعیین مدت نکردن یا تدوین خصوصیات دست و پاگیر و کُندی پی‌گیری برخی از مسائل در این مورد باید مورد بازنگری واقع شود.

خادم

عدم برخورداری اکثر مساجد از خدام با سواد، آموزش دیده و آشنا به مسائل بهداشتی، خدماتی و... یکی از آسیب‌های جدی است که باید برای حل آن چاره‌ای اندیشید.

فصل پنجم: منابع اقتصادی مسجد

کمک‌های مردمی

ـ اتکای کامل به مردم و حمایت نکردن دولت در ساخت و تعمیر و تجهیز و نگهداری و ادارهٔ مساجد با عنایت به آن‌که اکثر مساجد باکمک‌های مردمی ساخته می‌شود؛

ـ ضعف اقتصادی مردم و نبود کمک‌های مادی مناسب برای مساجد؛

ـ تبلیغ ضعیف و فقدان جذب سرمایه‌های مادی مردم ثروتمند؛

ـ ارگان‌های مربوط به مساجد؛

ـ اختصاص ندادن بودجه به مراکز مرتبط با مساجد؛

ـ هزینه‌های بیجای بسیاری از مراکز مربوط به مساجد.

دولت و مساجد

در برخورد دولت با مساجد در دوران پس از انقلاب چالش‌های ذیل به خوبی مشهود است:

۱. نبود برنامه‌ریزی مناسب برای استفاده کامل و مطلوب و بهینه از مساجد (گسترده‌ترین پایگاه تبلیغی و فرهنگی در سطح کشور) که اکنون کمتر از ۵۰ درصد از این مراکز به طور نسبی استفاده می‌شود؛

۲. فقدان استراتژی مصوب در مورد چگونگی حضور و دخالت دولت در مساجد (دولت می‌تواند بودجه فرهنگی و تعمیر و تجهیز به مساجد اختصاص بدهد و خود دخالت نکند و هیئت امنا با نظارت مردم مصرف کنند که مردم هم بهترین ناظر هستند)؛

۳. تعداد مراکز دخیل در امر مسجد؛

۴. فقدان ساماندهی مناسب منابع نیروی انسانی مساجد؛

۵. اجرا نشدن برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی مناسب و فقدان فرهنگ‌سازی و اطلاع رسانی صحیح در مورد مسجد؛

۶. اجرای نامناسب و غیرکاربردی طرح‌های تحقیقاتی؛

۷. استفاده نکردن از تجهیزات فرهنگی؛ هنری؛ رایانه‌ای و نرم‌افزاری روز؛

۸. فقدان تقویت و غنی‌سازی کتابخانه‌های مساجد کشور، تنها ۵ درصد مساجد دارای کتابخانه هستند که کتاب‌های آنها هم یا قدیمی است و یا خیلی محدود است؛

۹. نبود امکانات مناسب فرهنگی؛ رفاهی؛ تأسیساتی که ۳ درصد مساجد دارای امکانات فوق است؛

۱۰. ساخت مراکز متعدد فرهنگی هنری به جای تقویت و گسترش فضای فرهنگی و هنری مساجد (این مراکز رقیب مسجد شده‌اند)؛

۱۱. استفاده نکردن از ابزار و زبان هنر در برنامه‌های اجرایی؛

۱۲. نبود مرکز قوی پژوهشی و تحقیقاتی ویژه مساجد؛

۱۳. فقدان گروه کارشناسی قوی و کاردان جهت باز آفرینی نقش‌ها و کارکردهای مساجد و به روز کردن آنها؛

۱۴. نبود اطلاعاتی جامع از وضعیت مساجد کشور (تهیهٔ آمار و شناسنامه از وضعیت نیروی انسانی و امکانات مساجد کشور و تشکیل بانک اطلاعات مساجد تا امکان سنجی دقیقی از مساجد کشور داشته باشیم)؛

۱۵. فقدان نهاد مدنی کارآمد و فراگیر از نیروی مساجد؛

۱۶. فقدان تغذیه فکری نیروی انسانی؛ بعضی از ائمه جماعات از مسائل روز غافل‌اند و همچنین سایر نیروها؛

۱۷. سازمان مسکن و شهرسازی، و زمین رایگان برای مساجد؛

۱۸. دریافت نکردن وجوهات آب؛ برق؛ گاز و دیگر مصارف مورد نیاز مسجد توسط دولت؛

۱۹. لزوم توجه قانونمند به این تشکل بزرگ اجتماعی در کشور و تعریف شدن جایگاه آن در نظام؛

۲۰. بی‌توجهی دولت به نقش حرکت سیاسی؛ اجتماعی و فرهنگی مساجد در تصویب قوانین و لوایح و فقدان تخصیص بودجه و اعتبار؛

۲۱. فقدان سرمایه‌گزاری برای طبیعی‌ترین کانون سیاسی؛ اجتماعی کشور یعنی مساجد و صرف بودجه‌های هنگفت در احزاب؛

۲۲. نبود امکانات؛ در به روز کردن کارکردهای مساجد؛

۲۳. بی‌توجهی به نقش مساجد در تحقق اهداف فرهنگی در سند چشم‌انداز بیست ساله کشور؛

۲۴. بی‌توجهی به مصلحت نظام در جهت حفظ و نگهداری مساجد با توجه به نقش آن در حفظ و تقویت نظام.

فصل ششم: مراکز و کانون‌های مساجد

کتابخانه

ـ نبود کتابخانه در اکثر مساجد؛

ـ وجود کتابخانه‌های قدیمی و یا کتاب‌های قدیمی و از رده خارج در برخی از کتابخانه‌ها؛

ـ فقدان کتاب‌های جدید و مورد نیاز و عدم روزآمد کردن کتب؛

ـ فقدان مسؤول و مدیر قوی برای کتابخانه‌ها.

بسیج

اگرچه بسیج مخلص‌ترین نیروی جان برکف در راه خدا و در راستای اعتلای دین مبین اسلام است ولی حضور بسیجیان در مساجد در برخی از موارد موجب پیدایش چالش‌هایی به شرح ذیل گشته است:

ـ فقدان هماهنگی کامل با امام جماعت؛

ـ فقدان مدیریت قوی در بسیج مسجد؛

ـ اختلاف با هیئت امنا و مدیران مسجد؛

ـ اختلاف بر سر جا و مکان (در زمان جنگ فعالیت بیشتری داشتند جا بیشتر گرفته بودند ولی بعد از جنگ چون فعالیت‌ها کم شد، بر سر جا اختلافات به وجود آمد)؛

ـ تداخل برنامه‌ها برادران بسیجی با مسؤولین ذی‌ربط مساجد دربرگزاری کلاس‌ها و... ؛

ـ اقدامات خودسرانهٔ بعضی از بسیجیان؛

ـ لزوم فعال شدن شورای حل اختلافات در مرکز.

کانون‌های مساجد

ـ کانون فرهنگی؛

ـ کانون آموزشی؛

ـ کانون اقتصادی؛

ـ کانون ورزشی؛

ـ کانون تربیتی؛

ـ کانون تحقیقاتی.

مسجد و جهان اسلام

بی‌توجهی به جایگاه و فرصت‌آفرینی‌های مساجد به عنوان مهم‌ترین نماد دینی مسلمین و نشانه حضور خداوند در زمین و بی‌توجهی به این نکته که گسترهٔ مساجد در جغرافیای جهان برابر باگسترهٔ قلمرو اسلام است و سمبل عزّت و عظمت مسلمین و تجلیگاه هنر و ذوق اسلامی آنان است.

بی‌توجهی به نقش مساجد در معرفی و شناساندن اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی با عنایات به آن‌که مساجد آیینه تمام‌نمای حقیقت اسلام‌اند.

ترویج اندیشه همانندی مسجد باکلیسا درکشورهای اسلامی وکپی‌برداری از فرهنگ وارداتی غربی با توجه به نقش محدودکلیسا در آن‌کشورها بدون توجه به آن‌که مساجد مراکز شکل‌گیری انواع فعالیت‌های فردی و جمعی و حضور و مشارکت مردمی هستند.

تسلط دولت بر مساجد به عنوان مرکز تربیت اسلامی و مرکزیت شهر اسلامی و محل ارتباط مردم با مسئولان اسلامی؛ کانون‌های اصلی دعوت به بندگی و عبادت خدا و تقویت تقوا؛ هدایت مردم؛ روشن‌گری مردم؛ محل ایجاد وحدت کلمه و مکان مقدس افزایش مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی.

غفلت نمودن از رعایت شؤون مساجد به عنوان کانون‌های گسترش و نشر دین و فرهنگ غنی اسلامی و بی‌توجهی به برنامه‌ریزی برای مقابله با آنان در راستای حفظ و تقویت شدن سنگرهای اصیل.

بی‌توجهی به هویت دینی و مبارزه نکردن با عوامل زمینه‌ساز تضعیف هویت ملی ایران از طریق مساجد و هوشیاری نسبت به اقدامات دشمنان اسلام که تحت لوای دین صورت می‌پذیرد.

امید است حاضران در همایش با مورد تأمل قرار دادن موانع و چالش‌هایی که بدان اشارت رفت، راه حل‌های پیشنهادی خود را ارائه فرمایند.

جلسه کمیسیون آسیب‌ها و چالش‌ها

گزارش دبیر کمیسیون حجةالاسلام والمسلمین موسوی عبادی

بسم الله الرحمن الرحیم

بنده تشکر می‌کنم از مسئولانی که این جلسات را برگزار می‌کنند و امیدوارم که خداوند متعال توفیق بدهد که آثار مفید را در عمل و نتایج نهایی را در جامعهٔ اسلامی به عینه مشاهده بکنیم.

هر قدمی که در راه مسجد برداشته شود یقیناً هم در دنیا و هم در آخرت، خداوند متعال اجرش را خواهد داد ان‌شاءالله. روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دیدم که می‌فرمایند:

«هر روز ملکی ندا می‌کند بر قبرها که حسرت چه چیزی را می‌خورید؟ همه با هم می‌گویند که: اهل مسجد که نماز می‌خوانند ولی قدرش را نمی‌دانند که چه ثوابی دارد، اگر می‌دانستند از مساجد بیرون نمی‌آمدند».

بحث ما در بارهٔ آسیب‌ها و چالش‌های مساجد است. از منابع و اطلاعاتی که در دسترسمان بود این موضوعات و سرفصل‌ها را انتخاب کردیم اما باز هم گمان می‌کنم که در بارهٔ این موضوع خاص باید کار تحقیقاتی و میدانی بشود تا نتیجهٔ بهتری داشته باشد.

فصل اوّل در بارهٔ مخاطبان مسجد است. در کشورهای دیگر کلیساها در مراکزی با فضاهای آنچنانی که هرچقدر وسائل نقلیه زیاد باشد باز هم جا برای پارک وجود دارد، مهد کودک برای بچه‌ها هست تا در آن بازی کنند، جای دوچرخه سواری هست، همه چیز هست، آن وقت در مساجد ما متأسفانه هیچ جایی برای خردسالان نیست، کسی که بچه‌اش را می‌آورد و در بغلش گریه می‌کند جایی نیست تا برود و بچه را ساکت کند، امام جماعت در

حال نماز خواندن است و بچه‌ها هم گریه می‌کنند. متأسفانه بسیار ضعیف و سنتی عمل می‌کنیم، باید در مساجد جاهای مخصوصی با اسباب بازی لازم وجود داشته باشد، در این گونه مساجد بچه‌ها چندین ساعت می‌توانند مشغول باشند و مادرانشان هم به‌کلاس‌های مسجد برسند، برای امام جماعت هم مزاحمت ایجاد نمی‌کنند. این موارد بسیار مهم است.

شماره ۵۲

در مساجد می‌توانیم از همان خردسالان استفاده کنیم، می‌توانیم به آنها قرآن یاد بدهیم، خردسالی که قرآن را حفظ کرد، وقتی بزرگ شد، از مسجد جدا نخواهد شد. در مورد کودکان و نوجوانان نیز همین طور است وقتی سنشان بالا می‌رود به اقتضا و نیاز سنشان باید جایی در مساجد داشته باشند.

در مورد جوانان جای بحث زیاد است، عواملی که جوان وقتی به سن بلوغ نزدیک می‌شود مسیر تعیین کردن برای جوان خیلی مهم است، گاهی جوان مسجدی می‌شود و گاهی جذب جاهای دیگر می‌شود، در آن سن هر کس که جذب شد، مدتها طول می‌کشد که تغییر پیدا کند. کسی که مسجدی شد یقیناً مسجدی خواهد ماند و اگر بی‌نماز شد دیگر به نماز برگرداندنش بسیار طول می‌کشد.

خیلی از مسائل که ما مهم نمی‌دانیم، ممکن است موجب فرار جوان از مسجد بشود. خیلی معذرت می‌خواهم ناچارم بگویم که حتی وضو گرفتن عالم ممکن است فراری دهنده جوان باشد. عالمی که از لحاظ استحباب می‌خواهد وضو بگیرد، باید رعایت حال دیگران را در موقع پاک کردن بینی خود بکند زیرا همین ممکن است جوانی را ناراحت بکند به‌طوری که دیگر به مسجد نیاید، مسئله‌ای که ما هیچ وقت فکرش را هم نمی‌کنیم!

موضوع دیگر تبلیغ نکردن است، من خودم تحقیق کردم در قم که مرکز کتاب فروشی‌های مذهبی ایران است، به اندازه تعداد انگشتان دست، کتاب در مورد مسجد ندیدم. البته هست منتها ۲۰۰ الی ۳۰۰ کتاب هست که اکثراً هم عربی هستند، یا کتاب‌هایی هستند در مورد مسجد فلان شهر یا مسجد فلان محله که از لحاظ معماری و قدمت بحث شده است اما در مورد مسجد و آسیب‌ها و چالش‌های مساجد، راه‌های جذب به مسجد یا مسائلی که ما در اینجا مطرح کردیم، هیچ منبع و مأخذی پیدا نکردم. ولی خدا برکت بدهد به اینترنت که مقداری اطلاعات از آن به دست آوردم، ماهنامهٔ مساجد نیز انصافاً اطلاعات مفید زیادی دارد از اولین تا آخرین جلدش را بررسی کردم، مدیریت‌هایی که تغییر پیدا کرده حتی در خود ماهنامه کاملاً درج شده است. گاهی به مطالب جالبی برمی‌خوریم، هر زمان مدیریت ضعیف بوده، موضوعات با مسجد فاصله پیدا کرده، خیلی فلسفی و عرفانی شده است یا وارد بحث‌های کلامی شده‌اند. و گاهی به مسائل روز پرداخته‌اند که از آن طرف قیمت به ۹۰۰ تومان رسیده است، که اگر مسجدی بخواهد این را بخرد، قیمت بالایی است و این مضر برای تبلیغ است.

ما در بعضی موارد اصلاً تحقیق نکرده‌ایم، مثلاً در مورد ثواب مسجد، خود مسجد، فضیلت مسجد و کسانی که به مسجد می‌آیند. خودشان مطلع هستند ولی آنهایی که مسجدی نیستند چکار کنند؟ آیا ما نباید در باره مسجد تحقیق بکنیم، تحقیق میدانی را باید در کلاس کامپیوتر، کلاس‌های گیم‌نت و کلاس‌هایی که اصلاً با مسجد ارتباطی ندارند، انجام دهیم؛ سؤال کنیم: چه چیزی باعث شده شما به مسجد نروید؟ یا چطوری می‌شود که مسجدی بشوی؟ این آمارهای میدانی را باید پیگیری بکنیم و بتوانیم آنها را جذب کنیم و قسمتی از تبلیغ را به عهده رسانه‌ها واگذار کنیم که در بخش رسانه‌ها ان‌شاءالله به آن می‌پردازیم.

مطلب دیگر این که اگر جوان‌های الآن را مقایسه بکنیم با زمانی که بزرگان ما جوان بودند، می‌بینیم از زمین تا آسمان فرق می‌کنند، آن موقع در ۳۰۰ سال میزان اطلاعات بشر دو برابر می‌شد اما الآن در ظرف ۳ سال دو برابر می‌شود. الآن پیشرفت علم بشر در هر سال مساوی است با علمی که بشر از روز اول خلقت تاکنون به دست‌آورده است. الآن اطلاعات به صورت آزاد در اختیار جوانان است. جوان می‌تواند همه چیز را ببیند، اینترنت دارد، ماهواره دارد، سی‌دی دارد، مد روز ماهواره را دارد، اما وقتی داخل مسجد می‌شود برخورد ما با آنها چگونه است؟ موهایش را دم اسبی بسته بگوییم برو بیرون، نه. الآن در اعتکاف افرادی می‌آیند که موهای‌شان را دم اسبی بسته‌اند، ریش‌های آن‌چنانی و شکل‌های آن‌چنانی دارند ولی گریه می‌کنند، خیلی‌ها طرد می‌کنند که باعث می‌شود جوان‌ها از مسجد دور شوند.

مطلب بعدی از فصل اول که مخاطبان مسجد بود، بانوان هستند. بانوان نیمی از جمعیت هستند. آمار جمعیت زنان در کل کشور دو میلیون کمتر از مردان است ولی به لحاظ نداشتن جایگاه در مسجد، بانوان از مسجد دور هستند. در مساجد ما زن‌ها را می‌برند طبقه بالا خیلی‌ها نمی‌توانند بروند بالا، بچه دارند، بچه ممکن است از آن بالا بیفتد یا مثلاً حایض است، باید مکانی برای زنان حایض در نظر گرفت، باید گوشه‌ای از مسجد را حسینیه قرار دهند تا زن‌ها همیشه در مسجد حضور داشته باشد. همچنین خانم‌ها را با کلاس‌های گوناگون می‌توان جذب کرد؛ زیرا در خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد و می‌توانند بچه‌های‌شان را خوب تربیت کنند و آنان را مسجدی بکنند.

فصل دوم در مورد معماری مسجد از لحاظ ظاهری بود، موقعیت مسجد باید بهترین مکان شهر باشد. ثانیاً موقعیت مسجد از لحاظ پراکندگی جمعیت خیلی در جذب مردم مهم است. مطلب دیگر این که بنای مسجد مناسب با وضع اقتصادی و فرهنگی مردم و متناسب با ساختمان‌های محل باشد. این درست است که بحث معماری مهم است ولی اگر در منطقه‌ای خیلی سطح پایین مسجدی مثلاً ۵۰۰ میلیونی بسازیم این با موقعیت آنجا سازگار نیست، معماری و نکات معنوی معماری همه جا به شکل ساده آن می‌تواند باشد.

مطلب دیگر نوشتن دعاها روی در ورودی و خروجی است که این‌ها انسان را به یاد معنویت و یاد خدا می‌اندازد. دیگر اینکه سعی کنند مسجد به صورت مستطیل و مربع باشد که اصلاً پله نداشته باشد زیرا در اتصال صفوف و دیدن امام جماعت در قیام و قعود تأثیر دارد. منبر حتی‌الامکان بین پرده زنانه و مردانه باشد که هم زنان اشراف داشته باشند هم مردان، چون خود دیدن واعظ و روحانی خیلی اثرگذار است. منبر باید نور کافی داشته باشد و پشت سر روحانی سایه نباشد. رنگ‌آمیزی منبر، سادگی منبر و ارتفاع منبر خیلی مهم است.

بخش دیگر در بارهٔ نور و سیستم صوتی است. سیستم صوتی از جمله مواردی است که آزاردهنده است. سیستم صوتی مسجد فقط باید اذان را از بیرون پخش کند و در مراسم ختم و یا سایر مراسم اصلاً نباید بیرون پخش شود و فقط در داخل مسجد باشد، زیرا موجب اذیت و آزار مردم می‌شود.

فصل سوم در بارهٔ رسانه‌ها و مساجد است. منبر یک روش سنتی است که ۱۴۰۰ سال است که به این روش سنتی عمل می‌کنیم این درست که هیچ پدیده‌ای جای منبر را نمی‌گیرد منتها می‌توانیم از پدیده‌های نو در منبر استفاده کنیم مثلاً اشکال ندارد انسان با لب‌تاب و یا رایانه برود بالای منبر و مطالبش را همان جا بگوید. مساجد ما می‌توانند ماهواره بیاورند داخل مسجد ولی نظارت شده و با نظارت هیئت امنا و مدیریت مسجد، روحانی مسجد از بخش‌های علمی ماهواره استفاده بکند تا جوان‌های ما نیز منحرف نشوند. حال برای این که تنوعی بشود از نظریات دیگران استفاده می‌کنیم.

در این جلسه حجت‌الاسلام شیران نیز بر لزوم مخاطب‌شناسی، خلاصه‌گویی، استفاده از آیات و روایات، استخاره نکردن بین دو نماز تأکید کردند و خواستار تذکر به صدا و سیما در ممانعت از پخش برنامه‌ها و سریال‌های مغایر با وقت نماز جماعت و منبر مساجد شدند و برخی از حاضران نکاتی را پیرامون موضوعات مطروحه بیان نمودند.

کمیسیون معماری مساجد

حجةالاسلام والمسلمین رضایی بیرجندی، دبیر کمیته علمی همایش

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.

ضمن تشکر و قدردانی از محضر سروران عزیز که قبول زحمت فرمودند.

همان‌گونه که مستحضر هستید برای کارهایی که صُورت می‌گیرد زحمت زیادی کشیده می‌شود تا یک سلسله همایش به این شکل برگزار شود، مخارج زیادی می‌شود. نمایشگاه توانمندی‌های مساجد که امسال نیز به نحو خوبی برگزار شد می‌طلبد که جمعی با هم فکر و تلاش کنند که کارها به سمت کاربردی شدن و عملی شدن پیش برود.

همانطور که دوستان شاهد بودند مقام معظم رهبری، فرمودند:

«سعی کنید کارهایتان نتایج عملی داشته باشد».

و ما یقیناً باید تلاش کنیم به سوی هرچه کاربردی شدن اندیشه‌هایی که ارائه می‌شود و از این جلسات نهایت بهره‌برداری را بکنیم.

در سال گذشته و دو سال قبل آن همین همایش‌ها برگزار شد. در کتاب «فروغ مسجد جلد ۱ و ۲» عصاره‌ای از اندیشه، اندیشه‌ورزان در باره مساجد آورده شده است که باید این کارها را انجام داد. همچنین شخصیت‌های بزرگی که صحبت کردند. مطالب بسیار مفیدی ارائه نمودند. یکی از ضعف‌ها آن است که در همه سلسله همایش‌ها، دوستان فرصت اظهار نظر پیدا نمی‌کنند این کمیسیون‌ها باید جایی باشد که کسانی که واقعاً نظر مفیدی دارند بتوانند نظرشان را ابراز بکنند.

نکته دیگر این که ما از صاحب‌نظران در این کمیسیون‌ها استفاده کنیم و در واقع جهت‌گیری بشود، که امیدواریم در نتایجی که بعداً ارایه می‌شود به عنوان محصول همایش و به شخصیت‌ها داده می‌شود فرهنگ‌سازی شود و مؤثر باشد.

امروز در خدمت آقای مهندس نقره‌کار هستیم. نکته اساسی آن است که مسجد باید مرکز و محور شهرسازی اسلامی بشود تا به منزله روح جامعه اسلامی باشد. امروزه مساجدی ساخته می‌شود که هیچ جای آن به مسجد نمی‌خورد. همچنین در خدمت جناب آقای مهندس مروت مشاور وزیر مسکن و شهرسازی در امور ساختمان و شهرسازی مذهبی هستیم که زحمات زیادی کشیدند از نقطه‌نظرات آنان استفاده می‌کنیم.

گزارش دبیر کمیسیون جناب آقای مهندس نقره‌کار

بسم الله الرحمن الرحیم

شماره ۲۳

درخصوص معماری مساجد باید بگویم واقعاً مساجد ما در طول تاریخ بسیار مظلوم واقع شده‌اند و هم‌چنین بعد از پیروزی انقلاب به دلیل دیدگاه‌هایی که بوده مردمی ماندن مساجد و اینکه خود مردم اداره کنند و دولت دخالت نداشته باشد به این مظلومیت هنوز پاسخی داده نشده است، اگرچه در مواردی افرادی کمک کردند و این مظلومیت تاریخی مساجد را مقداری جبران کرده است ولی حقیقتاً مساجد ما از نظر ساختمان، از نظر معماری از نظر شهرسازی، به هیچ وجه در شأن مردم ما و در شأن تمدن ما، شهرسازی ما و معماری ما نیست.

این عقب‌افتادگی دلایل متعددی دارد، علل سیاسی، اقتصادی و این‌ها را دوستان از قبل از انقلاب آگاهی دارند. دیدگاهی هم که باعث شده به آن مقدار که لازم است همت نشود، جنبه مردمی بودن است که یکی از وجوه بسیار بارز مراکز دینی ماست. این دو بعد را از هم جدا نمی‌کنند که یکی بحث ساختمان مساجد و یکی بحث مدیریت مساجد است.

ساختمان مساجد، آنچه که در تمام دنیا به عنوان سرانه فضاهای مذهبی در تمام استانداردها و شهرسازی‌ها مطرح است، در تمام دنیا سرانه‌ای برای فضای سبز می‌گذارند سرانه‌ای برای فضای آموزشی، بهداشتی می‌گذارند و دولت موظف است این حداقل‌ها را برای مردم تأمین کند به این ترتیب اصلاً دولت موظف است سرانه فضاهای مذهبی را تأمین کند. نه تنها دولت باید در آن قسمت کمک کند بلکه اصولاً یارانه باید بدهد، یعنی الآن در تمام دنیا در طول تاریخ به این گونه بوده که بهترین ساختمان‌ها و ماندگارترین ساختمان‌هایشان، حتی ارزشمندترین ساختمان‌هایشان، ساختمان مذهبی است.

ولی مساجد ما طوری است که دولت‌های قبل نه فقط کمک نکرده‌اند، بل مزاحمت هم ایجاد کرده‌اند. ساختمان مراکز مذهبی را هنوز تا به امروز در دانشکده‌های ما روی طراحی مسجد به طور خاص آموزش ندارند در حالی که واقعاً کار، تخصصی است. اکثر معماران ما با معماری مساجد اصلاً آشنا نیستند مگر خودشان با سلیقه و ذوق و همت خودشان مطالعاتی کرده باشند و اصولی را استخراج کرده باشند.

مساجد ما واقعاً نیاز دارد که کمک دولتی در این جهت به صورت جدی بشود و مدیریتش هم در اختیار مسؤولین آن باشد که بتوانند ساختمان را اداره کنند، نکته‌ای کلی که

در باره طراحی مساجد و نوع طراحی ساختمان مساجد که خیلی نقطه ضعف داریم، از نظر اقتصادی و ساختمان مسجد از نظر طراحی، زیربنا، نوع مصالح به کار رفته شده اشکالات عمده‌ای داریم ولی به طور خاص از نظر هنر معماری و از نظر استانداردهای متداولی که امروز در دنیا به کار برده می‌شود، متأسفانه استانداردها بسیار پایین است و مردم خودشان جمع می‌شوند برای انجام دادن این‌گونه کارها و مهندس هم که پیدا می‌کنند عموماً معمارهای تجربی بوده‌اند آنها نیز با استفاده از همان معیارها و مبانی معیاری قدیم نقشه‌ای برای این ساختمان‌ها تهیه می‌کردند.

لذا قرار شد کمیته‌ای آیین‌نامه اداره امور مساجد را تهیه بکند و کمیته‌ای هم قرار شد با آقای مهندس مروت باشد که ایشان از پیشکسوتان معماری و شهرسازی کشور ما هستند. منتها در این چند ساله چه از لحاظ نظر و چه از نظر فنی کارهای نسبتاً خوبی شده است از جمله مقالاتی که در همین مرکز تهیه شده، تحقیقات خوبی هم وزارت مسکن با دانشگاه شهید بهشتی دانشکده معماری انجام داده است که تحقیقات خوبی است. خصوصاً در زمینهٔ تأسیساتی برای مساجدی که در کل ایران ساخته می‌شود. خلاصه آن را می‌توانید تهیه کنید. ما هم از لحاظ نظری تحقیقاتی برای وزارت مسکن کرده‌ایم به عنوان هویت اسلامی در معماری که آن هم در حال چاپ است.

به‌طور خاص هم درخصوص مسجد دو تحقیق انجام داده‌ایم در دانشگاه علم و صنعت که تحقیقات معماری داریم که در این زمینه کار می‌شود یکی دیگر رابطهٔ صورت و معنی در مسجد است یعنی مفاهیمی که شکل‌ها و فرم‌ها و صورت‌ها و نمادهایی که در مسجد سنتی ما در طول زمان چه حالا در خود خانه کعبه و مسجد النبی و سایر مساجد به کار برده شده است.

این‌ها تحلیل معنایی شده، با نگاه پدیدار شناسانه آن جنبه‌های مفهومی و آن جنبه‌های صورت معنی هم که بحث مشخصی است در هنر و در ادبیات ما هم بحث می‌شود، همچنین تحقیقات دیگری است به نام بررسی تطبیقی نیایشگاه‌ها.

از آنجایی که ما در بحث‌های‌مان رسیدیم به این که واقعاً همان جوری که دوستان فرض می‌کنید معجزات ادبی قرآن را نگاه می‌کنند یقین پیدا می‌کنند که این شاهکار در واقع

معجزه است همان جوری که از مفاهیم به این نتیجه می‌رسند که معجزه است همان جوری که فرض بکنید پیامبر اکرم ﷺ اُمّی بودند و در جامعه جاهل عرب زندگی می‌کردند، این فرهنگ این معنا و این مفاهیم را و این کتاب را حاضر کردند اثبات می‌شود که معجزه است. ما به عنوان معمار به عنوان کسی که با فرم و شکل و هندسه و این‌ها سر و کار دارد به این حقیقت واقعاً می‌توانیم برسیم که خانه کعبه، مسجد نبی خود این اصولی که در هنر ما به صورت مستقیم و غیرمستقیم وارد شده، واقعاً به حد معجزه است. یعنی در مقایسه‌ای که نسبت به سایر معابد یا سایر هندسه‌ها بگیریم یک متخصص معماری می‌تواند معجزه بودن آن را تصدیق کند که اینها واقعاً الهام غیبی است. این قواعد و اصول الهام گرفته است از این‌ها می‌توانیم استنباط بکنیم این در واقع مدعی چنین درکی است در مقایسه‌ای که ما در فرهنگ معماری خودمان از طراحی مساجد داریم در مقایسه با آنچه که در کلیساها است در معابد یونان و روم است نسبت به معابد قاری یا معابد برجی یا معابد گنبدی شرقی، هندی، چینی و آنها هست همچنین مفاهیمی رو ما پیگیری کردیم.

البته این جلدش در بارهٔ مقایسه مسجد با معابد غربی است جلد دیگری هم دارد که معابد شرقی است. این مقدمه است و ممکن است که خیلی اجرایی نباشد، منتها آنچه که به صورت عملی است یکی دو مطلب را من بگویم اولاً: همان جوری که عزیزان بهتر از من اشراف دارند که ما در فرهنگ اسلامی تجسّد نداریم آن جوری که مثلاً در غربی‌ها که صلیب برای آنها جنبه تقدس پیدا کرده و مقدس شده حتی به گردن‌شان آویزان می‌کنند یا به صورت‌های دیگر استفاده می‌کنند، ما در شکل و فرم طراحی هیچ تجسدی نداریم.

حدود ۱۴۰۰ الی ۱۵۰۰ سال و تا امروز حدود دوهزار سال طرح پلان کلیساها و فضای کلیسا به صورت صلیب است. یعنی دو نوع کلیسا به صورت کلی داریم کلیسای مرکزی و کلیسای صلیبی که کلیسای طولی است پلان آن شکل صلیب است. شما هیچ گاه در هیچ جای اسلام نیامده که پلان کف مساجد حتماً شکل خاصی داشته باشد و جور خاصی تمام شود. به هیچ وجه این‌گونه نیست، این‌ها می‌شود تجسّد که مترادف با بت‌پرستی می‌شود.

بهائی در این زمینه می‌گوید:

من یار طلب کردم و او جلوه‌گه یار او خانه همی جوید و من صاحب خانه
مقصود من از کعبه بتخانه تویی تو مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه

برای ما شکل و صورت، سنگ، رنگ و این‌ها معیار نیست برای ما حقیقت انسانی، حقیقت عبادت، حقیقت کمال روحی انسان ملاک است. اما در عین حال این‌گونه هم نیست که هر لباسی مناسب هر شخصیتی، هر حال و هوایی و هر شرایطی باشد. مسجد و طراحی مسجد در واقع یک لباس برای مؤمن است، لباسی برای عبادت، لباسی برای موعظه، این لباس باید لباس متناسب باشد هر لباسی را نمی‌شود استفاده کرد.

از این جهت ظرافت‌های خاص می‌خواهد که ما مسجد را چگونه تهیه کنیم؟ چگونه طراحی کنیم؟ نقشه آن چگونه باشد؟ حداقل در این جلسه‌ای که ما خدمتان هستیم به چند نکته کلی اشاره می‌کنم. طراحی مسجد و معماری مسجد بسیار با حساب و کتاب است ممکن است قدیمی‌ها یک کتاب هم، ننوشته باشند ولی مساجدشان دارای این ارزش‌ها و این اصالت‌ها است امروز کاملاً احساس می‌کنیم که عملاً به این ارزش‌ها رسیده‌اند و به این مفاهیم دست پیدا کرده‌اند مثلاً ما در بیت‌الله الحرام در مناسک عبادی که در حج داریم دو تا نماد داریم که نظر ما نماد معمارانه است و اتفاقاً اسامی آن کم و بیش با مسائل معماری ما سنخیت دارد این دوتا نماد یکی خانه کعبه است که به آن می‌گوییم بیت‌الله، یعنی خانهٔ خدا، خانه یک عنصر معمارانه است! یکی دیگر جمرات سه گانه است. اگر این دو نوع را با هم مقایسه کنید درست دو نوع معماری، دو نوع جهت‌گیری درخصوص ساختمان سازی است.

در خانه کعبه اولاً این یک فضا است اصل بدنه و پوسته نمای بیرونی آن نیست، خانه است فضای سرپوشیده، فضایی که انسان بتواند دربارهٔ عوارض طبیعی مصون باشد، ایجاد امنیت و آرامش می‌کند. آن امنیت و آرامشی که ما از ایمان استنباط می‌کنیم امنیت ظاهری و مادی هم لازم است خانه یعنی فضای محفوظ که به وسیلهٔ دیوارها محبوس می‌شود و امنیت خاطر برای انسان ایجاد می‌کند.

جمرات سه گانه سنگ‌هایی است که روی هم انباشته شده است به صورت یک نماد، به صورت مجسمه، آنجا دیگر قهرمان داستان آدم علیه‌السلام نیست. قهرمان داستان بت، است،

انسان تماشاچی شده، انسان باید آنجا بایستد و آن را تماشا کند، آن خودش را به نمایش گذاشته است در حالی که در خانه کعبه خود چیزی نیست بل یک پوسته است اصل آن فضای داخلی آن است که انسان کامل در آن متولد می‌شود و یا آن مفاهیم عالی که از آن استنباط می‌شود، آنجا اصل انسان است. در جای دیگر اصل آن ساختمان است.

در معماری هم دو اصل اساسی داریم وقتی ما اساس را بر خود انسان و نیازهای انسان، حالا چه نیازهای مادی و چه نیازهای روحی انسان بنا کنیم، ما فضا را نباید برای تفاخر و خودنمایی و یا سنگ گرانیت به کار ببریم، مناره را بلند بسازیم، وقتی اینها بشود، خودش بت می‌شود وقتی خود بدنه مطرح شد، نما شد، اصل شد این‌ها می‌شود بت، کسی که دنبال ظاهر است دچار بت‌پرستی است کسی که درپی معناست دچار بت‌پرستی نمی‌شود و خود بدنه برای او بت نمی‌شود. ولی آنجا معنا و مفهوم است، این یک نکته، نکته دیگر این که ابزار ادراکی انسان تمام این بحث‌هایی که داریم برای رسیدن انسان به کمال است، ابزار ادراک انسان یکی حس است و یکی عقل است و یکی دل است. بزرگان ما می‌گویند، این فضای مساجد، چه خانه کعبه باشد چه مسجدالنبی ادراکات انسان اول حواس پنج‌گانه است که با حیوان مشترک است و انسان در ارتباط با علم طبیعت و مادیات از این حواسش استفاده می‌کند. این وجه مشترک با حیوان و انسان از جایی شروع می‌شود که عقل شروع می‌شود، این که خواب زشت و زیبا مطرح می‌شود و تمرکز روحی برای حضور قلب در عبادت، مسجد در واقع یا همان خانهٔ کعبه یا مسجد نبی، یک مکعب نساخته‌اند که ارتفاع آن قد طول و عرض آن انسان باشد، تا در طبیعت و یا تا در بازار است حواسش چشمش وگوشش در واقع دارد از طبیعت استفاده می‌کند ولی وقتی ما وارد مسجد می‌شویم وارد تکامل می‌شویم باید فضایی ایجاد شود که تمرکز فکری و روحی داشته باشیم. بنابراین فضای داخلی مسجد باید آرامشی ایجاد بکند و ما احکامش را داریم که نقاشی نباید باشد، مجسمه جاندار نباید باشد تا آدمی بتواند حواسش را کلاً جمع خالق کند. نقاشی نمی‌کنند زیرا انسان را سرگرم می‌کند که این صحنه کجا بوده است؟ اینجا انسان فاعل نیست بل تماشاچی است. مثلاً جنگلی است در آن قدم می‌زنیم و زیبایی‌های طبیعت را در آن می‌نگریم. این که در مساجد ما گفته‌اند عکس نزنید، نقاشی نکنید برای این است که اگر انسان به این‌ها توجه کند از عبادت غافل

می‌شود، ما دو عبادت اصلی داریم. یکی موعظه است که عقل انسان را باور می‌کند. برای موعظه باید تمام توجه به خطیب باشد تا بتواند تفکر و اندیشه‌اش بارور بشود و برای عبادت دیگر اصلاً شما باید ذهن و حضور قلب داشته باشید و اطرافتان جاذبه‌هایی که شما را به آن جلب کند، نباید باشد. اینجا وحدت فضایی باید داشته باشید، چون به وحدت برسید و در درون خود احساس وحدت بکنید، تمرکز روحی و وحدت حضوری پیدا کنید و از درون حضور قلب پیدا کنید. بنابراین فضاهای ما و مساجد باید که وحدت داشته باشد، ساده و همانند باشد. انواع رنگ‌های تند و عجیب و غریب، انواع و اقسام شکل‌ها به هیچ وجه نباید استفاده بشود. از نظر نقشه، مثلاً در تمام شکل‌های منظم مربع هست. دایره و مستطیل و مثلث داریم، ولی در تمام این‌ها شکل‌های نامنظم (که متأسفانه کلیساهای ما را به شکل نامنظم موجی و غیره درست می‌کنند) هیچ شکلی مناسب‌تر از مربع برای تمرکز و سکوت نیست به سبب این که اولاً تمام مربع که چهار جهت دارد، انسان هم چهار جهت دارد هیچ‌گونه کششی برای انسان ایجاد نمی‌کند، زورخانه‌ها راگرد درست می‌کنند که انسان حالت چرخشی داشته باشد. مستطیل در جهت طول انبساط دارد، هر یک از این شکل‌های نامنظم حواس انسان را پرت می‌کند، ولی در مربع و چهار ضلع آن یک شکل است و هیچ جاذبهٔ شکلی نداریم. بنابراین آنجا کاملاً انسان ساکن می‌شود سکون حواس پنج‌گانه بهترین شرایط را برای سکون فراهم می‌کند، این است که هنوز متأسفانه کسانی که می‌آیند مسجد بسازند هنوز دوستان ما نمی‌دانند که مسجدالاقصی با ساختمان قدس تفاوت دارد هنوز در قم مصلی را به صورت هشت ضلعی می‌سازند، هشت ضلعی زیارتگاه است آنجا یک سری سفره‌هایی است که برای زیارت دور آن می‌گشتند. به این علت هشت ضلعی ساخته‌اند که بیایند دور بگردند. اما مسجدالاقصی خودش مربع است یعنی هستهٔ اصلی مربع است. البته در طول و عرض و شبستان‌ها به صورت‌های مختلف بزرگ و کوچک می‌شوند منتها نکتهٔ مهم این است که تمرکز آفرین، درون‌گرا و آرامش‌بخش باشد که ویژگی‌هایش ذکر نمی‌کنیم.

مهم این است که بدانیم این‌گونه نیست که طراحی مساجد بدون حساب و کتاب باشد؛ به سبب این که ما تکّثر داریم و مفاهیم ما به اشکال گوناگون ظهور و بروز پیدا می‌کند، حسن مکتب ماست که دو مسجد ما مشابه هم نیست، اما در عین حال ضوابط و قواعدی دارد که

بسیار حساب شده و دقیق است و متأسفانه امروز در دانشگاه‌های ما درس نمی‌دهند. مهندسانی که شما انتخاب می‌کنید، اگر وارد نباشند مواردی را طراحی می‌کنند که هیچ سنخیتی با اصول فرهنگی ما ندارد.

سخنان جناب آقای مهندس مروت

بسم الله الرحمن الرحیم

از صحبت‌های تمام عزیزان و همکاران و همچنین از برپایی این همایش‌ها و کمیسیون‌های جنبی تشکر می‌کنم.

ما مصوبه‌ای از هیئت وزیران داریم که در سال ۷۶ تصویب شده و قطعاً نسخه‌ای از آن به سازمان‌های مرتبط داده شده است و موظف شده‌اند که کارهایی در مورد مساجد انجام دهند و اخیراً هم ستاد اقامه نماز که انصافاً خیلی خوب فعال شده است روی همین مصوبات هیئت وزیران کار کرد و تجدیدنظرهایی نیز روی آن صورت داد ولی متأسفانه دکتر عارفان گفتند چون به پایان وقت دولت رسیده‌ایم، بعید است که ما این را بدهیم به دولت و بتوانیم آن دیدگاه‌ها را در آن احیا کنیم. بنده تصور می‌کنم که آن مصوبه‌ها و هم اصلاحاتش در دولت جدید به تصویب برسد.

خوشبختانه در سال ۷۹ تحقیقات دیگری هم در وزارت مسکن و شهرسازی انجام شده است و نزدیک به چهل موضوع در بارهٔ معماری مساجد و اصول و ضوابط طراحی مساجد و هویت معماری و شهرسازی اسلامی توسط مهندس نقره‌کار در حال تهیه است. ان‌شاءالله این مطالعات و زحمات به صورت مصوبه در بیاید و این ضوابط در شورای‌عالی شهرسازی و معماری وزارت مسکن تصویب بشود که شکل قانونی به خود بگیرد و قابلیت اجرا پیدا کند.

به نظر من ما باید شرحی بنویسیم که وقتی دولت جمهوری اسلامی در برنامهٔ سوم و چهارم توسعهٔ مساجد را به عنوان محور معرفی می‌کند، فقط از لحاظ کاربردی که نیست همه مسائل جنبی که شما به آن اشاره کردید بر مسجد مترتب است. منتها دستگاه‌های مربوط

باید بنشینند این‌ها را روشن کنند و به صورت آیین‌نامه در آورند و این‌ها را ببرند به تصویب برسانند و به جریان بگذارند مقصود این است که زمینه‌های آن فراهم است و باید روی این‌ها کار شود.

دستگاه‌هایی که باید کار کنند اگر بتوانند مسؤولیت‌ها را توزیع کنند، نمایندگان محترم روحانیت، سازمان اوقاف، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، استانداری، شهرداری جمعاً هشت دستگاهی هستند که موظف‌اند بحث محوریت مسجد را که در قانون توسعه جزو رئوس کلی است، اجرا کنند.

اشاره کنم به صحبت یکی از برادران که در زمینهٔ مسجد روستا داشتند، در یکی از تبصره‌های همان قانون توسعهٔ سوم آمده است که در روستاهایی که پنجاه درصد هزینه مسجد را مردم تأمین بکنند پنجاه درصد دیگر توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی پرداخت می‌شود منتها وقتی ما پی‌گیری کردیم خود بنیاد هم خبر چندانی از این موضوع نداشت. برای این که دستگاه‌ها یک سری وظایفی بر عهده‌شان گذاشته می‌شود ولی اینها در جریان آن نیستند، دستگاه‌هایی باید باشند که پی‌گیر این موضوع باشند. به قول آقایان دو نکته در جمهوری اسلامی اصل است: یکی هماهنگی و یکی پی‌گیری، اگر ما این دو نکته را رعایت کنیم، شاید به نتیجه‌ای برسیم.

برای من بسیار جالب بود که شنیدم در حوزهٔ علمیهٔ قم درسی گذاشته‌اند برای روحانیون به عنوان مفاهیم مسجد و معماری مسجد تا امام جماعتی که در مسجد است، حداقل الفبای معماری را بداند و با معماری مسجد آشنا باشد این امر بسیار مهم است.

کتاب مساجد وزارت مسکن و شهرسازی که طبعاً سه موضوع کلی دارد، یکی مساجد ساخته شده به همت سازمان ملی زمین و مسکن و مساجد ساخته شده و مرمت شده به همت شرکت عمران و به‌سازی وزارت مسکن، این کتاب قرار است در حدود دویست نسخه چاپ بشود که بخشی از آن را به مساجد معاصر و مساجد سنتی اختصاص داده است. این کتاب برای جوان‌های طراح ما که تازه طراحی را شروع کرده‌اند تا حدودی راهنماست. من پیشنهاد می‌کنم که امور مساجد بیاید یک هزار نسخه اضافه کند و بخشی از هزینه را بدهد و این

یک‌هزار نسخه را بین جاهایی که می‌داند، توزیع کند این کار بسیار شایسته است و این سرمایه‌گذاری ارزش دارد.

مطلب دیگر این که من چند دانشجو را تشویق کردم که پایان‌نامه خود را در بارهٔ مسجد بنویسند و انصافاً هم جزوه‌های مناسبی تهیه کردند و اگر امور مساجد بخشی از هزینه‌های این دانشجویان را تقبّل کند این پایان‌نامه‌ها بسیار مؤثر خواهد بود و منبع تحقیقاتی ارزشمندی محسوب خواهد شد.

بحثی هم در باره هیئت امناها بود که می‌گفتند اگر ما این‌ها را به شکلی تربیت بکنیم که هیئت امناهای کشور به شکلی به هم مرتبط بشوند و به آنها جهت داده بشود، چون بسیاری از آنها نمی‌دانند در این مساجد چه باید بکنند، جا دارد که ما بتوانیم یک راهنما برای این هیئت‌ها باشیم تا باری هم از روی دوش امام جماعت مسجد برداشته بشود. هیئت امناها اگر درست ارشاد و راهنمایی شوند و جزوه‌هایی هم برای آنها تهیه بشود، در کل کشور، قطعاً در ارتقای مدیریت مساجد تأثیرگذار خواهد بود.

متن جزوه کمیسیون تخصصی نقش جهانی مساجد
در ایجاد وحدت بین مسلمانان و پشتیبانی از حرکت‌های انقلابی جهان اسلام

نقش جهانی مساجد در ایجاد وحدت و پشتیبانی از حرکتهای انقلابی جهان اسلام

از همان آغازین روزهای بعثت، قرآن کریم مسلمانان را امتی واحد و مؤمنان را برادر یکدیگر خواند و آنان را به اتحاد و پرهیز از اختلاف و تنازع دعوت نمود و پیمودن راه مستقیم را به آنان توصیه فرمود. و پیامبر بزرگوار اسلام برای تحقق این اتحاد، کوشش فراوانی مبذول و زحمات طاقت فرسایی متحمل گشت.

شاید بتوان ادعا نمود که از جمله فلسفه‌های تشریع و واجب ساختن اجتماعات معنوی همانند نماز جماعت، نماز جمعه و کنگرهٔ سالیانه حج، استحکام پیوندهای دینی و برادرانه در امت اسلامی بوده است، زیرا خداوند، کعبه را سبب قوام یافتن مردمان خوانده است.

قرآن کریم نه فقط مسلمانان را به وحدت فراخوانده، بل همهٔ موحدان را در پرتو عبودیت خداوند به وحدت دعوت نموده است:

﴿قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم ان لانـعبد الا الله﴾.[1]

با عنایت به آن که مسجد مرکز اصلی عبادت و عبودیت خداست، چرا ما از این مراکز مقدس برای‌وحدت بخشی بین مسلمانان استفاده نکنیم؟

---

۱. آل‌عمران: ۶۴.

رویکرد اساسی پیامبر به ساخت مسجد در آغاز هجرت مؤید این حقیقت است که اجتماع معنوی و روزانهٔ مسلمانان در مسجد، پیوندهای اجتماعی و وحدت بخش آنان را مستحکم می‌سازد، آن حضرت در آغاز هجرت، پس از خروج از غار ثور و به هنگام ورود به منطقه و محله قباکه تا مرکز شهر یثرب فاصله چندانی نداشت، مسجد قبا را بنیان نهاد تا نقش اساسی مسجد در اسلام و زندگی مسلمانان و ضرورت توجه مردم را به این مرکز وحدت آفرین معطوف سازد.

پیامبر اکرمﷺ پس از اقامت چند روزه در قبا و بنای نخستین مسجد در اسلام و ملحق شدن امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام، به همراه فواطم در روز جمعه به سوی شهر یثرب حرکت کردند، ولی در میان راه و نزدیک ظهر به محلهٔ بنی‌سالم رسیدند. مردم قبیله به استقبال آن حضرت آمدند و درخواست کردند که در میان آنان نزول اجلال فرماید. مسلمانان بنی‌سالم اگرچه پیش از ورود پیامبرﷺ مکانی برای نماز ساخته بودند، ولی به صورت رسمی افتتاح نشده بود. پس از اصرار مردم، ناقهٔ آن حضرت کنار مسجد متوقف شد، پیامبر فرود آمدند و این مسجد با قدوم و حضور رسول اللهﷺ و ایراد خطبه و اقامه نماز جمعه، به طور رسمی افتتاح و تثبیت شد.

پس از ورود به مدینه نیز نخستین اقدام آن حضرت ساخت «مسجد نبوی» بود که مرکز کلیهٔ فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، دفاعی و حکومتی مسلمانان شد.

امروزه و در این شرایط حساس تاریخ که از یک سو اسرائیل سرزمین‌های قدس شریف را به اشغال درآورده و خیال تخریب مسجد الاقصی را در سر می‌پروراند و امریکا با اشغال دو کشور اسلامی فریاد شروع دوبارهٔ جنگ‌های صلیبی را به گوش رسانیده و مسلمانان در بسیاری از نقاط جهان تحت فشار و ظلم و ستم قرار دارند و از سوی دیگر دشمن با به‌کارگرفتن همهٔ تجهیزات و امکانات خود در زمینهٔ فرهنگی هجوم همه جانبه‌ای به نسل جوان صورت داده است و می‌کوشد به دستاویز آن هویت جوانان مسلمان جهان را به یغما ببرد و آنان را به مبلغان بی‌مزد خود بدل سازد، آیا چاره‌ای جز برقراری یک شبکهٔ درهم تنیده و قدرتمند معنوی جهانی مساجد و سعی در احیای مساجد و مستحکم ساختن

پیوند آنها و بهره برداری در عالی ترین شکل ممکن از مساجد جهان اسلام برای حمایت از مسلمانان مظلوم جهان باقی مانده است؟

خوشبختانه ظرفیت و گستردگی مساجد جهان اسلام با توجه به پراکندگی آن در اقصی نقاط عالم به قدری چشم‌گیر است که در صورت ساماندهی مناسب به عنوان سنگری مستحکم و پایگاهی قدرتمند، عظیم و مردمی در سراسر جهان اسلام از مشکلات جوامع می‌کاهد و در برابر توطئه‌های دشمنان جهان اسلام با کمال قدرت می‌ایستد.

در این راستا توجه به این نکات لازم است:

۱ ـ با پیشرفت فنآوری ارتباطات و فراهم آمدن امکان برقراری پیوند و ارتباط، لزوم استفاده از تلفن، دورنگار، ماهواره و طراحی شبکهٔ هماهنگ جهانی مساجد در اینترنت تحت نظر شورای عالی مساجد جهان اسلام، متشکل از مسئولان مساجد کشورهای اسلامی، ضرورتی اساسی به شمار می‌رود.

۲ ـ اطلاع‌رسانی روز آمد این شبکه در امور دینی، مشکلات جهان اسلام و احوال مسلمانان جهان اسلام، در همهٔ نقاط جهان و ساماندهی برنامه‌های مردمی و عمومی از جمله کارکردهای اساسی این شبکه محسوب می‌شود، برای مثال:

اعلام رویت هلال ماه نو از طریق هر مسجد به شبکهٔ جهانی مساجد به همت مردم متدین در بارهٔ هر مسجد در جهان اسلام می‌تواند با عنایت به فتاوای نوین برخی از مراجع معظم تقلید به یکسان سازی ماه‌های قمری و وحدت میان مسلمانان کشورهای گوناگون در این زمینه بینجامد.

ساماندهی تظاهرات گسترده مردمی روز قدس در جهان اسلام از طریق این شبکه آمریکا و اسرائیل را به عقب‌نشینی وا می‌دارد و مواضع مردم فلسطین و مبارزان جان بر کف آن را تقویت می‌نماید.

۳ ـ همسان‌سازی مواضع و ساماندهی حرکت‌های مردمی جهانی برای حفظ منافع مشترک دینی و جهانی و مقابله با دشمنان اسلام مساجد را به عنوان قدرتمندترین سنگر مبارزه بر ضد ظلم و استکبار در آورده، قدرت مردمی جهان اسلام را آشکار می‌سازد.

۴ ـ امکان تبلیغ دینی، آموزش قرآن، رفع نیازهای یکدیگر از طریق تبادل فرهنگی، علمی، انتقال تجارب و حتی مبادلات اقتصادی بین مردم مسلمان جهان و گفتمان مسالمت‌آمیز مذاهب گوناگون از طریق شبکهٔ جهانی مساجد نه فقط امری ممکن، بل مطلوب خواهد بود.

اکنون پرسش اساسی آن است که برای تشکیل شورای عالی مساجد جهان اسلام و طراحی شبکهٔ جهانی مساجد، چه اقدامات، زمینه‌سازی و تمهیداتی باید صورت پذیرد؟

بیانیهٔ پایانی سومین اجلاس هفتهٔ جهانی مساجد[1]

بسم الله الرحمن الرحیم

مسجد خانهٔ خدا، نیایشگاه انبیا و اولیا، طور سینای عرفا، نردبان صعود به ملکوت، محل پیوند زمین و آسمان، مرکز اجتماع مسلمانان، پایگاه جهاد و تحکیم توحید، کانون رفع مشکلات فردی و اجتماعی، مرکز تربیت و دانشگاه عمومی، مهد پرورش استعدادهای فکری انسان، دریای غواصان حقیقت، منظومهٔ بلند انسانیت، ضیافتگاه مؤمنان، میعادگاه پارسایان، مشعل هدایت، بوستان معنویت، مرکز سیاست، ستاد فرماندهی، تجلی‌گاه وحدت و برادری و انسجام امت اسلامی، عامل رشد و ارتقای فرهنگی و اخلاقی، مبنای شکل‌گیری تمدن بزرگ اسلامی و موزهٔ هنر اسلامی، جایگاه آزادی و رهایی از قساوت‌های درون و بیرون، محل معراج صالحان، بیت‌القرآن، دارالتبلیغ، سنگر مبارزه برضدّ کفر و شرک و نفاق و فقر و فساد و تبعیض و مرکز خروش امت اسلامی برضد استکبار جهانی است.

بیستم آگوست ۱۹۶۹ میلادی، روز به آتش کشیدن مسجدالاقصی، قبلهٔ اول مسلمین، و محل معراج رسول الله صلی الله علیه و آله، به دست صهیونیست‌های غاصب، به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران و تأیید وزرای امور خارجهٔ کشورهای عضو سازمان کنفراس اسلامی، روز گرامی‌داشت هفتهٔ جهانی مساجد نامگذاری شده است، این مناسبت فرصتی را فراهم آورده که اندیشه‌مندان، پژوهشگران، رهبران فکری و سیاسی برای بر طرف ساختن آسیب‌ها و مشکلات مساجد ـ که نماد اسلام و شناسنامهٔ مسلمانان است ـ چاره‌جویی نمایند.

---

۱. این بیانیه را حجةالاسلام رضایی بیرجندی معاون فرهنگی مرکز و دبیر کمیته علمی همایش قرائت کردند.

شماره ۳۳

نقش اساسی و تأثیرگذاری محوری و بی‌بدیل مساجد از صدر اسلام تاکنون بر تعالیم معنوی و سیاسی اجتماعی مسلمین و در دفاع از کیان اسلام و وحدت بین مسلمین، دشمنان را بر آن داشته تا محو همه جانبهٔ مساجد را به عنوان هدفی استراتژیک جزو برنامه اساسی خود قرار دهند. از این‌رو و با توجه و اعتقاد جدی و همه جانبهٔ ملت‌ها و دولت‌های اسلامی در پیشرفت، تقویت، گسترش و رونق بخشی به مساجد، سازماندهی مسجدیان و شناسایی شاخصه‌های موجود مساجد و عرضه و اجرای راهکارهای توسعهٔ همه جانبه مساجد که ضرورتی بنیادی است؛ ما شرکت‌کنندگان در سومین اجلاس گرامی‌داشت هفتهٔ مساجد توجه همگان را به این نکات جلب می‌نماییم:

۱. از امت و دولت‌های اسلامی می‌خواهیم با توجه به تعارض جدی فرهنگ انسان‌ها و با توجه به محبت آفرینی اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله با فرهنگ ارعاب، زور و تزویر و با عنایت به بروز نشانه‌های استبداد مستکبران جهانی و ابنای منطقه‌ای ایشان نظیر سران رژیم غاصب صهیونیستی با حفظ محوریت قرآن کریم و تعالیم اسلام و اخوت امت اسلام در مقابله

با آنها به نمایش گذارند و با ترویج و تبلیغ و اشاعهٔ فرهنگ ناب اسلامی، فرهنگ حق‌طلبی، محبت آفرینی و پاسداری در راه تحقق آرمان‌های اسلام را به نمایش بگذارند.

۲. از ملت‌های مسلمان عراق و افغانستان می‌خواهیم با وحدت و تلاش و کوشش مضاعف، بهانهٔ ادامه اشغال را از بیگانگان سلب نمایند و از همهٔ مسلمانان جهان انتظار داریم برای پایان دادن به اشغال غاصبانهٔ دولت مستکبر امریکا و برچیده شدن نظام سلطه از جهان اسلام، به ویژه اشغال قدس شریف تلاش نمایند.

۳. با عنایت به پیشنهاد شرکت‌کنندگان دومین همایش هفتهٔ جهانی مساجد مبنی بر تشکیل شورای عالی مساجد متشکل از علمای اسلام، از امت اسلامی می‌خواهیم که در ارتقای کیفی و بالا بردن کارایی مساجد تلاش نمایند و با استحکام هر چه بیشتر پیوند بین شبکهٔ گستردهٔ مساجد ـ همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند ـ و با تبادل اطلاعات و تجربیات، از اصلی‌ترین سنگر و پایگاه امت اسلامی را پاسداری نمایید.

۴. از ملت‌ها و دولت‌های اسلامی می‌خواهیم که با عنایت به حق طبیعی و مسلّم همه کشورها برای استفاده از توانمندیهای خود از حق مسلم ایران اسلامی برای استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای که نتیجهٔ تلاش دانشمندان جوان ماست، در مجامع بین‌المللی دفاع نمایند و از مسئولان نظام اسلامی می‌خواهیم که با قدرت و قوتی که لازمهٔ جامعه‌ای قدرتمند و اسلامی است، در مقابل همه توطئه‌های بدخواهان مقاومت نمایند.

۵. از ملت‌ها و دولت‌های اسلامی می‌خواهیم تا با تخصیص امکانات صندوق بین‌المللی اسلامی، به عمران و آبادانی مساجدِ نقاط محروم کمک نمایند و با این اقدام خداپسندانه، گام‌های بلند به اعتلای اسلام و رفع تبعیض بردارند.

۶. با استناد به تحقیقی که مرکز رسیدگی به امور مساجد صورت داده و با عنایت به التفات مقام معظم رهبری در قالب متولی اصلی امور مساجد و براساس سیاستگذاری واحد انتظار دارد کلیهٔ نهادها و مراکز آموزشی مؤثر در حوزهٔ مساجد با هماهنگی‌های لازم فعالیت‌هایی خود را تحقق بخشند تا از اجرای کارهای موازی و به هدر رفتن منابع گوناگون اقتصادی و انسانی جلوگیری شود.

در پایان یاد و نام حضرت امام خمینی، احیاگر مساجد و شهیدان سرافراز را گرامی می‌داریم و از مسئولان محترم نظام جمهوری اسلامی، به ویژه از محضر رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی که با رهنمودهای خود به مدعوین اجلاس؛ نقطهٔ عطف جدیدی پدید آوردند و از مهمانان محترم کشورهای اسلامی که در اجلاس شرکت کردند و از همه کسانی که جهت برگزاری این همایش بزرگ تلاش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نماید و از درگاه احدیت عزّت و سربلندی اسلام و مسلمین به ویژه ملت‌های مظلوم و در بند عراق و افغانستان و فلسطین را خواستاریم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.

پایان

بخش سوم:

مقالات

عوامل و موانع جذب مردم
به ویژه نوجوان و جوانان به مساجد

▣ فاطمه تویسرکانی راوری

▣ **چکیده**

این مقاله با ارایه گزارشی درباره پژوهش‌های میدانی صورت پذیرفته در مورد موضوع در داخل و خارج کشور موانع جذب را به موانع فردی، اخانوادگی، اجتماعی و امور مربوط به مساجد دسته‌بندی و در مورد هر یک توضیحاتی را مطرح ساخته است و در پایان تحت عنوان چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ از برنامه‌ریزی تکریم نوجوانان و جوانان، مسؤولیت سپاری و تشویق سخن به میان آورده و پیشنهاداتی را مطرح ساخته است.

مقدمه

از صدر اسلام تا امروز مساجد جایگاه بسیار مهم برای نشر اندیشه‌های ناب اسلامی و تقویت و توسعه‌ی آیین پاک محمدی بوده‌اند. از ابتدای شروع نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۲ ش تا زمان پیروزی انقلاب، مساجد تأثیری فراوان در جذب جوانان برای پیوستن به انقلاب داشته و در حقیقت، انقلاب اسلامی از مساجد آغاز و به جامعه کشیده شده است. در دوران جنگ تحمیلی نیز مساجد پایگاه مهم بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل

برای دفاع از انقلاب، اسلام و ایران بودند. اما امروز مشاهدات تجربی نشان می‌دهد که حضور در مساجد در قیاس با دوران انقلاب و سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب، کاهش یافته است. در حالی که تعداد مساجد و حتی امکانات موجود در آن‌ها افزایشی چشم‌گیر داشته است. حال این سؤال پیش می‌آید که چرا مساجد خلوت شده است؟ چرا مردم مخصوصاً نوجوانان و جوانان از سخنرانی‌ها و کتابخانه‌های مساجد و مراسم دعای آن استقبال پرشوری ندارند؟

شماره ۳۱

هرچند نباید ترفندهای دشمن و برنامه‌ریزی آن‌ها برای اختلاف بین مساجد و مردم و به‌ویژه نسل جوانان را از نظر دور داشت، چراکه آن‌ها به روشنی دریافته‌اند که مساجد از جمله مهم‌ترین پایگاه‌های انقلاب و عاملی مهم در تقویت اندیشه‌های دینی و اسلامی است. از همین مساجد است که جوانان سلحشور مؤمن و مسلمان به پا می‌خیزند و برضد زیاده‌طلبی‌ها و زورگویی‌های ظالمان و مستکبران قیام می‌کنند و حفظ انقلاب اسلامی به زنده بودن و شور و نشاط مساجد بستگی دارد. اما این نکته هم نباید فراموش شود

که ما نیز نتوانسته‌ایم برنامه‌های اساسی مبتنی بر روش‌های علمی و هماهنگ با خواسته‌ها و نیازهای نسل نوجوان طراحی و یا شرایط تحقق آن‌ها را فراهم کنیم. در این مقاله سعی شده است ضمن مروری بر تحقیقات انجام شده در این خصوص، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان به مساجد را مطرح و پیشنهادهایی برای جذب آنان ارائه گردد.

مروری کوتاه بر تحقیقات انجام شده

سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۷۴ ش در مطالعه‌ای نظری به بررسی علل کاهش حضور مردم در مساجد پرداخته است. مبنای نظری این مطالعه دیدگاه کارکردگرایی است. در این تحقیق ـ که فاقد هرگونه بررسی تجربی است ـ از تغییر نیازهای مردم و نداشتن تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای فعلی مردم به عنوان علل خلوت بودن مساجد در حال حاضر یاد شده است. این سازمان هم چنین در تحقیقی که در سال ۱۳۷۶ ش در تهران انجام داده است؛ به بررسی مسئلهٔ حضورجوانان در مسجد، وضع مساجد موجود از دیدگاه جوانان و نگرش جوانان درباره‌ی مسجد پرداخته است، این تحقیق که از نوع تحقیقات توصیفی است، به‌روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی یک نمونه‌ی ۶۵۰ نفری شامل جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله صورت گرفته است. طبق یافته‌های این تحقیق، با افزایش سن و میزان تحصیلات از میزان حضور در مساجد کاسته شده است. در مجموع میزان رفتن والدین به مسجد بر میزان حضور جوانان تأثیری مثبت دارد و مردان بیش از زنان در مساجد حضور می‌یابند. (۶۶/۶ درصد برابر ۶۱ درصد) در مجموع بیش از چهل درصد پاسخ‌گویان به مسجد نگرشی منفی دارند و به موازات افزایش سطح تحصیلات این نگرش منفی نیز افزایش می‌یابد. صدا و سیمای جمهوری اسلامی در یک نظرسنجی با عنوان «مسجد پایگاه تحقیق و نوسازی معنوی» (۱۳۷۶) به سنجش نگرش جوانان تهرانی درباره‌ی مسجد، حضور در مسجد و نارسایی‌های مسجد پرداخته است. این تحقیق که از نوع توصیفی است به روش پیمایشی و با استفاده از پرسش‌نامه بر روی ۶۵۰ تن جوان تهرانی که به عنوان افراد نمونه انتخاب شده‌اند، صورت گرفته است، نتایج این تحقیق حاکی از این است که حدود

بیست درصد آن‌ها به ندرت به مسجد می‌روند و سی درصد هیچ‌گاه به مسجد نمی‌روند. هم چنین این تحقیق نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد کاهش یافته است، دختران هم کمتر از پسران به مسجد می‌روند. ایوان یازبک و آدبرث لومیس در سال ۱۹۸۳ م مطالعه‌ای درباره‌ی مساجد در امریکا انجام داده‌اند. در این تحقیق که گزارش آن در قالب کتابی با عنوان «گسترش ارزش‌های اسلامی در ایالات متحده امریکا» (۱۳۷۱) منتشر شده است، محققان مذکور، فعالیت‌های پنج مسجد از سه ناحیه‌ی امریکا شامل نیویورک، میدوست و سواحل شرقی را مطالعه کرده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بین سن و میزان مشارکت در فعالیت‌های مسجد رابطه‌ای معنادار دیده می‌شود. بدین ترتیب که جوانان بیشتر از افراد مسن به مسجد می‌روند و هم‌چنین افراد متأهل بیشتر از مجردین در مسجد حضور می‌یابند. (پژوهشگران فرهنگ: ۱۳۷ و ۱۳۸)

آقای عباس کردستانی در تحقیقی که با عنوان «عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان» در سال ۱۳۸۲ ش و بر روی یک نمونه نهصد نفری از جوانان شانزده تا ۲۵ سال در ده سال شهر این استان انجام داده به نتایج جالب توجهی رسیده است.

نتایج توصیفی حاصل از این پژوهش و نهصد پرسش‌نامه‌ی معتبر تکمیل شده نشان می‌دهد:

میانگین سنّی جمعیت نمونه ۱۹/۵ سال و میانگین میزان تحصیلات ۱۱/۶ سال است. از کلّ جمعیت نمونه (نهصد تن) ۱۷/۲ درصد فاقد ارتباط با مسجد هستند. ۶۹ درصد دارای ارتباط پایین (۳۶۵ بار تا ۷۳۰ بار در سال) و فقط ۳/۸ درصد در حد بالا (۷۳۱ بار تا ۱۰۹۵ بار در سال) ارتباط داشته‌اند. میانگین میزان حضور سالانه‌ی افراد در مسجد ۲۱۷/۶ بار است که با متوسط میزان مورد انتظار، یعنی ۷۳۰ بار در سال فاصله‌ی فراوانی دارد و بیانگر پایین بودن میزان ارتباط جوانان جمعیت نمونه با مسجد است.

وی در جمع‌بندی خلاصه یافته‌های تحقیق چنین نتیجه می‌گیرد:

طبق نتیجه‌ی به دست آمده، هرچه افراد نگرش موافق‌تری در بارهٔ استفاده‌ی ابزاری از

مسجد داشته باشند، میزان ارتباطشان با مسجد بیشتر خواهد بود و گرایش دینی عرفی نیز از طریق همین متغیر و به صورت غیر مستقیم بر میزان ارتباط با مسجد تأثیری مثبت دارد؛ اما در عوض هرچه دین داری فرد جدیدتر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد پایین‌تر خواهد بود. البته عکس این نتیجه صادق نیست. یعنی دین‌داری سنّتی فاقد تأثیر معنادار بر میزان ارتباط با مسجد است. میزان ارتباط با نهادهایی که ما از آن‌ها به نام نهادهای رقیب مسجد یاد می‌کنیم، تأثیری مثبت بر میزان ارتباط فرد با مسجد دارد و در واقع، نوعی رابطه‌ی خطی میان این دو برقرار است. یعنی نهادهایی هم چون حسینیه، نمازخانه، مهدیه و امثال آن به علت آن که کارکردهایی مشابه مسجد دارند، در جامعه‌پذیری دینی افراد، به ویژه جوانان تأثیری انکارناپذیر و ماندگار دارند و هم چنان‌که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، هرچه افراد با این نهادها بیشتر ارتباط داشته باشند، میزان حضورشان در مسجد نیز بالاتر خواهد بود. فقدان نهادهای مشابه مسجد فقط موجب حاضر نشدن افراد در مراسم مذهبی می‌شود، اما چنین نیست که اگر فردی به نهادهای مشابه مسجد نرفت، لزوماً به مسجد خواهد رفت. سطح تحصیلات از طریق متغیر نوع دین‌داری ـ دین داری مدرن ـ بر متغیر وابسته تأثیرگذار است. به‌این ترتیب که هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد، دین‌داری وی مدرن‌تر خواهد بود و هرچه دین‌داری فرد مدرن‌تر باشد، میزان ارتباط وی با مسجد محدودتر خواهد بود.

این پژوهشگر هم چنین در مقایسه‌ی نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین می‌گوید:

نتیجه‌ی به دست آمده درخصوص تأثیر منفی سطح تحصیلات بر میزان ارتباط با مسجد با نتیجه‌ی به دست آمده در تحقیق سازمان تبلیغات اسلامی (۱۳۷۶ ش) هم‌خوانی دارد. طبق تحقیق مذکور با افزایش سطح تحصیلات میزان حضور افراد در مسجد رو به کاهش می‌گذارد. چون سطح نیازهای آنان بالا می‌رود و نیازهای آنان را برآورده نمی‌سازد.

نتایج این پژوهش مبین آن است که جو اجتماعی ـ فرهنگی حاکم بر مساجد باید تغییر پیدا کند تا جوانان رغبت و انگیزه‌ی بیشتری برای حضور در این پایگاه‌های معنوی پیدا کنند.

این پژوهشگر معتقد است:

«تأثیر منفی دین‌داری مدرن بر میزان ارتباط با مسجد صرف‌نظر از ماهیت فرد گرایانه‌ی این نوع از دین‌داری از یک سو و محدود بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد از سوی دیگر مؤیّد این واقعیت است که جوّ اجتماعی ـ فرهنگی حاکم بر مساجد در حال حاضر چندان جوان‌پسند و مدرن نیست و قرائت سنّتی و برداشت‌های انحصار گرایانه از دین، سلطه‌ای بارز بر مساجد دارند. معنادار نبودن تأثیر دین‌داری سنتی بر حضور جوانان در مسجد علت روشن و قاطع بر این برداشت است. البته راه برون رفت از این بن‌بست چنان که بسیاری تاکنون پیشنهاد کرده‌اند، تبدیل مساجد به مکان‌هایی برای تحقق فعالیت‌های عرفی جوان‌پسند از قبیل ورزش، رایانه، فیلم و غیره نیست، جوانان اگر خواهان بهره‌مندی از چنین خدماتی باشند، به سهولت می‌توانند نیاز خود را در بیرون از مسجد تأمین نمایند. به نظر می‌آید که جاذبه‌های مساجد برای جوانان نه از سنخ جاذبه‌های عرفی، بل از نوع جاذبه‌های معنوی‌ای هستند که قادرند خلأهای معنوی موجود زندگی در دنیای مدرن را به سادگی پر کنند».

البته به‌نظر من اگرجوان این‌گونه‌جاذبه‌ها را در مسجد پیداکند، دیگر به سوی مکان‌های نامطمئن‌نمی‌رود و از همین طریق به مسجد علاقه‌مند می‌شود. (۱۳۸۳: از ۱۳۳ تا ۱۷۰)

در پژوهش دیگری که در زمینه‌ی برخی عوامل جذب جوانان به مسجد که با نظرخواهی از جوانان صورت گرفته، نتایج شایان توجهی به دست آمده است. در این تحقیق عوامل مورد نظر عبارت بودند از: امام جماعت، وضعیت ظاهری مسجد، کتابخانه‌ی مسجد، طولانی نشدن نماز جماعت، هیئت امنا و کانون فرهنگی مستقر در مسجد.

نتایج به دست آمده از بین ۴۳۸ تن از جوانان مذهبی استان کرمان، پس از تجزیه و تحلیل آماری، نشان می‌دهد که اکثر قریب به اتفاق جوانان وضع ظاهری مسجد (نظافت، ساختمان و امکانات مورد نیاز) را مهم‌ترین عامل جذب خود به مسجد می‌دانند. طولانی نشدن نمازهای جماعت، ویژگی‌های امام جماعت، کتابخانه، کانون‌های فرهنگی

و هیئت امنا به ترتیب در درجه‌ی بعدی از اهمیت قرار دارند. درجه‌بندی عوامل مزبور از این قرار است:

۱ . وضع ظاهری مسجد ۸۱/۱ درصد؛

۲ . طولانی نشدن نمازهای جماعت، ۷۲/۲ درصد؛

۳ . امام جماعت مسجد، ۶۹/۸ درصد؛

۴ . کتابخانه‌ی مسجد، ۵۵/۶ درصد؛

۵ . فعالیت کانون‌های فرهنگی مساجد، ۵۴ درصد؛

۶ . هیئت امنای مسجد، ۳۶/۶ درصد.

موانع و راه‌کارهای جذب نوجوانان و جوانان به مساجد

با بیان پیشینه‌ی برخی تحقیقات انجام شده می‌توان مهم‌ترین موانع جذب نوجوانان و جوانان به مساجد را به شرح زیر دسته‌بندی کرد و در هر زمینه به راه‌کارهای مناسب توجه کرد:

الف) موانع فردی؛

ب) موانع خانوادگی؛

ج) موانع اجتماعی شامل جامعه و محیط‌های آموزشی؛

د) موانع مربوط به مساجد.

الف) فردی

افزایش ناموزون جمعیت در دو دهه‌ی اخیر مشکلات فراوانی برای جامعه به وجود آورده است. امروز کشور ما یکی از جوان‌ترین کشورهای دنیا شرایط خاصی دارد. از یک سو جمعیت جوانان این کشور می‌توانند به عنوان نسلی بالنده، نقشی مهم در رشد و توسعه‌ی کشور ایفا کنند و از سوی دیگر ناتوانی در تأمین شرایط مناسب می‌تواند خسارات سنگین و جبران‌ناپذیری بر پیکره‌ی کشور وارد کند.

هرچند تاکنون در عرصه‌های گوناگون موفقیت‌های چشمگیر و ارزشمندی داشته‌ایم، اما باید این واقعیت را بپذیریم که غفلت از نسل جوان هم آسیب‌های فراوانی در ابعاد گوناگون پدید آورده است. این که بخش چشم‌گیری از تحصیل‌کردگان جوان ما در مقاطع گوناگون تحصیلی بیکار هستند یا نمی‌توانند ازدواج کنند و زندگی مناسبی داشته باشند و جز آن، تا حدّی موجب سرخوردگی طبقاتی از نسل جوان شده است. همین امر سبب شده است که او در مواردی احساس پوچی کند و خود را فردی شکست خورده به حساب آورد و دچار یأس و ناامیدی شود.

جوانان، تمایل درونی دارند که هرچه بالقوّه می‌توانند باشند، بشوند و استعدادهای درونی خود را شکوفا نمایند؛ که پیامد آن احساس رشد، بلوغ و سلامت روان خواهد بود. هرچند که ممکن است در این مرحله توفیق چندانی در خودشکوفایی نداشته باشند، اما نیاز آن را در خود احساس می‌کنند که بهره‌برداری کاملی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود بنمایند، به کمال برسند و هرکاری را به بهترین نحو ممکن انجام دهند.

نوجوان یا جوان که سرتسلیم در برابر هیچ کس فرود نمی‌آورد و برضدّ همه‌ی قدرت‌ها عصیان می‌کند، در درون متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است. عظمت، قدرت و بقا و دوام خود را در مذهب می‌بیند، فلسفه‌ی زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن برای زندگی خویش می‌یابد. نوجوان می‌خواهد مذهب و مفاهیم مذهبی را شخصاًبا نیروی عقل خود بررسی کند و حقایق را دریابد؛ بنابراین بسیاری از شک‌های مذهبی نیز در همین مرحله برای او توصیه می‌شود که با یافتن پاسخ‌های مناسب راه تکامل خود را نیز می‌پیماید.

جوانانی که در زندگی هدف‌های مشخصی ندارند یا هدف‌های بسیار کوچکی را دنبال می‌کنند، غالباً در تزلزل و ناامنی به سر می‌برند؛ زندگی آن‌ها فاقد ارزش است، دائماً در حال افسردگی، یأس و ناامیدی هستند و احساس تنهایی و پوچی و بیچارگی به آن‌ها دست می‌دهد». (خدایاری فرد ۱۳۷۳: ۳۵)

این مشکلات و کمبودها از سویی، هم سبب اثر پذیری نسل جوان از تبلیغات سوء

دشمنان شود و بین آنها، انقلاب و روحانیت فاصله بیندازد. طبیعتاً این گروه از مساجد به عنوان پایگاه انقلاب و روحانیت فاصله گرفته‌اند.

از سوی دیگر هم با توجه به نبود شناخت کافی از اسلام و احکام دین و وجود زمینه‌ی مناسب در گروهی از افراد جامعه و انقلاب اسلامی، موجب برداشت غلط آنان از دین شده و به انحراف کشیده شده‌اند. وقتی نوجوان یا جوان در محیط‌های گوناگون اجتماع در مقابل شبهات و القائات فکری مکاتب و فلسفه‌ها و افراد گوناگون قرار بگیرد و جواب منطقی و مستدل نیز نداشته باشد، برای حفظ غرورش ناگزیر خود را بیگانه با مذهب معرفی می‌کند و با این روش بر احساس حقارت خود به سبب این ناتوانی‌ها در مقابل دیگران سرپوش می‌گذارد و اندک‌اندک به نفی مذهب کشیده می‌شود. (خدایاری فرد ۱۳۷۳: ۹۰)

ب) موانع خانوادگی

به اعتقاد بسیاری از بزرگان تعلیم و تربیت، «خانواده» نخستین مدرسه‌ای است که انسان در آن درس می‌آموزد و به عنوان نخستین پایگاه آموزش و پرورش و از اساسی‌ترین عوامل در تشکیل شخصیت کودک است. (نوّابی‌نژاد: ۵۲)

دکتر غلامعلی افروز عقیده دارد:

> «غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و نخستین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است، زیرا خمیرمایه‌ی شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرش‌ها، رغبت‌ها، رفتارهای خوشایند و ناخوشایند در برابر پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد». (افروز ۱۲: ۱۳۷۱)

اگر والدین در قالب الگوهای کودک و نوجوان نگرش مطلوب و مثبتی به مساجد داشته باشند و آموزش دینی فرزندان خود را در قالب وظیفه‌ای اساسی تلقی کنند، قطعاً این گونه برخورد تأثیر بسیاری در رفتار کودک و نوجوان خواهد داشت. پدر و مادری که به مسجد می‌روند و فرزندان خویش را از همان دوران کودکی در مجالس و محافل مذهبی

همراهی می‌کنند، سبب تقویت احساس پرورش مذهبی در آینده‌سازان جامعه می‌شوند. این کار به صورت عادتی مطلوب و پسندیده در می‌آید. در صورت تحقق سایر شرایط می‌توان امیدوار بود که فرزندان چنین خانواده‌هایی در آینده افرادی شایسته، با روحیه‌ی مذهبی قوی و علاقه‌مند به دین بار بیایند.

استاد شهید مرتضی مطهری در بارهٔ نقش مساجد و مجالس مذهبی در تشویق عبادی کودکان می‌گوید:

«بچه را باید در محیط نماز خواندن برد. اگر در جمع نباشد، نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود. چون اصلاً حضور در جمع مشوّق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند، کودک که بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مساجد و مجالس دینی و این که کودکان کم‌تر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که این‌ها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند، ولی این برای شما (والدین) وظیفه است... باید ما با بچه‌های خودمان برنامه‌ی مسجد رفتن داشته باشیم تا بچه‌ها با مساجد و معابد آشنا شوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم در این اوضاع و احوال امروز چه قدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما که هفت‌ساله شده‌اند به دبستان و بعد به دبیرستان بعد به دانشگاه رفته‌اند، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است، بروند... خوب، این‌ها قهراً از مسجدت فراری می‌شوند». (مطهری ۱۳۶۶: ۹۹ و ۱۰۰)

بنابراین باید این نکته مدّنظر باشد:

«وقتی انسان عملی را به طور مستمر تکرار کرد به تدریج با آن خو می‌گیرد و حالتی در نفس به وجود می‌آید که اصطلاحا عادت نامیده می‌شود». (امینی: ص ۸۸)

علاوه بر پیش گفته، نوع برخوردی هم که خانواده با دین و ایمان به خدا دارند

در نگرش فرزندان مؤثر است. بسیاری از دانشمندان نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند، ایمان یکی از ارزش‌های مهم نفسانی است که پرورش آن باید جزو برنامه‌ی مربیان قرار گیرد. لاک می‌گوید:

«کودک از دوران طفولیّت باید تصورات دقیق و صحیحی از خداوند که نسبت به ما مهربان است و کلیه‌ی مایحتاج ما را فراهم می‌سازد، و در عین نیکی و لطف می‌باشد، داشته باشد هرگز نباید از خدا و موجودات ناشناخته بترسد. کودک به علت این که خدا نسبت به او مهربان است خدا را دوست خواهد داشت، و به زودی یاد خواهد گرفت که دست نیاز به سوی او دراز کند. بنابراین، پرورش ایمان و استفاده از آن را باید یکی از شیوه‌های مهم تربیتی محسوب داشت که اولیا و مربیان می‌توانند از آن بهره بگیرند».

(امینی: ص ۳۷)

هم‌چنین برخوردهای نامناسب و تعصب‌آمیز والدین که براساس انس و الفت و دوستی و محبت و هم‌چنین استدلال منطقی نباشد و نتواند بر اطلاع و آگاهی نوجوانان و جوانان تشنه‌ی حقیقت بیفزاید، آن‌ها را در ورطه‌ی گمراهی می‌افکند و به بیراهه‌ای می‌کشاند که نهایت آن ضلالت و گمراهی است.

ج) موانع اجتماعی

۱ـ جامعه

آنچه موانع مشترک جذب جوانان به مساجد در مدرسه و اجتماع است که در خور توجه و جای تأمل و تعمّق و بازنگری است، وجود دوگانگی و تناقض در گفتار و اعمال است که در جامعه شاهد اعمال و رفتاری است که مغایر تعالیم اخلاقی و دینی است. از جمله عواملی که بر روی نوجوانان و جوانان تأثیری منفی دارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱ ـ ۱) دوستان ناباب و معاشران ناصالح؛

۱ ـ ۲) آلوده بودن جوّ عمومی حاکم بر جامعه و محیط ناامن فکری و فرهنگی برای جوانان؛

۱ ـ ۳) کم‌رنگ شدن تدریجی معنویت در جامعه.

۲ـ مدارس و محیط‌های آموزشی

کودکان و نوجوانان بخش چشم‌گیری از عمر خود را در مدارس و محیط‌های آموزشی سپری می‌کنند. مدرسه دومین محیط تربیتی است که تأثیر بسیاری در آموزش و رشد و شخصیت کودکان دارد. اگر عوامل تربیتی در مدرسه، به شایستگی وظایف خود را انجام دهند، می‌توان به سعادت و پیشرفت جامعه در آینده امیدوار بود. از جمله کارکردهای مدرسه تربیت مذهبی دانش‌آموزان است. برگزاری کلاس‌های دینی و فرهنگ اسلامی در طول دوران تحصیل، برگزاری نماز جماعت و آموزش‌های دینی در مدارس اگر به نحوی صحیح انجام شود، از جمله تلاش‌های ارزشمندی خواهد بود که می‌توان به آن امیدوار بود. علی‌رغم تأثیرات مثبتی که این اقدامات بر تقویت روحیه‌ی دینی برخی کودکان و نوجوانان داشته است، باز هم با دشواری‌های فراوانی مواجه هستیم. به تعبیر دیگر مدارس نتوانسته‌اند به شایستگی از عهده‌ی این رسالت عظیم برآیند. گاهی اوقات در مدارس و دبیرستان‌ها که تعلیمات دینی و بینش مذهبی و قرآن را آموزش می‌دهند به سبب فهم نشدن صحیح مطالب یا بی‌صلاحیتی معلم و یا ناتوانی، پاسخ دادن به سؤالات دانش‌آموزان، بدبینی به مذهب در آن‌ها تقویت می‌شود و نوجوان احساس می‌کند که درس دینی را خوانده و خوب فهمیده، اما چیزی نداشته است که او را جلب و جذب نماید و به درد زندگی او بخورد، و اصولاً دین و مذهب آرام بخش درون نیست، روح و فکر را به تعالی نمی‌رساند و پیاده کردن آن عملی نیست و اگر هم عملی باشد داروی مخدر است، انسان‌ها را تخدیر می‌کند و از حرکت و رفتن و جریان داشتن باز می‌دارد، و به سکون و رکود ماندن و پوسیدن و بل به عقب برمی‌گرداند. این است که او از چنین مذهبی رویگردان است و برضدّ آن طغیان می‌کند، و رسالت ریشه کن کردن مذهب را نیز به دوش می‌گیرد و از مسجد در قالب پایگاه دین دوری می‌کند. (خدایاری‌فرد ۱۳۷۳: ۹۱)

حال اگر مدارس ما توفیق لازم را به دست آورده بودند، این تأثیر را در سطح اجتماع هم شاهد بودیم و حضور دانش‌آموزان و جوانان در مساجد در سطح گسترده می‌توانست گویای آن باشد. متأسفانه واقع امر غیر از این است. ارتباط مساجد و مدارس بسیار کم‌رنگ

است. اگر پیوند عمیق بین این دو نهاد آموزشی و تربیتی برقرار بود، امروز شاهد اوضاع بهتری بود.

د) عوامل مربوط به مساجد

۱ـ امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عامل مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه شرایط داشته لازم باشد، تأثیری به سزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت عبارت‌اند از: (رضایی: از ۲۳۱ تا ۲۳۳)

- ثابت بودن؛
- ابتکار و خلاقیت؛
- توانایی جسمی؛
- توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم؛
- دوستی با جوانان و نوجوانان؛
- نظم؛
- احترام و تواضع؛
- درک موقعیت سنی جوانان؛
- بیان ساده و شیوا؛
- آراستگی ظاهری؛
- (توان) تهیه‌ی امکانات مالی.

هرچند همهٔ این ویژگی‌ها، مهم و در جذب جوانان به مسجد مؤثرند، ولی چند مورد از آن به لحاظ اهمیت بیشتر توضیح داده می‌شود.

ـ توانایی علمی

طرز طرح مسائل مذهبی به نوجوانان و جوانان بسیار اهمیت دارد. امام جماعت ضمن احاطه‌ی علمی باید بداند چه مسائلی را در این دوره باید برای نوجوانان و جوانان گفت که از دین زده نشوند و در عین حال باید آن مسائل را با زندگی تطبیق داد. این موضوعات باید چنان دقیق عرضه شود که آن‌ها احساس کنند امور مذهبی در خور پیاده شدن در زندگی روزه‌مره است و حتی می‌توانند گاهی نیازهای روانی خود را نیز با این امور برطرف نمایند. فقط موعظه کردن کافی نیست، بل باید مسائل دینی را با تجربه، علم و عمل توأم کرد.

ـ دوستی با جوانان و نوجوانان

جوان به فردی نیاز دارد که او را با همه‌ی افکار و تمایلات درونی و شور و عشق و حرکت درک کند و پاسخ‌گوی مجهولات و حلال مشکلات و محرم اسرار و مشاور و راهنمایش باشد. جوان به یک چنین فرد دلسوز و مهربانی نیاز دارد. وجود یک چنین یار مهربان و خیرخواه در تکمیل شخصیت و زندگی آینده‌ی او تأثیر شایانی خواهد ساخت و در مسائل مذهبی، امام جماعت می‌تواند بهترین دوست و تکیه‌گاه برای آنان باشد.

از جمله معضلات جوانان متدین آن است که دغدغه‌های فراوان معنوی دارند و اگر راهنمایی نشوند دچار افراط و تفریط وگاهی به انحراف کشیده می‌شوند. اگر مبلغان زمانی را برای این امر اختصاص داده و اعلان کنند که افراد می‌توانند مثلاً یک ساعت به غروب آفتاب هر روز برای مشاوره‌ی معنوی، عبادی به صورت فردی یا گروهی بنا بر میل خود مراجعه کنند، می‌توانند ضمن برقراری انس بیشتر با روحانی، زمینه‌ی اصلاح حرکت‌های خداجویانه‌ی مردم باشد.

برای دستیابی به نتایج مثبت، مبلّغ باید ابتدا گوشی شنوا داشته و سنگ صبور باشد و بعد از شنیدن کامل سخنان و شناخت دقیق مشکل، به راهنمایی مردم با توجه به دستورات دینی بپردازد. در مواردی که مبلغ در راهنمایی خود با مشکل مواجه شد، باید به مراجعه کننده بگوید من درباره‌ی سؤال شما باید مطالعه کنم و سپس پاسخ شما را بگویم. (نبوی: ۶ و ۷)

ـ درک موقعیت سنی جوانان

در این زمینه امام جماعت باید با توجه به تمایزات فردی افراد برنامه‌های متناسب با سن آنان داشته باشد، و جلساتی در هر هفته یک بار ترتیب دهد تا با دعوت از افراد آگاه و صاحب‌نظر برای پاسخ دادن به سؤالات دینی، مذهبی و اجتماعی نوجوانان در مسجد پاسخ مناسب داده شود.

از احادیث استفاده می‌شود که پیامبر اکرمﷺ نه فقط با کودکان، بل با عموم مردم به مقدار عقل و درکشان صحبت می‌کرد و به هنگام معاشرت و سخن‌گفتن خودش را در حد مستمعین تنزل می‌داد و بدین صورت دلشان را به دست می‌آورد. همین نکته را می‌توان از عوامل نفوذ در دیگران محسوب داشت. (امینی: ص ۳۰) که امام جماعت باید به آن توجه داشته باشد. در کنار همه‌ی این‌ها نقش الگویی امام جماعت را نیز نباید از نظر دور داشت. در مباحث اخلاقی و روان‌شناسی بر تأثیر الگوها تأکید شده است. همان‌طور که الگوهای ناآگاه، ناتوان منحرف، شخص را از وادی هدایت به قعر ضلالت می‌کشانند، الگوهای خود ساخته و پاک و آگاه تأثیر مطلوبی بر روی نوجوانان و جوانان داشته و آن‌ها را به سوی سعادت رهنمون می‌شوند. برای مثال چون وقتی صفت عدالت و دوری از گناه و پاکی و تعهد، از شرایط امام جماعت باشد، روشن است که جامعه و جمع اقتداکننده را نیز در این مسیر، حرکت می‌دهد و ملاک‌های تقدّم در کارها و مسؤولیت‌ها، همین‌ها می‌شود. (قرائتی: ۱۰۲)

۲ـ هیئت امنا

هیئت امنای مسجد به صورت ارکان اصلی برنامه‌ریزی در مساجد نقشی بسیار مؤثر در ایجاد زمینه‌ی مناسب برای جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان دارند. اگر هیئت امنا سیاست‌های درست و اصولی اتخاذ کنند و در مسیر صحیح پیش بروند، می‌توانند با هماهنگی سایر عوامل، مسجد را به پایگاه مستحکم اعتقادی و فرهنگی تبدیل کنند.

هیئت امنا و مسؤولان و دست‌اندرکاران باید بدانند این مکان که پایگاه امید و توجه بندگان خداست؛ عنوان، سمت و ریاست نمی‌پذیرد. هر آنچه هست خدمتگزاری است،

و براین خدمتگزاری باید افتخار نمود، همه‌ی مردم را باید با دید محبت نگریست و با آغوش باز از ایشان استقبال کرد و مشکلات آنان را با نهایت دقت و قدرت و احساس محبت انجام داد. (رازقی: ص ۲۲۰)

اگر این دیدگاه بر مساجد حاکم باشد، بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد.

هیئت امنا باید با در نظر گرفتن همه‌ی جهات کار و دوراندیشی و برنامه‌ریزی، مساجد را به کانون‌های عبادت و بندگی و مراکز آموزش احکام الهی و معارف اسلامی و حرکت و جنبش در مسیر سعادت جامعه مبدل سازند.

اینکه خداوند در آیه‌ی ۳۴ سوره‌ی انفال می‌فرماید:

﴿انّ اولیائه الا المتّقون﴾.

«کسانی حق سرپرستی مسجد الحرام را دارند که موحد و پرهیزگار باشند».

اشاره به نکته‌ای بسیار مهم دارد. اگرچه این حکم درباره‌ی مسجد الحرام گفته شده است، ولی در واقع شامل همه‌ی کانون‌های دینی و مساجد و مراکز مذهبی می‌شود. «متولیان» و «متصدیان» آنان باید از پاک‌ترین و پرهیزکارترین و فعال‌ترین مردم باشند که این کانون‌ها را پاک و زنده و مرکز تعلیم و تربیت و بیداری و آگاهی قرار دهند، نه افرادی ناآگاه، ناتوان و متعصب و خدای نکرده آلوده که این مرکز را تبدیل به مکان‌هایی کنند که اندیشه‌ها را ساکت و راکد نگه دارد و موجب بیگانگی از حق و دوری نوجوانان و جوانان از اسلام گردد.

۳ـ خادمان مسجد

این نکته‌ی مهم را باید پذیرفت که همهٔ عوامل و دست‌اندرکاران مساجد در جذب یا دفع جوانان مؤثرند. هر چند شاید در ظاهر به این موضوع توجهی نشود و مثلاً نقش خادمان مساجد نادیده گرفته شود. تجربه نشان داده است که خادمان مساجد معمولاً افراد میانسال و سالخورده‌ای هستند که برخی هم درخصوص مسؤولیت خود، تعصبی خاص دارند. آنان علی‌رغم اینکه در اجرای پاره‌ای وظایف خود، به شایستگی عمل می‌کنند، در مواردی

به سبب ناآگاهی از مسائل تربیتی و تغییرات و شرایط روز جامعه فضایی را پدید آورده‌اند که موجب دلزدگی نوجوانان و جوانان شده و آنان را از رفتن به مساجد باز می‌دارند. جالب است که حتی برخی از خادمان در مواردی برخلاف نظر هیئت امنا و حتی امام جماعت مسجد عمل می‌کنند. یک کار پژوهشی گسترده می‌تواند صحت یا سقم این موضوع را روشن کند. نمونه هیئت امنای یکی از مساجد تصمیم می‌گیرند پس از احداث ساختمان اصلی یکی از مساجد، ساختمان موقت قبلی را به محل ورزشی تبدیل کنند؛ با استقرار چند میز تنیس و پاره‌ای امکانات دیگر زمینه‌ی جذب شمار چشم‌گیری از نوجوانان و جوانان پدید می‌آید و معمولاً این افراد دو ساعت مانده به اذان در مسجد و پس از ورزش در مراسم نماز جماعت هم شرکت می‌کردند و در سایر فعالیت‌ها هم مشارکت داشتند.

یکی از اعضای هیئت امنا می‌گوید:

«یک روز اطلاع دادند که دیگر کسی اجازه‌ی بازی در مسجد ندارد، و وقتی موضوع را بررسی کردیم؛ دیدیم خادم مسجد تمام وسایل ورزشی را جمع کرده و در گوشه‌ای روی هم گذاشته است و فقط جمله‌ای که در پاسخ هیئت امنا گفته این بوده است که من حوصله‌ی سر و کله زدن با بچه‌ها را ندارم!».

بنابراین باید در انتخاب و گزینش خادمان مساجد با دقت بیشتری عمل کرد.

«خادمان باید در سنینی باشند که از شور و نشاط لازم برخوردار باشند و روحیه‌ی برخورد با تمام طبقات اجتماع را بروز دهند، چرا که خستگی روحی و پیری خادم بر اعصاب و روان او تأثیر می‌گذارد، از این‌رو شایستگی لازم برای اداره‌ی مساجد را ندارد و باعث گریز نوجوانان و جوانان از مسجد می‌شود». (رضایی: ۲۴۱)

٤ـ یکی از موانع جذب افراد و به‌ویژه جوانان به مساجد نامناسب بودن فضای فیزیکی و ظاهری مساجد و رعایت نکردن بهداشت و نظافت این مکان‌های مقدس است. انسان به‌طور طبیعی به سوی پاکیزگی و زیبایی تمایل فراوان دارند. فضای زیبا و مناسب می‌تواند در جذب

افراد مؤثر واقع شود. در اسلام بر ساخت مساجدی که بیانگر عظمت و شکوه اسلام باشند، تأکید شده است و بر ارتفاع و برافراشتگی مسجد اجازه داده یا توصیه شده است.

﴿فی بیوت اذن الله ان ترفع﴾.

هم چنین مسئله دیگری که عملاً درکلیه‌ی مساجد مراعات نشده است و وجه امتیازی در مقایسه با کلیسا و معابد ادیان دیگر است، روشنایی و دل‌بازی مسجد به طرف آسمان و طبیعت است. نور آفتاب و روشن بودن مکان مؤید پاکیزگی است. به علاوه طبق تشبیه مکرّر قرآن که نور و ظلمت را معرف و هم‌طراز با هدایت و ضلالت می‌آورد و روشنایی تناسب و تأثیر ذهنی در جهت بینایی و هدایت‌خواهی دارد. مضافاً به این که قرآن خود را کتاب روشن آشکار و بی‌ابهام وکژی معرفی می‌نماید. (صالحی: ۲۰)

بهداشت و نظافت مساجد از جمله مواردی است که باید همواره مدّنظر قرار گیرد.

در قرآن علاوه بر شرایط اساسی و اصولی به بعضی شرایط به اصطلاح فنی یا فرعی نیز اشاره شده است. مهم‌تر از همه طهارت و پاکیزگی است. آیه‌ی ۱۲۵ سورهٔ بقره:

﴿و عهدنا الی ابراهیم و اسماعیل ان طهرا للطائفین و العاکفین و رکع السجود﴾.

مساجد ما متأسفانه مظهر خلاف آن است، بوی مستراح، هر عابری راکه ازکنار آن می‌گذرد، مشمئز می‌کند، بوی پا و جوراب و لباس کهنه که به استقبال وارد شوندگان می‌آید، طردشان می‌نماید، بو و دود سیگار که بدتر از قهوه‌خانه‌ها فضای مسجد را پر می‌کند، مشکلاتی که برای وضو گرفتن و تطهیر هست و فرش‌هایی که به واسطه‌ی پشمی بودن و سنگینی، مواد چربی وکثافات را در خود نگاه می‌دارد و شستشو و تعویض آن مشکل است. بنابراین هر قدر ساختمان و اداره‌ی مسجد مساعد برای نظافت و روشنایی (که عاملی برای دفع کثافات است) و تهویه‌ی دائم و فراوان باشد عمل صحیحی انجام شده است. (صالحی: ۱۹)

در اسلام بر مراعات بهداشت و پاکیزگی تأکید فراوان شده است. طبیعتاً نظافت و بهداشت مسجد از اهمیتی ویژه برخوردار است. احادیث و روایات نیز بیانگر این اهمیت است. در حدیث آمده است:

«من کنس مسجداً لیلة الجمعه فاخرج منه التراب ما یضر فی العین عفو له».

«کسی که روز پنج‌شنبه (شب جمعه) مسجدی را جارو کند، پس به اندازه‌ی یک ذره‌ی خاک که اگر در چشم رود، ضرر می‌رساند، از مسجد خارج شود، خداوند او را می‌آمرزد».

چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟

جدا از آنچه بیان شد حال این سؤال پیش می‌آید که چگونه می‌توان نوجوانان و جوانان را به سوی مسجد هدایت کرد؟ و با توجه به روحیات حساس این گروه چه نکاتی مهم باید مدنظر قرار گیرد؟

نوجوانان، از هر ملت و نژاد، به طور فطری خواهان معرفت الهی و سجایای اخلاقی هستند. این خواهش عمیق و طبیعی سبب شده است که دانشمندان روان، دوران بلوغ را سنین ماورای طبیعت بنامند و در مباحث روان‌شناسی جوان، مستقلا درباره‌ی آن گفت‌وگو کنند.

تمایل فطری جوانان به مذهب آن‌قدر شدید است که همه‌ی روان‌شناسان می‌گویند:

«بین بحران تکلیف و جهش‌های مذهبی، ارتباط انکارناپذیری دیده می‌شود، حتی کودکانی که در خانواده‌های دور از مذهب و ایمان پرورش یافته‌اند، در دوران بلوغ علاقه‌ی بیشتری از خود به مسائل مذهبی نشان می‌دهند». (فلسفی: ص ۳۳۷)

استانلی هال معتقد است که نوجوانان در حدود پانزده سالگی حداکثر احساسات دینی را دارا هستند، زیرا با گرایش به طرف دین و اعتقادات مذهبی می‌خواهند تلاطم نابه‌سامانی‌های خود را تخفیف دهند. (خدایاری ۱۳۷۳: ۳۴)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود مذهب عامل آرامش دل و رضای روح است و فرد را از تشویش‌ها، اضطراب‌ها و ترس‌ها نجات می‌دهد و برضدّ همه‌ی قدرت‌ها عصیان می‌کند، در درون متوجه ضعف‌ها و حقارت‌های خود است؟ عظمت، قدرت و دوام خود را در مذهب

می‌بیند، فسلفه‌ی زندگی و حیات خود را در مذهب جست‌وجو می‌کند و در آن معنایی برای زندگی خویش می‌یابد. (خدایاری ۱۳۷۳: ۳۴)

دکتر محمد رضا شرفی عقیده دارد:

«در دوران بلوغ، نوجوان، توجهش به مسائل ماوراءالطبیعی بیدار می‌شود و علاقه‌مند است که در بارهٔ آن سوی پرده‌ی طبیعت آگاهی یابد و افکارش از پوسته‌ی هستی بگذرد، آن را بشکافد و از دنیای معنویات، جهان آخرت، ایده‌آل‌های اخلاقی و زهدگرایی، با خبر شود. از نظر قلبی و احساسی نیز تمایل او به زیبایی‌های معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شود که فرمود:

آن‌ها قلبی فضلیت‌پذیر و دلی رقیق‌تر و حساس‌تر دارند، خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم، جوانان و نوجوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قول دعوتم سرباز زدند و به مخالفتم برخاستند.

آن‌گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله به آیه‌ای از قرآن اشاره کرد و درباره‌ی مردم کهنسال که مدت زندگی آن‌ها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت‌دلی شده‌اند، سخن گفته است». (شرفی: ۱۳۷۰: ۳۲۹)

حال که نوجوان به واسطه‌ی تمایلات فطری چنین آمادگی را داراست، برنامه‌ریزان جامعه باید برای هدایت این نسل چاره‌اندیشی کنند و مساجد به عنوان پایگاه‌های معنوی نقش خود را ایفا کنند:

یک روحانی خوش‌فکر و آگاه می‌تواند الگوی مطلوبی برای نوجوانان باشد و او را در مسیر دین هدایت نماید. او باید شرایط نوجوان را درک کند و به دور از هرگونه افراط و تفریط عمل کن؛ چراکه احساس مذهبی و نیایش و پرستش، مانند سایر تمایلات طبیعی باید تعدیل شود و با اندازه‌گیری صحیح اعمال گردد. همان‌طور که تندروی در ارضای خواهش‌های جنسی یا حبّ مال و مقام ناپسند است، زیاده‌روی در ارضای خواهش مذهبی نیز

در مکتب اسلام نامطلوب شناخته شده و اولیای گرامی اسلام، در این باره میانه‌روی را اکیداً توصیه کرده‌اند. (فلسفی: ۳۹۱ و ۳۹۲)

بنابراین برای ارضای تمایل ایمانی نوجوانان و استفاده از احساس مذهبی آنان، دو نکته باید همواره مورد کمال توجه باشد. یکی آن‌که احساس مذهبی آنان به راه درست هدایت شود و دیگر آنکه با وسایل علمی و عملی موجبات پرورش آن فراهم آید. (فلسفی: ۳۶۸)

در مجموع به این نتیجه باید رسید که اگر می‌خواهیم جوانان و بزرگ‌سالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم و این فرمایش رسول مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را به یاد داشته باشیم که فرموده‌اند:

«به شماها درباره‌ی نوجوانان به نیکی سفارش می‌کنم که آن‌ها دلی رقیق‌تر و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند».

و نیز فرموده گهربار مولای متقیان امیرمؤمنای امام علی علیه‌السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه‌السلام که رهنمودی ارزشمند فراروی ماست:

«فرزندم! در دوره‌ی نوجوانی به تربیت و ادب تو پرداختم، قبل از آنکه قساوت و سختی ـ در دوران پیری ـ قلبت را فرا گیرد».[1]

برنامه‌ریزی

بدون تردید می‌توانیم مسجد را در قالب یک سازمان به حساب آوریم که نیازمند برنامه‌ریزی است. در حقیقت:

«برنامه‌ریزی اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیریتی است. دیگر وظایف مدیریتی یعنی سازمان‌دهی، رهبری و کنترل، هدف‌هایی را پی‌می‌گیرند که در فرآیند برنامه‌ریزی پی‌گیری شده است». (قوامی: ۱۳۸۳، ۳۴۳)

---

۱. بخشی از نامه‌ی امام علی علیه‌السلام.

شماره ۳۲

بنابراین همه‌ی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها باید برای فعالیت‌های خود برنامه‌ریزی کنند تا بتوانند به خواسته‌های خود جامه‌ی عمل بپوشانند و بی‌تردید اگر بخواهیم مساجد ما در ادای وظایف خود موفق عمل کند، باید نیاز به برنامه‌ریزی را در آن‌ها تقویت کنیم. چرا که در دنیای پیچیده و در حال تحول امروز بدون برنامه‌ریزی، دستیابی به نتایج مطلوب تقریباً غیرممکن است. نکته‌ی اساسی که در برنامه‌ریزی مساجد باید مدنظر قرار گیرد این است که مسجد باید برای هر گروه سنی و سلیقه و جمعیتی برنامه‌ریزی مناسب داشته باشد.

«برای هریک از کودکان، بزرگسالان، دانشجویان، جوانان و غیره باید برنامه‌ای خاص داشت. برای آن‌ها که اهل دعا هستند، برنامه‌ی دعا، برای آن‌ها که اهل کتاب هستند، کتابخانه و برای جوانان آن‌چه مناسب سلیقه‌ی جوانان است، برنامه‌ریزی شود». (مکارم شیرازی: ۵۱)

امام جماعت و هیئت امنای مساجد باید با در نظر گرفتن همه‌ی امکانات، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌هایی که در مسجد وجود دارد، برنامه‌ی کوتاه مدت، میان مدت

و بلندمدت را طراحی و با بهره‌گیری از مشورت افراد صاحب نظر یا دست اندرکاران سایر مساجدی که موفقیت‌های چشمگیری در کار خود داشته‌اند، برنامه‌های خود را در صورت ضرورت، تعدیل و اصلاح و سپس به مرحله‌ی اجرا درآورند.

موسی مرتضی‌پور در گزارشی از فعالیت‌های بخش فرهنگی مسجد الرضا تهران که در شماره‌ی سوم مجله‌ی تربیت سال دوازدهم منتشر شده و موفقیت بسیار نیکویی در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه معنوی داشته است، به یک نکته‌ی جالب و مهم که در حقیقت از رموز اصلی موفقیت این مسجد است، اشاره می‌کند و از قول مسؤول واحد فرهنگی این مسجد می‌نویسد:

«تمامی فعالیت‌های این مسجد براساس برنامه‌ریزی است و همهٔ برنامه‌ها پس از بررسی توسط هیئت امنای مسجد تصویب و برای اجرا به مسؤولان بخش‌های مختلف واگذار می‌شود و اعضای هیئت امنا بر روند اجرای این برنامه‌ها نظارت دارند. این مطلب بیانگر این نکته‌ی مهم است که اگر برنامه‌های مساجد به صورت تشکیلاتی طراحی و اجرا شود مفید واقع می‌شود و می‌توان از همهٔ ظرفیت‌های موجود برای پیش‌برد اهداف مورد نظر استفاده کرد».

تکریم نوجوانان و جوانان

در آیین اسلام بر تکریم نوجوانان تأکید بسیار شده است. خانواده، مدرسه، اجتماع همه و همه باید فضایی برای تکریم و احترام آن‌ها باشد، به ویژه مسجد که از تقدس و موقعیتی خاص برخوردار است. ارضای نیاز به احترام و عزت نفس به احساساتی نظیر اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، موفقیت، کفایت، شایستگی، کسب اعتبار و حیثیت و مفید و مثمر بودن در جامعه منتهی خواهد شد که البته همه‌ی این‌ها مبتنی بر رفتار مسؤولانه‌ی نوجوان است که استحقاق احترام را داشته باشد و نه براساس تعریف و تمجیدهای ظاهری و بی‌مورد. اگر متولیان مساجد به این نکته توجه نمایند، گامی بزرگ در مسیر جذب کودکان و نوجوانان و جوانان برداشته‌اند.

فضای توأم با احترام و تکریم انسان را به سوی خود می‌کشد. حتی گاهی در مسجد خطاهایی از نوجوان سر می‌زند که باید تا تذکرات صمیمانه و در خفا او را متوجه اشتباهش کرد تا به مقاومت و عناد کشیده نشود. مخصوصاً در بارهٔ جوانان که حساسیت دارند و موعظه باید کوتاه و بلیغ و سنجیده و با اوضاع و شرایط فکر او مناسب باشد و هم‌چنین در عین نرمی و مداراگام به گام باشد.

امام علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

«مدارا کردن کلید موفقیت است».

مسؤولیت‌سپاری

از دیگر عواملی که زمینه‌ی جذب افراد و جوانان را به مساجد فراهم می‌آورد، دادن مسؤولیت موردنظر به آنان است، اگر افراد احساس مشارکت کنند برای رسیدن به اهداف موردنظر همکاری صمیمانه‌ای خواهند داشت. برقراری بستر لازم برای مشارکت نوجوانان و جوانان در ابعاد گوناگون همراه با نظارت لازم می‌تواند نه فقط آنان را به سوی مسجد بکشاند، بل زمینه‌ی ارتقای شخصیت و رشد آنان را فراهم آورد و موجب بالا بردن میزان موفقیت مساجد شود. اگر نوجوانان و جوانان در تصمیم‌گیری‌ها دخیل باشند و از توان آن‌ها به ویژه به صورت گروهی بهره گرفته شود، همین امر می‌تواند زمینه‌ی تقویت روحیه‌ی اجتماعی، مسؤولیت‌پذیری و اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهد و در آینده نیز مؤثر واقع شوند.

تشویق

یکی از عوامل و ابزارهای جذب نوجوانان و جوانان در زمینه‌های گوناگون از جمله حضور در مساجد تشویق است.

همه‌ی انسان‌ها حتی بزرگسالان، تا آخر عمر نیاز به تشویق دارند. تشویق موجب رغبت و دلگرمی و نشاط و تحرک می‌شود و انسان را به جدیت وادار می‌کند. انسانی که مورد تشویق قرار گیرد و احساس آرامش و رضایی خاطر و اعتماد به نفس می‌کند و برای جدّیت

بیشتری و تحمل دشواری‌ها آماده گردد. برعکس، اگر مورد نکوهش یا ناسپاسی قرار گرفت دلسرد و بی‌رغبت می‌شود و احساس حقارت و ضعف می‌کند، به‌گونه‌ای که توان خویش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند حتی از استعدادهای موجود خویش نیز استفاده کند. (امینی: ۱۳۵)

تشویق نوجوانان و جوانان نمی‌تواند منحصر به افراد یا نهاد خاصی باشد. یعنی اگر فقط خانواده چنین کاری را انجام دهد، تأثیر مطلوب و کامل را نخواهد داشت. بل باید همهٔ عواملی که به نوعی با نوجوانان و جوانان مرتبط هستند، به این نکته‌ی اساسی توجه داشته باشند. تشویق را نمی‌توان منحصر به دادن جایزه دانست، بل برخوردها و فضای ایجاد شده توسط دیگران نیز مشوق خوبی برای نوجوانان و جوانان است. البته لازم است در تشویق افراد به‌گونه‌ای عمل کرد که تأثیر مطلوب و ماندگاری داشته باشد.

استاد ابراهیم امینی در جلد دوم کتاب اسلام و تعلیم و تربیت درباره‌ی تشویق چنین می‌گوید:

۱ ـ اخلاق و رفتار نیک فرد مورد ستایش قرار گیرند نه خود او؛

۲ ـ تشویق به صورت جزئی و واقعی باشد نه به صورت کلی و بیش از حد؛

۳ ـ گاهگاه در برابر کارهای ممتاز باشد نه به صورت دائم و برای هر کار؛

۴ ـ در تشویق نباید دیگری را مورد انتقاد و مقایسه قرار داد؛

۵ ـ زیاده‌روی در تشویق موجب غرور و خودبزرگ بینی می‌شود؛

۶ ـ تشویق با ارزش کار فرد و متناسب باشد؛

۷ ـ پاداش در برابر فعالیت‌های او انجام شود نه در برابر موهبت‌های ذاتی او؛

۸ ـ در تشویق نباید اغراق کرد.

اگر در مسجد مسؤولیت‌هایی به نوجوانان و جوانان سپرده می‌شود، در کنار آن باید ارزش زحمات و کارهای مفیدشان را نیز درک کرده از آنان و تشکر و قدردانی کرد.

در این سنین افراد نیاز دارند که اطرافیان بیشتر رفتارهای مناسبشان را ببینند و مورد توجه و قدردانی قرار گیرند. در غیر این صورت ممکن است دچار یأس و ناامیدی شوند و از ادامه‌ی فعالیت و تلاش سربازنند.

پیشنهادها

با توجه به آنچه در این مقاله آمد راه‌کارهایی برای جذب مردم به ویژه نوجوانان و جوانان به سوی مساجد پیشنهاد می‌شود.

۱) مرکز نظارت و رسیدگی به امور مساجد کشور شرایطی برای انتخاب هیئت امنای مساجد تعیین تا به مرور امکان اصلاح ساختار هیئت امنا مساجد فراهم آید.

۲) حداقل هر سه ماه یک بار در جلسه‌ای از مردم به ویژه نسل جوان درخصوص برنامه‌های مسجد نظرخواهی و پیشنهادهای آنان به منظور بهبود کیفیت کار و عملکرد مسجد، مورد بررسی و مداقه می‌شود.

۳) با توجه به نقش مؤثر آموزش در بالا بردن سطح آگاهی‌ها و تغییر نگرش افراد و در هر شهرستان به فراخور شرایط فرهنگی و جغرافیایی برنامه‌های آموزشی ویژه‌ی هیئت امنا و خادمان و دست‌اندرکاران مساجد به اجرا درآید.

۴) ائمهٔ جماعت مساجد باید نظارت بیشتری بر عملکرد دست‌اندرکاران مساجد داشته باشند و فضایی فراهم کنند که مسائل و مشکلات موجود نقد و بررسی شود و در مجموع با ایجاد شرایطی مطلوب، زمینه‌ی هماهنگی همهٔ عوامل را فراهم آورند.

۵) در تحقیقات انجام شده از جمله عوامل مهمی که نقشی تعیین کننده در جذب نسل جوان دارد، امام جماعت مسجد و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری وی در برخورد با نمازگزاران است. بنابراین، دقت در انتخاب امام جماعت با ویژگی‌های خاص (خوش‌رفتاری با جوانان، برخورداری از تقوای کافی و مانند آن) از نکات مهمی است که مرجع اعزام کننده باید مورد نظر قرار دهد. (ضرابی: ۳۳)

۶) ارتباط بین مدارس و مساجد تأثیر بسیار در جذب نوجوانان و جوانان به سوی این پایگاه‌های معنوی دارد. مدارس می‌توانند دانش‌آموزانی راکه آمادگی علمی و مذهبی دارند به مساجد معرفی و مساجد نیز به صورتی جذاب مانند ارسال دعوت‌نامه برای آنان زمینه‌ی حضور آنان را در مساجد فراهم آورند.

هم‌چنین استفاده از وجود فرهنگیان و معلمان متعهد و توانمند و دلسوز در مجموعه‌ی

هیئت امنا یا به عنوان مربی می‌تواند زمینه‌ساز حضور بیشتر دانش‌آموزان در مساجد باشد.

۷) اجرای برنامه‌ها و برگزاری کلاس‌های علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی در رشته‌های گوناگون و دعوت از مربیان علاقه‌مند و با تجربه و برگزاری اردوهای سیاحتی و زیارتی با مراعات موازین شرعی در جذب نوجوانان و جوانان مؤثر است.

۸) رفع مشکلات مربوط به بهداشت و نظافت مسجد و مراعات طهارت و نظافت این مکان مقدس به صورت مداوم از جمله پاکیزگی فرش‌ها، در و دیوار و محوطه تا از بروز تنفر و دوری مردم پیشگیری شود. هم‌چنین رسیدگی به امکانات سرمازا و گرمازا فضای مطبوعی برای حضور آنان فراهم می‌آورد.

۹) تأسیس کتابخانه با توجه به نیازهای مخاطبان و علاقه‌مندان؛ وجود فضای مناسب و انتخاب کتاب‌های جذاب و متناسب با خواست نوجوانان و جوانان از جمله راه‌های جذب کودکان و نوجوانان است.

۱۰) برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با حضور مسؤولان محلی و براساس یک برنامه‌ریزی منظم، امکان ارتباط بیشتر مردم با مساجد را فراهم می‌آورد.

مآخذ

۱ ـ افروز، غلام علی (۱۳۷۱): روش‌های پرورش احساس مذهبی نماز در کودکان و نوجوانان؛ (چاپ سوم) تهران، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران.

۲ ـ امینی، ابراهیم (۱۳۷۳): اسلام و تعلیم و تربیت، ج ۲، تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

۳ ـ خدایاری فرد، محمد (۱۳۷۳): مسائل نوجوانان و جوانان، تهران، انجمن اولیا و مربیان.

۴ ـ رضایی، علی (۱۳۸۲): جایگاه مساجد در فرهنگ دینی، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی ثقلین.

۵ ـ شرفی، محمدرضا (۱۳۷۰): دنیای نوجوان، تهران، انتشارات تربیت.

۶ ـ فلسفی، محمدتقی (۱۳۷۹): جوان از نظر عقل و احساسات، (چاپ دوم) تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۷ ـ قرائتی، محسن (۱۳۶۸): راز نماز برای جوانان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۸ ـ قوامی، صمصام‌الدین (۱۳۸۳): مدیریت از منظر کتاب و سنت، قم، دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان رهبری.

۹ ـ کردستانی، عباس (۱۳۸۳): عوامل مؤثر بر پایین بودن میزان ارتباط جوانان با مساجد در استان کرمان، فصل‌نامه‌ی پژوهشگران فرهنگ، سال دوم، شماره‌ی ۸، پاییز۱۳۸۳ .

۱۰ ـ مطهری، مرتضی (۱۳۶۶): گفتارهای معنوی، تهران، انتشارات صدرا.

۱۱ ـ مرتضی‌پور، موسی: مجلّه‌ی تربیت، شماره‌ی ۳، سال دوازدهم.

۱۲ ـ مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱): کاوشی در راه‌های عملی ایجاد جاذبه برای مساجد، قم، فصل‌نامه‌ی مبلغان، شماره‌ی ۱۳، ذی‌قعده‌ی ۱۴۲۱، هـ ق.

۱۳ ـ نبوی، محمدحسن (۱۳۸۳): فعالیت‌های فرهنگی مساجد، قم، فصل‌نامه‌ی مبلغان، شماره‌ی ۵۸، شهریور۱۳۸۳.

۱۴ ـ نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۲): رفتارهای بهنجار ونابهنجار، (چاپ سوم) تهران، انجمن اولیاء و مربیان.

نقش تاریخی مسجد در تولید و پیشرفت علم و مقایسهٔ آن با وضع کنونی

▣ اعظم رحمت‌آبادی

▣ **چکیده**

منظور از تولید علم، پرهیز از سطحی نگری و اتکا به مطالب تکراری و در حقیقت تبدیل ویژگی مصرف کنندگی صرف به اراده فهمیدن، گفتگو، نقادی عالمانه، تقریر و تبیین نو از مطالب گذشتگان و جسارت و نوآوری می‌باشد.

مسجد به عنوان اولین دانشگاه اسلامی قرن‌ها مهم‌ترین مکانی بود که حلقه‌های علمی در آن تشکیل می‌شد و سهمی به سزا در تولید علم داشت. بازکاوی نقش این مرکز در تولید علم و مقایسه آن با وضعیت موجود در عصر جدید می‌تواند ما را با پتانسیل‌ها و چالش‌های این نهاد بیشتر آگاه سازد.

نگارنده با اشاره به نقش آموزشی علمی مساجد و بنیانگذاری مکاتب فکری در مساجد جامع و شیوه نقد و بررسی مطالب استاد در حلقه درسی مساجد، دامنه و وسعت جنبش علمی مساجد در قرون اولیه را خاطر نشان و از ابزارهای و امکانات تولید علم در مساجد نام برده سپس وضع کنونی را مورد توجه قرار داده و پیشنهاداتی را مطرح ساخته است.

اشاره

در طول تاریخ اسلام شاهد تکاپو و رونق علم خصوصاً در دوره‌های خاص هستیم، هرچند این جنبش در تاریخ معاصر دچار کاستی‌ها و خلاءهای اساسی شده، اما اینکه چطور تولید اندیشه و علم در دستور کار مسلمین قرار گرفت و معرفت‌های علمی و تجربی بشر را دینی نمود و زیربنای تمدن اسلامی را بنیاد نهاد، مسئله‌ای است که باید مورد توجه همهٔ فرهیختگان و متولیان عرصهٔ دانش و فرهنگ قرار گیرد، تا با توجه به زمینه‌های پیشرفت و عوامل آن به بازبینی نظام علمی کشور بپردازند و نقاط قوت و ضعف وضع موجود را دریابند.

شماره ۱۴

در این میان بازکاوی نقش بنیادها و مکان‌هایی که به نوعی در تولید علم سهم داشته‌اند، در بهره‌وری بیشتر از این مکان‌ها می‌تواند راهگشا باشد. مسجد در قالب نخستین دانشگاه اسلامی قرن‌ها مهم‌ترین مکانی بوده که حلقه‌های علمی در آن تشکیل می‌شده و سهمی به سزا در تولید علم داشته است. بازکاوی نقش این مرکز در تولید علم و مقایسهٔ آن با عصر جدید

ما را با توانایی‌ها و چالش‌های این نهاد بیشتر آگاه می‌سازد.

پیش از ورود به بحث یادآوری چند نکته ضروری است:

۱) منظور از تولید علم: به معنای پرهیز از سطحی‌نگری و اتکا به مطالب تکراری و در واقع تبدیل ویژگی مصرف کنندگی صرف، به ارادهٔ فهمیدن، گفت‌وگو و نقادی عالمانه، جسارت و نوآوری و تقریر و تبیین نو از مطالب گذشتگان می‌باشد.

۲) مسجد به معنای محل سجود و پرستشگاه است و در واقع محل اجتماع مسلمین برای انجام دادن اعمال عبادی و فرایض است که دارای شأن و تقدس خاصی بین مسلمین بوده و هست.

۳) بررسی نقش مساجد در تولید علم، باتوجه به اهمیت مسجد در طول تاریخ اسلام و بهره‌وری بهینه از این مکان و شیوه‌ها و سبک‌های صحیح برای تولید اندیشه مطرح گردیده است. خصوصاً مسجد مکانی است که همه مردم در برابر آن به نوعی، احساس تکلیف و وظیفه می‌نمایند.

جایگاه و نقش مساجد در تولید پیشرفت علم

ارزش علم از نظر اسلام آن چنان والاست که خداوند پندپذیری و خداترسی را در اهل علم منحصر دانسته و فرموده است:

﴿انما یخشی الله من عباده العلماء﴾.[۱]

یعنی دانایان را بر دیگران برتری داده و فرمود:

﴿ هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون ﴾.[۲]

از نظر اسلام دانش نور است و جهل تاریکی، و بدیهی است که نور بر تاریکی رجحان دارد. در اهمیت علم و ضرورت کسب آن در اسلام سخنان بسیاری داریم که شاید در هیچ مسئله‌ای به این میزان بحث نشده باشد. از نظر اسلام فضل علم در نزد خداوند از عبادت

---

۱ . فاطر / ۲۸ .

۲ . زمر / ۹ .

نیز بیشتر است به‌طوری که طلب و پی‌جویی آن را حتی با مسافرت به نقاط دور دست توصیه فرموده است.[۱] اما آنچه در کسب علم مورد توجه اسلام قرار دارد، علم همراه با حکمت است. یعنی مطلب محکم و متقن و منطق و دریافت صحیح حقیقت، روابط علیّ و معلولی و گفت‌وگو و نقادی عالمانه است نه پای‌بندی به امور سطحی، تکراری و تخیلی؛ به همین منظور اسلام، از همان بدو تأسیس مبارزه بی‌امانی را برضد جهل آغاز کرد اما از آنجا که در هنگام ظهور اسلام، عدهٔ باسوادن از انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کرد،[۲] پیامبر به عنوان رئیس حکومت اسلامی برای تغییر وضع موجود آن روز دست به جنبش بزرگ برای پیشرفت علم زدند و برای این کار، حرکت و جهت‌گیری‌هایی مدنظر قرار داد تا مردم به سوی دانش روی آورند و کسب دانش در جهت صحیحی پیش برود.

از طرف دیگر حضرت این مسئله را مدنظر داشتند که تولید علم نمی‌تواند منحصر به افراد محدودی باشد و برای این که دانش تسرّی پیدا کند، می‌باید حرکت وسیع اجتماعی صورت گیرد، بنابراین حضرت کوشیدند تا حرکت اجتماعی برای ایجاد تحول مثبت در روند تولید فکر، علم و نظریه‌پردازی به منظور بر پا ساختن تمدنی براساس مبانی حقیقت محور و در جهت اهداف و آرمان‌های اصیل اسلامی به راه اندازند.

برای انجام دادن این مهم بهترین جایگاهی که می‌توانست هم محل اجتماع طبقات گوناگون جامعه باشد و هم به امر آموزش بپردازد، مسجد بود. خصوصاً در دهه‌ی نخست اسلامی راهنمایی‌های دینی و اخلاق معاشرت بیشترین نیاز افراد بود که باید مورد نقادی و گفت‌وگوی عالمانه قرار می‌گرفت و مفاسد شرک و اخلاق جاهلی و منافع توحید و اخلاق اسلامی تبیین می‌گشت و با توجه به جامعه آن روزگار، قوانین مورد نیاز برای اصلاح جامعه از آیات قرآن استخراج می‌شد. در آن زمان که به علت نادانی گسترده و رونق نداشتن اندیشه، کار سخت می‌نمود، پیامبر با راه انداختن جنبش بزرگ علمی، حرکت و تکاپوی عظیم برای کسب دانش در سطح جامعه سامان‌دهی کردند که ثمره آن پایه‌ریزی تمدن عظیم اسلامی بود.

---

۱. المراد من المنیة المرید: ص ۲۸.

۲. بلاذری، فتوح البلدان: ص ۶۵۵.

پیامبر برای آگاه‌کردن مردم در مسجد می‌نشستند و آیاتی که برایشان نازل شده بود برای مردم می‌خواندند و سؤالات آنها را پاسخ می‌گفتند.[۱]

همچنین مسجد جایگاهی بود برای فراگیری علوم و آموزش‌های گوناگونی که جامعه اسلامی به آن نیازمند بود. به طوری که در مسجد علاوه بر بیان احکام و مسائل فقهی و تفسیر قرآن، اصول اعتقادات اسلامی که بعدها به عنوان علم کلام شناخته شد، مورد مذاکره و مباحثه قرار می‌گرفت. حتی بحث‌های ادبی و شعرخوانی هم در مسجد انجام می‌گرفت.[۲]

روایات بسیاری تشکیل این جلسات علمی را تأیید می‌کند خصوصاً اینکه سرپرستی این جلسات با عالم‌ترین افراد و خصوصاً شخص نبی اکرم بود. بعضی از این مساجد در هنگام جنگ تبدیل به بیمارستان می‌شد و جراحان متخصص در آن به جراحی می‌پرداختند چنان‌که «رفیده» در جریان جنگ خندق به سفارش و دستور پیامبر خیمه خود را در مسجد نبوی برپا نمود[۳] و به پرستاری و جراحی بیماران پرداخت. بدون شک کسانی نیز که در این کار به رفیده کمک می‌نمودند، در مقابل از او آموزش می‌گرفتند.

مساجد سبعه در منطقه احزاب، محوریت نقش مسجد را در تولید و پیشرفت و گسترش علم و توسعهٔ سیاسی اجتماعی، نمایان‌تر می‌سازد. این مناطق به طور قطع تنها محل عبادت نبوده است، بل مکان‌هایی جهت تجهیز، آموزش، توجیه و سامان‌دهی مسلمین هم بود، از جمله مسائل گوناگون دینی و اجتماعی ـ سیاسی آنان را پاسخگو بوده است. نکتهٔ مهم دیگر اینکه یکی از این مساجد به فاطمه زهرا علیها السلام اختصاص داشته که گویای این مسئله است که زنان نیز پا به پای مردان در این عرصه تلاش نموده‌اند.

پیامبر مطالب خود را بیشتر در مسجد مطرح می‌کرد، پس از رحلت آن بزرگوار نیز مسجد از نظر تعلیم و دانش‌پژوهی موقعیت ویژه خود را حفظ نمود. یعنی در مساجد هم توجه به آموزش بود (قرائت قرآن و خوشنویسی و غیره) و هم به حکمت و مباحث علمی هم‌چون کلام، فقه و تفسیر؛ نقل شده است. ابن‌عباس در مسجدالحرام می‌نشست و تفسیر قرآن آموزش

---

۱. تاریخ آموزش در اسلام: ص ۱۲۰.
۲. مسلمانان در بستر تاریخ: ص ۱۴۴.
۳. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام: ص ۱۵.

می‌داد. یک بار نافع بن ازرق در حلقهٔ تفسیری ابن‌عباس حاضر شد و سؤال‌هایی از او کرد و پاسخ‌های لازم را دریافت نمود.[۱]

بعدها که دامنهٔ فتوحات اسلامی گسترش یافت مسجدهای بزرگ و با شکوهی ساخته شد و یکی از استفاده‌های مهمی که از آنها شد، تشکیل جلسات درس متعدد در آنها بود. «حسن بصری» در مسجد بصره می‌نشست و به شاگردان خود مسائل کلامی یاد می‌داد. داستان جدا شدن یکی از شاگردانش به نام «واصل بن عطاء» از حلقهٔ درس و پیدایی فرقه معتزله معروف است.[۲]

علاوه براین، زادگاه دو مکتب ادبی بصره و کوفه، مساجد جامع کوفه و بصره بودند. چنان که جاحظ، ادیب بی‌مانند زبان عربی، در جامع بصره زندگی می‌کرد.[۳] در دوره‌های بعد نیر تشکیل کلاس‌های درس و پژوهش را در مساجد می‌بینیم. گاهی اوقات کیفیت این کلاس‌ها چنان بالا بود که دانشمندان و طلاب از راه‌های دور و نزدیک برای استفاده از این مجالس می‌آمدند.

«معاویه بن ابی‌سفیان» نقل می‌کند، زمانی که وارد مسجد نبوی شدم حلقهٔ درسی را دیدم که در آن مردم با توجه کامل نشسته بودند، و آن حلقهٔ درس حضرت ابوعبدالله الحسین بود که جمع چنان محو سخنان حسین علیه‌السلام و بحث علمی شده بودند که گویا پرنده‌ای بر سرشان نشسته بود و آنان از ترس اینکه پرواز کند حرکت نمی‌کردند، همه با توجه کامل برای فهم و درک بهتر به سخنان امام حسین علیه‌السلام گوش می‌کردند.[۴]

در عصر صادقین نیز جلسات بزرگ علمی در مسجد نبوی به همّت آن بزرگواران تشکیل شده بود، تقریر و تبیین مسائل، بازپژوهی، بازیابی و موشکافی، تولید علم جدید یعنی دینی کردن معرفت‌های علمی و تجربی و عقلانی بشر و مدیریت تحقیقات و سازماندهی و هماهنگی آن در این عصر به همّت صادقین کاملاً مشهود است.

---

۱. الاتقان فی علوم القرآن: ج ۱، ص ۱۲۰.
۲. مسلمانان در بستر تاریخ: ص ۱۴۴.
۳. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی: ص ۶۴.
۴. مسند فاطمه بنت الحسین علیه‌السلام: ص ۵۹.

سید محسن امین در بررسی زندگی امام باقر علیه السلام می‌نویسد:

«مدرسه آن حضرت در منزل و مسجد تشکیل می‌گردید و فقهای حجاز و علمای آن سامان به دیدارش می‌شتافتند و علوم و احادیثی که از او گرفته بودند، تدوین می‌نمودند. ایشان در سیره امام صادق علیه السلام می‌نویسد: محل تدریس آن حضرت در منزلش بود و یا در مسجد رسول خدا و نیز در هر مکانی که آن حضرت به دست می‌آورد. هم‌چنین کسانی که در موسم حج از نقاط دیگر به مدینه می‌آمدند، سؤالات خود را که از قبل مهیا کرده بودند از آن بزرگوار می‌پرسیدند».[۱]

در مدرسه امام صادق علیه السلام طالبین علم دسته‌بندی شده بودند. شخص تازه وارد از کسی که در مرتبه بالاتر بود، علم خود را فرا می‌گرفت و این استاد به نوبه خود از شخص بالاتر از خود، تا به امام صادق علیه السلام می‌رسید.[۲]

نکته دیگر این که پیشرفت شاگردان ائمه به جایی رسید که می‌توانستند در مسائل گوناگون فتوا دهند و با غور در قرآن و سنت نبوی نیازهای جامعه خویش را برطرف سازند. شیخ طوسی در شرح حال ابان بن تغلب آورده است که امام باقر علیه السلام به او فرمودند در مسجد بنشین و برای مردم فتوا بده زیرا دوست دارم در بین شیعیان من امثال تو دیده شوند.[۳]

ابان از این فرمان اطاعت نمود اما چون به دلیل مراجعات اهل‌سنت نمی‌توانست فتوای اهل‌بیت علیهم السلام را به صراحت بازگو کند از امام صادق علیه السلام چاره اندیشی نمود و امام صادق علیه السلام به او رخصت داد که ابان در صورت اطلاع از فقه اهل‌سنت و با استفاده از همان‌ها به مراجعان خود پاسخ گوید.[۴]

---

۱. اعیان الشیعه: ج ۱، ص ۹۹ ـ ۱۰۰.
۲. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه: ص ۹۸.
۳. فهرست شیخ طوسی: ص ۱۷.
۴. اختیار معرفة الرجال، قم: ص ۶۰۲.

وضعیت تحصیل و پیشرفت علم در مساجد

رونق علم و دانش به حدی بود که دانش پژوهان پای درس استادان به قضاوت می‌نشستند و جلسات درس مختلف را باهم مقایسه می‌نمودند. از قول مالک بن انس نقل شده است که علم حدیث متن دین به شمار می‌رود، پس بنگرید که دین خود را از چه کسی می‌گیرید، من در پای این ستون‌ها (مسجد مدینه) هفتاد تن را درک کرده‌ام که «قال» رسول الله می‌گفتند، اما از احدی از آنها قبول حدیث نکردم، با اینکه بعضی از آنان با عنوان متولی بیت‌المال افراد امینی بودند، اما برای نقل حدیث صلاحیت نداشتند.[۱]

جالب این که در همین منبع از امام صادق علیه السلام به عنوان بزرگترین و برجسته‌ترین استاد مالک یاد شده است. جلسات درس مساجد دارای ویژگی‌های دیگری هم بود که مهم‌ترین آن گستردگی در زمینه علوم گوناگون و نیز اجتماعی بودن آن بود، یعنی از تمام اصناف و طبقات اجتماع در این جلسات حضور می‌یافتند.[۲] نمونه زیر این مسئله را برای ما بیشتر تبیین می‌کند:

ابوحمزه ثمالی آورده است که در مسجد رسول خدا نشسته بودم که مردی بر من سلام کرد و پرسید: ای بنده خدا! تو کیستی؟ گفتم: مردی از اهل کوفه، اما حاجت تو چیست؟ گفت: آیا «ابوجعفر محمد بن علی» را می‌شناسی؟ گفتم: آری، اما نیاز تو چیست که ظاهرا حق را از باطل می‌شناسی؟

گفت: شما اهل کوفه طاقت و تحمل ندارید. چون اباجعفر را دیدی مرا با خبر ساز. هنوز کلام او تمام نشده بود که ابوجعفر در حالی که جماعتی از اهل خراسان به دور او حلقه زده بودند و درخصوص مناسک حج از ایشان سؤال می‌کردند، ظاهر گردید. امام سپس از آن محل دور شدند تا به مکان جلوس خود رسیدند. آن شخص نزدیک امام نشست... .[۳]

این نمونه و نمونه‌های بسیار دیگر از این دست، حضور طالبان علم از سراسر مملکت اسلامی برای استفاده از استادان مجرب را می‌نمایاند. این استقبال از حوزه‌های درسی

---

۱. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه: ص ۱۰۰.
۲. مأخذ قبل.
۳. بحار: ج ۱۰، ص ۱۵۴.

صادقین علیهما السلام بسیار بیشتر بود. در واقع صادقین علیهما السلام هم در عرصه علوم دینی (فقه و کلام و قرآن و...) و هم در عرصه علوم تجربی و کاربردی، تحول شگرفی به وجود آوردند و در مسجد مدینه، علوم دینی از علوم پایه، کاربردی، ریاضیات، فیزیک، فیزیک کاربردی، زیست‌شناسی، و شیمی اسلامی تولید نمودند.

جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام بود که در زمینه علوم طبیعی و تجربی ممارست داشت. بدون شک او بسیاری از اشکالات علمی خود را در زمینه علوم جدید و نیز در مطالعه کتب ترجمه شده از زبان یونانی از محضر امام صادق علیه السلام پرسید و از ایشان کسب فیض کرد.

مفضل بن عمر از دیگر شاگردان امام صادق علیه السلام بود که در محضر ایشان علم ابدان را آموخت.[۱]

در عصر امام رضا علیه السلام بود که فرهنگ اسلامی و ترجمه مباحث کلامی و فلسفی در سطح جامعه رواج یافت. از طرف دیگر آزادی که بنی‌عباس برای پراکنده کردن این اندیشه‌ها به‌افراد داده بود در نشر این عقاید نقش زیادی داشت. از دیگر ویژگی‌های این عصر رواج فرقه‌ها و مذاهب گوناگون بود که دین و مذهب واحد را دچار پراکندگی و تزلزل ساخت و اختلاف را در بین مسلمین گسترش داد؛ فرقه‌هایی چون واقفیه، زنادقه، قائلین به تناسخ، مجبره... .

متأسفانه دراین دوران در دربار، هیأت نیرومندی که از تقوای لازم برخوردار باشند، وجود نداشت تا بر ترجمه کردن کتاب‌ها نظارت داشته باشد.[۲] بنابراین امام رضا علیه السلام دست به جنبش علمی بزرگی زدند. چنان که نقل شده است، از عمر شریف امام رضا علیه السلام هنوز ۲۵ سال نگذشته بود که در مسجد مدینه می‌نشستند و به همه مسائل جواب می‌داد.[۳]

در همان مساجد بود که امام علیه السلام در واقع به شیعیان و مسلمین می‌آموختند که از حالت انفعالی بیرون بیایند؛ فعالیت کنند، متون ترجمه شده را نقد و بررسی کنند، جسارت و نوآوری

---

۱. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه: ص ۱۰۰.
۲. نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام: ص ۲۷.
۳. عیون اخبار الرضا: ج ۲، ص ۴۲۰.

داشته باشند. مجالس علمی امام که خصوصاً قبل از خلافت مأمون در مسجد جامع مدینه تشکیل می‌شد و بعد از آن در هرجا که امکان آن برایشان فراهم گردید، فقط جنبه نقد نداشت، بلکه امام علیه السلام با تولید علم و خلاقیت به توسعه علوم اسلامی پرداختند و دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان را به مقابله و واکنش وادار نمودند و به سؤالات و شبهات جدید پاسخ گفتند. به‌طوری که خود ایشان می‌فرمایند: در مسجد مدینه می‌نشستم و علما از سراسر کشور در حضور من حاضر می‌شدند و سؤالات خود را مطرح می‌کردند.[1]

شماره ۱۵

نمونه‌های متعدد دیگری از مجالس علمی و حلقه‌های درس در مساجد ضبط شده است. در مسجد جامع منصور در بغداد، علم حدیث رشته اصلی درس و مطالعه بود که دانشمندان بومی و غیربومی در این مسجد روایت می‌کردند. آنچه در ادامه این گزارش خطیب بغدادی آورده این است که: نقل بی‌جر و بحث حدیث برای شنوندگان به ویژه اگر

۱. بحار: ج ۴۷، ص ۱۲۱.

حافظان حدیث در آن نشست‌ها حاضر بودند، کاهش اعتبار استاد بود. این مسئله می‌نمایاند که هر حدیثی نمی‌توانسته نقل شود و احتمالاً افراد سخن‌شناس و حافظانی بودند که می‌توانستند اشکالات را بفهمند.[۱] در همین مسجد شافعی و سه استاد دیگر فقه تدریس می‌کردند. علاوه براین، تشکیل حلقه‌های فتوا که معمولاً با حلقه‌های نظر[۲] آمیخته بود گزارش شده است.[۳]

در غرب اسلامی نیز مسجد به عنوان کانون بزرگ تولید علم مطرح بود؛ گزارش شده ابوعلی قالی در رواق‌های مسجد جامع قرطبه، تاریخ عرب، بلاغت، انساب، ادبیات و شعر عربی تدریس می‌کرد. این درس‌ها را شاگردان قالی جمع کردند و کتاب مشهود «الامالی» او را فراهم آوردند.[۴]

دانشمند مشهور، ابن‌قوطیه نیز در مسجد جامع قرطبه تدریس می‌کرد. مهم این که این دانشمندان در کنار تدریس، تألیف هم می‌کردند، یعنی تولید علم در عرصه‌های گوناگون به جامعه عرضه می‌شده است چنان که ایشان کتاب الافعال را در نحو و کتاب تاریخ افتتاح اندلس را در اخبار مسلمانان اندلس از ابتدای فتح تا وفات امیر عبدالله نوشت. به طوری که این کتاب امروزه مهم‌ترین و نخستین منبع برای مطالعه تاریخ امویان اندلس به شمار می‌رود.[۵]

این گزارش‌ها و نمونه‌های دیگر حاکی است که مسجدها کانون‌های علمی برای دانش‌های رایج زمان خود بودند گذشته از نمونه‌های یاد شده، کوتاه اشارتی می‌کنم به انجمن‌های واژه‌شناسی تازی که راه خود را به سوی مسجد باز کرده بودند. ابوعمرو زاهد، دانش نحو را در مسجد منصور آموخت و نفطویه همان رشته را در مسجد الانباریین فرا گرفت. مطالعات ادبی به دست کمیت بن زیاد و حماد راویه برگزار می‌شد که در آن دو شاعر تدریس می‌کردند و مباحث ادبی را به بحث می‌گذاشتند. «سعید بن مسیّب» در مسجد مدینه

---

۱. نهاد آموزش اسلامی: ص ۱۲۱.
۲. نشست‌هایی برای بحث و بررسی مقایسه‌ای دانش فقه.
۳. نهاد آموزش در اسلام: ص ۱۲۲.
۴. دولت امویان در اندلس: ص ۳۶۵.
۵. همان مأخذ.

درباره شعر تازی بحث می‌کرد و «مسلم بن ولید»، بارها در مسجد بصره انجمنی برپا کرد تا شعرش را بخواند. تفسیر، حدیث، فقه و ستاره‌شناسی نیز در مسجد ابن طولون آموخته می‌شد.[۱]

در قرن‌های بعد نیز به تأسی از دوران رسول گرامی خدا، پزشکی را نیز در مسجد می‌آموختند؛ «عبدالطیف بغدادی» گزارش می‌دهد که در الازهر در بامدادان و ساعات دیگر تدریس می‌کرد، وی می‌افزاید که در نیم روز پزشکی می‌آمد و به من پزشکی می‌آموخت.[۲]

دامنه و وسعت جنبش علمی مساجد

حرکت علمی در مساجد قرون اولیه اسلامی، حرکتی پرشتاب، فزاینده و همگانی بود. این مشخصه که نمایانگر جنبش عظیم علمی و فکری در سراسر جامعه اسلامی بود؛ در همهٔ مساجدی که کرسی درس دایر بود، دیده می‌شد. در واقع روی‌آوری به علوم و عشق به شعر و ادب، به طبقه‌ای خاص از مردم محدود نشد؛ بل همهٔ مردم اعم از مرد و زن، شیعه و سنی و مسلمان و غیرمسلمان در کلیهٔ زمینه‌های علمی مذکور شرکت کردند. لذا دانش در میان توده مردم رواج یافت و در این میان مسجد به عنوان کانون حلقه‌های درسی می‌درخشید؛ نقل شده است در مجلس درس ابوحامد اسفراینی بین سیصد تا هفتصد تن حاضر می‌شدند.[۳] و در بارهٔ «ابوالطیب صعلوکی» فقیه و ادیب نیشابور آورده‌اند، بیش از پانصد طالب علم در مجلس او حاضر می‌شدند.[۴]

در گزارشی دیگر آمده است که در سال ۴۵۶ هـ ق در جامع دمشق، حلقهٔ درس بسیار بزرگی گرداگرد «خطیب بغدادی» زده می‌شد و گفته‌اند: شنونده انبوهی به پای درس کشانده

---

۱. تاریخ آموزش در اسلام: ص ۹۶.
۲. همان: ص ۹۷.
۳. تمدن اسلامی در قرن چهارم: ص ۲۰۸.
۴. همان: ص ۲۰۸.

شده بودند.[۱]

خطیب بغدادی گزارش کرده یک بار به مسجد ابوحامد اسفراینی رفته و در آنجا مشاهده کرده است ۷۰۰ دانشجو برای استفاده از درس ابوحامد جمع شده‌اند.[۲]

بعضی از گزارش‌ها حاکی از بهره‌وری گروه‌های بیشتری از طلاب و دانشمندان از حلقه‌های درس مساجد است، چنان‌که حلقه‌های درس صادقین علیهما السلام را هزاران تن شمرده‌اند. و در دوره‌های بعد حاضران مجالس علمی از هزاران تن نیز تجاوز کرده‌اند. چنان‌که مجلس عاصم بن علی، ابوالحسین واسطی که در مسجد رصافه برپا می‌شد راویان صد تا صدوبیست هزار نفر برشمرده‌اند.[۳]

این ویژگی تنها در مساجد شرق اسلامی نبود بل اخبار رسیده از اندلس می‌رساند که مسجد جامع قرطبه نیز مرکز نخستین دانشگاه اندلس بود و همه روزه دانشمندانی که از نقاط دیگر جهان اسلام به آن جا آمده بودند، در رواق‌های مسجد به آموزش هزاران دانشجو که از اندلس، شمال آفریقا و شاید از برخی مناطق اسپانیای مسیحی آمده بودند می‌پرداختند. در حالی که جهل و بی‌سوادی و عقب ماندگی، اروپای مسیحی را در برگرفته بود.[۴]

جالب اینکه بعضی از این حلقه‌ها به صورت شبانه برگزار می‌شد و این مساجد به صورت شبانه روز فعالیت گسترده علم آموزی داشتند، چنان که مقدسی در مسجد جامع قاهره ۱۲۰ حلقه درسی شبانه بر شمرده است.[۵]

ابزارها و امکانات تولید علم در مساجد

کتابخانه یکی از مهم‌ترین قسمت‌های مساجد در قرون اولیه اسلامی به شمار می‌رفت.

---

۱. تاریخ آموزش در اسلام: ص ۹۳.
۲. نهاد آموزشی اسلامی: ص ۷۵.
۳. مأخذ قبل: ص ۷۳.
۴. دولت امویان در اندلس: ص ۳۶۴.
۵. تمدن اسلامی در قرن چهارم: ص ۲۰۷.

مسلمانان برای گسترش علم و استفاده بیشتر از علوم، کتابخانه‌هایی را در مساجد تأسیس کردند و افرادی که کتابخانه خصوصی از آن خود نداشتند، از آنها استفاده می‌کردند. بعضی از این کتابخانه‌ها، با شیوه و اسلوب، کار فراهم‌آوری کتاب را انجام می‌دادند و حتی کتابدار والا مقامی داشتند به عنوان نمونه متصدی کتابخانه مسجد جامع حلب، محمد بن نصر بن قسیرانی بود. وی مردی ادیب بود و هندسه و حساب و نجوم را به خوبی می‌دانست.[۱]

کتاب‌هایی که در این کتابخانه‌ها به چشم می‌خورد، درباره علوم گوناگون از جمله تاریخ، حساب، ستاره‌شناسی، طب، کشاورزی، موسیقی، زندگی نامه و... بود.[۲]

آنچه به نظر می‌رسد این که کتابخانه‌های کوچک مساجد نیز اغلب دارای مجموعه‌های متنوع کتاب بودند چنان که کتابخانه کوچک مسجد محب‌الدین واقف در قاهره شامل آثاری در مورد طب، جراحی، داروهای طبی، موسیقی، جوانمردی و شعر بود.[۳] از دیگر ویژگی‌های این کتابخانه‌ها، فهرست‌نویسی از کتاب‌ها، قفسه‌بندی و تقسیم‌بندی موضوعی، وجود اتاق‌های مطالعه و دسترسی خوانندگان به کتاب‌ها بود.

بعضی از این مساجد از ویژگی‌های دیگر چون دسترسی طلاب به نوشت‌افزار آموزش و مستمری برخوردار بودند. علاوه بر این، سبک ساختمان مساجد طوری بود که نور مناسب را فراهم می‌کرد و رواق‌هایی جهت مباحثه داشت که[۴] می‌توانست زمینه‌های آسایش طلاب را برای مطالعه و بحث فراهم آورد. نکته دیگر این که عمدتاً استادان مجرب و برجسته در این مساجد تدریس می‌کردند و حتی تدریس در بعضی از مساجد نصیب هر کسی نمی‌شد. چنان‌که خطیب بغدادی در سفر حج زمانی که سه جرعه از آب زمزم آشامید، از خدا خواست که تدریس در مسجد جامع منصور را نصیب او نماید.[۵]

---

۱. کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی: ص ۱۵۵.
۲. تاریخ کتابخانه‌های مساجد: ص ۱۴۸.
۳. مأخذ قبل: ص ۱۴۹.
۴. سفرنامه بنیامین تودلایی: ص ۸۷.
۵. تمدن اسلامی در قرن چهارم: ص ۲۰۶.

نکته شایان تأمل دیگر این که از تمام قسمت‌های مسجد سعی می‌شد استفاده شود؛ زاویه‌ها، کنج‌ها و رواق‌ها، به‌طوری که گاه همزمان، ده‌ها حلقه درس در مسجد تشکیل می‌شد.

وضع کنونی ما

امروزه مکان‌هایی چون دانشگاه و حوزه و مدرسه در مسائل آموزشی جانشین مساجد شده، ولی در واقع ویژگی مسجد این است که محل اجتماع مردم از طبقات مختلف است لذا رفت و آمد نمازگزاران در میان جمع دانشمندان و محققان، زمینه رشد و پویایی و علاقه درخصوص علوم گوناگون را فراهم می‌کند و تأثیرات مثبتی در دل و جان افراد می‌گذارد و این ویژگی را هیچ یک از مکان‌هایی که برشمردیم ندارد.

هم‌اکنون اکثر مساجد ما فقط در ساعات نماز باز است و در بقیه اوقات بلااستفاده مانده است. البته بعضی از مساجد از این مسئله مستثنی هستند و در مساجدی چون مسجد اعظم قم جلسات آموزشی در سطح بالا و مباحثه علمی برگزار می‌گردد، اما در بسیاری از مساجد برنامه‌های آموزشی مدون و نظام یافته وجود ندارد و مدرسان و استادان مجرّب کمتر به مساجد دعوت می‌شوند. علاوه براین کتابخانه‌های مساجد در بیشتر مناطق به علت نداشتن کتابدار و یا فضای مناسب و یا فقدان ساماندهی و یا محدود بودن ساعات استفاده از کتابخانه، بلااستفاده است. علاوه بر این بسیاری از کتاب‌های موجود در مساجد به روز نیست و نیاز جامعهٔ جوان و محقق را برطرف نمی‌سازد.

با توجه به اینکه مساجد تنها مراکزی هستند که در ایام تعطیل و غیرتعطیل در تماس مداوم با مردم‌اند و می‌توانند نقش آموزشی، علمی فراوانی در سطح جامعه ایفا نمایند و در راستای تولید علم و جنبش نرم‌افزاری قدم بردارند. به همین دلیل لازم است مرکز رسیدگی به امور مساجد و متولیان امور از وزارت ارشاد گرفته شود تا دیگر متولیان با برنامه‌ریزی مناسب جهت بهره‌وری از این مکان تلاش نمایند.

خوشبختانه مساجد دارای انعطاف‌پذیری از لحاظ فرهنگی هستند، یعنی امکان نقد

و بررسی و آموزش علوم گوناگون در مسجد وجود دارد. اگر متولیان برای مساجد مناطق مختلف، وظایفی را مشخص نمایند، به عنوان مثال: محدوده ۱ مخصوص رایانه، محدوده ۲ مخصوص فیزیک کاربردی، محدوده ۳ مخصوص علوم تفسیری، محدوده ۴ مخصوص علوم و معارف حدیثی و... و سپس مساجد مناطق مختلف هر شهر امکانات و استادان موردنظر را جذب و در امر آموزش و پژوهش در آن زمینه برنامه‌ریزی نمایند، امکان بهره‌وری هرچه بیشتر از امکانات و جذب جوانان و نوجوانان به این مراکز بیشتر فراهم می‌گردد. علاوه براین زمینه رشد، جسارت علمی و نوآوری در سطح جامعه گسترش می‌یابد.

۲. کتاب‌ها و امکانات اهدایی مساجد براساس فعالیت‌های آموزشی آنها فهرست شود و نحوه استفاده از امکاناتی چون رایانه و کارکردهای آن به مسئولین اجرایی و فرهنگی مساجد آموزش داده شود.

۳. لازم است یک مرکز مهم اجرایی بر فعالیت آموزشی، علمی مساجد نظارت داشته باشد و برای تمام مساجد هیأت‌های علمی تشکیل داده شود و براساس نیاز آنها کلاس‌هایی برای ارتقای سطح علمی گذاشته شود به طوری که هر ساله آزمون علمی برای رشد، شکوفایی و خلاقیت متصدیان علمی مساجد برگزار گردد.

۴. کتابخانه‌های مساجد براساس روش‌های علمی طبقه‌بندی شود و دسترسی به کتاب و امانت گرفتن آن به راحت‌ترین شکل ممکن باشد.

۵ . شایسته است مساجد امکانات علمی، فرهنگی، هنری و ورزشی هر محله و ویژگی‌های آن را فهرست نمایند و در اختیار مراجعین قرار دهند.

۶. لازم است که بین مساجد وکانون‌های علمی و فرهنگی ارتباط دوسویه برقرار شود. هم‌چنین مساجد در ایام و مناسبت‌های خاص از دانش‌آموزان مدارس، برای بازدید دعوت کنند زیرا باعث تعامل و فرهنگ‌سازی مثبت جهت مراجعه و استفاده بهینه از مسجد می‌شود. متولیان امور مساجد باید برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مناسب به عمل آورند تا دانش‌آموزان پس از بازدید از مسجد با دست پر از آنجا بیرون روند. علاوه براین می‌توان برنامه‌هایی

خاص، مانند برنامه دهه فجر و نمایش فیلم، تئاتر و... با هماهنگی آموزش و پرورش و وزارت ارشاد در مساجد برای گروه‌های مختلف سنی تدارک دید.

۷. هر محله دارای افرادی معتمد و باکمال است. خوب است متولیان مساجد در کنار برنامه‌های علمی و تخصصی از این افراد دعوت به عمل آورند تا علاوه بر بهره بردن، از علم و معرفت ایشان، زمینه آشنایی و غرور ملی فراهم گردد و حس اعتماد به نفس در بین افراد محله بالا رود.

۸. لازم است به زیباسازی مساجد توجه ویژه شود؛ از رنگ‌های روشن چه برای فرش‌ها و چه برای پرده‌ها و رنگ‌آمیزی در و دیوار استفاده شود و نسبت به نظافت آن حساسیت ویژه نشان داده شود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. آدام متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲.

۳. امین، سید حسن، اعیان الشیعه.

۴. تودلایی، بنیامنی، سفرنامه، ترجمه مهنوش ناطق، انتشارات کارنگ، تهران، ۱۳۸۰.

۵. جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، دانشگاه تهران، نشر صدوق، ۱۳۷۳.

۷. سید کباری، سید علیرضا، مسند فاطمة بنت الحسین علیها السلام، انتشارات زائر، قم، ۱۳۷۶.

۸. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، منشورات شریف رضی، بی‌تا.

۹. شلبی، احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه محمد حسین ساکت، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۰. صدوق، ابوجعفر محمد، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه علی اکبر غفاری، انتشارات صدوق، ۱۳۷۳.

۱۱. طوسی، ابوجعفر، رجال، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۰.

۱۲. العش، یوسف،کتابخانه‌های عمومی ونیمه‌عمومی عربی درقرون‌وسطی، ترجمه‌اسدالله‌علوی، آستان قدس، ۱۳۷۲.

۱۳. عاملی،زین‌الدین،معروف به شهیدثانی،المرادمن‌منیةالمرید،ترجمه حمید رضا شریعتمداری، چ قدس، قم، ۱۳۸۱.

۱۴. عیسی‌بک، احمد، تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۵. غنیمه، عبدالرحیم، تاریخ دانشگاه‌های بزر اسلامی، ترجمه نورالله کسایی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.

۱۶. مکی ساعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمد عباسپور، محمد جواد مهدوی، انتشارات آستان قدس، چاپ اول ۱۳۷۳.

۱۷. بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، نشر قطره، ۱۳۳۷.

۱۸. منیرالدین احمد، نهاد آموزش اسلامی، ترجمه محمد حسین ساکت، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۸.

۱۹ . معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، چاپ اول، ۱۳۷۴ .

۲۰ . مرتضوی، سید محمد، نهضت کلامی در عهد امام رضا علیه السلام، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۵ .

۲۱ . مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ .

۲۲ . نعنعی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، ترجمه محمد سپهری، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۰ .

۲۳ . خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، مرکز نشر آثار شیعه، قم، ۱۴۱۰ هـ ق، (۱۳۶۹ هـ ش).

پیام مسجد

▣ جواد محدثی

▣ چکیده

نگارنده نخست با معرفی مسجد از زبان مسجد، از انتظار کشیدن وی برای حضور یافتن مؤمنان سخن به میان آورده و سپس به لزوم جذاب و آموزنده نمودن برنامه‌ها، پاکیزگی و معطر نمودن، رعایت شئون و قداست، عدم آزار همسایگان خوش اخلاقی خادمان و کارگزاران و پرهیز از سخنان ناروا در مساجد اشاره نمود و با قلمی شیوا آنها را درد دل‌ها و مشکلات و پیام مسجد با مسلمانان معرفی نموده است.

من همسایهٔ شما هستم، در همین کوچه و محله، در همین نزدیکی‌ها زندگی می‌کنم.

من مسجدم، خانه خدا، عبادتگاه مسلمین؛ درد دل‌هایی با شما دارم که دوست دارم کمی حوصله کنید و گلایه‌های این همسایه را بشنوید.

با این که من هر روز، یکی دو نوبت در خانه‌ام را به روی شما باز می‌کنم و چند ساعت به انتظار شما می‌مانم، ولی بعضی از شما سراغ من نمی‌آیید و با من انس نمی‌گیرید. مثل این که با من قهرید! مگر از من چه بدی دیده‌اید؟ چرا این همه بی‌وفایی؟! چه خاطره بدی از من دارید؟

من که همیشه دل شما را روشن و قلب‌تان را با صفا کرده‌ام، من که همیشه به شما آرامش

روحی داده‌ام. گاهی شاید رفتار خادم مسجد یا حرف‌های مردم یا برخوردهای بعضی از مسجدی‌ها ناراحت‌تان کرده باشد، ولی چرا با من و صاحب من ـ که خداست ـ قهر می‌کنید؟

می‌گویید: برنامه‌هایم جذّاب و آموزنده نیست؟ خوب، بیایید کمک کنید، طرح و پیشنهاد بدهید، با پیش‌نماز و متولّیان مسجد صحبت کنید، خودتان هم وقت بگذارید و مرا فعّال‌تر و با برنامه‌تر و جذاب‌تر کنید. اگر قبول دارید که من پایگاهی برای تقویت ایمان و اخلاق و دینداری مردم هستم، این پایگاه را تقویت کنید. چرا فاصله می‌گیرید؟

من هر لحظه برای آشتی و دوستی با شما حاضرم، دست شما را می‌فشارم، قدم‌تان را گرامی می‌دارم، کمک کنید تا انضباط و نظم داخلی من برقرار شود، مرا از تزئینات اضافی و غیرلازم پاک کنید و در عوض، مرا خوشبو، معطّر، تمیز و با صفا کنید. گرد و غبار از چهره‌ام بزدایید، روشنایی مرا بیشتر کنید، به سقفی که چکه می‌کند، به دیواری که در حال ریزش است، به در و پنجره‌های زنگ زده، به دستشویی‌ها و جاکفشی‌ها و حیاط و حوض و وضوخانه رسیدگی کنید. آنچه را که مایهٔ بی‌رغبتی و گاهی نفرت مردم و خودتان می‌شود از بین ببرید. آخر من خانه خدای شما و عبادتگاه خودتان هستم، پس باید از خانه‌های خودتان تمیزتر، بهداشتی‌تر و با صفاتر باشم، تا شوق آمدن از خانه و مغازه و مدرسه و پارک به سوی من بیشتر شود، تا «آبادتر» بشوم.

من گله‌ها و درد دل‌هایم را با شما که همسایهٔ من‌اید در میان گذاشته‌ام.

خدا فرموده است که مرا آباد سازید. آیه ﴿**انّما یعمر مساجد الله**....﴾[1] را هم بر پیشانی من می‌نویسید، ولی از غصه‌های من خبر ندارید.

گمان می‌کنید آبادی من به چیست؟ به گلدسته‌های بلند و کاشی‌کاری‌های گران‌بها؟ به چلچراغ‌های میلیونی؟ به قالی‌های نفیس و درهای منبت کاری شده و پرده‌ها و مرمرها و گچبری‌های هنری؟ نه! به خدا قسم.

آبادی من به حضور شماست، به برگزاری پرشکوه نمازهای جماعت، به معنویت و نیایش، به تشکیل جلسات درس و وعظ و ذکر، به تبدیل شدن من به پایگاهی برای گسترش

---

۱. توبه: ۱۸.

ایمان و آگاهی و تقویت دین و بسیج مردم و کمک به مسلمین و سنگری برای دفاع از اسلام و میهن، به همبستگی دل‌ها و الفت جان‌های نمازخوانان و مسجدیان و امور خیریه و مشارکت در کارهای عام‌المنفعه و مرکزی برای تربیت و ارشاد.

شما ظاهرم را جلا دادید و رنگ کردید، اما باطنم را تاریک ساختید. وقتی روشن کردن یک چراغ در مسجد ثواب دارد، روشن کردن یک فکر و دل با نور هدایت ثوابش بسیار بیشتر است. چرا به جای ساختن مسجد، «مسجدی» نمی‌سازید؟ شما مصلاّ ساختید؛ نه مصلّی. نمازخانه‌ها زیاد شده است؛ نه نمازخوان‌ها!

متأسفانه در بعضی جاها مسجد را فقط با صدای «الرّحمن» و مجلس فاتحه می‌شناسند. در من این همه «مجلس ترحیم» برای مرده‌ها گرفتید، ولی چند بار شد که «مجلس ترحّم» برای زندگان بگیرید؟ این همه قرآن برای اموات خواندید، کمی هم برای زنده‌ها قرآن بخوانید.

هنگام برگزاری مجالس ختم، چهره‌هایی را دیده‌ام که در طول سال پایشان به مسجد نمی‌رسد. بعضی‌ها فقط برای شیرینی و شربت و شام و خرما به مسجد می‌آیند، بعضی هم روز عاشورا و شب اربعین برای پلوخوری اینجا می‌آیند.

از شما دوستان مسجدی هم گله دارم. چرا تنها به مسجد می‌آیید؟ چرا دوستان و فرزندانتان را با خودتان نمی‌آورید؟ چرا شوق مسجد را در دل دیگران ایجاد نمی‌کنید؟ چرا ثواب نماز و عبادت و تلاوت در مسجد، حتی حضور در مسجد را برای مردم نمی‌گویید؟

چرا به مسجد می‌آیید و فیض و ثواب می‌برید، ولی از خود من دلجویی و احوالپرسی نمی‌کنید؟ آخر من هم دل دارم! من هم مشکلات و نیازهایی دارم. من هم نفقه و رسیدگی و عیدی و خرجی می‌خواهم. من هم دوست دارم گاهی دلم شاد و روشن شود. پرده‌ها، فرش‌ها، دیوارها، شیشه‌ها و چراغ‌هایم تمیز و تازه شود. چرا به پرده‌های کثیف و شیشه‌های دود و غبار گرفته و لامپ‌های سوخته و زیرپله‌های پر از آشغال و انباری پر از خرت و پرت من نگاه نمی‌کنید؟! چرا بلندگو و دستگاه صوتی مرا مرتب نمی‌سازید و مردم را از شرّ سوت

و خش‌خش آن نجات نمی‌دهید؟ چرا مهرهای مرا عوض نمی‌کنید؟ چرا قفسه‌های قرآن وکتاب‌های دعا را مرتب نمی‌کنید؟ چرا دیر می‌آیید و زود و با عجله می‌روید؟ مگر مستحب نیست که انسان زود به مسجد برود و دیرتر بیرون آید؟ چرا «**حیّ علی الصّلاة**» را جدی نمی‌گیرید و همیشه به رکعت دوم نماز می‌رسید؟

دوست دارم وقتی به مسجد می‌آیید، همان طور که دستور دینی است لباس‌های تمیز بپوشید و عطر بزنید، برای آمدن شتاب کنید، وقار داشته باشید، با وضو وارد شوید، دعا بخوانید و ذکر بگویید، آلودگی‌های مرا در اسرع وقت از بین ببرید، مرا جارو کنید، کفش‌هایتان را بیرون از مسجد در آورید، در دل من چراغ روشن کنید، در صحن مسجد آب دهان نیندازید، اگر دهانتان بوی سیر می‌دهد در جمع مسجدیان حاضر نشوید، مرا محل گذر و راه عبور و مرور قرار ندهید، در مسجد سخن از دنیا نگویید و داد و ستد و سر و صدا نکنید.

بعضی‌ها احترام مرا حفظ نمی‌کنند، کارهایی می‌کنند که در شأن من نیست، با کف و سوت و هورا و خنده‌های بلند مرا می‌رنجانند. با هیاهو و مجادله و منازعه آرامش را از من می‌گیرند. با کفش وارد مسجد می‌شوند. جُنب و ناپاک به مسجد می‌آیند. کفش‌ها را کنار جانماز یا روی فرش می‌گذارند. فرش و دیوار و زمین مسجد را آلوده می‌کنند. آشغال و پوست تخمه و هسته خرما می‌ریزند. کسبه محل، حیاط مرا پارکینگ موتورهایشان می‌کنند. وقتی پیش من هستند غیبت می‌کنند و حرف‌های لغو می‌زنند. گاهی مرا محل بازی و ورزش یا خواب می‌کنند. نزد من حرف دنیا می‌زنند و دلالی می‌کنند. گویا مرا با باشگاه و قهوه‌خانه و سینما و بنگاه و فرهنگسرا عوضی گرفته‌اند.

آخر من هم برای خودم قداست و حرمتی دارم! این بی‌حرمتی‌ها حرام هم هست، اما بعضی‌ها پروا نمی‌کنند. بعضی‌ها مسجد که می‌آیند فقط حرف می‌زنند و غیبت می‌کنند و مزاحم ذکر و عبادت و نماز و دیگران می‌شوند و هنگام سخنرانی حواس بقیه را پرت می‌کنند.

این گله‌ها را با شما نگویم با که بگویم؟ وقتی مجلس ترحیم می‌گیرید، صدای بلندگوها گاهی سبب رنجش همسایه‌ها می‌شود و آن وقت از من بدشان می‌آید. چرا باید کسی که

می‌خواهد خانه بخرد دقت کند که همسایه مسجد و مدرسه نباشد؟ مگر مسجد جای هدایت و معرفت و حق نیست؟ نکند زمانی فرا رسیده است که حضرت علی علیه‌السلام پیشگویی فرمودند:

«روزی خواهد آمد که مساجد از لحاظ بنا آباد است، ولی از نظر هدایت خراب!».[۱]

دوست دارم پیش‌نماز مسجد، با اخلاق و سخنانش، محور جاذبه باشد و جوانان برای یادگرفتن و فیض معنوی بیشتر، به مسجد آیند و از رفتار و علوم او بهره گیرند و او را محرم رازها و دوست خودشان بدانند.

دوست دارم همهمه و سر و صدا موقع نماز جماعت، حال مردم را نگیرد، بوی بد جوراب‌ها و عرق بدن‌ها مردم را از من فراری ندهد. اذان و تکبیر با صدای خوش، دل‌ها را مشتاق من می‌کند. دوست دارم مؤذّن و مکبّر و خادم خوب برای من انتخاب کنید.

از خادم مسجد بخواهید با مردم به‌خصوص نوجوانان و جوانان کمی خوش اخلاق‌تر رفتار کند، تا پای آنها از مسجد بریده نشود. من دوست دارم در جلسات و نمازها، چهره‌های جوانان را بیشتر ببینم. کودکان را از مسجد بیرون نکنید، بلکه یادشان بدهید که آداب و آرامش و نظافت را مراعات کنند تا آنها هم «مسجدی» شوند. دوست دارم وقتی صدای اذان بلند می‌شود، همسایه‌ها و کسبه و مغازه‌داران برای نماز جماعت به مسجدها هجوم آورند، نه آن‌که نماز جماعت بیخ گوش آنها برپا شود، اما آنان یا مشغول چانه زدن با مشتری یا قدم زدن در خیابان، یا تماشای تلویزیون یا سرگرم حرف و رفیق باشند.

آیا این‌ها چیزهای بدی است که من از شما توقع دارم؟

شما که امت پیامبر اسلام‌اید، شما که می‌توانید اوقات مسجد را به دعا و قرآن و نماز بگذرانید، چرا به غیبت و حرف دنیا و لغویات می‌پردازید؟

من انتظار دارم حق مرا ضایع نکنید، حرمتم را نشکنید، مرا از معنویت و یاد خدا خالی نکنید، نقش محوری مرا در زندگی خود از یاد نبرید، مرکزیت مرا حفظ کنید. مرا کانون

---

۱. «یأتی علی الناس زمان... مساجدهم یؤمئذ عامرة من البناء خراب من الهدی». نهج‌البلاغه، فیض الاسلام: حکمت ۳۶۱.

اصلاح اخلاق سازید. شما مسجدیان الگوی دیگران باشید. مسجد را محلی برای امن و ایمان کنید.

چرا باید بعضی از ترس این که کفش‌هایشان را ببرند، به مسجد نیایند؟ چرا باید بعضی برای پرهیز از خاکی شدن شلوارشان، از مسجد گریزان باشند؟ چرا باید بعضی دنبال مسجد می‌گردند، مساجد چنان در گوشه‌های پرت و دور از رفت و آمد باشد که آن را نیابند، نه تابلویی، نه چراغی، نه نشانه‌ای؟ چرا وقتی مرا می‌سازید، به فکر نیازهای آیندهٔ من نیستید و آنها را پیش بینی نمی‌کنید.

آیا این توقّعات و انتظارات من، حق نیست؟

پس با من بیشتر همکاری کنید. من همدم شمایم. شما هم همدم و همراه من باشید.

مسجد خانهٔ خداست. خانهٔ خدا را با «معرفت»، «تقوا»، «عمل صالح» و «یاد خدا» آباد کنید.

گله‌ها و درد دلهای مرا هم به دل نگیرید. من خیر و صلاح شما را می‌خواهم.

پاره‌ای از آداب مسجد در اسلام

▣ صدیقهٔ محصل

▣ **چکیده:**

مقاله نخست با استناد بـه احـادیث چگـونگی سـاختن مسـاجد را مـطرح، سپس با بیان ویژگی‌های مسجد ضرار، نیت پلید صاحبان مسجد ضرار را:

۱ ـ تلاش‌برای ضرررساندن به‌اهل‌مسجد قبا و مؤمنانی که در آن بودند.

۲ ـ تقویت رشته‌های کفر و مشورت با یکدیگر در حیله و مکر به دور از چشم مؤمنان؛ همچنین امکان دادن به منافقان در ترک نماز.

۳ ـ ایجاد تفرقه و اختلاف بین مؤمنان و از بین بردن وحدت آنان.

۴ ـ درکمین‌نشستن‌وانتظارکشیدن‌کسانی‌که‌باخدا و رسولش جنگیده‌اند.

۵ ـ نیرنگ منافقان.

معرفی نموده است.

آنگاه به بـیان هـمسایگان مسـجد از دیـدگاه روایـات پـرداخـته، آن را چهل خانه از چهار طرف دانسـته و در ادامـه عـلت بـزرگداشت مسـاجد را به استناد روایتی از امام صادق علیه‌السلام آن معرفی نموده که آنها خانه‌های خدا در زمین‌اند.

مقاله چگونگی بزرگداشت مساجد را از ابعاد مختلف تبیین و بر ضرورت رفتن به مساجد تأکید و آداب ورود و خروج از مساجد را بازگو نموده است.

سپس آداب نشستن در مسجد را ذکر نموده و از بنای مسجد (مصلا) در خانه یاد نموده و با ذکر فواید حضور در مسجد در پایان از اعتکاف و فواید آن یاد نموده است.

آداب ظاهری و باطنی ساخت مساجد

برای ساختن مسجد باید آداب ظاهری و باطنی آن را به دقت مورد نظر داشت که در این مقاله به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱ . انگیزه الهی

نیت خداپسندانه در ساختن مسجد، پایه اصلی توفیق[۱] و برکت است. بنابراین، کسی که نیت خوب داشته باشد، خداوند توفیق و ثواب و محبت را نصیب او می‌گرداند.[۲] در نتیجه وی مداومت بر خیر می‌کند و از این مداومت ترک کارهای زشت و حب نجات و اطاعت الهی نشأت می‌گیرد. در این هنگام، تألیف قلوب حاصل می‌شود و بهترین این قلب‌ها، قلب‌های لطیفی است که از نیت شایسته برخوردارند و مرکز آن نیت‌ها، سینه مؤمنان و شایستگان است.

نیت، شالوده عمل است[۳] و هیچ عملی نیست مگر این که نیت دارد[۴] و هیچ عمل و نیتی پذیرفته نیست، مگر این که بر طبق سنت باشد.[۵]

خداوند به صورت‌ها و مال‌هایتان نگاه نمی‌کند، ولی به قلب‌ها و اعمال شما می‌نگرد. هر کس قلب صالح داشته باشد، خداوند بر او ترحم و مهربانی می‌کند.[۶] هرکس نیتش صادق باشد، قلب سالم دارد؛ زیرا با سالم ماندن قلب از اندیشه‌های واهی از طریق خلوص نیت برای خدا، همه امور میسر می‌شود.[۷]

عملی که با نیت فاسد باشد، مغضوب خدا و سزاوار توبیخ است و از این رو، داستان مسجد ضرار عبرتی برای نیات فاسد می‌باشد؛ زیرا پیامبرﷺ پس از آن که اشخاصی را برای تخریب آن مأمور فرمود، عمار بن یاسر را فرستاد و دستور داد آن محل را مزبله‌ای

---

۱ . شرح غررالحکم: ج ۵ ، ص ۴۶۲ ، شماره ۹۱۸۶ .
۲ . در تصنیف غررالحکم: ص ۹۲ ، شماره ۱۶۰۴ آمده است کسی که نیت وی خوب باشد ثواب او بسیار و زندگی او پاکیزه و محبت او لازم است.
۳ . شرح غررالحکم: ج ۱ ، ص ۲۶۰ ، شماره ۱۰۴۰ .
۴ . کافی: ج ۲ ، ص ۸۴ ، حدیث ۱ .
۵ . امالی شیخ طوسی: ج ۱ ، ص ۳۹۶ .
۶ . کنزالعمال: ج ۳ ، ص ۴۲۱ ، حدیث ۷۲۵۴ .
۷ . مصباح‌الشریعه: ص ۵۳ .

قرار دهند تا لاشه‌های مردار را در آن بیفکنند.[۱]

نیت پلید صاحبان مسجد ضرار در مطالب زیر خلاصه می‌شود:

۱ . تلاش برای ضرر رساندن به اهل مسجد قبا.

۲ . مشورت با یکدیگر در حیله و مکر بر ضد اسلام به دور از چشم مؤمنان.

۳ . امکان دادن به منافقان برای ترک نماز.

۴ . ایجاد تفرقه و اختلاف بین مؤمنان.

۵ . در کمین نشستن و انتظار کشیدن کسانی که با خدا و رسولش جنگیده‌اند، تا شاید محاربی (به این مسجد) بیاید و جایی مناسب برای خویش پیدا کند و نیز گروهی را بیابد که آماده جنگ با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشند.

لازم است که مساجد بر حسب نیاز منطقه ساخته شوند. از این رو، هنگامی که درباره مساجدی که حاجیان در راه مکه ساخته‌اند، از امام صادق علیه السلام سؤال شد، فرمود:

«به به، آنها از بهترین مساجدند، زیرا این مساجد بسیار مورد نیازند».[۲]

۲ . مال حلال

در زمان جاهلیت، خانه کعبه ویران شد، هنگامی که قریش خواستند آن را بازسازی کنند، یک نفر از آنها گفت: باید هر یک از شما پاکیزه‌ترین مال خود را بیاورد، مالی که از راه حرام یا قطع رحم به دست آورده‌اید، نیاورید.[۳]

پس ما که در سایه شریعت محمد صلی الله علیه و آله هستیم چگونه باید باشیم؟!

روایت شده است: کسی که از مال حلالش مسجدی بسازد تا خداوند در آن عبادت شود، خداوند در بهشت خانه‌ای برای او بسازد،[۴] چه این مسجد بزرگ باشد و چه کوچک، هر چند به قدر لانه مرغی باشد.[۵]

---

۱ . مجمع البیان: ج ۵ ، ص ۷۲ ؛ عوالی اللالی: ج ۳۲ ، حدیث ۸۱ .

۲ . بحار: ج ۸۴ ، ص ۱۱ ، حدیث ۸۶، به نقل از محاسن: ص ۵۵ ، حدیث ۸۵ .

۳ . کافی: ج ۴ ، ص ۲۱۷ . حدیث ۳ .

۴ . کنزالعمال، ج ۷ ، ص ۶۵۴ ، حدیث ۲۰۷۵۸ .

۵ . امالی شیخ طوسی: ج ۱ ، ص ۱۸۶ ؛ دعائم‌الاسلام: ج ۱ ، ص ۱۵۰ .

حضرت علی علیه‌السلام هنگامی که شنید معاویه در شام، مسجدی ساخته است، او را سرزنش کرد و فرمود:

«سمعتك تبظ مسجداً من جـبايه و انت بحـــمدالله غـير مـوفق»

شنیده‌ام که از درآمد (نامشروع) مالیات مسجد می‌سازی حال آن که تو، به حمدالله موفق نمی‌شوی.

«كمطعمة الرمان مما زنت بـه جرت مثلاً للخائن المـتصدق»

هم چون زنی که از راه زنا، انار به دست می‌آورد و انفاق می‌کرد و این کار او مثلی شد برای شخص خائنی که صدقه می‌دهد.

«فــقال لهــا اهـل البـصرة والتـق لك الويل لا تزنى و لاتتصدص»[1]

اهل بصیرت و تقوا به آن زن گفتند: وای بر تو! زنا نکن و صدقه نیز نده.

زمانی که ساختن مسجد برای ریا و شهرت‌طلبی یا از مال‌های غصبی یا غش‌دار باشد، چگونه قلب‌ها از خواندن نماز در آن آرامش پیدا کند؟!

۳. قربانی

هنگام ساختن مسجد، مستحب است که قوچی را قربانی کنند؛ زیرا امام صادق علیه‌السلام از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل کرده است:

«کسی که مسجد بسازد[2] باید قوچ فربهی را ذبح کند و گوشت آن را به مستمندان بدهد و بگوید: خداوندا، سرکشان جن و انس، و شیاطین را از من دور کن و این را بر من مبارک گردان».[3]

۴. شرایط محل بنا

ساختن مساجد بر روی قبرها جایز نیست. از امام صادق علیه‌السلام درباره زیارت قبرها و ساختن مسجد در قبرستان سؤال شد، فرمود: زیارت قبور مانعی ندارد، ولی در قبرستان،

---

۱. بحار: ج ۳۴، ص ۴۳۰.
۲. کافی: ج ۶، ص ۲۲۹، حدیث ۲۰ به جای «مسجداً» مسکناً آمده است.
۳. وسایل: ج ۱۶، ص ۴۵۴، حدیث ۴.

مسجد ساخته نمی‌شود.[۱]

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در هر مکانی می‌شود مسجد ساخت، مگر قبرستان و حمام[۲] و دستشویی،[۳] قبر مرا قبله و مسجد قرار ندهید؛ زیرا خداوند، یهود را لعنت کرده است چون آنان قبور پیامبران خود[۴] را مسجد قرار دادند.[۵]

جایز است کنیسه‌ها[۶] و کلیساها را مسجد قرار دهند. «عیص» می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کنیسه‌ها و کلیساها پرسیدم که آیا شایسته است ویران کردن آنها برای ساختن مسجد؟ فرمود: آری.[۷]

پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود:

«شما روم را فتح می‌کنید. هرگاه کلیسای شرقی آن جا را فتح کردید، آن را مسجد قرار دهید».[۸]

۵. ویژگی‌های بنا

الف) سقف: مستحب است مساجد رو باز و بدون سقف باشد؛ مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله سقف نداشت... و همچون آلونک حضرت موسی علیه السلام بود.[۹]

امام صادق علیه السلام فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله مسجد خود را با یک خشت بنا کرد، سپس بر تعداد

---

۱. مقصود این است که نمی‌توان قبرستان را تبدیل به مسجد کرد؛ ولی مانعی ندارد که در کنار قبرستان محلی هم برای مسجد اختصاص یابد. الفقیه: ج ۱، ص ۱۱۴، حدیث ۵۳۱.

۲. سنن ترمذی: ج ۱، ص ۱۹۹، حدیث ۳۶.

۳. نوادر راوندی: ص ۴۳؛ لسان العرب: ج ۶، ص ۲۸۶.

۴. طیبی گفته است: آنها را قبله قرار می‌دادند و هنگام نماز در مقابل آن‌ها سجده می‌کردند، اما کسی که در جوار مرد صالحی یا در مقبره‌ای نماز بخواند به قصد این که از روح صاحب آن قبر استمداد کند یا اثری از آثار عبادت وی به او برسد، نه این که قصدش توجه و تعظیم به او باشد، مانعی ندارد؛ می‌بینید که مرقد حضرت اسماعیل علیه السلام در حجر و در مسجدالحرام واقع شده و خواندن نماز در مقابل حجر افضل است. بحار: ج ۸۲، ص ۵۶.

۵. الفقیه: ج ۱، ص ۱۱۴، حدیث ۵۳۲.

۶. بیع و کنائس، به معنای معابد یهود و نصاراست.

۷. کافی: ج ۳، ص ۳۸۶، حدیث ۳؛ تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۰، حدیث ۷۳۲.

۸. مناقب: ج ۱، ص ۱۰۹.

۹. مستدرک: ج ۳، ص ۳۶۹، حدیث ۴، به نقل از غوالی اللالی: ج ۲، ص ۲۱۶، حدیث ۷.

مسلمانان افزوده شد، گفتند: ای رسول خدا! اگر امر فرمایی بر وسعت مسجد بیفزاییم، فرمود: آری، پس بر وسعت آن افزوده شد و پیامبرﷺ با یک خشت و نیم آن را بنا کرد. پس از آن تعداد مسلمانان بیشتر شد، گفتند: ای رسول خدا! اگر فرمان دهی بر وسعت مسجد بیفزاییم، فرمود: آری، و امر فرمود تا بر وسعت آن افزوده شد و دیوار آن با دو خشت بنا شد. سپس حرارت آفتاب شدت یافت، مسلمانان گفتند: ای رسول خدا! اگر امر کنی برای مسجد، سایبانی درست کنیم، فرمود: آری، و فرمان داد تا از تنه درخت خرما، ستون‌هایی در مسجد برپا کنند و سقف آن را با چوبه و سفال و گیاه بپوشانند.

مسلمانان در مسجد بودند تا این که باران آمد و سقف مسجد چکه کرد، گفتند: ای رسول خدا! اگر فرمان دهی سقف مسجد را گل‌اندود کنیم. پیامبرﷺ به آنها فرمود: نه باید آلونگی همچون آلونک حضرت موسیؑ باشد، همواره مسجد همان‌گونه بود تا آن حضرت از دنیا رفت».[۱]

حلبی می‌گوید: از امام صادقؑ درباره مسجد سقف‌دار سؤال شد که آیا نماز در آن کراهت دارد؟ فرمود: آری، لیکن امروز به شما ضرری نمی‌رساند، اگر دوران حکومت امام عدل بود، می‌دیدید که در این باره چگونه عمل می‌کند.[۲]

اولین کاری که قائم ما شروع می‌فرماید این است که سقف مساجد را خراب می‌کند و با فرمان آن حضرت، آلونکی همچون آلونک حضرت موسیؑ می‌شود.[۳]

ب) کنگره: مساجد باید بدون کنگره ساخته شوند. رسول خداﷺ فرمود:

«مساجد را بدون کنگره بسازید».[۴]

نقل شده است: هرگاه حضرت قائمؑ قیام کند، هر مسجدی که دارای کنگره باشد،

---

۱. وسایل: ج ۵، ص ۲۰۶، حدیث ۱؛ به نقل از الکافی: ج ۳، ص ۲۹۵، حدیث ۱؛ تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۱، حدیث ۸۳؛ معنای‌الاخبار: ص ۱۵۹، حدیث ۱؛ وفاءالوفا: ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. کافی: ج ۳، ص ۳۶۸، حدیث ۴.

۳. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۳، حدیث ۷۰۷.

۴. المجازات‌النبویه: ص ۸۹.

کنگره آن را خراب می‌کند، تا همانند مساجد زمان پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله بشود.[۱]

ج) مـــــناره: در زمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله مسجد دارای مناره نبود[۲] و بلال برای پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله روی زمین اذان می‌گفت.[۳]

مستحب است که در مساجد، مناره روی دیوار باشد، نه این که در وسط مسجد قرار گیرد؛[۴] زیرا موجب تنگ شدن فضای مسجد می‌شود و بین نمازگزاران مانع ایجاد می‌کند.

بسیاری از فقیهان تصریح کرده‌اند که بلندتر بودن مناره از سقف مسجد، کراهت دارد؛ زیرا به سبب اشراف بر منازل همسایگان، موجب اذیت و آزار آنان می‌شود.[۵]

از امام علی‌علیه‌السلام نقل شده: آن حضرت، مناره بلندی را دید و فرمان داد تا آن را ویران کنند و فرمود: بالاتر از بام مسجد، اذان گفته نمی‌شود.[۶]

د) وضـــــوخانه: مستحب است وضوخانه و دستشویی بیرون از مسجد باشد؛ زیرا از رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که فرمودند:

> «دستشویی‌ها را کنار در مسجد قرار دهید.[۷] چرا که مصلحت رفت‌وآمد کنندگان در آن است و بوی آنها نمازگزاران را اذیت نمی‌کند و از احتمال سرایت نجاست به مسجد جلوگیری و نظافت آن رعایت می‌شود و احترام مسجد محفوظ می‌ماند».[۸]

هـ) نـقاشی بـر دیـوار مسجد: تزیین مسجد و نقاشی صورت بر در و دیوار آن حرام است.[۹]

---

۱. بحار: ج ۸۳، ص ۳۵۳، حدیث ۶، به نقل از کتاب غیبت شیخ طوسی: ص ۲۹۷.
۲. تاریخ یعقوبی: ج ۲، ص ۴۲.
۳. مناقب: ج ۱، ص ۱۷۱؛ تهذیب: ج ۲، ص ۲۸۴، حدیث ۱۱۳۴.
۴. شرائع‌الاسلام: ج ۱، ص ۱۲۷.
۵. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۷۹ ـ ۸۰.
۶. دعائم‌الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۷؛ الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۵.
۷. تهذیب: ج ۳، ص ۲۵۴، حدیث ۷۰۲؛ مستدرک: ج ۳، ص ۳۸۰، حدیث ۲.
۸. جواهرالکلام: ج ۱۴، ص ۷۸.
۹. شرائع‌الاسلام: ج ۱، ص ۱۲۷.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«مسجدهای خود را تزیین نکنید، آن‌گونه که یهود و نصاری معبدهای خود را تزیین می‌کنند».[۱]

از امام کاظم علیه السلام درباره مسجدی سؤال شد که در طرف قبله آن قرآن یا ذکر خدا نوشته می‌شود؟ امام علیه السلام فرمود: مانعی ندارد.[۲] همچنین از آن حضرت درباره مسجدی سؤال شد که در طرف قبله آن باگچ یا رنگ نقاشی می‌شود؟ فرمود: مانعی ندارد.[۳]

از «ابی‌خدیجه» نقل شده است که گفت: در قبله مسجد امام صادق علیه السلام دیدم که آیةالکرسی نوشته شده بود.

محراب در اصل، جایگاه بلندی است که شخص برای دفاع از اهل خود در آن می‌جنگد. به مسجد نیز محراب گفته می‌شود.[۴]

و) محراب: محراب قبله مسجد و محترم‌ترین مکان و جایگاه نماز امام جماعت است. سطح محراب باید از مکان نمازگزاران پایین‌تر یا هم سطح آن باشد. محراب را به این دلیل محراب می‌گویند که امام در آن تنها و از مردم دور است[۵] و بعضی گفته‌اند: به این لحاظ محراب گفته شده است که هرگاه امام در آن بایستد، از این که دچار اشتباه و خطا گردد در امان نیست و از این رو می‌ترسد. برخی گفته‌اند: محراب از ماده حرب گرفته شده است؛ زیرا امام در محراب با شیطان می‌جنگد یا شخصی که در نماز به محراب توجه دارد، مثل کسی است که برای نماز با شیطان می‌جنگد.

روایت شده که مسجد نبوی شریف در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و خلفای بعد، محراب نداشته است و نخستین کسی که محراب ساخت عمر بن عبدالعزیز بوده است. ساختن محراب با تورفتگی زیاد مکروه است، به طوری که در قبله مسجد، دو دیوار بسازند و سقفی برآن

---

۱. مستدرک: ج ۳، ص ۳۷۱، حدیث ۱.
۲. قرب‌الاسناد: ص ۲۹۰، حدیث ۱۱۴۸.
۳. قرب‌الاسناد: ص ۲۹۰، حدیث ۱۱۴۸.
۴. مجمع‌البیان: ج ۲، ص ۴۳۶ و ج ۶، ص ۵۰۵.
۵. المحاسن: ص ۶۰۹، حدیث ۱۳.

بار کنند. خلفای ستمکار به علت ترس از دشمنان‌شان محراب‌ها را این‌گونه می‌ساختند.[۱]

همچنین ساختن محراب‌ها به شکل خانه‌های کوچک مکروه است، زیرا شبیه قربانگاه مسیحیان و یهودیان می‌شود. امام علی علیه‌السلام به تخریب این‌گونه محراب‌ها فرمان می‌داد. از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: حضرت علی علیه‌السلام هرگاه این‌گونه محراب‌ها را می‌دید، آنها را خراب می‌کرد و می‌فرمود: این‌ها شبیه قربانگاه‌های یهودند.[۲]

ز) کف مسجد: «ابن‌اثیر»، در النهایه آورده است: مسلمین در صدر اسلام بر سنگریزه‌های کف مسجد نماز می‌گزاردند و بین صورت نمازگزاران و سنگریزه‌ها حایلی وجود نداشت، و هنگام سجده کردن آنها را با دست‌هایشان هموار می‌کردند، سپس از این کار نهی شدند؛ زیرا این کار، خارج از اعمال نماز و کاری عبث است و کار بیهوده در نماز جایز نیست و در صورت تکرار آن، نماز باطل می‌شود.[۳]

عمر دستور داد تا کف مساجد را با سنگریزه فرش کنند تا جای نمازگزار نرم‌تر و راحت‌تر باشد.

از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

«هرگاه کسی از شما سنگریزه‌ای را از مسجد بیرون برد، باید آن را به جای خودش برگرداند یا در مسجد دیگری قرار دهد».[۴]

امام رضا علیه‌السلام چون از نماز فارغ می‌شد، سجده طولانی به جا می‌آورد تا این که عرق آن حضرت، سنگریزه‌های مسجد را تر می‌کرد.[۵]

در روایتی آمده است: زمین را برای تو و امت تو پاک کننده و محل سجده قرار دادم.[۶] نقل شده است: رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد خود معتکف شد. هوا ابری شد و باران

---

۱. بحار: ج ۸۳، ص ۳۵۳.
۲. علل‌الشرایع: ص ۳۲۰، حدیث ۵۸.
۳. النهایه: ج ۱، ص ۳۹۳.
۴. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۴، حدیث ۷۱۸؛ التهذیب: ج ۳، ص ۲۵۶، حدیث ۷۱۱.
۵. عیون‌الاخبارالرضا: ج ۲، ص ۱۷، ضمن حدیث ۴۰.
۶. ارشادالقلوب: ص ۴۱۰.

گرفت تا این که از سقف مسجد، آب جاری شد. رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله را دیدند که در میان آب و گل سجده می‌کند حتی آثار گل در پیشانی مبارکش دیده می‌شد.[۱]

از «ام‌سلمه» نقل شده است: پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از غلامان ما را ـ که افلح نام داشت ـ دید که هنگام سجده کردن، محل سجده را فوت می‌کند، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: ای افلح! چهره خود را به خاک بمال.

ح) سجاده: «حمران» از صادقین علیهما‌السلام[۲] نقل کرده است که فرمودند:

«پدر من بر روی سجاده کوچکی ـ بافته شده از برگ خرما ـ نماز می‌گزارد، آن سجاده را بر روی قالیچه‌ای می‌گذاشت و بر آن سجده می‌کرد و هرگاه سجاده وجود نداشت، سنگریزه‌ای بر روی قالیچه می‌نهاد و بر آن سجده می‌کرد[۳] پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز بر روی سجاده نماز می‌گزارد».[۴]

۶. تأسیس مسجد در خانه

حضرت علی علیه‌السلام خانه‌ای متوسط که در آن جز فرش و قرآنی نبود برای نماز خود برگزیده بود.[۵] و نخستین مسلمانی که در خانه خود مکانی به عنوان مسجد قرار داد «عمار بن یاسر» بود.[۶]

از پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله درباره مردی سؤال شد که در منزلش نماز می‌خواند سپس به مسجد می‌آید و با جماعت نماز می‌خواند، فرمود: «برای این مرد، دو بهره است».[۷]

در بعضی از روایات آمده است: بهترین نماز، نمازی است که شخص در خانه‌اش

---

۱. وفاءالوفاء: ج ۱، ص ۳۴۰، شماره ۲۰۶.
۲. منظور امام باقر یا امام صادق علیهما‌السلام است. جامع الرواة: ج ۲، ص ۴۶۱.
۳. تهذیب: ج ۲، ص ۳۰۵، حدیث ۹۰؛ استبصار: ج ۱، ص ۳۳۵، حدیث ۱.
۴. الفقیه: ج ۱، ص ۶۱۷، حدیث ۱۵۴.
۵. المحاسن: ص ۶۱۲، حدیث ۳۰، میان پرانتز، المحاسن: حدیث ۲۹.
۶. الطبقات الکبری: ج ۳، ص ۳۵۰.
۷. کنزالعمال: ج ۷، ص ۵۷۷، حدیث ۲۰۳۳۳؛ کافی: ج ۳، ص ۳۸۱، حدیث ۸ آمده است کسی که در منزلش نماز بخواند، سپس به یکی از مساجد آنان برود و با آنها نماز بخواند با حسنات آنها بیرون رود.

بخواند به طوری که جز خدای عزّوجلّ او را نبیند و فقط رضای او را طلب کند.[۱] باید توجه داشت که در این دسته از روایات مقصود نماز شب یا نمازهای مستحب دیگر از جمله نوافل است.

نماز شخص در منزلش با جماعت، برابر با بیست و چهار نماز است و نماز مرد در مسجد با جماعت معادل باچهل‌وهشت نماز است... ونماز فرادادر مسجد، معادل بیست و چهار نماز است و نماز فرادا در منزل مانند غباری پراکنده است که در پیشگاه خدا قبول نمی‌شود. هرکس به سبب اعراض از مساجد، در خانه‌اش نماز جماعت بخواند، نماز او و کسانی که با او نماز خوانده‌اند، کامل نیست مگر این که عذری برای رفتن به مسجد داشته باشد.[۲]

در جامعه کنونی آیا دیده یا شنیده‌اید که شخصی در خانه خود مکانی را به عنوان مسجد قرار دهد؛ یعنی محلی را به نماز اختصاص بدهد؟ در پاسخ خواهی گفت: مگر می‌شود در خانه مسجد درست کرد؟ در خانه‌ها جای تمیز و پاکیزه کم یافت می‌شود به خصوص در خانه‌هایی که چندین کودک است. اما چنین امکانی هست و بسیار هم ثواب دارد. لذا چه نیکوست اگر در خانه‌هایمان، محلی را به عنوان مسجد انتخاب کنیم و در خلوت بر گناهان خود گریه کنیم زیرا سبب تراکم اندوه‌های ما این است که در خلوت اشکی نریخته‌ایم، هر چیزی دارای وزن و قیمت و اندازه‌ای است مگر قطرات اشک سنجش‌پذیر نیست.

آری، هیچ قطره‌ای نزد خدا محبوب‌تر از قطره اشکی نیست که در تاریکی شب از ترس خدا و برای رضای او ریخته شود.[۳] از مسمع نقل شده است: امام صادق علیه السلام برای من نوشت:

> «دوست دارم که در منزلت، یکی از اتاق‌ها را مسجد قرار دهی، سپس دو جامه کهنه و خشن بپوشی، آن‌گاه از خدا بخواهی که تو را از آتش آزاد و به بهشت داخل کند و سخن بیهوده و حرف زور بر زبان نیاوری».[۴]

---

۱. امالی شیخ طوسی: ج ۲، ص ۱۴۱.
۲. بحار: ج ۸۸، ص ۱۴، ضمن حدیث ۲۵، به نقل از امالی شیخ طوسی: ج ۲، ص ۳۰۷.
۳. کافی: ج ۲، ص ۴۸۲، حدیث ۲.
۴. المحاسن: ص ۶۱۲، حدیث ۳۱.

روایت شده است، هنگامی که حضرت مریم علیهاالسلام به سن زنان رسید، حضرت زکریا علیه‌السلام برای او محرابی در مسجد ساخت و در آن را وسط محراب قرار داد، به طوری که حضرت مریم علیهاالسلام با نردبان به محراب می‌رفت و به جز حضرت زکریا علیه‌السلام کس دیگری به آن محراب وارد نمی‌شد، که همه روزه آب و غذا و روغن برای حضرت مریم علیهاالسلام می‌برد، هر زمان که حضرت زکریا علیه‌السلام به محراب وارد می‌شد میوه تازه نزد حضرت مریم علیهاالسلام می‌دید. زکریا از این موضوع در تعجب بود. حضرت مریم می‌گفت: این روزی از نزد خدا و از بهشت است.[۱] همچنین حضرت فاطمه علیهاالسلام سرور زنان جهان در محراب خود نماز می‌خواند.[۲]

البته گمان نرود که مقصود از این سخن، عزلت و رهبانیت است[۳] بلکه منظور نماز شب و دیگر نمازهای مستحبی است؛ زیرا کسی که خدا را در نهان یاد کند، بسیار یاد کرده است.[۴]

آداب همسایگی با مسجد

روایت شده که حریم مسجد، چهل زراع و همسایه آن[۵] چهل خانه از چهار طرف است.[۶]

---

۱. مجمع البیان: ج ۲، ص ۴۳۶.

۲. بشارةالمصطفی: ص ۱۹۸؛ علل الشرائع: ص ۱۸۱، حدیث ۱.

۳. هنگامی که پسر عثمان بن مظعون وفات یافت، وی سخت محزون شد تا آن جا که اتاقی را در منزل خود به عنوان مسجد انتخاب کرد و در آن به عبادت پرداخت. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود: خداوند رهبانیت را بر ما مقرر نکرده است، همانا رهبانیت امت من جهاد در راه خداست. امالی صدوق: ص ۴۰.

۴. کافی: ج ۲، ص ۵۰۱، حدیث ۲.

۵. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: آیا می‌دانید حق همسایه چیست؟ اگر فریادرسی خواهد به فریادش برسی و اگر قرض بخواهد به او قرض دهی و اگر نیازمند باشد باز هم به او قرض بدهی، اگر مصیبتی به او برسد، به او تعزیت گویی، اگر خیری به او برسد او را تهنیت گویی، اگر بیمار شود او را عیادت کنی، و اگر بمیرد جنازه‌اش را تشییع کنی، بدون اجازه همسایه ساختمان خود را بالا نبری، هرگاه میوه‌ای خریدی به او هدیه کنی و اگر هدیه نکردی مخفیانه میوه را به خانه ببری، بچه خود را بیرون نفرستی که بچه همسایه را ناراحت کند با بوی غذای خود او را ناراحت نکنی مگر این که مقداری به او بدهی. مسکن الفواد: ص ۱۰۵.

اما حق مسجد: حفظ نظافت و دارایی آن، پرهیز از کار لغو، خواندن دو رکعت نماز تحیت مسجد و حضور به هنگام همه نمازهاست.

۶. خصال: ص ۵۴۴، حدیث ۲۰؛ روضةالواعظین: ص ۳۳۶.

هرکس از همسایگان مسجد که صدای اذان را بشنود و در مسجد حاضر نشود، نمازش کامل نیست.[۱]

پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله با همسایگان مسجد شرط کرد که هنگام نماز در مسجد حاضر شوند.[۲]

نماز همسایه مسجد زمانی کامل است که در مسجد بخواند مگر این که بیمار باشد و یا عذر دیگری داشته باشد.

از امام باقرعلیه‌السلام نقل شده است:

«نماز همسایگان مسجد، کامل نیست در صورتی که به مسجد حاضر نشوند مگر این که مریض یا گرفتار باشند».[۳]

در زمان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله عده‌ای از مسلمانان هنگام نماز، دیر به مسجد می‌آمدند، پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«گروهی نماز در مسجد را ترک می‌کنند، به زودی فرمان می‌دهیم که هیزم بیاورند و در خانه‌های آنها گذارند و به آتش کشند».[۴]

مرد نابینایی به محضر پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و گفت: ای رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله! من نابینا هستم،[۵] چه بسا صدای اذان را می‌شنوم ولی کسی که مرا به نماز جماعت راهنمایی کند، نمی‌یابم. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به او فرمود:

«از منزل خود تا مسجد ریسمانی ببند و به جماعت حاضر شو».[۶]

در کوفه به امیرمؤمنانعلیه‌السلام خبر دادند که گروهی از همسایگان مسجد هنگام نماز

---

۱. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۸.
۲. امالی صدوق: ص ۳۹۲، حدیث ۱۴.
۳. الفقیه: ج ۱، ص ۲۴۵، حدیث ۱۰۹۱.
۴. تهذیب: ج ۳، ص ۲۵، حدیث ۸۷.
۵. کسی که نابینایی را به مسجد یا منزل وی یا برای نیازی از نیازهایش راهنمایی کند، برای هر قدمی که برداشته و به زمین نهاده است خداوند ثواب آزاد شدن بنده‌ای برای او بنویسد و فرشتگان بر او رحمت فرستند تا زمانی که از او جدا شود. ثواب الاعمال: ص ۳۴۰.
۶. تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۶، حدیث ۷۰۳.

جماعت در مسجد حاضر نمی‌شوند، امام فرمود:

«باید به نماز جماعت ما حاضر شوند یا از ما دور شوند تا همسایهٔ یکدیگر نباشیم».[۱]

هر کس از جماعت مسلمانان اعراض کند، عدالت او ساقط و کناره‌گیری از او لازم است و کسی که به جماعت مسلمانان ملتزم باشد، غیبت او حرام و عدالت او ثابت است.[۲]

این‌ها گوشه‌ای از روایات و احادیث درباره لزوم رعایت حق همسایگی مسجد بود. اما حقیقت آن است که وقتی حق همسایگی خانه‌ها مراعات نمی‌شود، حق مساجد نیز مراعات نخواهد شد؛ زیرا اساس همسایگی همان برادری و تعهد و حفظ دارایی‌ها و بستن چشم از محرمات و کمک و همکاری متقابل است. علاوه بر این در همسایگی مساجد تهذیب نفوس می‌شود.

بعضی از همسایگان مسجد به علل گوناگون با مسجد رابطه ندارند و این حالت به‌طور غیرمستقیم بر روحیه افراد جوان خانواده اثر می‌گذارد. راه حل این مشکل به این است که امام جماعت مسجد به دیدار اهل خانه‌های مجاور مسجد برود و با روحیات آنها آشنا شود و حق همسایگی مسجد و ثوابی را که انسان با رعایت آن می‌برد برای آنها توضیح دهد. هم‌چنین از عواملی که مانع آمدن آنها به مسجد می‌شود آگاه شود و به صورتی که در آینده در قلب آنها اطمینان حاصل شود، آن موانع را برطرف کند.

آداب تکریم مساجد

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه‌السلام علت تعظیم و تکریم مساجد را پرسیدم؟ امام فرمود:

«از این نظر تعظیم مساجد امر شده است که آنها خانه‌های خدا در روی زمین‌اند».[۳]

---

۱. امالی شیخ طوسی: ج ۲، ص ۳۰۷.
۲. ذکری الشیعه: ص ۲۶۵.
۳. علل الشرائع: ص ۳۱۸، حدیث ۱.

همچنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«ملعون است، کسی که احترام مسجد را حفظ نکند. ای یونس! می‌دانی چرا خداوند، حق مساجد را بزرگ شمرده و این آیه را نازل کرده است: ﴿و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً﴾[۱] زیرا یهود و نصارا هرگاه به معبدهای خود وارد می‌شدند، به خدای متعال شرک می‌ورزیدند، لذا خداوند سبحان، به پیامبر خود امر کرد که در مساجد، خدا را به وحدانیت یاد و او را عبادت کنند».[۲]

مهم‌ترین کارها برای بزرگداشت مساجد عبارت‌اند از:

۱. خوشبو کردن مساجد با چیزهای معطر. مستحب است این کار در روز[۳] یا شب جمعه باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله امر فرمود که مسجد را روز جمعه خوشبو کنند.[۴]

۲. خوشبو کردن و پوشیدن لباس‌های نیکو،[۵] با طهارت بودن،[۶] و با آرامش و متانت[۷] به سوی مسجد رفتن.

۳. خودداری از خوردن چیزهایی که بوی آنها نمازگزاران را اذیت می‌کند.

از امام صادق علیه السلام درباره خوردن سیر و پیاز و تره سؤال شد؟ فرمود:

«خوردن آنها چه پخته و چه خام مانعی ندارد؛ همچنین خوردن سیر

---

۱. «مساجد مخصوص خداست، پس نباید با خدا، احدی غیر از او را پرستش کنید» جن: ۷۲.

۲. کنز الفوائد: ج ۶۴.

۳. در منز الاعمال: ج ۷، ص ۶۶۷؛ تاریخ مدینه منوره: ج ۱، ۳۵، آمده است: در جمعه‌ها مساجدر را خوشبو کنند و در دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۹ آمده است هفته‌ای یک بار مساجدر را خوشبو کنند.

۴. وفاء الوفاء: ۲، ص ۶۶۲.

۵. روایت شده است که غلام امام زین‌العابدین علیه السلام در شب سردی به آن حضرت برخورد کرد، در حالی که امام جُبّه و ردا و عمامه‌ای از خز (بم نرم و نازک) پوشیده بود و با نوعی عطر که از مشک و عنبر و کافور و روغن بان و عود ساخته می‌شود، خود را معطر کرده بود. غلام به آن حضرت گفت: فدایت شوم! در چنین ساعتی با این هیئت کجا می‌روید؟ امام فرمود: به مسجد جدم رسول خدا می‌روم. کافی: ج ۶، ص ۵۱۷، ح ۵.

۶. امام باقر علیه السلام فرمود: به مسجد وارد مشو، مگر این که با طهارت باشی. تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۳، ح ۷۴۳.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: به سوی مسجد بشتاب و آرامش و متانت را حفظ کن. علل الشرائع: ص ۳۵۷، ح ۱.

برای مداوا مانعی ندارد، لکن هرگاه کسی سیر خورد به مسجد نرود؛[۱] زیرا اذیت کردن مسلمانان با بوی سیر کراهت دارد[۲] و از هر چیزی که مردمان اذیت می‌شوند، فرشتگان نیز اذیت می‌شوند».[۳]

۴. به جای آوردن دو رکعت نماز تحیت مسجد. حضرت علی علیه‌السلام فرمود:

«هرگاه وارد مسجد شدی بدان که از جمله حقوق مسجد این است که دو رکعت نماز بخوانی.[۴] از میان مسجد عبور نکنید، مگر این‌که دو رکعت نماز در آن بخوانید».[۵]

۵. با نعلین یا کفش وارد مسجد نشوید. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«به هنگام ورود به مساجد، ته کفش خود را وارسی کنید».[۶]

۶. در مسجد آب دهان و آب بینی نیندازید. کسی که آب بینی در مسجد بیندازد گناه کرده است.[۷] کسی که خلط سینه خود را برای پاکیزه نگه داشتن مسجد به اندرون خود برگرداند، هیچ دردی در اندرون او نباشد، مگر این که درمان شود.[۸]

نقل شده است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله وارد مسجد شد، در حالی که شاخه خرمایی در دست آن حضرت بود، خلط سینه‌ای را در مسجد دید، پس آن را پاک کرد، سپس با حالت خشم به مردم

---

۱. کافی: ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۲؛ دعائم الاسلام: ج ۲، ص ۱۱۲.
۲. المحاسن: ص ۵۱۲؛ دعائم الاسلام: ج ۲، ص ۱۲؛ بحار: ج ۸۴، ص ۹۰.
۳. سنن نسایی: ج ۲، ص ۴۳.
۴. دائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۵۰.
۵. الفقیه: ج ۴، ص ۲، حدیث ۱.
۶. مکارم الاخلاق: ص ۱۲۳؛ علامه مجلسی در بحار: ج ۸۳، ص ۳۶۶ گفته است: احتمال می‌رود که منظور از تعاهدالنعل این باشد که کفش خود را نزد شخص امینی بگذارید تا در حال نماز حواس کاملاً متوجه خداوند باشد.
۷. تاریخ مدینه منوره: ج ۱، ص ۲۵؛ تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۵، حدیث ۷۱۲ به نقل از علی علیه‌السلام آمده است انداختن آب دهان در مسجد گناه و کفاره‌اش دفن آن است.
۸. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۲، حدیث ۷۰۰؛ محاسن: ص ۵۴، حدیث ۸۴، آمده است: اگر کسی برای رعایت حق مسجد آب دهان خود را فرو برد خداوند آن را نیرویی در بدنش قرار دهد و به سبب این کار، حسنه‌ای برای او بنویسد و سیئه‌ای از او محو کند. کنزالاعمال: ج ۷، ص ۶۶۵، حدیث ۲۰۸۱۱ آمده است: هرگاه بنده‌ای اراده کند که آب دهان در مسجد بیندازد اعضای او به لرزه می‌آید و جمع می‌شود همان‌گونه که پوست در آتش جمع می‌شود و اگر آن را فرو برد خدا هفتاد و دو درد را از او دور می‌کند و یک میلیون حسنه برایش می‌نویسد.

فرمود:

«آیا کسی از شما دوست دارد که با مردی روبه‌رو شود و آب دهان به صورت او بیفکند؟ هر یک از شما که به نماز می‌ایستد با خدایش روبه‌رو می‌شود».[۱]

۷. بعد از شنیدن اذان نباید از مسجد بیرون رفت. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«کسی که در مسجد، صدای اذان را بشنود و بدون سبب از مسجد بیرون رود، منافق است، مگر این که بخواهد برگردد».[۲]

هرگاه مؤذن بگوید: **قد قامت الصلاة**، سخن گفتن بر اهل مسجد حرام است، مگر این که از مناطق گوناگون جمع شده و امام جماعتی نداشته باشند. در این صورت، اگر یک نفر به دیگری بگوید: فلانی به عنوان امام جلو برود، مانعی ندارد.[۳]

۸. نباید سنگریزه[۴] و هستهٔ خرما در میان مسجد پرتاب کرد و سقز (آدامس) جوید. روایت شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که سنگریزه درون مسجد می‌اندازد، فرمودند:

«سنگریزه‌ها همواره آن شخص را لعنت می‌کنند تا به زمین بیفتند».[۵]

امام باقر علیه السلام فرمود:

«پرتاب سنگریزه و جویدن کُندُر (نوعی سقز) از اعمال قوم لوط است».[۶]

---

۱. تاریخ مدینه منوره: ج ۱، ص ۱۹ نقل شده است: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم خلط سینه‌ای را در قبله مسجد دید پس صاحب آن را لعنت کرد در حالی که وی غایب بود، این خبر به همسر آن مرد رسید. وی آمد و خلط سینه را پاک کرد و به جای آن خلوق (ماده‌ای خوشبو که عمدتاً از زعفران است) مالید. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم کار آن زن را ستود چون آبروی شوهرش را حفظ کرد. مستدرک: ج ۳، ص ۳۷۶، حدیث ۴ به نقل از دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۷۳.

۲. امالی، صدوق: ص ۴۰۵ به نقل از دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۷۳.

۳. تهذیب: ج ۲، ص ۵۵، حدیث ۱۹۸؛ استبصار: ج ۱، ص ۳۰۱، حدیث ۱۱۱۶.

۴. روایت شده است که پرتاب سنگریزه در مجالس از اخلاق قوم لوط است خدای تعالی فرموده است: «و تأتون فی نادیکم المنکر». عنکبوت: ۲۹. امام فرمود: «مقصود از منکر پرتاب سنگریزه است». تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۲، حدیث ۷۴۱.

۵. جعفریات: ص ۱۵۷.

۶. الفقیه: ج ۱، ص ۱۶۸، ذیل حدیث ۷۵۹؛ تهذیب: ج ۲، ص ۳۷۱، ذیل حدیث ۱۵۴۲.

۹. رعایت پوشش و حیا و عفاف. پیامبرﷺ فرمود:

«نمایان ساختن ناف و ران در مسجد مانند نمایان کردن عورت است».[۱]

۱۰. نباید در مسجد خوابید. از جابر نقل شده است:

«در مسجد خوابیده بودیم در حالی که حضرت علیؑ همراه ما بود، رسول خداﷺ بر ما وارد شد و فرمود: برخیزید و در مسجد نخوابید. ما برخاستیم تا از مسجد خارج شویم، پیامبرﷺ فرمود: اما تو ای علی! بخواب؛[۲] زیرا خدای متعال برای تو حلال ساخته آنچه را برای من حلال ساخته است. گویا تو را بر لب حوض کوثر می‌بینم که در دست تو عصایی از چوب عوسج است[۳] و آنها را منع می‌کنی».

هرکس در مسجد بدون عذر بخوابد خداوند او را به درد بی‌درمان مبتلا کند.[۴] هرگاه کسی در مسجد چرت بزند باید از جای خود حرکت کند و به جای دیگر برود.[۵]

۱۱. در مسجد نباید شمشیر و مانند آن را از نیام بکشد؛[۶] زیرا رسول خداﷺ نهی فرمود که در مسجد شمشیر کشیده یا در آن تیری اصلاح شود.[۷]

در احادیث آمده است:

«در مسجد سلاح نکشید، کمان برندارید و تیر نزنید.[۸] صدا را در مسجد بلند نکنید و به کارهای باطل نپردازید... و مادامی که در مسجد هستید،

---

۱. تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۳، حدیث ۷۴۲؛ جعفریات: ص ۳۷.
۲. مناقب: ج ۲، ص ۱۹۴.
۳. تاریخ مدینه منوره: ج ۱، ص ۳۸، عوسج از بهترین و محکم‌ترین چوب‌هاست.
۴. جامع الاخبار: ص ۷۰.
۵. عوالی اللالی: ج ۱، ص ۱۵۸، حدیث ۱۳۹.
۶. از امام کاظمؑ درباره شمشیری که در مسجد آویخته می‌شود سؤال شد؟ امام فرمود: در سمت قبله جایز نیست ما در کنار آن مانعی ندارد. بحار: ج ۱۰، ص ۲۷۰، به نقل از قرب الاسناد: ص ۲۹۰، حدیث ۱۱۴۶، در این کتاب به جای جانبه، جانب آمده است.
۷. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۹.
۸. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۶۷، حدیث ۲۰۸۲۰.

کارهای لغو را ترک کنید که اگر این‌ها را مراعات نکردید روز قیامت جز خود را ملامت نکنید».[۱]

۱۲ . نباید مسجد را محل خرید و فروش و اجرای حدود و تجمع دیوانگان قرار داد. زیرا امام صادق علیه السلام فرمود:

«در مساجد از خرید و فرش و اجرای حدود اجتناب کنید و از ورود دیوانگان به مسجد جلوگیری کنید.[۲] هرگاه کسی را دیدید که در مسجد خرید و فروش می‌کند،[۳] به او بگویید خدا در تجارت تو سودی قرار ندهد».[۴]

۱۳ . در مسجد، شعری که حاوی دنیا و لذایذ آن باشد، نخوانید و گمشده‌ای را طلب نکنید. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر کسی را دیدید که در مساجد شعر می‌خواند به او بگویید: خداوند دهانت را بشکند، مسجد برای قرائت قرآن برپا شده است».[۵]

اما خواندن شعری که در آن هدایت و بصیرت و مربوط به دین باشد، مانعی ندارد. حسّان بن ثابت، از جمله شاعران پیامبر صلی الله علیه و آله بود، نقل شده است: عمر حسان را در مسجد در حالی که شعر می‌خواند، دید. عمر باگوشه چشم از روی خشم به او نگاه کرد، حسّان گفت: شعر خواندم درحالی که شخصی بهتر از تو (پیامبر) درمسجد بود، سپس به ابوهریره توجه کرد و گفت: آیا نشنیدی که رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: (خدایا) از من اجابت کن، خدایا حسّان را به وسیله روح‌القدس تأیید کن؟ ابوهریره گفت: آری.[۶]

---

۱ . مکارم الاخلاق: ص ۴۶۷ .
۲ . علل الشرایع: ص ۳۱۹ ، حدیث ۲ ؛ تهذیب: ج ۳ ، ص ۲۴۹ ، حدیث ۶۸۲ ؛ خصال: ص ۴۱۰ ، حدیث ۱۳ .
۳ . پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «قیامت برپا نمی‌شود تا این که مردم در مساجد به خرید و فروش بپردازند». مستدرک: ج ۳ ، ص ۳۸۲ ، حدیث ۷ .
۴ . کنزالعمال: ج ۷ ، ص ۶۶۶ ، ضمن حدیث ۲۰۸۱۷ .
۵ . کافی: ج ۳ ، ص ۳۶۹ ، حدیث ۵ ؛ التهذیب: ج ۳ ، ص ۲۵۹ ، حدیث ۷۲۵ .
۶ . سنن نسایی: ج ۲ ، ص ۴۸ .

روایت شده است که چون دعبل، به شهر قم وارد شد، اهل قم از او خواهش کردند که قصیده‌ای بخواند. دعبل! امر کرد که مردم در مسجد جامع اجتماع کنند. وقتی مردم جمع شدند، او بر بالای منبر رفت و قصیده خود را خواند، وقتی مجلس تمام شد، مردم مال و جامه‌های زیادی به او صله دادند.[۱]

«اگر کسی را دیدید که در مسجد، گمشده‌ای را طلب می‌کند، سه بار به او بگویید: هرگز آن را پیدا نکنی».[۲]

۱۴ . نظافت و روشنایی مسجد را رعایت کنید؛ روایت شده است: بهشت و حورالعین طلب می‌کنند کسانی را که مساجد را جارو می‌کنند و خار و خاشاک آن را جمع می‌کنند.[۳]

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر کسی در یکی از مساجد خدا چراغی روشن کند،[۴] فرشتگان و حاملان عرش برای او استغفار کنند تا زمانی که در آن مسجد، نوری از آن چراغ باشد.[۵] هر کس دوست دارد که لحدش تاریک نباشد، باید مساجد را روشن کند».[۶]

در جامعه‌ای که کسی برای خانه خود احترام و ارزش قایل نیست و هرچه هوای نفس بگوید عمل می‌کنند و فرمان خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و آنچه را عرف در اجتماع خانه اقتضا دارد، ترک می‌کنند، چگونه می‌توان از آنها امید داشت که احترام خانه‌های دیگران را حفظ کنند.

---

۱ . عیون اخبارالرضا: ج ۲ ، ص ۲۶۴ .

۲ . کنز العمال: ج ۷ ، ص ۶۶۶ ، ضمن حدیث ۲۰۸۱۷ .

۳ . اصول الستة عشر: ص ۵۵ (اصل زید نرسی).

۴ . می‌گویند: تمیم دارمی، نخستین کسی بود که در مسجد، چراغ آویخت و این کار در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. وفاء الوفاء: ج ۲ ،ص ۶۷۰ .

۵ . الفقیه: ج ۱، ص ۱۴۵، حدیث ۷۱۷؛ ثواب الاعمال: ص ۴ ، ح ۱ ؛ المقنع: ص ۵۸ ؛ المحاسن: ص ۵۷ ، حدیث ۸۸ . در: المحاسن به جای «اسرج» و «سرج» و به جای «یستغفرون»، «یسبحون» آمده است.

۶ . الفضایل، فضل بن شاذان: ص ۱۵۳ .

بنابراین، باید آگاه باشیم و در برابر هر یاوه‌ای که از زبان متجاوزان درخصوص حریم همسایه خارج می‌شود، ساکت نباشیم و این، کار جداگانه‌ای را همراه با تعقل و به کار بردن الفاظ خوب می‌طلبد تا احساس شود که وی اصلاح شده است، نه فاسد. و هرگاه با این مقدار اصلاح نشد، شدیدتر برخورد شود تا اصلاح شود. هنگامی که احترام خانه همسایه نگه داشته شود، طبیعی است که احترام مساجد بیشتر از آنچه هست رعایت می‌شود چراکه آنها خانه‌های خدا هستند و زمانی که پدران، ملزم به احترام همسایه باشند، بعید است که فرزندان به‌ویژه جوانان، احترام همسایه را حفظ نکنند، زیرا فرزندان، مطیع پدران هستند و آداب اجتماعی را از ایشان یاد می‌گیرند.

آداب رفتن به مساجد

امام صادق علیه السلام هرگاه (از خانه) برای نماز بیرون می‌رفت، می‌فرمود:

«بار خدایا! من از تو به حق سائلانت سؤال می‌کنم و به حق بیرون شدنم از این محل، زیرا به سبب سرمستی و گردنکشی و خودنمایی و شهرت‌طلبی، خارج نشده‌ام، بل برای طلب خشنودی و پرهیز از غضب تو خارج شده‌ام، پس به عافیت خود مرا از آتش معاف کن».[۱]

پاسخ به ندای مؤذن، کفاره گناهان است،[۲] و رفتن به مسجد، اطاعت خدا و رسول است.[۳] خدا به چیزی عبادت نشده است که بهتر از خاموشی و رفتن به خانه او باشد.[۴] از جمله چیزهایی که خداوند به سبب آن، گناهان را محو می‌کند، مداومت در رفتن به مساجد است.[۵]

---

۱. امالی، شیخ طوسی: ج ۱، ص ۳۸۱.
۲. بحار: ج ۸۴، ص ۱۵۴، ضمن حدیث ۴۹.
۳. مستدرک: ج ۳، ص ۳۶۵، ضمن حدیث ۴.
۴. روضة الواعظین: ص ۳۳۶.
۵. امالی صدوق: ص ۲۶۵، ضمن حدیث ۴.

کسی که درست وضو بگیرد و به سوی مسجد برود، به هر قدمی که برمی‌دارد[۱] حسنه‌ای برای او نوشته و سیئه‌ای از او محو می‌شود و یک درجه بالا برده می‌شود.[۲]

از امام علی علیه‌السلام نقل شده است:

«کسی که با طهارت کامل به مسجد می‌رود، در نماز است مادامی که با طهارت باشد.[۳] آگاه باش! و کسانی را که در تاریکی‌ها به مسجد می‌روند، به نور درخشنده در روز قیامت بشارت بده».[۴]

نقل شده است: خانه عده‌ای از مسلمانان از مسجد دور بود، از این رو خواستند به نزدیکی مسجد، نقل مکان کنند.[۵] این آیه نازل شد:

﴿فَنَكْتُب مٰا قَدَّموا و آثٰارَهُم﴾.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«در خانه‌های خود بمانید زیرا آثار قدم‌های شما نوشته می‌شود و برای هر گامی، یک حسنه برای شما منظور می‌گردد.[۶] به راستی هرچه از مسجد دورتر باشید، اجر بیشتری دارید».[۷]

بر شما باد رفتن به مساجد، و به مساجد نروید مگر این که پاک، با قلب‌های سالم و تسلیم خدا باشید. از این رو برداشتن گام‌ها منحصراً بدن را از آتش حفظ نمی‌کند، بل طهارت و نیت خالص برای خدا بدن را از آتش حفظ می‌کند. زیرا از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱. نقل شده است: پای خود را بر جای خشک نمی‌نهد مگر این که زمین برایش تسبیح می‌گوید. تهذیب: ج ۳، ص ۲۵۵، حدیث ۶ و ۷؛ ثواب الاعمال: ص ۴۶، حدیث ۱.

۲. کنز الاعمال: ج ۷، ص ۵۷۱، حدیث ۲۰۳۰۸؛ در اعلام الدین: ص ۴۲۳ آمده است: برای او هر گامی که بردارد تا به منزلش برگردد.ده حسنه نوشته و ده سیئه محو می‌شود و ده درجه بالا می‌رود.

۳. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۰۰.

۴. الهدایة: ص ۲۸۰؛ اصول الستة عشر: ص ۴۵ (اصل زید نرسی).

۵. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مردم را بر حضور در صف اول نماز تشویق کرد و فرمود: «خدا و فرشتگان بر نمازگزاران صف جلو رحمت می‌فرستند. از این‌رو، مردم ازدحام کردند. خانه‌های قبیله بنی غذر از مسجد دور بود گفتند: خانه‌های خود را می‌فروشیم و خانه‌هایی نزدیک مسجد می‌خریم تا صف جلو نماز را درک کنیم». مجمع‌البیان: ج ۶، ص ۳۳۴.

۶. کنزالعمال: ج ۷، ص ۵۷۶، ذیل حدیث ۲۰۳۲۸؛ الدرالمنثور: ج ۵، ص ۲۶۰؛ سوره یس: ۳۶.

۷. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۱، حدیث ۲۰۷۴۱.

روایت شده است:

«(روز قیامت) امر می‌شود که مردانی را به سوی آتش ببرند، خدای متعال به مالک دوزخ می‌گوید: به آتش بگو: قدم‌های آنان را مسوزان زیرا اینها به مساجد می‌رفتند... مالک دوزخ به آنان می‌گوید: عمل شما در دنیا چه بود؟ می‌گویند: ما برای غیر خدا عمل می‌کردیم».[۱]

اگر در راه رفتن به مسجد از دنیا بروید خداوند هفتاد هزار فرشته را بر شما موکل می‌کند تا در قبر شما را عیادت کنند و هنگام تنهایی با شما انس بگیرند و برای شما استغفار کنند تا زمانی که از قبر برانگیخته شوید.[۲] پس باید نیت برای خدا باشد تا ثواب ببریم و از زائران خانه خدا باشیم.

اهل معرفت گویند: هرگاه به مسجد رسیدی، باید بدانی که به درگاه پادشاهی بزرگ آمده‌ای که جز پاکیزگان، قدم بر بساط او نگذارند و جز صدیقان، اجازهٔ همنشینی با او ندارند.[۳] مساجد، بازار آخرت‌اند؛ هر کس به آنها وارد شود، مهمان خداست، پذیرایی او آمرزش و هدیه او کرامت است.[۴]

مساجد یکی از شش مکانی هستند که خداوند آنها را در روی زمین فضیلت داده است.[۵] بنابراین نباید وارد آنها شد مگر این که با طهارت[۶] و با قلب‌های پاکیزه و دیدگان فروهشته و دست‌های پاک باشیم. هنگام ورود به مسجد پای راست را قبل از پای چپ بگذار[۷] و بگو:

---

۱. علل الشرائع: ص ۴۶۶، حدیث ۱۸.
۲. روضة الواعظین: ص ۳۳۷.
۳. مصباح الشریعه: ص ۱۳۰.
۴. کنزالعمال: ج ۷، ص ۵۸۰، حدیث ۲۰۳۴۸.
۵. امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند از بقعه‌های زمین، شش بقعه را برگزیده است: ۱. بیت‌الحرام(کعبه) ۲. حرم الهی؛ ۳. قبرهای انبیا؛ ۴. قبرهای اوصیا؛ ۵. قبرهای شهدا؛ ۶. مساجدی که در آنها نام خدا برده می‌شود». کامل الزیارات: ص ۱۲۵.
۶. جامع الاخبار: ص ۷۰؛ در فقه الرضا: ص ۸۵، وارد مسجد مشو در حالی که جنب و یا حایض باشی مگر این که عبور کنی (از دری وارد و از در دیگر خارج شوی).
۷. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۵؛ المقنع: ص ۵۸؛ در جمال الاسبوع: ص ۲۲۵، پای چپ قبل از راست آمده است.

«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم،[۱] بسم الله[۲] و علی الله توکلت و لاحول و لاقوة الا بالله،[۳] السلام علیك ایها النبی و رحمة الله و برکاته اللهم صل علی محمّد و آل محمّد و افتح لنا باب رحمتك، واجعلنا من عمار مساجدك،[۴] و اعصمنی من الشیطان الرجیم و من شر ما خلقت».[۵]

هرگاه وارد مسجد شدی و مردم در حال نماز بودند، بر آنها سلام کن، و هرگاه کسی بر تو سلام کند، جواب او را بده چراکه عمار بن یاسر، بر پیامبر خداصلی‌الله‌علیه‌وآله گذشت در حالی که آن حضرت نماز می‌خواند، عمار گفت: «**السلام علیك یا رسول الله و رحمة الله برکاته**». پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله سلام او را پاسخ داد.[۶]

سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد می‌خوانی، پیش از آن که بنشینی زیرا از ابوذر نقل شده است: بر رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله وارد شدم در حالی که آن حضرت، تنها در مسجد نشسته بود. پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به من فرمود:

«ای ابوذر! برای مسجد، تحیتی است».

عرض کردم، تحیت مسجد چیست؟ فرمود:

«دو رکعت نماز تحیت است که به جای آوری،[۷] هرگاه یکی از شما

---

۱. جام الاخبار: ص ۶۸؛ در مجمع البیان: ج ۱۰، ص ۳۷۲ آمده مستحب است هنگام ورود به مسجد بگویید: لا اله الا الله و لا ادعوا مع الله احداً.

۲. تهذیب: ج ۳، ص ۲۶۳، حدیث ۷۷۴.

۳. جامع الاخبار: ص ۶۸.

۴. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۵، در سنن ترمذی از حضرت فاطمه کبری علیهاالسلام نقل شده است: رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله هرگاه وارد مسجد می‌شد، بر محمد صلوات و درود می‌فرستاد و می‌فرمود: رب اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتك، و هرگاه از مسجد خارج می‌شد، بر محمد صلوات و درود می‌فرستاد و می‌فرمود: رب اغفرلی ذنوبی و افتح لی ابواب فضلك.

۵. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۶۱، ذیل حدیث ۲۰۷۹۱.

۶. بحار: ج ۸۴، ص ۳۰۶، حدیث ۳۱.

۷. خصال: ص ۵۲۳، حدیث ۱۳؛ معانی‌الاخبار: ص ۳۳۳، ضمن حدیث ۱؛ امالی شیخ طوسی: ج ۲، ص ۱۵۳.

به مسجد بیاید، پیش از این که بنشیند، باید دو رکعت نماز بخواند.[۱]
از میان مساجد عبور نکنید مگر این که دو رکعت نماز در آنها بخوانید».[۲]

این فرمان به لحاظ احترام مساجد است و باید به آن ملتزم باشیم اما متأسفانه اغلب نمازگزاران به آن عمل نمی‌کنند، محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که قبل از همه به مسجد وارد و آخر خارج شود.[۳] بهترین روزها، روز جمعه است زیرا از ابوذر غفاری نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی که روز جمعه فرا می‌رسد، خدای متعال، فرشتگانی را می‌فرستد که با آنان قلم‌هایی از طلا و صحیفه‌هایی از نقره است؛ آنها می‌آیند و بر در مسجد می‌ایستند و نام‌های کسانی را که به مسجد می‌آیند، به ترتیب اولویت می‌نویسند، هرگاه نام‌ها را نوشتند... در صف‌های جماعت به جست‌وجو می‌پردازند و جویای کسانی می‌شوند که به جماعت حاضر نشده‌اند.

می‌گویند: فلانی کجاست؟ گفته می‌شود: او مریض است. فرشتگان می‌گویند: خدایا او را شفا ده تا به نماز حاضر شود، باز می‌پرسند، فلانی کجاست؟ می‌گویند: به سفر رفته است، فرشتگان می‌گویند: خدایا او را به سلامت برگردان، زیرا او اهل نماز جمعه است، باز می‌گویند: فلانی کجاست؟ می‌گویند: از دنیا رفته است، ملائکه می‌گویند: خدایا او را بیامرز چرا که او نماز جمعه را به پا می‌داشت».[۴]

هرگاه بخواهی حاجتت برآورده شود ـ زمانی که از خدا درخواست حاجت می‌کنی ـ باید درود و رحمت بر پیامبر صلی الله علیه و آله بفرستی. ابوکهمس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

---

۱. سنن ترمذی: ج ۱، ص ۱۹۸، حدیث ۳۱۵.
۲. امالی صدوق: ص ۳۴۴، ضمن حدیث ۱.
۳. الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۴، ذیل حدیث ۵۳۹؛ امالی شیخ طوسی: ج ۱، ص ۱۴۴.
۴. مستدرک: ج ۱، ص ۳۸، حدیث ۳، به نقل از تفسیر ابوالفتوح: ج ۵، ص ۳۲۵ (فارسی).

«مردی وارد مسجد شده و پیش از ثنای خدا و درود بر پیامبرﷺ سخن گفت، پیامبرﷺ فرمود: این بنده در دعای خود شتاب کرد؛ سپس مرد دیگری وارد مسجد شد ثنا و ستایش از خدا کرد و صلوات بر رسول خداﷺ فرستاد، پیامبرﷺ فرمود: از خدا بخواه که به تو عطا می‌کند».[۱]

بنابراین، در مساجد نماز و دعا زیاد بخوانید و در مکان‌های گوناگون آن نماز بگذارید زیرا هر مکانی روز قیامت برای نمازگزار شهادت می‌دهد.[۲] بهترین قدم‌هایی که وارد مسجد خدا می‌شود، قدم‌های جوانان است؛ هر گاه پای راست خود را به مسجد نهد، فرشتگان می‌گویند، خدا تو را بیامرزد.[۳]

آداب حضور در مسجد

هرگاه در مسجد نشستی، مستحب است رو به قبله باشی[۴] و هرگاه شخصی خواست در کنارت بنشیند برای او جا بازکن؛ روایت شده است که مردی وارد مسجد شد، در حالی که رسول خداﷺ تنها در مسجد نشسته بود، پیامبرﷺ برای او جا باز کرد، آن مرد گفت: مکان وسیع است ای رسول خدا! پیامبرﷺ فرمود: از جمله حقوق برادران مسلمان این است هرگاه دیدید می‌خواهند پهلوی شما بنشینند، برای ایشان جا باز کنید.[۵]

رسول خداﷺ هر گاه وارد مسجد می‌شد، مردم به احترام آن حضرت از جابر می‌خواستند، اما پیامبرﷺ آنان را نهی می‌کرد و می‌فرمود که تنها برای او در مجلس جا باز کنند.[۶] خدای تعالی فرموده است:

---

۱. کافی: ج ۲، ص ۴۸۵، حدیث ۷.
۲. امالی صدوق: ص ۲۹۴، ذیل حدیث ۸.
۳. جامع الاخبار: ص ۶۹.
۴. همان مأخذ: ص ۱۴۸.
۵. مکارم الاخلاق: ص ۲۵.
۶. تفسیر قمی: ج ۳، ص ۳۵۶.

﴿اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا یفسح الله لکم﴾.[۱]

نشستن در مسجد و انتظار نماز کشیدن، عبادت است، مادامی که حدثی پیش نیامده است،[۲] گفته شد: حدث چیست ای رسول خدا؟ فرمود: غیبت کردن است.[۳] سخن ظالمانه در مسجد، حسنات را از بین می‌برد.[۴] بهترین اهل مسجد کسانی هستند که بیشتر به یاد خدا هستند.[۵]

کسی که در مسجد نشسته، با خدای خود نشسته است، از این روست که جز سخن خیر نباید گفت.[۶]

بنابراین، در مسجد هر سخنی لغو است مگر این که قرآن یا ذکر خدا یا سؤال از خیر یا اعطای خیر[۷] یا سؤال از علم و دانشی باشد. بازار مسلمانان هم چون مسجد آنهاست، هر کس به مکانی سبقت بگیرد، تا شب اولویت دارد.[۸]

نقل شده که مردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: گاهی در مکه یا مدینه یا حایر امام حسین علیه السلام و یا در جاهایی که فضیلت دارد، هستیم. چه بسا پیش می‌آید که شخصی از جای خود بیرون می‌رود تا وضو بگیرد، در همین حال، شخص دیگری می‌آید و در جای او می‌نشیند، امام فرمود:

«کسی که به مکانی سبقت بگیرد، در آن روز و شب به آن مکان سزاوارتر است».[۹]

---

۱. «هرگاه به شما گفتند: در مجالس جای را بر یکدیگر فراخ دارید، امر خدا را بشنوید، تا خدا بر توسعه مکان شما بیفزاید». مجادله / ۱۱.
۲. کنزالعمال: ج ۷، ص ۵۵۶، حدیث ۲۰۲۲۸.
۳. امالی صدوق: ص ۳۴۲، حدیث ۱۱.
۴. جامع الاخبار: ص ۷۰.
۵. کافی: ج ۲، ص ۴۹۹، ضمن حدیث ۱.
۶. تنبیه الخواطر: ج ۱، ص ۶۹.
۷. کنزالاعمال: ج ۷، ص ۶۷۱، حدیث ۲۰۸۴۰.
۸. الفقیه: ج ۳، ص ۱۲۴، حدیث ۵۴۰؛ تهذیب: ج ۷، ص ۹، حدیث ۱.
۹. کامل الزیارات: ص ۳۳۱، حدیث ۱۰.

کسی که در مسجد بعد از نماز، منتظر نماز دیگر می‌ماند، مهمان خداست و بر خدا حق است که مهمان خود را احترام کند.[۱]

نشستن در مسجد از طلوع فجر تا طلوع آفتاب، سریع‌تر از مسافرت در روی زمین روزی را جلب می‌کند.[۲]

امیرالمؤمنین علیه السلام هر روز در مکانی از مسجد اعظم(کوفه) می‌نشست و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تسبیح می‌گفت.[۳]

نقل شده است که عثمان مظعون به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: می‌خواهم راهب شوم و برای عبادت عزلت گزینم، آن حضرت فرمود:

«این کار را نکن؛ زیرا رهبانیت امت من نشستن در مساجد[۴] و انتظار میان دو نماز است».[۵]

کسی که مساجد خانه او باشد خداوند عاقبت‌کار او را با راحتی و رحمت و عبور آسان از پل صراط به سوی بهشت ختم می‌کند.[۶] از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است:

«نشستن در مسجد برای من بهتر است از نشستن در بهشت زیرا در بهشت خشنودی خودم و در مسجد خشنودی پروردگارم است».[۷]

بنابراین نشستن خود را برای غیر خدا قرار مده، مانند این که منتظر شخصی باشی یا برای استراحت یا ریا یا اتلاف وقت به مسجد بروی. هرگاه خداوند صدق نیت تو را هنگام نشستن در مسجد ببیند، با نظر رأفت و رحمت و مهربانی به تو نگاه می‌کند و تو را به آنچه دوست می‌دارد و می‌پسندد، موفق می‌کند.

---

۱. المحاسن: ص ۴۸، ذیل حدیث ۶۶.

۲. الخصال: ص ۶۱۲، ضمن حدیث ۱۰.

۳. البحار: ج ۳۴، ص ۱۴۸.

۴. در امالی صدوق: ص ۴۰ آمده است: «همانا رهبانیت امت من جهاد در راه خداست». النعازی: ص ۱۶، حدیث ۲۸.

۵. تهذیب: ج ۴، ص ۱۹۱، حدیث ۵۴۱؛ در مشکاةالانوار: ص ۲۶۲ آمده است: «سیاحت در امت من ملازم در مسجد بودن و انتظار میان دو نماز است».

۶. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۵۹، حدیث ۲۰۷۸۵؛ مستدرک: ج ۳، ص ۳۶۲، حدیث ۱۸.

۷. ارشاد القلوب: ص ۲۱۸؛ عدةالداعی: ص ۱۹۴.

فایده حضور مساجد

در روایات اسلامی، فوایدی بسیار برای حضور در مسجد برشمرده شده است که برخی از آنها را یادآور می‌شویم:

۱ . برادری که در راه خدا به دست می‌آوری؛ کسی که به مسجد می‌رود، دست کم یکی از سه فایده را می‌برد... برادری که در راه خدا به دست می‌آورد، مرد مسلمان بعد از اسلام، هیچ فایده‌ای را به دست نیاورده است که مانند برادری در راه خدا باشد.[۱]

۲ . فراگرفتن دانش یا آیهٔ محکمی (از آیات قرآن) یا سخنی که او را هدایت کند یا از هلاکت نجات دهد.[۲]

۳ . رحمت الهی شامل حال او می‌شود و گاهی با دعای او، خداوند بلا را از او دور می‌کند زیرا نقل شده است: کسی که در رفتن به مسجد مداومت کند، به رحمت منتظره‌ای دست یابد،[۳] هرگاه رحمت بر اهل مسجد نازل شود، ابتدا بر امام، سپس بر کسانی که طرف راست امام هستند و سرانجام بر دیگران نازل می‌شود.[۴]

(کسی که به مسجد می‌رود) یا رحمت یا روزی نصیب او می‌شود؛ از امام حسین علیه‌السلام نقل شده است:

«قوی‌ترین عامل برای جلب روزی... حضور در مسجد، پیش از اذان و مداومت بر طهارت است».[۵]

یا در مسجد دعایی می‌کند که خدا بلای دنیا را از او دفع می‌کند[۶] یا برای برآورده شدن حاجتی به مسجد می‌رود؛ امام صادق علیه‌السلام فرمود:

---

۱ . امالی شیخ طوسی: ج ۱ ، ص ۴۵ .
۲ . روضة الواعظین: ص ۳۳۸ .
۳ . مجمع‌الزواید: ج ۲ ، ص ۲۲ .
۴ . کنزالعمال: ج ۷ ، ص ۵۶۷ ، حدیث ۲۰۲۹۱ .
۵ . بحار: ج ۷۶ ، ص ۳۱۸ .
۶ . امالی شیخ طوسی: ج ۱ ، ص ۴۵ .

«حاجتی از خدا داشتم، در گرمای نیم روز (برای فضای آن) به مسجد رفتم، زیرا هرگاه حاجتی داشته باشم به مسجد می‌روم».[۱]

یا برای رفع غم به مسجد برود. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چه مانع می‌شود شما را که هرگاه غمی از غم‌های دنیا به شما روی آورد، وضو بگیرید و به مسجد بروید، دو رکعت نماز بخوانید و بعد نماز دعا کنید».[۲]

۴. ترک کارهای زشت و ناپسند، به سبب حیا از نمازگزاران یا به دلیل ترس از خدا! حضرت علی علیه السلام فرموده است:

«کسی که اهل مسجد است به یکی از هشت چیز دست یابد... گناهی را که به سبب ترس یا حیا ترک می‌کند».

۵. ضبط افعال نماز به طور صحیح؛ نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد، انس بن مالک را دید که نماز می‌خواند، و به اطراف خود نگاه می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ای انس! همانند کسی که نماز وداع می‌خواند، نماز بخوان، چنین در نظر بیاورید که پس از این هیچ‌گاه نمازی نمی‌خوانی، چشم‌هایت را به محل سجده‌ات بدوز و به کسانی که طرف راست و چپ تو هستند هیچ توجهی نکن. بدان که تو در برابر کسی هستی که تو را می‌بیند ولی تو او را نمی‌بینی».[۳]

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: مردی وارد مسجدی شد که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن مسجد بود، آن مرد هنگام نماز شتاب‌زده به سجده می‌رفت و برمی‌خاست، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

---

۱. البرهان: ج ۲، ص ۳۸، حدیث ۳؛ به نقل از تفسیر عیاشی: ج ۲، ص ۲۹، حدیث ۸۲؛ رجال کشی: ص ۲۳۱، حدیث ۴۸۱.

۲. مجمع البیان: ج ۱، ص ۱۰۰؛ تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۴۳، حدیث ۳۹.

۳. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۵۷.

همانند کلاغ دانه چید، اگر این مرد (در این حالت) بمیرد[۱] بر غیر دین محمد مرده است.[۲]

در کتاب ربیع‌الابرار نقل شده است که مردی اعرابی، نماز خود را با بی‌حوصلگی و بی‌حالی به جا آورد، حضرت علی علیه‌السلام با تازیانه به سوی او رفت و فرمود: نمازت را دوباره بخوان، (او اعاده کرد) هنگامی که از نماز فارغ شد، امام فرمود: آیا این بهتر است یا نماز اولی؟ او گفت: اولی؟ امام فرمود: چرا؟ گفت: زیرا نماز اول را برای خدای متعال خواندم و دومی را از ترس تازیانه به جا آوردم، حضرت علی علیه‌السلام خندید.[۳]

۶ . مسجد برای واردین امان است، و به وسیله آن خدا عذاب را برطرف می‌کند؛ در روایتی آمده است؛ اگر کسانی که مساجد مرا آباد می‌کنند،[۴] نبودند، البته عذاب بر آنها نازل می‌کردم.[۵]

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرموده است:

«خورشید و ماه برای مرگ و زندگی هیچ کس نمی‌گیرند، لیکن این دو، دو آیه از آیات الهی هستند، هرگاه این آیات را دیدید، برای نماز به سوی مساجد خویش بشتابید».[۶]

از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است:

«زلزله‌ها، گرفتن خورشید و ماه و بادهای وحشتناک از نشانه‌های قیامت‌اند، هرگاه یکی از این علامت‌ها را دیدید، روز قیامت را به یاد آورید

---

۱ . جمله میان پرانتز در ثواب الاعمال: ص ۲۷۳ ، حدیث ۱ ؛ و در المحاسن: ص ۷۹ ، حدیث ۵ نیامده است.

۲ . امالی صدوق: ص ۳۹۱ ، حدیث ۸ ؛ در المحاسن: ص ۸۲ ، ذیل حدیث ۱۱ آمده است حضرت علی علیه‌السلام مردی را دید که در نمازش همانند کلاغ که دانه می‌چیند به سرعت سجده می‌کند، امیرمؤمنان علیه‌السلام فرمود: مثل تو در نزد خدا همچون مثل کلاغ است زمانی که دانه از زمین می‌چیند، اگر با این وضع بمیری بر دین اسلام نمرده‌ای... و دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد.

۳ . ربیع الابرار: ج ۲ ، ص ۱۰۶ .

۴ . صاحب مستدرک: ج ۳، ص ۳۶۷ گفته است: مقصود از آبادی مساجد، برپا داشتن نماز و دعا و ذکر و قرائت قرآن در مساجد است نه ساختن و مرمت مساجد.

۵ . جعفریات: ص ۲۲۹ ؛ مشکاة الانوار: ص ۱۲۴ .

۶ . المقنعه: ص ۳۵ ؛ مسکن الفواد: ص ۹۴ .

و به مساجد خود پناه ببرید».[۱]

۷. برای مساجد اوتادی هستند، همنشین آنها فرشتگان‌اند که از آنان دلجویی می‌کنند اگر حاجتی داشته باشند، فرشتگان به آنها کمک می‌کنند اگر بیمار شوند، از آنها عیادت و اگر غایب باشند، از حال آنان پرس‌وجو می‌کنند و اگر حاضر باشند، گویند: خدا را یاد کنید.[۲]

۸. اهل مسجد در آخرت ثواب بسیار می‌برند و از کسانی خواهند بود که در سایه رحمت خداوند جای دارند، روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه او نباشد... مسلمانانی که هرگاه از مسجد بیرون می‌روند، قلب ایشان متوجه مسجد است تا زمانی که برگردند.[۳]

همهٔ مطالبی که یادآور شدیم در این سخن امیر مؤمنان علی علیه‌السلام جمع شده است که فرمود:

«کسی که به مسجد رفت و آمد کند به یکی از هشت چیز دست یابد:[۴] برادری که در راه خدا به دست آورد، یا علم تازه‌ای تحصیل کند، (یا آیه محکمی یا رحمت منتظره‌ای، یا سخنی که او را از هلاک نگه دارد، یا سخنی بشنود که او را هدایت کند) یا گناهی را از روی ترس یا حیا ترک کند».[۵]

بنابراین هرگاه به خانه خدا وارد می‌شوی از فوایدی که خدا برای تو مهیا کرده است، خود را محروم مکن، بیشترین فایده را جوانی می‌برد که آنچه را در مسجد گفته می‌شود کاملاً

---

۱. امالی شیخ صدوق: ص ۳۷۵، حدیث ۴.

۲. کنزالعمال: ج ۷، ص ۵۸۱، حدیث ۲۰۳۵۱؛ مجازات النبویه: ص ۴۱۲، حدیث ۳۳۰.

۳. خصال: ص ۳۴۲.

۴. در قرب الاسناد: ص ۳۳ آمده است امام حسین علیه‌السلام فرمود: کسی که در آمد و شد به مسجد مداومت کند به یکی از هفت چیز دست یابد.

۵. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۳، حدیث ۳۶؛ ثواب الاعمال: ص ۴۶، حدیث ۱؛ تهذیب: ج ۳، ص ۲۴۸، حدیث ۶۸۱؛ نهایه شیخ طوسی:ص ۱۰۸؛ فلاح‌السائل: ص ۹۰؛ المحاسن: ص ۴۸، حدیث ۶۶؛ تحف‌العقول: ص ۱۶۶،میان‌پرانتز از قرب الاسناد: ص ۳۳ چنین است یا رحمت منتظره یا آیه محکمی که او را هدایت کند یا به گمان راوی فرمود: سخن درست یا ارشادی که وی را از هلاکت حفظ کند.

فراگیرد و در سلوک وی اثر گذارد، برخلاف پدران چراکه آنها به مشکلات و اندوه‌های دنیا گرفتارند.

آداب خروج از مسجد

هرگاه قصد کردی از مسجد بیرون بروی، نخست پای چپ را بیرون بگذار[۱] و بگو:

«اللهم انی اعوذبك من ابلیس و جنوده[۲]، اللهم صل[۳] علی محمّد و آل محمّد و افتح لنا باب فضلك».[۴]

«هرگاه این کار را کردی، فرشتگان می‌گویند: خدا تو را حفظ کرد و حوایج تو را برآورده ساخت و پاداش تو را بهشت قرار داد».[۵]

مستحب است جلو در مسجد توقف کنی و این دعا را بخوانی:

«اللهم دعوتنی فاجبت دعوتك و صلیت مکتوبتك و انتشرت فی ارضك کما امرتنی، فاسئلك من فضلك العمل بطاعتك و اجتناب سخطك[۶]، و الکفف من الرزق برحمتك».[۷]

مبادا در خروج از مسجد شتاب کنی چراکه این کار، موجب فقر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«بیست خصلت، موجب فقر است، از جمله آنها تعجیل در خروج از

---

۱. کافی: ج ۳، ص ۳۰۸، ضمن حدیث ۱؛ الهدایة: ص ۲۸۰.

۲. کنزالعمال: ج ۷، ص ۶۶۰، حدیث ۲۰۷۸۶.

۳. در کنزالعمال: ج ۷، ۶۵۷، حدیث ۲۰۷۷۳ آمده است: «فلیسلم علی النبی صلی الله علیه و آله».

۴. الفقیه: ج ۱، ص ۱۵۵؛ المقنع: ص ۵۸؛ در امالی شیخ طوسی: ج ۲، ص ۲۰۹ آمده است: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که از مسجد خارج شد فرمود: «اللهم افتح لی ابواب رزقك».

۵. جامع الاخبار: ص ۶۹.

۶. در فلاح السائل: ص ۲۱۰ معصیتك آمده است.

۷. کافی: ج ۳، ص ۳۰۹، حدیث ۴؛ مجلسی در بحار: ج ۸۴، ص ۲۲، حدیث ۱۰، دعای دیگری نقل کرده است، مراجعه کنید.

مسجد و صبح زود به بازار رفتن است».[۱]

مبادا بی‌سبب از مسجد بیرون روی، پیامبرﷺ فرموده است:

«کسی که هنگام اذان در مسجد باشد و بدون سبب از آن‌جا بیرون رود، منافق است مگر این که بخواهد برگردد.[۲] یا این که برای تحصیل طهارت بیرون رفته باشد».[۳]

آداب اعتکاف در مسجد

اعتکاف و عکوف به معنای اقامت در جایی و ملازم بودن چیزی یا جایی است... برابر نوشتهٔ «لسان العرب»: اعتکاف، مأخوذ از **عکف علی الشیء** است، یعنی به آن روی آورد، در حالی که مواظب بود و صورت خود را برنگرداند. برخی گفته‌اند: عکف یعنی اقام، اقامت کرد و از همین قبیل، سخن خدای متعال است: ﴿ **ظلت علیه عاکفاً** ﴾[۴] یعنی مقیماً؛ عکوف به معنای اقامت در مسجد است؛ خدای تعالی فرموده است: ﴿**و انتم عاکفون فی المساجد**﴾[۵] یعنی در حالی که در مساجد اقامت کرده‌اید. به کسی که ملازم مسجد است و بر عبادت در مسجد پایداری می‌کند، عاکف و معتکف می‌گویند و گفته شده است: اعتکاف به معنای همنشینی مخصوص است.[۶]

در کتاب شرائع‌الاسلام آمده است: اعتکاف همان درنگ طولانی در مسجد برای عبادت است و جز از مکلّف مسلمان، پذیرفته نمی‌شود.[۷]

شرایط اعتکاف، نیت و روزه است. اعتکاف بدون روزه صحیح نیست[۸] و حداقل

---

۱. بحار: ج ۷۶، ص ۳۱۵، حدیث ۲۷ به نقل از جامع الاخبار: ص ۱۲۴.
۲. امالی صدوق: ص ۴۰۵، حدیث ۱۱۷؛ روضة الواعظین: ص ۳۳۷.
۳. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۴۷.
۴. طه / ۹۷.
۵. بقره / ۱۸۷.
۶. لسان العرب: ج ۹، ص ۲۵۵.
۷. شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۲۱۵؛ جواهر الکلام: ج ۱۷، ص ۱۵۹.
۸. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۲۸۶.

اعتکاف سه روز است.[۱]

هرگاه دهه آخر ماه فرا می‌رسید، رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد معتکف می‌شد، خیمه‌ای از مو برای آن حضرت برپا می‌کردند، دامن به کمر می‌زد و رختخواب خود را جمع می‌کرد.[۲]

در خبر ابوالعباس از امام صادق‌علیه‌السلام نقل شده است:

«رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در دهه اول ماه رمضان معتکف شد، سپس مرتبه دوم در دهه وسط معتکف شد، آن گاه در مرتبه سوم در دهه آخر ماه معتکف شد، پس از آن همواره رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله در دهه آخر ماه معتکف می‌شد».[۳]

امام صادق‌علیه‌السلام فرمود:

«اعتکاف صحیح نیست مگر در بیستم ماه رمضان».[۴]

در جواهرالکلام آمده است: شرط روزه‌داری در اعتکاف به مانند شرط طهارت در نماز است... چه این که روزه واجب باشد یا مستحب، روزه رمضان باشد یا غیر رمضان، و هیچ اختلافی در این زمینه وجود ندارد بلکه از کتاب المعتبر[۵] نقل شده که فتوای علمای ما همین است.[۶]

در کتاب شرائع‌الاسلام آمده است: اعتکاف صحیح نیست مگر در زمانی که روزه صحیح باشد و اعتکاف کنندگان باید از کسانی باشند که روزه آنان صحیح است. بنابراین، اگر کسی در عید فطر و قربان معتکف شود، اعتکافش صحیح نیست.[۷]

---

۱. کافی: ج ۴، ص ۱۷۷، حدیث ۲؛ الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۱، حدیث ۵۲۵؛ استبصار: ج ۲، ص ۱۲۸، حدیث ۴۱۸؛ تهذیب: ج ۴، ص ۲۸۹، حدیث ۸۷۶.

۲. کافی: ج ۴، ص ۱۷۵، حدیث ۱؛ الفقیه: ج ۲، حدیث ۵۱۷؛ تهذیب: ج ۴، ص ۲۸۷، حدیث ۸۹۶؛ استبصار: ج ۲، ص ۱۳۰، حدیث ۴۲۶.

۳. الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۳، حدیث ۵۳۵؛ الکافی: ج ۴، ص ۱۷۵، حدیث ۳.

۴. کافی: ج ۴، ص ۱۷۶، حدیث ۲.

۵. در المعتبر: ج ۲، ص ۷۲۶ آمده است: «هر روزه‌ای که بگیرد خواه واجب باشد یا مستحب، رمضان باشد یا غیر رمضان، (فرق نمی‌کند) فتوای علمای ما نیز همین است».

۶. جواهرالکلام: ج ۱۷، ص ۱۶۴.

۷. شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۲۱۵.

از این رو در ایران اسلامی می‌بینیم که مراسم اعتکاف در ایام البیض[۱] یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم ماه برگزار می‌شود به ویژه در ماه رجب زیرا فضیلت و برکت در این ماه است.[۲]

رسول خداصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«جبرئیل نزد من آمد و گفت: به علی بگو از هر ماهی سه روز، روزه بگیر...».

گفتم: ای رسول خدا این ثواب‌ها فقط مخصوص من است یا برای همهٔ مردم است؟ پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

«خداوند این ثواب‌ها را به تو و هر کس که این عمل را به جا آورد عطا می‌کند».

گفتم: آن سه روز کدام است ای رسول خدا؟ فرمود:

«ایام‌البیض در هر ماهی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم است».[۳]

---

۱. شیخ مفید در کتاب المقنعه: ص ۵۸ گفته است ایام البیض را به علت شب‌های آنها بیض گفته‌اند و علت آن که شب‌های آنها به این نام خوانده شده این است که در این شب‌ها ماه از هنگام غروب خورشید طلوع می‌کند و تا طلوع آفتاب غروب نمی‌کند. الدروع الواقیه: ص ۶۶، به نقل از المقنعه با کمی اختلاف.

۲. رجب ماه بزرگی است خداوند حسنات را در آن دو برابر و سیئات را محو می‌کند کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد آتش از او دور شود و کسی که سه روز روزه بگیرد بهشت بر او واجب گردد. الفقیه: ج ۲، ص ۵۶، حدیث ۲۴۵، کسی که ایام‌البیض ماه رجب را روزه بگیرد و شب‌های آن را به عبادت بگذراند... خدا هزار حاجت او را برآورد... و خدا در بهشت برای او صد قصر از زمرد بنا کند و این کار برای خدا آسان است. المستدرک: ج ۷، ص ۵۲۳، حدیث ۴، رجب ماه ریزش رحمت خدا بر بندگان است. البحار: ج ۹۷، ص ۳۶، حدیث ۱۶ به نقل از عیون اخبارالرضا: ج ۲، ص ۷۱، حدیث ۳۳۱، در این کتاب به جای اصب، اصم آمده است رجب نهری است در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر، کسی که یک روز از ماه رجب را روزه بگیرد خداوند از آن نهر او را سیراب فرماید. تهذیب: ج ۴، ص ۳۰۶، حدیث ۹۲۴.

۳. وسائل: ج ۱۰، ص ۴۳۷، حدیث ۳.

مکان اعتکاف

از عالم علیه السلام [۱] درباره اعتکاف سؤال شد، فرمود:

«اعتکاف شایسته نیست مگر در مسجدالحرام و مسجدالرسول و مسجد کوفه و مسجد جامع و مادامی که معتکف است باید روزه بگیرد».[۲]

از عمر بن یزید نقل شده است: به امام صادق علیه السلام عرض کردم درباره اعتکاف در بعضی از مساجد بغداد چه می‌فرمایی؟ امام فرمود:

«اعتکاف نیست مگر در مساجد جامعی که امام عادلی در آن نماز جماعت خوانده باشد و اعتکاف در مسجد کوفه و بصره و مسجد مدینه و مسجد مکه مانعی ندارد...».[۳]

و در روایتی مسجد مداین آمده است.[۴]

در کتاب شرائع‌الاسلام آمده که ضابطه اعتکاف، هر مسجدی است که در آن پیامبری یا وصی پیامبری نماز جماعت اقامه کرده باشد برخی از فقیهان گفته‌اند: نماز جمعه خوانده باشد.[۵]

اجازه کسی که بر دیگری ولایت دارد، هم‌چون شوهر بر همسر و پدر و مادر بر فرزندان خویش در اعتکاف شرط است. هم‌چنین لازم است همواره در مسجد باشد، اگر بدون مجوز خارج شود چه مایل باشد و چه نباشد، اعتکافش باطل است بنابراین اگر سه روز در مسجد نگذراند اعتکاف باطل می‌شود.

اما خروج از مسجد برای کارهای ضرور مثل قضای حاجت، شست‌وشوی بدن و عیادت بیمار، جایز است.

---

۱. منظور امام کاظم علیه السلام است. جامع الرواة: ج ۲، ص ۴۶۲.
۲. فقه الرضا: ص ۱۹۰؛ کافی: ج ۴، ص ۱۷۶، حدیث ۳، به نقل از امام صادق علیه السلام.
۳. کافی: ج ۴، ص ۱۷۶، حدیث ۱.
۴. الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۰، حدیث ۵۲۰.
۵. شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۲۱۶.

امام صادق علیه السلام فرموده است:

«شایسته نیست که اعتکاف کننده از مسجد بیرون رود مگر برای حاجتی که ناگزیر باشد. سپس از ساعتی که بیرون رفته ننشیند تا به مسجد برگردد».[۱]

از مسجد بیرون نرود مگر برای تشییع جنازه یا عیادت بیمار (یا برای نماز جمعه)[۲] اعتکاف زن نیز همین‌گونه است،[۳] جز این که اگر حایض شود باید از مسجد بیرون رود تا پاک شود،[۴] هرگاه پاک شد آنچه را بر ذمه اوست قضا کند؛[۵] در صورتی که اعتکاف کننده بیمار شود باید به خانه‌اش برود و زمانی که خوب شد به مسجد برگردد و روزه گیرد.[۶]

هرگاه برای یکی از امور فوق از مسجد بیرون رود، نشستن و راه رفتن زیر سایه برای او جایز نیست و نیز نماز خواندن در خارج مسجد (مگر این که در مکه باشد زیرا در مکه هر کجا بخواهد می‌تواند نماز بخواند) و چنانچه سهواً و بدون عذری از مسجد بیرون رود، اعتکاف او باطل نمی‌شود.[۷]

کسی که در مسجد معتکف شده لازم است به ذکر خدا و تلاوت قرآن و نماز مشغول باشد، سخن از دنیا نگوید، شعر نخواند، خرید و فروش نکند، با زنی خلوت نکند، دشنام و حرف زشت نگوید، با هیچ کس مجادله و ستیز نکند،[۸] بوی خوش به کار نبرد، گل و گیاه خوشبو استشمام نکند[۹] و با زنان مباشرت نکند؛ خدای متعال فرموده است:

---

۱. فقه امام رضا علیه السلام: ص ۱۹۰.
۲. کافی: ج ۴، ص ۱۷۸، حدیث ۱.
۳. کافی: ج ۴، ص ۱۷۸، حدیث ۳؛ الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۲، حدیث ۵۲۹؛ تهذیب: ج ۴، ص ۲۹۴، حدیث ۸۷۱.
۴. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۱۲۸.
۵. کافی: ج ۴، ص ۱۷۹، ذیل حدیث ۲؛ الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۳، ذیل حدیث ۵۳۶.
۶. کافی: ج ۴، ص ۱۷۹، حدیث ۱؛ ج ۲، ص ۱۲۲، حدیث ۵۳۰؛ تهذیب: ج ۴، ص ۲۹۴، حدیث ۸۹۳.
۷. شرائع الاسلام: ج ۱، ص ۲۱۷.
۸. دعائم الاسلام: ج ۱، ص ۲۸۷.
۹. کافی: ج ۴، ص ۱۷۷، حدیث ۴؛ الفقیه: ج ۲، ص ۱۲۲، حدیث ۵۲۷؛ تهذیب: ج ۴، ص ۲۸۸؛ استبصار: ج ۲، حدیث ۳.

﴿وَلاَ تُبَاشِرُوهُنَّ وَ أَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِى ٱلْمَسَاجِدِ﴾.[۱]

فواید اعتکاف

مهم‌ترین فواید اعتکاف عبارت است از:

۱. صبر بر طاعات و افزایش آمادگی نفس بر آن.

۲. شناخت نفس با فاصله گرفتن از لذایذ و تجملات دنیوی، که آیا به دین متمایل است یا بیشتر به دنیا توجه دارد؟

۳. توجه کامل به عبادت و تفکر، به لحاظ گستردگی وقت، تا بعدها به آن خو گیرد و این به سبب ارزش خشوعی است که همراه با گریه است و موجب پاک شدن نفس از رذایل می‌شود.

۴. استجابت دعا به لحاظ آمادگی کامل برای عبادت.

۵. کمال آرامش و راحت خاطر به سبب دوری نفس از مادیات.

۶. احساس پشیمانی و توجه به استغفار و توبه با خلوص نیت برای گناهانی که نفس در گذشته مرتکب شده است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«رجب ماه استغفار امت من است، در این ماه بسیار استغفار کنید، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است».[۲]

۷. کسب فضایل پسندیده و عادات حسنه، چراکه معتکفان در مساجد اغلب از مؤمنان هستند.

۸. نگاه داشتن زبان و آگاهی بر لغزش‌های انسان که موجب خاموشی و جرئت بر امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

۹. ارتباط بیشتر قلب‌ها با مساجد، برای این که در هنگام اعتکاف به اهمیت مساجد پی می‌برد.

---

۱. هنگامی که در مساجد معتکف هستید با زنان مباشرت نکنید. بقره: ۱۸۷.

۲. بحار: ج ۹۷، ص ۳۸، حدیث ۲۴.

در پایان تذکار این نکته ضروری است که آنچه نقل گردید، صرفاً گزارشی از روایاتی بود که از اهل‌بیت علیهم‌السلام نقل شده بود؛ بدون شک این روایات باید از نظر سند و متن، مورد بررسی دقیق‌تری قرار گیرد تا پس از جمع‌بندی بتواند از نظر فقهی در عرصه عمل مورد توجه قرار گیرد.

فهرست منابع

۱ . قرآن کریم.
۲ . الارشاد، شیخ مفید، انتشارات بصیرتی، قم.
۳ . ارشادالقلوب، شیخ دیلمی، انتشارات رضی، قم.
۴ . الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، شیخ طوسی، انتشارات رضی، قم.
۵ . الاصول الستة عشر، چاپ دار شبستری، قم.
۶ . اعلام الدین فی صفات المؤمنین، شیخ حسن بن ابوالحسن دیلمی، انتشارات موسسه آل‌البیت، قم.
۷ . امالی، شیخ صدوق، انتشارات موسسه اعلمی، بیروت.
۸ . امالی، شیخ طوسی، انتشارات مکتبة الاهلیه، بغداد.
۹ . بحارالانوار، علامه مجلسی، موسسةالوفاء، بیروت.
۱۰ . بشارةالمصطفی، ابوجعفر طبری، انتشارات مکتبة الحیدریه، نجف.
۱۱ . تاریخ المدینة المنوره، ابن شبه، چاپ دوم.
۱۲ . تحف‌العقول، ابن شعبةالحرانی، انتشارات مکتبة الحیدریه، نجف.
۱۳ . تفسیرالقمی، موسسه دارالکتاب، چاپ و انتشار، قم.
۱۴ . تنبیه الخواطر، معروف به مجموعه ورام، ورام بن ابوفراس، دار صعب و دارالتعاریف.
۱۵ . تهذیب‌الاحکام، شیخ طوسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۶ . تهذیب اللغه، ازهری، دارالمصریه.
۱۷ . ثواب‌الاعمال، شیخ صدوق، کتاب‌فروشی صدوق، تهران و انتشارات رضی، قم.
۱۸ . جامع‌الاخبار، شعیری، انتشارات رضی.
۱۹ . جامع الرواة، اردبیلی، دارالاضواء، بیروت.
۲۰ . الجعفریات،اشعث‌کوفی، انتشارات‌کتابفروشی‌نینوای جدید، تهران که با قرب الاسناد چاپ شده است.
۲۱ . جمال الاسبوع، ابن‌طاووس، انتشارات رضی، قم.
۲۲ . جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی، داراحیاءالتراث العربی، بیروت.
۲۳ . الخصال، شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴ . الدروع الاقیه، ابن‌طاووس، موسسه آل‌البیت، قم.
۲۵ . دعائم الاسلام، قاضی تمیمی، دارالمعارف.
۲۶ . ذکری الشیعه، شهید اول، محمد بن مکی عاملی، کتابفروشی بصیرتی.
۲۷ . ربیع الابرار و نصوص الاخبار، زمخشری، انتشارات شریف رضی.
۲۸ . رجال نجاشی، مؤسسه انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.
۲۹ . روضةالواعظین، فتال نیشابوری شهید، انتشارات رضی، قم.
۳۰ . سنن نسائی، چاپخانه دانشگاه الازهر مصر، چاپ اول.
۳۱ . شرایع الاسلام، محقق حلی، منشورات اعلمی، تهران.

۳۲ . شرح غررالحکم، آمدی، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳ . الطبقات الکبری، ابن سعد، داربیروت.
۳۴ . عدةالداعی و نجاح الساعی، احمد بن فهد حلی، کتاب‌فروشی وجدانی، قم.
۳۵ . علل الشرائع، شیخ صدوق، کتابفروشی داوودی، قم.
۳۶ . عیون اخبارالرضا، شیخ صدوق، انتشارات کتاب‌فروشی طوسی، قم.
۳۷ . عوالی‌اللآلی، ابن ابی‌جمهور، چاپ اول، قم.
۳۸ . الفقه‌المنسوب للامام الرضا، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، قم.
۳۹ . قرب‌الاسناد، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری، کتاب‌فروشی نینوای جدید، تهران، مؤسسه آل‌البیت، قم.
۴۰ . الکافی، شیخ کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۴۱ . کامل الزیارات، ابن قولویه، منشورات المرتضویه، نجف.
۴۲ . کنزالعمال، متقی هندی، مؤسسه رسالت، بیروت.
۴۳ . کنزالفوائد، کراجکی، کتاب‌فروشی مصطفوی و دارالاضواء بیروت.
۴۴ . لسان العرب، ابن‌منظور، نشر ادب الحوزه، قم.
۴۵ . المجازات النبویه، شریف رضی، سال چاپ ۱۴۰۸.
۴۶ . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، قم.
۴۷ . المحاسن، برقی، دارالکتب الاسلامیه، قم.
۴۸ . مستدرک الوسائل، شیخ نوری طبرسی، تحقیق مؤسسه آل‌البیت، قم، همچنین چاپ سنگی، موسسه اسماعیلیان، قم.
۴۹ . مشکاةالانوار، شهید ثانی، مؤسسه آل‌البیت، قم.
۵۰ . مصباح الشریعه امام جعفر صادق، انتشارات مؤسسه اعلمی، بیروت.
۵۱ . معانی الاخبار، شیخ صدوق، دارالمعرفه، بیروت.
۵۲ . المقنعه، شیخ مفید، کتاب‌فروشی داوری، قم.
۵۳ . مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات مؤسسة الاعلمی، بیروت.
۵۴ . من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، انتشارات امام مهدی قم و چاپ جامعه مدرسین، قم.
۵۵ . مناقب آل‌ابوطالب، ابن شهرآشوب، موسسه انتشارات علامه، قم.
۵۶ . النهایه، شیخ طوسی، انتشارات قدس محمدی، قم.
۵۷ . وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، شیخ حر عاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت و مؤسسه آل‌البیت، قم.
۵۸ . وفاء الوفا، سمهودی، انتشارات داراحیاء التراث العربی، بیروت.

قبسی از اسرار عرفانی مسجد

▣ عالیهٔ جعفری

▣ چکیده

در این مقاله پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه با استناد به روایات و احادیث، مسجد را زیارتگاه موحدان شناسانده و معنای عمارت مسجد تبیین گردیده و با اشاره به معبد در اسلام و دیگر ادیان الهی، مسجد کانون پرستش خالصانه، خانه ذکر و یاد خدا دانسته شده و تأکید پیشوایان دین بر جنبه‌های عبادی مسجد و بر لزوم به جا آوردن نمازهای واجب و مستحب در مسجد تأکید گردیده است. همچنین از دعا در مسجد و فضیلت ذکر و یاد خدا در آن یاد شده و سکونت در جوار عرش، پاداش اهل مسجد معرفی شده است.

در این مقاله، سازنده مسجد ولی الله و مسجد بازار آخرت و برترین مکان‌ها در زمین شناسانده شده است و با استناد به روایتی از تسبیح زمین برای انسان‌های مسجدی یاد شده است و در حدیث دیگری از حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمده که: اگر دیدید شخصی مرتب به مسجد رفت و آمد می‌کند به ایمان وی شهادت دهید.

بدینسان مسجد و حضور در آن افزون بر پاداش اخروی، دارای آثار و مواهب معنوی بر آدمیان است.

۱ . مسجد، سرای معشوق

مسجد کانونی درخشان است که انوار تابناک الهی را برگستره زمین می‌پراکند: «**المساجد انوار الله**»؛ مسجد جایگاه دعا و بازگشت به سوی خداوند در طوفان هولناک حوادث جانکاه و غم‌های طاقت فرساست.[۱] مسجد، برترین و گرامی‌ترین مکان‌های زمین است آن‌سان که دوستداران و اهل مسجد نزد خداوند دوست داشتنی و گرامی‌اند.[۲]

مسجد، در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کژی و گمراهی، چنان که اهل مسجد نیز مبارک و فرخنده و برکنار از ضلالت و گمراهی‌اند.[۳] خداوند مهربان به یمن وجود مسجدیان، فرو فرستادن عذاب وخشم خویش را بر جامعه‌ای که در سایهٔ دست یازیدن به گناه و سرکشی، شایسته کیفر گشتند، به تأخیر می‌افکند.[۴]

موحدان شیعه و خداجوی، مسجد را زیارتگاهی ملکوتی می‌دانند:

«**ألا طوبی لعبد توضأ فی بیته ثم زارنی فی بیتی...**».[۵]

مسجد در نگاه آنان بارگاه خاص دوست[۶] و مهمان سرای حضرت حق است.[۷] ضیافت‌کده‌ای که میزبان آن خداوند است[۸] و دست لطف و نوازش او جان و دل مهمان را می‌نوازد. آنان در این بارگاه الهی با عبادت خالصانه و در سایه لطف خاص حق به قرب وی نایل می‌آیند. در دستیابی به این آرزوی بلند آن‌سان برآمد و شد به مسجد و انس و آشنایی با خانه دوست پای می‌فشرند که گویی مسجد خانه آنان است.

در این حضور عاشقانه، شب و روز برای آنان یکسان است. تاریکی شب و دیجور و سختی و رنج پیمودن راه، زبون‌تر از آن است که آنان را از حضور در مسجد باز دارد.

---

۱. وسایل الشیعه، شیخ حرعاملی: ج ۵، ص ۲۶۳، روایت ۳.
۲. وسایل الشیعه، شیخ حرعاملی: ج ۱۲، ص ۳۴۴، روایت ۱.
۳. مستدرک الوسایل، میرزا حسین نوری: ج ۳، ص ۳۵۵، روایت ۲.
۴. همان: ص ۳۶۶، روایت ۳.
۵. وسایل الشیعه: ج ۱، ص ۲۶۸، روایت ۵.
۶. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۲۲، روایت ۱ تا ۵.
۷. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۸۴.
۸. همان: ص ۲۶۸، روایت ۵.

چه آنان نیک می‌دانند که هرگام متواضعانه‌ای در مسیر آمد و شد به مسجد خود نشانی از بندگی و خاکساری به آستان و سرای معبود است.[۱]

مسجد برای اهل ایمان، بازار آخرت است.

«**المساجد سوق من اسواق الآخرة**».[۲]

۲ . عمارت مسجد آبادانی ویرانهٔ دل خویش

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«هنگامی که خداوند متعال مشاهده نماید اهل سرزمینی راه زیاده‌روی در گناه و سرکشی را پیش گرفته‌اند اما در میان آنان سه گروه از مؤمنین یافت می‌شوند، آنان را ندا دهد که ای اهل عصیان! اگر چنین نبود که در میان شما گروهی از مؤمنین برای جلال من با یکدیگر دوستی و محبت ورزند و گروهی دیگر با نماز خود زمین و مساجد مرا آباد کنند و گروهی دیگر که سحرگاهان برای خوف از من استغفار نمایند، عذاب خویش را بر شما نازل می‌نمودم و به شما توجهی نداشتم».[۳]

در حدیث دیگری ایشان می‌فرمایند:

«**اذا رایتم الرجل یعتاد المساجد فاشهدوا له بالایمان لان الله یقول: انما یعمر مساجد الله من آمن بالله**».[۴]

«اگر دیدید شخصی مرتب به مسجد رفت و آمد می‌کند به ایمان وی شهادت دهید؛ زیرا خداوند متعال می‌فرماید: تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که به خداوند ایمان داشته باشند».

---

۱ . وسایل الشیعه: ج ۳ ، ص ۴۸۳ ، روایت ۲ .
۲ . مستدرک الوسایل، میرزا حسین نوری: ج ۳ ، ص ۳۶۱ ، روایت ۱۳ .
۳ . مستدرک الوسایل: ج ۳ ، ص ۳۶۷ ، روایت ۳ .
۴ . مستدرک الوسایل: ج ۳ ، ص ۳۶۲ ، شماره ۱۸ .

از این روایت شریف استفاده می‌شود که باطن اهتمام به تعمیر مسجد، تلاش برای ساختن دل خویش است. پس خوشا به حال سازندگان مسجد و آبادگران ملک دل.

۳. ترجیح خواسته معشوق بر خواسته خود

در حدیثی متواتر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

«**اعطیت خمسا لم یعطها احد قبلی، جعلت لی الارض مسجداً و طهورا...**».[۱]

«پنج چیز به من عطا شده که به هیچ یک از پیامبران پیشین داده نشده، از جمله آنها این است که همهٔ زمین برای من، مسجد و خاک آن، وسیله طهارت است...».

این حکم، افزون بر آن که تخفیفی بزرگ برای امت پیامبر صلی الله علیه و آله است؛ گویای نکته‌ای لطیف نیز هست. عارفان وارسته، در سخنان خویش بدین نکته اشاره نموده‌اند. یکی از عالمان الهی در این باره می‌گوید:

«وقتی پروردگار هر جایی را که ما اختیار می‌کنیم و به او نسبت می‌دهیم و آن را محل ملاقات قرار می‌دهیم و آن جا در محضرش حاضر می‌شویم و زیارتش می‌کنیم، برای ما مسجد قرار دهد و با ما همان‌طور که می‌خواهیم رفتار فرماید، معنایش این است که تعیین مجلس ملاقات و حضور را به اختیار ما واگذار فرموده و این از بزرگترین بزرگواری‌هاست».[۲]

به هر روی، برای امت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله همهٔ زمین، پرستشگاه است؛ ولی مسجد، جایگاهی خاص و محضری ویژه است که معشوق و محبوب حقیقی عالم، آن جا را بر سایر امکنه برای ملاقات ترجیح می‌دهد و کلام عاشق است که جایی غیر از پسند محبوب را اختیار نکند.

---

۱. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۴۲۳، روایت ۲.

۲. پرواز در ملکوت، مجتمل بر آداب الصلوات امام خمینی سید احمد فهری: ج ۳، ص ۲۳۸، انتشارات نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹.

در حقیقت، کسی که مسجد را برای نماز انتخاب می‌کند، خواسته خدا را برخواسته خود ترجیح داده و مکانی را برای ملاقات برگزیده است که محبوب بیشتر می‌پسندد.

۴ . فقط یاد او رواست

زینت مسجد با طلا و نقاشی کردن آن، خرید و فروش، قضاوت کردن، اقامه حدود در مسجد، راه دادن دیوانگان به مسجد، بلند کردن صدا، به زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشیای گمشده و پیدا شده و اموری از این دست، هر یک می‌تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت و خداوند باز دارد. از همین‌رو از انجام دادن آنها در مسجد نهی شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می‌کرد چیزی را گم کرده است و هم خطاب به کسی که در مسجد به تراشیدن تیر مشغول بود، فرمودند:

«... **انها لغیر هذا بنیت...**».

«مسجد برای کارهای دیگری ساخته‌اند».[۱]

از چنین سخنان گهرباری به روشنی استفاده می‌شود که مسجد در اسلام، محلی برای عبادت و یاد خداست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به کسی که در مسجد شعر می‌سرود فرمودند:

«... **انما نصبت المساجد للقرآن**».[۲]

«... مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند».

و در مقام بیان فضیلت مسجدسازی می‌فرمایند:

«**من بنی مسجداً لیذکرالله فیه بنی له بیت فی الجنة**».[۳]

«اگر کسی مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود، بنا نهد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود».

---

۱ . وسایل الشیعه، حرعاملی: ج ۳ ، ص ۴۹۶ ، باب ۱۷ ، روایت ۳ .
۲ . وسایل الشیعه، حرعاملی: ج ۳ ، ص ۴۹۳ ، روایت ۱ .
۳ . روضة‌الواعظین، فتال نیشابوری، مؤسسه اعلمی، بیروت: ص ۳۰۷ .

این روایات بیانگر آن است که در مسجد باید تنها یاد او ـ جل اسمه ـ را روایت و از غیر یاد او پرهیز کرد.

۵ . سائل باید از خانه خود به خانه کریم رود!

از پاره‌ای روایات چنین بر می‌آید که دعا در مسجد، دارای فضیلتی ویژه است؛ تا آن جا که حتی از عبادت‌هایی همچون تلاوت قرآن کریم، برتر به شمار آمده است.

معاویه ابن‌عمار می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: دو نفر به مسجد وارد می‌شوند و در یک زمان به نماز می‌ایستند. یکی بیشتر به تلاوت قرآن می‌پردازد و دیگری بیشتری وقت خود را دعا می‌خواند و هر دو در وقت معینی از مسجد خارج می‌شوند، کار کدام یک از این دو برتر است؟ امام فرمودند:

«عمل هر دو دارای فضیلت است».

راوی می‌گوید: به امام گفتم: می‌دانم که هر دو عمل نیکو و دارای فضیلت است. امام فرمودند:

« دعا برتر است. آیا سخن خداوند متعال را نشنیده‌اید که فرموده است: دعا کنید تا خواسته‌هایتان را اجابت نمایم؛ آنان که از عبادت من سرپیچی می‌کنند به زودی با حالت خواری و زبونی به دوزخ وارد می‌شوند».

آنگاه امام سه مرتبه فرمودند:

«سوگند به خدا که دعا برتر است، آیا دعا همان عبادت نیست؟ و سه مرتبه نیز فرمودند: سوگند به خدا، دعا مهمتر است».[۱]

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

«هرگاه حاجتی از خداوند دارم، هنگام ظهر برای دعا، به مسجد می‌روم».[۲]

---

۱ . السرائر، ابن‌ادریس حلی: ج ۳، ص ۵۵۱.

۲ . بحارالانوار، علامه محمد باقر مجلسی: ج ۴۷، ص ۳۴۷، شماره ۴۴.

سرّ این کار با مثالی معلوم می‌شود: حاجتمندی که در خانه خود بنشیند و از دیگران توقع مشکل‌گشایی داشته باشد، چه قدر تفاوت دارد با حاجتمندی که از خانه خود بیرون و به درخانه کریمان و بزرگواران رود و از آنان با اصرار کمک بطلبد!

ماجرای پناه بردن ابولبابه به مسجد پیامبرﷺ به خوبی، بیانگر ارزش دعا و توبه در مسجد است و این راز را روشن می‌کند. ابولبابه همان کسی است که در جنگ بنی قریظه دچار لغزش شد و از سر بی‌دقتی طرح پیامبرﷺ را درباره یهودیان بنی‌قریظه افشا نمود. او پس از آگاهی از خطای خویش، بی‌درنگ به مسجد آمد و هفت یا پانزده شبانه‌روز خود را به یکی از ستون‌های مسجد بست؛ تا این که خداوند توبه او را پذیرفت.[۱]

لذا در روایات آمده است که:

«.. **جاء رجل الی النبیﷺ فقال: من خیر اهل المسجد؟ فقال: اکثرهم لله ذکراً...**».[۲]

مردی به حضور پیامبرﷺ آمد و پرسید: در میان اهل مسجد، برترین آنها چه کسی است؟ پیامبرﷺ فرمود: آنان که بیش از دیگران به یاد خدا هستند.

۶. عالَمیان برای اهل مسجد تسبیح می‌گویند

تسبیح گفتن زمین برای انسان مسجدی یکی دیگر از آثار و برکات رفت و آمد به مسجد است.

امام صادقؑ فرمود:

«کسی که به سوی مسجد گام برمی‌دارد بر هیچ خشک و تری پا نمی‌گذارد مگر این که از زمین اول تا هفتم برای او تسبیح می‌گویند».[۳]

این روایت به دو صورت ممکن است معنا شود:

۱. مراد از تسبیح زمین برای افراد مسجدی آن است که زمین، خداوند متعال را تسبیح

---

۱. مغازی، محمد بن عمر واقدی: ص ۳۸۳.
۲. وسایل الشیعه، شیخ حرعاملی: ج ۴، ص ۱۱۸۲، باب ۵، روایت ۲.
۳. وسایل الشیعه: ج ۳، ص ۳۸۳، باب ۴، حدیث ۱.

می‌گوید ولی ثواب آن نصیب انسان مسجدی می‌شود.

۲ . تسبیح آسمان و زمین و سایر موجودات تنها برای ذات حق تعالی نیست، بل آنان بندگانی راکه به قصد تعظیم شعائر الهی و یا هر انگیزه الهی دیگری به سوی مساجد می‌شتابند، نیز می‌شناسند و ستایش می‌کنند و برای او تسبیح می‌گویند.

اگرچه معنای نخستین، ترجیح دارد. از درگاه خداوند باری تعالی می‌خواهم که عشق و مهر مسجد را در دل‌هامان جلوه‌ای نو بخشد؛ تا مساجد، این ستارگان درخشان زمین و انوار تابناک الهی، آن‌سان که باید بر گستره خاک چهره بنمایند و پرفروغ‌تر از گذشته فرا روی حق‌جویان پرتو افکنی کنند.

نقش فناوری اطلاعات در مدیریت مساجد

▣ مهدی زارع مؤیدی

▣ چکیده

نگارنده با اشاره به اهمیت و جایگاه اینترنت، سایت‌های اینترنتی را مورد بررسی قرار داده و با دسته‌بندی آنها به شش گروه به این نتیجه رسیده است که سایت جامعی که متناسب با شأن مساجد باشد وجود ندارد.

اشاره

این مقاله نیم‌نگاهی است به اهمیت و جایگاه اینترنت که رسانه‌ای است تبلیغی در دنیای امروز و پس از آن در سایت‌ها و صفحات اینترنتی در موضوع مسجد به کنکاش می‌پردازد و درپایان برای استفادهٔ بهینه ازفناوری اطلاعات در مدیریت مساجد پیشنهاداتی ارایه می‌کند.

همه می‌دانند اینترنت یکی از پدیده‌های قرن و شگفت‌انگیز ارتباطی و اطلاعاتی در عصر حاضر است در روزگاری که پیوندهای فناوری و اطلاعاتی با زندگی انسان‌ها درآمیخته و دهکدهٔ جهانی را پی ریخته است.

اینترنت به عنوان یک رسانهٔ عظیم ارتباطی سهم فراوانی در سامان‌دهی تفکر ارتباطی جهانی خواهد داشت. در این نظام، انسان‌ها فارغ از محدودیت‌های مکانی با یکدیگر در ارتباط‌اند و به راحتی به تبادل اطلاعات و تجربیات اقدام می‌کنند.

پیشرفت و فراگیری اینترنت در زندگی آدمیان امروزی به اندازه‌ای است که حتی

بسیاری از خدمات معمول و روزمره نیز بر روی این شبکه ارائه می‌شود. هم‌اکنون، میلیون‌ها انسان در سراسر جهان مشغول استفاده از این امکانات‌اند.

اگر به اهمیت اینترنت بنگریم و تأثیرش را بعد از تلویزیون در سطح فرهنگ جامعه فراموش نکنیم نبود، سایت‌های اسلامی، خصوصاً سایت‌های تخصصی در موضوعات اسلامی باعث می‌شود یک رسانهٔ قوی در امر تبلیغ را از دست بدهیم.

این رسانه به علت جهان‌گیری‌اش محدودیت مکانی ندارد و در رد و بدل کردن اطلاعات بهتر از شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و روزنامه‌ها عمل می‌کند.

در این اقیانوس بی‌نهایت اطلاعات، برای موضوعات کوچکی هزاران سایت و صفحات اینترنتی وجود دارد. اما برای موضوعات مهم جهان اسلام سایت‌های محدودی فعالیت می‌کنند که موضوع مسجد از این قاعده مستثنی نیست. جایگاهی که مرکز عبادت و اجتماع مسلمانان در تمام نقاط دنیا است از غربی‌ترین تا شرقی‌ترین نقاط جهان، مسجد مکانی است برای عبادت‌های جمعی و انفرادی که در بین مسلمانان و ادیان جایگاه خاصی دارد و مثل آهنربایی می‌ماند برای جذب مسلمانان به خود.

از جمله کارکردهای مهم مسجد را اطلاع‌رسانی درست و اخبار صحیح می‌توان برشمرد. درگذشته نیز اخبار شهر و روستاها در مسجد انتشار می‌یافت.

برای جستجوی موضوع مسجد در اینترنت از کلمات زیر سوده برده‌ایم و برای به دست آوردن نتایج کامل‌تر از موتورهای جستجوی مختلف بهره گرفته‌ایم.

مسجد ـ مساجد	Mosque AL Mosques
المسجد ـ المساجد	Mosques AL Mosques
اسپانیایی	Masjed AL Masjed Mezquita
فرانسوی	Masjed AL Masajed Mosquee

گفتنی است نتایج جستجو در موتورهای جستجو با یکدیگر تفاوت داشتند که با حذف موارد تکراری به حدود شصت صفحهٔ اینترنتی در این موضوع دست یافتیم.

به برداشت نگارنده سایت‌های مسجد را می‌توان به ۶ گروه تقسیم کرد و نمی‌توان صفحه‌ای را یافت که جزء یکی از این گروه‌ها قرار نگیرد:

گروه اول: سایت هایی که مستقیماً به موضوع مسجد می‌پردازند.

گروه دوم: سایت‌هایی که به مساجد خاص تعلق دارند.

گروه سوم: به معرفی مساجد تاریخی و توریستی می‌پردازد.

گروه چهارم: فقط تعریفی کوتاه از مسجد به عنوان مکان نماز مسلمانان ارائه می‌کند.

گروه پنجم: اسم مسجد یک سایت فرهنگی است برای هماهنگی مراجعات کاربران.

گروه ششم: معرفی مکان مساجد یک کشور یا منطقه.

گروه اول: سایت‌هایی که مستقیماً به این موضوع پرداخته‌اند تعدادشان انگشت‌شمار است و از لحاظ ساختار وب‌سازی و محتویات برنامه در سطح پایینی قرار دارند و به روز نمی‌شوند و حداقل خواسته‌های مخاطبین را پاسخ نمی‌گویند ضمن اینکه جذابیت هم ندارند.

مهمترین سایت در این زمینه سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد است با این آدرس: www.Omiri.com.

این سایت از تاریخ اول شهریور هشتاد و سه تاکنون به روز نشده است.

و سایت بعد اختصاص به مؤسسهٔ مسجد دارد به آدرس www.Masjed.com که قبلاً فعال بوده ولی فعلاً تا زمان افتتاح سایت جدید بسته است. مؤسسهٔ مسجد را یک مؤسسهٔ غیردولتی می‌توان برشمرد که با اشراف حجةالاسلام والمسلمین حاج تقی قرائتی در قم فعالیت می‌کند که امید می‌رود با افتتاح سایت جدید خلأ موجود را تا حدودی برطرف کند و اطلاعات خوبی از مسجد در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار دهد.

سازمان عمران‌مساجد هم یک سایت دارد با آدرس: www.OmeraneMasjed.com

ستاد اقامهٔ نماز نیز از سایت‌سازی عقب نمانده و یکی از صفحات سایت خود را به مسجد اختصاص داده است که از نظر محتوایی بیشتر به احکام و معرفی مکان مساجد تهران نظر دارد.

امام‌المسجد یک سایت عربی‌زبان بوده و آدرس آن چنین‌است: www.alimam.ws

و اما نگفته نماند که در موضوع مسجد اخبار کاملی را نسبت به سایت‌های دیگر در خود جای داده است.

مسجد نیوز www.masjednews.com فقط به ذکر آدرس حدود صد مسجد کفایت کرده است.

در گروه دوم مساجد خاص مثل مسجد جامع بزرگ هرات، مسجد مقدس جمکران، مسجدالجن، مسجدالقاء، مسجد آبورن در استرالیا، مسجدی در شرق لندن و مسجدی در لیتوانی را می‌توان نام برد.

گروه سوم که به معرفی مساجد تاریخی و توریستی کشورهای ترکیه، مصر، هند، چین و ایران می‌پردازد.

گروه چهارم بیشتر مربوط به دایرةالمعارف‌های خارجی که در خارج متداول است حدود یک صفحه به معرفی مساجد به عنوان معبد یا مکان عبادت مسلمانان پرداخته شده است. اخیراً در حوزه، برنامه‌هایی برای نوشتن دایرةالمعارف قرآن، اهل‌بیت و اسلام آغاز شده، و اگر دایرةالمعارفی برای موضوع مسجد نوشته شود برای محققان خارجی و داخلی قابل استفاده خواهد بود.

گروه پنجم از نام و عنوان مساجد برای مرکز فرهنگی مانند مسجد صاحب‌الزمان دزفول، مسجد امام مالک‌الاغواط، مسجدالکوثر، مسجد امام مهدی کویت، المسجدالکبیر.

گروه ششم معرفی مکان مساجد یک کشور یا منطقه. معرفی مساجد لبنان، اصفهان، مساجد تاریخی جهان، مساجد مدینه، آدرس مساجد آمریکا، معرفی مساجد بزرگ جهان و معرفی مساجد عالم اسلامی است.

با بررسی اجمالی روی این صفحات به این نتیجه می‌رسیم که سایت جامعی در موضوع مسجد نداریم که حق مطلب را اداکرده باشد و در این صفحات حتی یکی از فروعات مسجد هم به طور مفصل بیان نشده است.

ضعف اصلی چنین پایگاه‌هایی روزآمد نبودن مطالب آن است؛ برخی از این پایگاه‌ها مدت‌هاست به حال خود رها شده و تغییر محسوسی در آن صورت نگرفته است. و این موضوع در دنیای رو به رشد اینترنت به معنای عقب ماندن از پایگاه‌هایی است که همگان با فناوری اطلاعات و ارتباطات به ارائهٔ مطالب نوین می‌پردازند و بیشترین مشتری را نوآوران به خود اختصاص می‌دهند.

مسؤولین کشور ما در زمینهٔ فناوری و اطلاعات، سیاست «بلاتکلیفی» را لحاظ کرده‌اند مثل اینکه این صنعت را رها کرده‌اند و روند گذشت زمان و مردم آن را به پیش می‌برند ولی در آینده‌ای نه چندان دور، جبر زمانه آن‌ها را مجبور خواهد کرد به این سمت پیش بروند.

به نظر نمی‌رسد که گاه مسؤولین و دست‌اندرکاران مساجد نسبت به این رسانه، از مشکلات بکاهد. این نگاه باید به وسیلهٔ مدیران بانشاط، مبتکر و خلاق و نسل نو حوزهٔ علمیه مورد بازبینی قرار گیرد.

ضعف بعدی که کاملاً مشهود است نبود سازمان، اداره یا ارگانی خاص و فراگیر در مدیریت امور مساجد کشور است. در زمان حاضر سازمان رسیدگی به امور مساجد تنها متولی است که برای مساجد تهران فعالیت می‌کند و با اینکه مسؤول برگزاری هفتهٔ جهانی مساجد در ایران است که وجهه بین‌الملل دارد، به‌طور جدی وارد عرصهٔ اینترنت نشده است.

مسؤولین رسیدگی به امور مساجد می‌توانند یک شبکهٔ «اطلاع‌رسانی مساجد» راه بیندازد که این شبکه بتواند مباحث و اندیشه‌های مربوط به مساجد را عنوان کند و با مخاطبان داخلی فارسی‌زبان و مخاطبان آن سوی مرزها در سطوح مختلف، ارتباط منطقی برقرار کند و در جهت مسائل جهان اسلام مؤثر بیفتد.

به وسیلهٔ فناوری اطلاعات می‌توان با کمترین هزینه، حلقهٔ اتصالی بین مساجد جهان ایجاد کرد و تجربیات دست‌اندرکاران مساجد را به یکدیگر منتقل کرد که در نزدیکتر شدن جهان اسلام در مسائل دینی و معنوی به یکدیگر نقش اساسی را ایفا نماید.

هزینهٔ ارتباطات در کشور ما و کشورهای توسعه نیافته، فراوان است. در دنیای سرعت و تکنولوژی، استفاده از روش‌های قدیمی بسیار پرهزینه و زمان‌بر می‌باشد. اینترنت، ارتباط را به حداقل زمان ممکن می‌رساند به طوری که هرکس در یک لحظه می‌تواند با تمام نقاط جهان ارتباط صوتی و تصویری برقرار کند و فوق‌العاده هزینه‌های ارتباطی را کاهش بدهد از این جهت جایگزین بهتری، برای آن یافت نمی‌شود.

ایجاد این شبکه در بعد فرهنگی می‌تواند بیشترین کمک را به جهان اسلام انجام دهد.

نقاط بسیاری از جهان اسلام هستند که در فقر عقیدتی و فرهنگی به سر می‌برند و حتی احکام اولیه یک مسلمان را نمی‌دانند! با انتقال فرهنگ ناب علوی می‌توانیم با ارتباط با این قشر، رشد بسزایی در فرهنگ آن‌ها از راه دور ایجاد کنیم و آن‌ها را با فرهنگ تشیع بیشتر آشنا کنیم و پاسخگوی تمام سؤالات و شبهات آن‌ها باشیم و این همکاری و تبادل فرهنگی در مدّت کوتاهی اثرات خود را ظاهر می‌کند و باعث گسترش بیداری اسلامی در بین مسلمانان می‌شود و جهان اسلام را از پایین متحول خواهد کرد.

مشکلات کلان جهانی و تهدیدات جهانی علیه مسلمانان، لزوم همبستگی بیشتر ملت‌ها و جوامع مسلمان را ضروری ساخته است. بدیهی است که برای حل این معضلات، عزم و ارادهٔ جمعی ملت‌ها لازم است. و این عامل یکی از علل اهمیت یافتن مسألهٔ جهانی شدن در دنیای اسلام خواهد بود.

برخی‌ها پراکندگی جمعیتی جهان اسلام را مضرّ می‌دانند ولی می‌توان این پراکندگی را مزیّت بزرگی برای جهان اسلام دانست به شرطی که بین آن‌ها ارتباط برقرار کنیم و از این نیروها جهت پیشرفت و سربلندی اسلام در جهان بهره بگیریم و مهم این است که این پراکندکی مدیریت شود تا قدرتمندی جهان اسلام افزایش یابد.

ما شاهد تشکیل لابی‌های صهیونیستی در تمام کشورهای دنیا هستیم که اهداف اسرائیل را در آن کشورها پیش می‌برند؛ حال چرا ما مسلمانان کانون‌های تجمع در اطراف مسجد برای اهداف اسلامی تشکیل ندهیم؟!

اختلاف نژادها و زبان‌ها و قومیت‌ها در اسلام جایگاهی ندارد؛ اگر مجموعهٔ جهان اسلام با هم ارتباط درستی داشته باشند، به عظیم‌ترین و ثابت‌ترین قدرت سیاسی دنیا تبدیل می‌شوند و هیچ قدرتی توان مقابله با آن را ندارد چراکه مقابله با ملت‌ها خیلی سخت است و قدرت واقعی در مردم به خصوص انسان‌های مؤمن نهفته شده است.

ایجاد این شبکه می‌تواند دل‌های مسلمین را به هم نزدیک کند و چون در مساجد، افراد از تندروی‌ها و کج‌روی‌ها مصون می‌مانند و توسط عقل جمعی اکثریت مؤمنین به سوی خدا پیش می‌روند.

در عصر آزادی بیان که نشریات و تلویزیون و رادیوهای جهان مرتباً بر علیه مسلمانان اخبار دروغ منتشر می‌کنند و مسلمانان را در جهان تروریست معرفی می‌کنند، با ایجاد این شبکه می‌توان جلوی نشر این اکاذیب را گرفت و عقاید صحیح مسلمانان را ترویج داد. ایجاد این ارتباط حیاتی است. مسلمانان با این ارتباط و همبستگی می‌توانند اسلام را قدرتمند کنند و مساجد به عنوان جایگاه حرکت‌های ضداستکباری و استعماری در دنیا مطرح شوند و زمینهٔ ظهور امام عصر حضرت مهدی(عج) را فراهم نمایند.

مهمترین کاربرد اینترنت در مدیریت و هماهنگی مساجد در ابعاد گوناگون می‌باشد. مشکل اصلی در مدیریت مساجد، نبود ارتباط بین مساجد و یک نهاد رسیدگی به امور مساجد است. این شبکه قدرت حل این مشکل را دارد. مشکل دیگر اطلاع‌رسانی ضعیف به دست‌اندرکاران مساجد می‌باشد که حتی در مورد قوانین محدود در امور مساجد اطلاع ندارند و حق انشعاب آب و گاز و برق که برای مساجد رایگان است مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

در موضوع مسجد حدود شانزده مؤسسه، نهاد دولتی چندین مؤسسهٔ خصوصی فعالیت می‌کنند که از روند کار یکدیگر اطلاع ندارند و با انجام کارهای موازی بودجه سنگینی به آن‌ها تحمیل می‌شود. این شبکه می‌تواند عامل برقراری ارتباط میان آن‌ها باشد و با سیاست‌های کلی آن‌ها را به یک سمت ببرد.

یکی از دغدغه‌های دلسوزان مساجد شائبه دخالت دولت در امور مساجد است که با راه‌اندازی این شبکه می‌توان بدون دخالت دولت، کار نظارت بر عملکرد مساجد و حمایت از متولیان مساجد و برطرف کردن مشکلات مساجد در زمینهٔ فرهنگی، علمی، حقوقی، معماری و... قدم‌های بلند برداشت.

مدیر اصلی مساجد، روحانیون هستند که به وسیلهٔ این شبکه می‌توان به آسانی با آن‌ها ارتباط برقرار کرد. در صورت لزوم توسط آموزش از راه دور نکات لازم در امور مساجد را به آن‌ها آموزش داد. یکی از آسیب‌های روحانیت، آشنایی ناکافی با علوم روز و جدید است که با اجرای این طرح حداقل در روحانیون نسل جدید اثرگذار خواهد بود و در این شبکه

تجربیات روحانیون موفق و مطالب جدید و تحلیل‌های علمی را در آدرس پستی شخصی آن‌ها (Email) ارسال کرد.

در مدیریت مساجد کشور هیچ شخصیت حقوقی و یا حقیقی حق دخالت در امور مساجد را ندارد. آنچه در مدیریت مساجد مطرح است فقط حمایت و هماهنگی از فعالیت‌های مساجد است و مدیران حقیقی مساجد، تنها روحانیون‌اند.

پیشنهادات

خوب است شبکهٔ اطلاع‌رسانی در مساجد ایجاد شود مانند شبکهٔ بانکی کشور که تمام بانک‌ها با هم و با بانک مرکزی متصل هستند، و شبکه می‌تواند تمامی جهان را مورد پوشش قرار دهد. شاید برخی فکر کنند این پیشنهادی آرمانی و غیرعملی است اما تنها راه و با کمترین هزینه و بیشترین سرعت برای هماهنگی بین مساجد جهان، ایجاد این شبکه است.

با وارد کردن این تکنولوژی به مساجد و آموزش دست‌اندرکاران مساجد، ارتباط دوسویه در شبکه برقرار می‌شود این فرصتی است بس بزرگ.

این شبکه باید با زبان‌های گوناگون دنیا و قومیت‌های مختلف ایران، آمادهٔ ارائهٔ خدمات باشد و مطالب آن برای تمامی رده‌های سنی، کودکان، نوجوانان و بزرگسالان جذابیت داشته و دارای نوآوری و ابتکار باشد و از توانایی برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی دیگر برخوردار باشد.

اخیراً مؤسسهٔ اطلاع‌رسانی تبیان در پایگاه اینترنتی خود اعلام کرد: در نظر دارد تعداد چهارصد مسجد را در سراسر کشور به رایانه و اینترنت رایگان مجهز نماید و این کار را در بیست مسجد منطقه نارمک تهران به اتمام رسانده است.

به راحتی می‌توان با ایجاد ارتباط بین این رایانه‌ها، یک شبکهٔ سراسری ایجاد کرد و ابتدا مساجد بزرگ شهرها را به آن متصل کرد و به تدریج دیگر مساجد را به این شبکه متصل کرد تا در یک زمان نه چندان دور، این پروژه با حمایت مسؤولین، محقق و رسالت مساجد برای نسل‌های آینده نیز تحقق یابد.

دولت در نظر دارد جایگاه استفاده از اینترنت عمومی را در مکان‌های عمومی مانند دانشگاه‌ها، فرودگاه‌ها، ترمینال‌ها نصب کند و این طرح در برخی جاها در حال بهره‌برداری است. با اجرای این طرح در مساجد با کمترین هزینه می‌توان از خدمات اینترنت استفاده نمود و نصب این رایانه‌ها در مساجد نوعی ترویج استفادهٔ صحیح از اینترنت است؛ چراکه فعالیت‌های گوناگون در مساجد، جنبه‌های دینی و فرهنگی‌اش غلبه پیدا می‌کند و به آن تعادل می‌دهد و این از خصوصیات مسجد است. اگرچه با نبود یک مدیریت واحد در امور مساجد، ایجاد این شبکه امری است بعید و دور از انتظار؛ اما حداقل با راه‌اندازی یک پایگاه اینترنتی فعال در امور مساجد و ارائهٔ خدمات اینترنتی به مشتاقان مسجد در سراسر جهان، می‌توان خلاء موجود را تا حدودی برطرف کرد.

خصوصیاتی که خوب است این سایت داشته باشد

۱ ـ به روز بودن و فعال بودن؛

۲ ـ برخورداری از زبان‌های گوناگون؛

۳ ـ برخورداری از محتوای غنی؛

۴ ـ اختصاص فضایی برای مؤسسات و نهادهای مرتبط با مسجد؛

۵ ـ دایر کردن اتاق‌های گفتگو؛

۶ ـ پاسخ به سؤالات شرعی و مشاورهٔ مذهبی؛

۷ ـ پخش اذان و اعلام زمان آن و همچنین اعلام قبله در تمامی نقاط جهان؛

۸ ـ ایجاد مسجد مجازی به منظور عبادت در فضای سایت؛

۹ ـ ارتباط با دفاتر مراجع و پایگاه‌های فرهنگی مرتبط؛

۱۰ ـ ایجاد کتابخانه مجازی کامل با موضوع مسجد؛

۱۱ ـ انتقال تجربیات مساجد و روحانیون موفق؛

۱۲ ـ اختصاص فضایی به منظور معماری مساجد.

مسجد نماد همبستگی اسلامی

▣ سید علی سادات فخر

▣ **چکیده**

برافراشتن بنیان‌های مسجدالحرام توسط حضرت ابراهیم علیه السلام و تأسیس مسجد در آغاز مهاجرت به مدینه توسط پیامبر گرامی اسلام، نماد همبستگی اجتماعی را به نمایش می‌گذارد؛ براین اساس احترام و حفظ مسجد برای پایداری همبستگی یک ضرورت است و حضور در مسجد تمرینی برای همبستگی دینی محسوب می‌گردد.

نگارنده با اشاره به لزوم آراستگی ظاهر و پیراستگی باطن به هنگام حضور در مسجد، جهت‌دهی اعمال عبادی برای تداوم همبستگی را مورد توجه قرار داده، و براستفاده عمومی از مسجد و لزوم محافظت از آن تأکید ورزیده است و در پایان ساختن آینده را از مساجد و با مساجد راه‌حل تعالی امت اسلامی دانسته است.

اشاره

ابراهیم علیه السلام به همراه همسر و کودک خردسالش راه بیابان در پیش گرفت. او نه سودای سوداگری داشت، نه دل گردشگری؛ آن سه آرام آرام به سمت بیابان‌های بی‌آب و علف پیش رفتند تا به سرزمین موعود رسیدند.

او کوله‌بار مهاجرت بر زمین بی‌آب و علف نهاد و بر پایه‌های برجای مانده از روزگار انسانِ آسمانی، خانهٔ خدا را باز ساخت.

﴿وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْراهِيمُ الْقَواعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْماعِيلُ﴾.[۱]

او خانه‌ای نمادین برای نمایش همبستگی ادیان وحیانی در سطح جهانی ساخت و چه زیباست که نام آن خانه، مسجدالحرام[۲] نهاده شد. در قرآن مجید به مسجدالحرام، خانهٔ خدا (بیت الله الحرام) نیز اطلاق شده است.[۳]

ابراهیم خلیل الله[۴] در کنار همسر و فرزند خردسالش دست به آسمان بلند کرد و گفت:

﴿رَبَّنا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنا لِيُقِيمُوا الصَّلاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَ ارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَراتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ﴾.[۵]

پس از بازسازی خانه خدا، ابراهیم خلیل علیه‌السلام، تاریخی‌ترین تصمیم خویش را گرفت؛ او تنها برگشت و همسر و فرزندش را در کنار مسجدالحرام برجای نهاد. نه این بود که او به تنهایی یک امت بود[۶] و اکنون این اسماعیل است که باید چونان پدر خویش، ادامه دهنده و گسترش دهندهٔ امت باشد.

روزها و ماه‌ها و سال‌ها گذشت و اندک‌اندک خانه‌ای که خلیل خداوند برای سپاس‌گزاری از خداوند ساخته بود، به مکانی برای ناسپاسی تبدیل شد. خداوند برای آخرین بار برای انسان پیامی ویژه به وسیله حبیبش فرستاد. حبیب خدا، رسول گرامی اسلام

---

۱. بقره / ۱۲۷. «و آنگاه که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه را بالا می‌بردند».

۲. در قرآن ۱۵ بار کلمه مسجدالحرام آمده است، روحانی، فرهنگ آماری کلمات قرآن: ج ۳، ص ۱۳۹۵.

۳. ابراهیم / ۳۷.

۴. نساء / ۱۲۵. «و اتخذ الله ابراهیم خلیلاً».

۵. ابراهیم / ۳۷. ترجمه مجتبوی: «پروردگارا! من برخی از فرزندانم را به درّه‌ای بی‌کشت، نزدیک خانه شکوهمند تو جای دادم، پروردگارا تا نماز به پا دارند، پس دل‌هایی از مردمان را چنان کن که به سوی آنان گرایند و از میوه‌ها روزیشان ده، باشد که سپاس گزارند».

۶. نحل / ۱۲۰.

آمد و پیام خداوند را با کلمات خداوند بر انسان گم کرده راه، قرائت کرد و مسجدالحرام را به جایگاه اصلی خویش برای عبادت و سپاس گزاری برگرداند. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام در کنار خانهٔ خدا سیزده سال مبارزه نمود، و به تبلیغ آئین الهی اسلام پرداخت و در برابر تخریب و تزویر و تطمیع کافران و مشرکان مقاومت نمود زمانی که احساس کرد آنان توطئه کشتن او را در سر می‌پروراند، در آن لحظه بود که آن حضرت تصمیمی تاریخ‌ساز گرفت و هم‌چون ابراهیم مهاجرت نمود. او ناچار از کنار نماد همبستگی جهانی دین اسلام مهاجرت کند، ولی او نیز یک امت و تصمیم‌گیری او هم‌چون ابراهیم علیه‌السلام سرنوشت ساز بود.

او در نخستین اقدام خویش پس از مهاجرت، نمادی جدید از همبستگی اسلامی بنیان نهاد، نامش را مسجد نهاد به عنوان نمادی از همبستگی اسلامی در سطح ملی و خردتر.

او با تأسیس مسجد به عنوان نمادی از همبستگی اسلامی در سطح قومی و ملیتی و کشوری، در حقیقت نمایش نمادین همبستگی اسلامی را بومی ساخت و تمرینی برای نمایش بزرگ و بین‌المللی از همبستگی اسلامی در موسم حج را فراهم آورد.

رسول خدا برای دین اسلام که دینی جهانی است، با صبغهٔ اجتماعی ـ سیاسی، ساز و کارهایی تعبیه نمود تا همهٔ افراد را در سراسر گیتی در هویت اسلامی، هم‌بسته سازد و آنان را برای ساخت امت واحد به مشارکت فراخواند.

واقعیت این است که تا همبستگی برقرار نشود، نمی‌توان به مشارکت رسید و راه رسیدن به مشارکت فقط از طریق گذر از پل همبستگی میسر می‌شود.

در این مقاله تلاش شده است که این نظریهٔ اجتماعی با استفاده از آیات قرآن تبیین شود؛ در حقیقت این نظریهٔ قرآنی است و این قرآن است که خود را تفسیر می‌کند.

احترام و حفظ مسجد و معبد برای پایداری همبستگی

نخستین دستور خداوند به انسان، در فرهنگ ادیان وحیانی پس از اعتقاد به توحید، معاد و نبوت، حرمت‌بخشی به معابد و مساجد است و فرمان به جلوگیری از تخریب و نابودی آنها. دقت در این فرمان، ما را به حقیقتی رهنمون می‌سازد که شرط نخست گام نهادن در این راه

و پذیرش حرمت نهادن به غیر است؛ حتی در حد حرمت و احترام نهادن برای هر مکان. چنین است که خداوند اراده نموده است که انسان به معابد و مساجد حرمت نهد و فقط پایگاه همبستگی خود را از دست ندهد و خداوند وعده داده است که چنین افرادی را یاری کند.

﴿ وَ لَوْ لاٰ دَفْعُ اللّٰهِ النّٰاسَ بَعضُهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوٰامِعُ وَ بِيَعٌ وَ صَلَوٰاتٌ وَ مَسٰاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِراً وَ لَيَنْصُرَنَّ اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾.[1]

اکنون با پذیرش حرمت نهادن به مسجد و معبد، شما می‌توانید اندک اندک حرمت نهادن به هر مسلمان را یاد بگیرید و در نهایت به حرمت نهادن به امور انتزاعی و اعتباری گردن نهید.

از این منظر به روایات نگاه کنید که حرمت نهادن به مؤمن را در کنار حرمت نهادن به کعبه قرار داده است.

«عن اَبی عبدالله قال الله عزّوجلّ في بلاده خمس حرم حرمة رسول الله و حرمة آل رسول الله و حرمة کتاب الله عزّوجلّ و حرمة کعبة الله و حرمة المؤمن».[2]

البته در پاره‌ای از روایات، حرمت مؤمن بیشتر از حرمت کعبه معرفی شده است.

توجه به این نکته مهم است که معارف قرآن به صورتِ ساختاری به هم پیوسته است، گرچه در شکل نزول و قرائت بر مردم توسط حضرت رسول به صورت ناپیوسته آیات قرآن نازل شده است. بر این مبنا شما آیات مربوط به مسجد را بنگرید که چگونه فرمان به حفظ حرمت مسجد با دستور دیگری در ساختاری واحد قرار می‌گیرد و هماهنگ، به هدفی مشخص اشاره دارد.

---

۱. حج / ۴۰. «و اگر خداوند برخی را به برخی باز نمی‌داشت هر آینه دیرها[ی راهبان] و کلیساها[ی ترسایان] و کنشتها[ی جهودان] و مسجدها[ی مسلمانان] که در آنها نام خدا بسیار یاد می‌شود ویران می‌گردید؛ و البته خدا کسی را که [دین] او را یاری کند یاری خواهد کرد».

۲. کلینی، الکافی: ج ۸، ص ۱۰۷.

حضور در مسجد، تمرین همبستگی دینی

در آموزه‌های قرآنی، حضور در مسجد یا حفظ حرمت مسجد، منحصراً کافی نیست زیرا شما در مسجد از پایگاه فردیت خود حضور پیدا نمی‌کنید، بل حضور شما از جایگاه اجتماعی شماست؛ بنابراین باید افزون بر حفظ حرمت مسجد، به عناصر تشکیل دهندهٔ نماد همبستگی نیز حرمت نهید و به آنان به‌گونه‌ای حرمت نهید که به مسجد حرمت می‌نهید.

اکنون بنگریم که قرآن کریم چه هدیّهٔ آسمانی در این زمینه برای ما به ارمغان آورده است:

۱. آراستگی ظاهر هنگام حضور در مسجد

قرآن درخصوص حضور مسلمانان، در مسجد حساسیت نشان داده و برای حضور آنان در مساجد قانونی ویژه تشریع کرده است. در این قانون آمده است: ای فرزندان آدم باید هنگام حضور در هر مسجد آراسته باشید و خود را با زینت‌هایتان بیارایید:

﴿ يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾.[۱]

ژرف نگری در واژه واژهٔ آیه، این حقیقت را آشکار می‌کند که هر انسانی هنگام حضور در مسجد، باید از نظر وضع ظاهری به‌گونه‌ای باشد که موجب نفرت و تنفر دیگران از حضور در مسجد نشود. لزوم آراستگی ظاهری برای حضور در مسجد، با نگاه اجتماعی لحاظ شده است و گرنه در نگاه فردی، هر کسی در فردیت خویش هرگونه که خواست می‌تواند در معبد حاضر شود و به تنهایی با خدای خویش به نیایش بپردازد؛ ولی در اسلام، مسجد پایگاه اجتماعی مسلمانان است، از این رو با استفاده از هیئت امر در آیه دستور به آراستگی به‌کار رفته و عمومیت آیه در شمول هر مسجد و در هر زمان ورود، به‌گونه‌ای است که هر انسانی در هر لحظه‌ای که بخواهد به مسجدی وارد شود، باید آراسته باشد.

بنابراین آراستگی ظاهر هنگام حضور در مسجد، نخستین گام برای همبستگی،

---

۱. اعراف / ۳۱. ترجمهٔ مجتبوی: «ای فرزندان آدم، نزد هر مسجدی ـ به هنگام نماز ـ آرایش خویش ـ جامه و آنچه مایهٔ آراستگی است ـ فراگیرید».

به‌معنای تحمل یکدیگر و در کنار یکدیگر بودن و احساس قرابت و نزدیکی کردن از لحاظ ظاهری است.

۲. پیراستگی باطن هنگام ورود به مسجد

اکنون وقت آن رسیده است که باطن خویش نیز چونان ظاهر خویش کنید و خود را به زینت‌های اخلاقی (= فضایل) بیارایید که «در محضر دوست، آن کس نیکوست که ظاهر و باطنش همسوست»:

﴿ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾.[1]

واژه واژهٔ این آیه نیز به صراحت بیان می‌کند آن کس که به مسجد در آید، باید خدا را خالصانه در نظر بگیرد و فقط برای خدا بیندیشد و عبادت و عمل کند. واقعیت این است که تشخص انسان به تکثر اوست و تکثر او به سادگی می‌تواند به مانعی برای همبستگی تبدیل شود. یگانه راه طی شده در طول تاریخ برای ایجاد همبستگی انسان‌های متکثر، همان راه پیشنهادی در این آیه شریفه است که همه تکثرها با یگانه کردن انگیزه‌ها بر مبنای عبودیت و اخلاص، به همبستگی و وابستگی به یکدیگر می‌رسند.

اکنون تصور کنید جمعی را، که در مسجد حاضرند و آراستهٔ ظاهر و پیراسته باطن، آیا آنان مشکلی برای همبستگی با یکدیگر در ظاهر و باطن دارند؟ آیا تصور می‌شود که آنان آمادهٔ مشارکت در کارها با یکدیگر نباشند؟ آیا تصور می‌شود که آنان غمخوار یکدیگر نباشند؟ آیا تصور می‌شود که آنان در برابر سرنوشت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... یکدیگر بی‌اعتنا باشند؟ و در نهایت آیا آنان مانعی برای تشکیل امت واحده دارند؟

حقیقت این است که در این ساختار، هنگام حضور در مسجد (آراستهٔ ظاهر و پیراستهٔ باطن)، من خود را در او می‌بینم و او خود را در من می‌بیند، هر چه را برای خود دوست داشته

---

۱. اعراف / ۲۹. ترجمه مجتبوی: «و روی توجه خویش نزد هر مسجد هنگام هر نماز به سوی او فرا دارید، و او را بخوانید در حالی که دین را ویژه او کرده باشید ـ بای او انباز نگیرید».

باشم، برای او دوست دارم و هرچه برای او نخواهم، برای خود نیز نمی‌خواهم؛ امام علی علیه‌السلام فرمود:

«یا کمیل المؤمن مرآة المؤمن لانّه یتأمّله و یسدّ ویجمّل حالته یا کمیل المؤمنون إخوةٌ و لاشیء آثر عند کلّ أخ من أخیه یا کمیل ان لم تحبّ أخاك فلست أخاه».[۱]

از این رو هنگامی که مؤمن به دیگر مؤمن نگاه می‌کند، گویا هر دو یکی هستند و همبسته و وابسته؛ به تعبیر مولوی:

جان گرگان و سگان از هم جداست　　متحد جان‌های شیران خداست[۲]

مسجد نماد همبستگی اسلامی

۱. مسجد سازی برای ایجاد همبستگی

در تاریخ اسلام، حوادث شگفت‌آوری رخ داده است که از منظر الهی، اهمیتی فراوان داشته و در وحی خداوند به پیامبر گرامی اسلام بازتاب یافته است تا به ما بیاموزد که از این حوادث تاریخی، باید عبرت آموخت و برای همیشه در قالب نخستین و گویاترین نمونه در حافظهٔ تاریخی مسلمانان به یادگار بماند. حادثه چنین رخ داده است:

پس از هجرت حضرت رسول خدا به مدینه و نخستین اقدام آن بزرگوار در ساختن مسجد، نهضت مسجدسازی به سرعت شگفت آوری در میان مردم مدینه آغاز گشت و مسجدهای فراوانی در زمانی کوتاه، پدید آمد انگیزه‌ی مسلمانان از مسجدسازی در این دوران در این آیه به روشنی بیان شده است:

﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجٰالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ﴾.[۳]

---

۱. نوری، مستدرك الوسائل: ج ۹، ص ۴۸، باب وجوب أداء حق المؤمن.

۲. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم: ص ۳۵۰.

۳. توبه / ۱۰۸. «هر آینه مسجدی که از نخستین روز بر پرهیزگاری بنیاد یافته ـ مسجد قبا ـ سزاوارتر است که در آن (به نماز) بایستی، که در آن مردانی‌اند که دوست دارند پاکی ورزند و خدا پاکی ورزان را دوست دارد».

پیامبر گرامی اسلام از این روند رو به رشد مسجدسازی در میان مسلمانان استقبال کردند، ولی در سال نهم هجری در برابر مسجدسازی ابو عامر پدر حنظله شهید «غسیل الملائکه» در دهکده قبا، واکنش تندی از خود نشان دادند و دستور دادند این مسجد را خراب کنند و تیرهای آن را بسوزانند و برای مدتی، این مکان مرکز زباله باشد.[۱]

در قرآن چه بسیار زیبا و گویا به این واقعیت تاریخی به کارکردهای مسجد ضرار اشاره شده است:

﴿ وَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِداً ضِرٰاراً وَ كُفْراً وَ تَفْرِيقاً بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِرْصٰاداً لِمَنْ حٰارَبَ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَ لَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنٰا إِلاَّ الْحُسْنىٰ وَ اللّٰهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكٰاذِبُونَ﴾.[۲]

در این آیه به صراحت بیان شده است که کارکرد مسجد «ضرار» در صدر اسلام در راستای تحقق همبستگی اسلامی نبوده است. این واقعیت تلخ تاریخی است که برخی افراد فرصت‌طلب از طرح رسول خدا در مسجدسازی برای افزایش همبستگی سوء استفاده کردند و همان طرح را برای کاهش همبستگی به کار گرفتند، ولی رسول گرامی اسلام به سرعت واکنش نشان داد و با تخریب مسجد ضرار، نهضت مسجدسازی را به راه و انگیزه‌ی اصلی خویش رهنمون ساخت.

بنابراین با توجه به تصریح قرآن، مهم‌ترین کارکرد مسجد، باید ایجاد و افزایش همبستگی باشد و هر مسجدی که در راستای همبستگی اسلامی عمل نکند، مسجد نیست؛ زباله دانی است که به اشتباه نام مسجد بر آن نهاده شده است!

از سوی دیگر به تاریخ بنگرید، انسان‌هایی بزرگ به وجود می‌آیند تاریخ ساز؛ آنان به قدری بزرگند که به سرعت نماد یک قوم و ملت خواهند شد. بدیهی است شما نمی‌توانید با نمادهای گوناگون به همبستگی دست یابید. لذا بهترین راه، استفاده از مسجد برای حفظ همبستگی واحد و ماندگاری آن چهرهٔ ماندگار در حافظه تاریخی یک ملت یا تمدن

---

۱. سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام: ص ۴۸۶.

۲. توبه / ۱۰۷. «و (گروهی از منافقانند) آنان که مسجدی گرفتند ـ ساختند ـ برای گزند رساندن و کفر ورزیدن و جدایی افکندن میان مؤمنان و ساختن کمینگاهی برای کسانی که با خدا و پیامبر او از پیش در جنگ بودند».

است. در این زمینه به قرآن بنگریم که چگونه با استفاده از مسجدسازی بر قبور اصحاب کهف، ضمن ماندگار کردن نام و کار آنها در حافظهٔ تاریخ، نماد واحد همبستگی را در ادیان وحیانی ارایه می‌کند:

﴿ قٰالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيهِمْ مَسْجِداً﴾.[۱]

با این نگرش است که همیشه بنای یادبود بزرگان و تاریخ سازان در فرهنگ اسلامی با مسجد شکل گرفته و با مسجد حفظ شده است و با آن تداوم خواهد یافت.

۲. جهت دهی عبادی اعمال در مسجد برای تداوم همبستگی

همبستگی به نقطهٔ اتکایی نیاز دارد که در دراز مدت کارکرد خود را حفظ کند و تداوم یابد. حقیقت این است که فقط نقطهٔ اتکایی که برای تداوم همبستگی اسلامی در مسجد می‌توان تصور کرد، جهت دهی عبادی به کارها در مسجد است. شما به تاریخ صدر اسلام نگاه کنید، مسجد در آن زمان کارکردی چند منظوره داشته است و فقط برای نماز و اعمال عبادی خاص مثل اعتکاف و غیره نبوده است. شما به احکام فقهی بنگرید؛ برای حضور و توقف در مسجد فقط چند مورد استثنا شده است؛[۲] در این صورت شما برای هر کاری (بجز موارد استثنا) می‌توانید به مسجد وارد شوید و در آنجا حضور یابید، اما فقط یک شرط را باید رعایت کنید و آن شرط، جهت دهی عبادی به کارهایتان است. اکنون به سخن قرآن بنگریم:

﴿ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ﴾.[۳]

آوردن واژهٔ «**وجوه**» و کنار هم چیده شدن واژه‌های «**بالقسط**»، «**وجوهکم**»، «**ادعوه**» و «**مخلصین**»، خودگویای این واقعیت است که روی و جهت هر کاری در مسجد، خداخواهی و عبودیت باید باشد. با این جهت‌گیری، هر کاری در مسجد عبادت است و جز کار عبادی

---

۱. کهف / ۲۱. «کسانی که بر کارشان آگاهی و دست یافتند ـ یکتاپرستان ـ گفتند: ما بر آنان مسجد می‌سازیم».

۲. بقره / ۱۸۷.

۳. اعراف / ۲۹. «بگو: پروردگار من به انصاف و داد فرمان داده و اینکه روی ـ و توجه ـ خویش نزد هر مسجدی ـ و هنگام هر نمازی به سوی او ـ فرا دارید و او را بخوانید در حالی که دین را ویژهٔ او کرده باشید».

در مسجد رخ نخواهد داد.

بگذارید دوباره از قرآن استمداد جوییم تا معارف خویش را بر ما مکشوف سازد:

﴿وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلّٰهِ فَلاٰ تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ أَحَداً﴾.[۱]

در این آیه نیز به وضوح جهت‌گیری عبادی اعمال در مسجد بیان شده است. از این منظر نیازی به اثبات چند منظوره بودن مسجد با استفاده از تاریخ نیست؛ گرچه تاریخ اسلام و سیرهٔ رسول گرامی اسلام و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام مؤید این برداشت نیز خواهد بود.

۳. استفادهٔ عمومی از مسجد نه انحصاری در قالب نماد عام همبستگی

اصولاً هنگامی که مکانی به مسجد اختصاص داده شد، آن مکان از ملکیت انسان خارج شده و در ملک خداوندقرار می‌گیرد:

﴿إِنَّمٰا يَعْمُرُ مَساجِدَ اللّٰهِ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الآخِرِ﴾.[۲]

البته ارزشمندی تخصیص ملک به مسجد به این است که براساس تقوا و قربةً الی الله باشد:

﴿لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجٰالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَ اللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ﴾.[۳]

بر این مبنا استفاده از ملک خداوند در جهت خشنودی و تقرب به او برای همگان یکسان است و انحصاری در این زمینه امکان‌پذیر نیست و همگان آزادند از آن برای کارهای عبادی خویش استفاده کنند. در این زمینه رهنمودهای الهی در قرآن کریم راه‌گشاست. در قرآن کریم با کسانی که مردم را از استفادهٔ عبادی از مسجد منع می‌کنند به شدت برخورد می‌شود و آنان را ستمکارترین انسان‌ها بر می‌شمارند:

---

۱. جن / ۱۸. «و همانا مسجدها ـ یا اندام‌های سجده ـ برای خداست، پس با خدای یکتا کسی را مخوانید ـ نپرستید».

۲. توبه / ۱۸. «همانا مسجدهای خدای را آن کس ـ باید ـ آباد کند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده».

۳. توبه / ۱۰۸. «هر آینه مسجدی که از نخستین روز بر پرهیزکاری بنیاد یافته ـ مسجد قبا ـ سزاوارتر است که در آن به (نماز) بایستی، که در آن مردانی‌اند که دوست دراند پاکی ورزند و خدا پاکی ورزان را دوست دارد».

﴿ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسٰاجِدَ اللّٰهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعىٰ فِي خَرٰابِهٰا﴾.[۱]

بر مبنای طرح رسول گرامی اسلام در نهضت مسجدسازی، باید مسجد به صورت نماد همبستگی اسلامی از انحصار گروه یا طایفه و قوم و قبیله‌ای خاص درآید. افزون براین، مسجد در قالب نماد همبستگی اسلامی باید از اختصاصی و انحصاری شدنش برای ادای چند عمل عبادی به معنای خاص درآید تا به کارکرد عام و اصلی‌اش برسد، همان کارکردی که مسجد در زمان رسول گرامی اسلام داشت.

٤. محافظت از مسجد و جلوگیری از تخریب نماد همبستگی

پس از ایجاد نماد همبستگی و طراحی ساز و کار لازم برای تداوم همبستگی، اکنون لازم است که از این نهاد محافظت نمود و در برابر هر اقدامی برای تخریب آن جلوگیری کرد. در این زمینه فقه اسلامی احکام فراوان و بسیار سخت گیرانه‌ای برای تعمیر و نوسازی مسجد دارد؛ افزون براین در فقه اسلامی، اساساً تغییر کاربری مسجد منتفی است و مسجد برای همیشه باید مسجد باقی بماند. در این باره قرآن کریم تلاش در جهت تخریب مسجد را بزرگترین ظلم معرفی می‌کند:

﴿ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسٰاجِدَ اللّٰهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعىٰ فِي خَرٰابِهٰا أُولٰئِكَ مٰا كٰانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهٰا إِلاّٰ خٰائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيٰا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذٰابٌ عَظِيمٌ﴾.[۲]

بدیهی است وقتی نمادی برای همبستگی اسلامی توسط پیامبر معرفی شد، نمی‌توان آن را تغییر داد و یا اقدام به تخریب آن کرد، بنابراین این حفاظت از نماد همبستگی اسلامی و جلوگیری از تخریب آن، وظیفه‌ای همگانی است.

---

۱. بقره / ۱۱۴. «کیست ستمکارتر از آن که نگذاشت در مسجدهای خدا نام او را یاد کنند و در ویرانی آنها کوشید».
۲. بقره / ۱۱۴. «کیست ستمکارتر از آن که نگذاشت در مسجدهای خدا نام او را یاد کنند و در ویرانی آنها کوشید؟ اینان را نرسد که در آیند مگر بیمناک و هراسان؛ آنان را در این دنیا خواری و رسوایی و در آن جهان عذابی بزرگ است».

آینده را از مسجد و با مسجد بسازیم

آینده را از نو نمی‌سازیم، ماکوله‌باری از تجربه به همراه داریم با بیش از هزار و چهارصدسال پشتوانه، اکنون باید دوباره بیندیشیم که چه داریم و چه‌کم داریم؟ باید بیندیشیم که چه می‌کنیم و چه باید بکنیم؟

واقعیت تاریخی این است که در طرح نبوی، مسجد هم معبد بوده است و هم مَدرس؛ هم محراب بوده است و هم مهمانخانه. از این رو باید آینده را از مسجد بسازیم و آیندهٔ خویش را با مسجد تضمین کنیم. همان‌گونه که از آیات و تاریخ صدر اسلام بر می‌آید.

در پایان اگر مسجد، کارکردهای تعریف شدهٔ خود (در آیات و سیره) را داشته باشد و از انحصارگروه یا عمل خاصی درآید، بدون تردید دوباره همان کارکرد تربیتی گسترده‌ای که در صدر اسلام داشت، پیدا خواهد نمود و در قالب نماد همبستگی در سطح ملی مطرح خواهد شد.

مسجد و استقلال فرهنگی

▣ محمد سحرخوان

▣ چکیده

نگارنده پس از ارائه تعریف استقلال و اشاره به اهمیت آن، دیدگاه اسلام در مورد استقلال فرهنگی را مطرح و تحت عنوان مسجد و زمینه‌های استقلال فرهنگی آن، اذان را ندای آزادی و استقلال و قبله را نماد استقلال دانسته است و دخالت ندادن بیگانگان در امور مسجد و دفاع و حتی جهاد برای حفظ مساجد را جلوه‌های روشن استقلال فرهنگی اسلامی شناسانده است.

اشاره

برای مفهوم استقلال معانی گوناگونی طرح شده که جامع اشتراک بسیاری باهم‌اند و آن قطع مداخلهٔ بیگانگان، رهایی از سلطهٔ استعمار، احیای هویت ملی و دینی است. این‌ها مفاهیمی هستند که از ادبیات در دست، دربارهٔ استقلال قابل استنباط است.[1]

میل به استقلال، میلی فطری و درونی است و افراد و جوامع گوناگون در پی هویت و استقلال خویشتن‌اند و عزّت نفس خود را بر هر چیز مقدم می‌دارند و یکی از علت‌های

---

۱. استقلال و ضرورت‌های جدید: ص ۶۵.

کشمکش‌های عمده میان افراد بشر و جوامع گوناگون همین امر است.[۱]

استقلال جنبه‌های حقوقی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارد. وجوه گوناگون استقلال بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. بدون تحقق شکل حقوقی حاکمیت ملی نمی‌توان استقلال سیاسی داشت و بدون وجوه استقلال سیاسی نیز هویت فرهنگی مستقل متحقق نمی‌شود. شرط لازم برای استقلال با آزادی سیاسی در صحنهٔ بین‌المللی و امور داخلی، استقلال فرهنگی است؛ یعنی تحول عمیق اعتقادی، فکری و اخلاقی که طبعاً با ترک فرهنگ دیگران و بازگشت به اسلام و فرهنگ غنی و توحیدی آن همراه است.[۲]

اهمیت استقلال فرهنگی

استقلال فرهنگی، فکری و مکتبی از مهم‌ترین مسائل هر جامعه است. هر ملتی که از خود مکتبی مستقل و استقلال فکری داشته باشد و زیر بار مکتب‌های بیگانه نرود، حق حیات دارد. هر ملتی که فاقد مکتب مستقل باشد و بخواهد مکتبش را از بیگانه بگیرد یا گرایش به مکتب‌های بیگانه داشته باشد، ناچار تن به بردگی و بندگی بیگانه خواهد داد و در پی آن استقلال فکری و فرهنگی خود را به دست نمی‌آورد.[۳]

چنانچه ملتی استقلال سیاسی و اقتصادی به دست بیاورد، ولی استقلال فرهنگی نداشته باشد، آن ملت و جامعه شکست خواهد خورد.[۴]

از آن جاکه استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگی آن سرچشمه می‌گیرد و فرهنگ، اساسی‌ترین و اصولی‌ترین نقش را در کسب استقلال همه جانبه و حفظ و استمرار آن ایفا می‌کند، لذا اصلاح فرهنگ در رأس تمام اصلاحات قرار دارد و تحول فرهنگی را بزرگ‌ترین تحول در جهت رسیدن به جامعه انسانی سالم و مستقل می‌دانند؛ چراکه فرهنگ بزرگ‌ترین عاملی است که ملت را به تباهی و یا اوج عظمت و قدرت می‌رساند.

---

۱. استقلال و ضرورت‌های جدید: ص ۱۱.
۲. فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی: ۸۵ ـ ۸۷.
۳. پیرامون انقلاب اسلامی: ص ۱۵۸ ـ ۱۶۷.
۴. همان: ص ۱۷۰.

اسلام و استقلال فرهنگی

اسلام که دارای یک آیین اعتقادی، عبادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به‌طور کلی یک نظام کامل و فرهنگی مستقل دارد که از وحی سرچشمه می‌گیرد، جهان‌بینی مخصوصی دارد که زیربنای تمام برنامه‌هایش به‌شمار می‌رود و پرورش فضائل و کمالات انسانی را در رأس تمام برنامه‌های خود قرار می‌دهد.[۱]

فرهنگ غنی و انسان‌ساز اسلام به پیروانش استقلال و آزادی بخشیده و در برنامه‌هایش تابع هیچ مکتبی نیست و از پیروانش نیز خواسته تابع هیچ مکتبی جز اسلام نباشند.

با توجه به این واقعیت، که تحمیل فرهنگ‌های استعماری و استکباری و جایگزین کردن آن‌ها به جای فرهنگ‌های ملی و مذهبی کشورهای ضعیف و ستم دیده، سرلوحهٔ سیاست‌های سلطه‌گران و قدرت‌های استعماری قرار دارد تا بدین وسیله بتوانند به صورت عمیق‌تر آن‌ها را زیر سلطهٔ خویش در آورند و چون خداوند برای عزت و استقلال مسلمانان اهمیت فراوان قائل است[۲] و حفظ اسلام و عظمت مسلمانان را مبتنی بر حفظ استقلال سیاسی ـ فرهنگی و دوری از سلطه کافران و مشرکان دانسته است. لذا در قرآن بعد از موضوع جهاد، مسئله‌ای که بسیار روی آن تکیه شده است، موضوع استقلال مسلمانان است و این که کافران بر آنان هیچ‌گونه سلطه و استیلایی نداشته باشند.

﴿لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا﴾.[۳]

و مسلمانان را از هرگونه تسلیم و ساده‌انگاری و زود باوری در برابر بیگانگان برحذر داشته و خواهان هوشیاری در برابر توطئه‌های دشمنان است و از مسلمانان خواسته در برابر توطئه‌ها و هجوم بیگانگان همیشه در حال آماده باش باشند.[۴]

---

۱. مقایسه تئوری‌های مقایسه‌ای: ص ۶۴.
۲. منافقون / ۸.
۳. نساء / ۱۴۱.
۴. نساء / ۱۴۴.

مسجد زمینه‌ساز استقلال فرهنگی

در مسجد زمینه‌هایی وجود دارد که نه تنها بر آموزهٔ استقلال فرهنگی مسلمانان تأکید می‌ورزد بلکه زمینهٔ آن را فراهم می‌سازد:

۱. اذان ندای آزادی و استقلال

هر ملتی در هر عصر و زمانی برای برانگیختن عواطف و احساسات افراد خود و دعوت آنان به وظایف فردی و اجتماعی شعاری داشته است و این موضوع در دنیای امروز به صورت گسترده‌تری دیده می‌شود.

یهودیان، پیروان خویش را برای دعوت به نماز با دمیدن در شاخ آگاه ساختند. مسیحیان در گذشته و امروزه با نواختن صدای ناقوس، پیروان خود را به کلیسا دعوت می‌کنند ولی در اسلام برای این دعوت، از شعار اذان استفاده می‌شود که به مراتب رساتر و مؤثرتر است. صدای اذان به هنگام نماز در مواقع گوناگون از مأذنهٔ شهرهای اسلامی ندای آزادی و نسیم حیات بخش استقلال و عظمت است که گوش‌های مسلمانان راستین را نوازش می‌دهد و یکی از رموز بقای اسلام و یکی از شعائر بزرگ اسلامی و سندی بر ایستادگی آیین و فرهنگ مسلمانان در برابر گذشت قرون و اعصار و دشمنان اسلام است.

شاهد این گفتار، اعتراف صریح یکی از رجال معروف انگلستان است که در برابر جمعی از مسیحیان چنین اظهار می‌داشت:

> «تا هنگامی که نام محمد صلی الله علیه و آله در مأذنه‌ها بلند است و کعبه پابرجاست و قرآن رهنما و پیشوای مسلمانان است، امکان ندارد پایه‌های سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی استوار و برقرار گردد».[۱]

۲. قبله، نماد استقلال امت اسلامی

قبله اهمیت فراوانی دارد، زیرا نماد استقلال امت اسلامی به شمار می‌آید. بینندهٔ خارجی

---

۱. حج و حرمین در تفسیر نمونه: ص ۴۱۱ ـ ۴۱۲؛ دولت رسول خدا: ص ۱۰۸.

که به اصول و عقاید اسلامی آگاهی ندارد، در حکم خود فقط به مظاهر خارجی آن اعتماد می‌کند و در صورتی که قبله اسلامی همان قبله یهودیان باشد، اسلام را مانند یهودیت به‌شمار می‌آورد. بنابراین تغییر قبله و جدایی آن از قبلهٔ یهود، این برداشت‌های غلط را باطل می‌سازد و شاید شادمانی یهودیان از توجه مسلمانان به قبله آنان یعنی بیت‌المقدس به همین علت بوده که یهودیان گمان می‌بردند مردم میان دین اسلام که پیامبر منادی آن بود با دین آنان فرقی نیابند.

تغییر قبله، این آرزوی آنان را نقش بر آب کرد و به همین جهت یهودیان در برابر اسلام صف‌آرایی کردند؛ قرآن در این باره تصریح کرده و آرا و گفته‌های آنان را منعکس نموده است؛ گروهی از آنان در برابر پیامبر جبهه‌گیری کرده و گروهی دیگر از آنان از پیامبر درخواست می‌کردند که به قبلهٔ پیشین خود بازگردد تا او را تصدیق نمایند. آنان با این گفته، جز فریب پیامبر هدف دیگری را دنبال نمی‌کردند، تغییر قبله، نمادی از جدایی کامل یهودیان به‌شمار آمد و راهی ویژه و متمایز از دیگران را که مظهر اسلام و خلاقیت‌های آن بود، آشکار می‌ساخت.[۱]

آیات ۱۴۳ ـ ۱۵۰ بقره به یکی از تحولات مهم تاریخ اسلام که موجی عظیم در میان مردم پدید آورده، اشاره می‌کند. پیامبر اسلام مدت سیزده سال پس از بعثت در مکه و چند ماه بعد از هجرت در مدینه، به امر خداوند به سوی بیت‌المقدس نماز می‌خواند، ولی بعد از آن، قبله تغییر یافت و مسلمانان مأمور شدند به سوی کعبه نماز بگذارند. بیت‌المقدس، قبلهٔ نخستین و موقت مسلمانان بود، لذا پیامبر انتظار می‌کشید که زمان تغییر قبله صادر شود به خصوص این که یهود پس از ورود پیامبر به مدینه، این موضوع را دستاویز خود قرار داده بودند و مسلمانان را سرزنش می‌کردند که اینان استقلالی از خود ندارند. این‌ها پیش از آنکه ما به آن‌ها یاد بدهیم اصلاً از امر قبله سر در نمی‌آوردند و نبود قبله، دلیل بر نبود مذهب و مکتب مستقل است.

آیهٔ ۱۴۴ بقره به این امر دلالت دارد و فرمان تغییر قبله در آن صادر شده است:

---

۱. دولت رسول خدا: ۱۶۰.

«ما نگاه‌های انتظارآمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبلهٔ نهایی) می‌بینیم! اکنون تو را به سوی قبله‌ای که از آن خشنود باشی باز می‌گردانیم پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و هر جا باشید، روی خود را به سوی آن گردانید...».

پیامبر از وابستگی و نداشتن قبله‌ای مستقل برای مسلمانان نگران بودند، لذا با تغییر قبله، استقلال مسلمانان به اثبات رسید و پیامبر خشنود گردید.[۱]

۳. دخیل ندانستن بیگانگان در امور مساجد

قرآن کریم در تبیین یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های اجتماعی و سیاسی و عقیدتی عموم مسلمانان را مخاطب قرار می‌دهد و در قالب وظیفه‌ای قطعی می‌گوید:

﴿ ولا ترکنوا الی الذین ظلموا فتمسکم النار و مالکم من دون الله من اولیاء ثم لاتُنْصرون﴾.[۲]

«به کسانی که ظلم و ستم کرده‌اند تکیه نکنید (و اعتماد و اتکای شما بر این‌ها نباشد) چرا که این امر سبب می‌شود که عذاب آتش، دامان شما را بگیرد و غیر از خدا هیچ ولی و سرپرست و یاوری نخواهید داشت و هیچ کس شما را یاری نخواهد کرد».

اتکا و اعتماد بر کافران، موجب ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی و از دست دادن استقلال و تبدیل شدن به عضوی وابسته و ناتوان می‌گردد، لذا این‌گونه اتکا و اعتمادها و ناکامی و ضعف جوامع اسلامی، نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ زیرا اعتماد بر ظالمان در فرهنگ فکری جامعه تدریجاً اثر می‌گذارد و تکیه و اعتماد بر دیگران در شکل وابستگی آشکار می‌شود و این وابستگی خواه از نظر فکری و فرهنگی باشد یا غیر آن، نتیجه‌ای جز اسارت

---

۱. تفسیر نمونه: ج ۱، ص ۵۰۹؛ تفسیر نور: ج ۱، ص ۲۸۹.
۲. سود / ۱۱۳.

و استثمار به بار نمی‌آورد.[۱]

از آیهٔ فوق استفاده می‌شود که مسلمانان نباید در پایداری بر دین و پیشبرد اهداف آن بر ستمگران اتکا کنند و از آنان یاری طلبند و تکیه بر ستمگران برای گسترش توحید و دین، خروج از حد و مرز تعیین شده است.

ستمگران هرگز اهل ایمان را در رسیدن به هدف‌های توحیدی‌شان یاری نخواهند کرد و تنها با اتکا بر خداوند و یاری طلبیدن از او می‌توان بر دین‌داری پایداری کرد و اهداف دین را پیش برد.[۲]

استفاده از مذهب بر ضد مذهب همواره راه و رسم استعمارگران و دستگاه‌های جبار و منافقان در هر اجتماعی بوده است. برخی از محققان گفته‌اند مسبب ساخت مسجد ضرار به وسیلهٔ منافقان، نامه‌ی ابوعامر راهب نصرانی به آنان بود که نیرو و سلاح تهیه کنند و مسجدی برای او بسازند تا نزد قیصر روم رفته و سپاهی را برای اخراج پیامبر و یارانش از مدینه با خود به همراه آورد. منافقان در پی نامهٔ ابوعامر تصمیم به ساخت مسجد گرفتند تا افزون بر ایجاد تفرقه بین مؤمنان، محلی برای ورود فرستادگان ابوعامر و در انتظار آمدن وی با سپاه شام باشند؛[۳] لذا پیامبر با آن عظمت و مقام دستور تخریب مسجد ضرار و آتش زدن آن را دادند. برای اینکه مسجد ضرار مسجد نبود، بل در واقع بت خانه و کانون تفرقه و نفاق بود! خانهٔ خدا نبود، خانهٔ شیطان بود و هرگز اسم و عنوان ظاهری واقعیت چیزی را دگرگون نمی‌سازد.

درس ارزنده‌ای که از جریان مسجد ضرار و آیات ۱۰۷ سورهٔ توبه فرا می‌گیریم این است که یک کانون فعال و مثبت دینی کانونی است که از دو عنصر مثبت تشکیل شود. نخست شالوده و هدف آن از آغاز پاک باشد «**اسس علی التقوی من اول یوم...**» و دیگر این که مؤسسان و پاسدارانش افراد پاک و درستکار و با ایمان و مصمم باشند:

«**فیه رجال یحبون ان یتطهروا**».[۴]

---

۱. تفسیر نمونه: ج ۹، ص ۲۶۱ ـ ۲۶۲.
۲. تفسیر راهنما: ج ۸، ص ۲۷۷ ـ ۲۷۸.
۳. دائرة المعارف قرآن: ج ۲، ص ۳۴؛ بحارالانوار: ج ۲۱، ص ۲۵۷.
۴. تفسیر نمونه: ج ۸، ص ۱۴۶.

٤. دفاع و جهاد برای حفظ مساجد

از جمله عوامل مؤثر در تداوم استقلال فرهنگی مساجد، دفاع جامعه از هجمهٔ دشمن از داخل و خارج است قرآن مسلمانان را به دفاع از اسلام و استقلال فرهنگی جامعهٔ اسلامی فرا می‌خواند و خواستار آمادگی نظامی جهت حفظ مکتب و ارزش‌ها و حقوق انسانی مسلمانان است. لزوم آمادگی و تقویت قوای نظامی و تهیهٔ ادوات جنگی برای نبرد با دشمنان خدا، وظیفه‌ای بر عهده‌ی تمام مسلمانان است.

﴿ ولو لا دفع الله الناس بعضهم ببعضٍ لهدمت صوامع و بيع و صلوات و مساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا﴾.[1]

آری اگر افراد با ایمان و غیور دست روی دست بگذارند و تماشاچی فعالیت‌های ویران گرانه‌ی طاغوت‌ها و مستکبران و افراد بی‌ایمان باشند و آن‌ها میدان را خالی ببینند، اثری از مراکز عبادت الهی نخواهند گذارد و اگر آن‌ها فرصت پیدا کنند، تمام این مراکز را با خاک یکسان خواهند کرد.

در پایان آیه خداوند، وعدهٔ نصرت الهی را تکرار و تأکید کرده و می‌گوید: به‌طور مسلم خداوند کسانی که او را یاری کنند و از آیین و مراکز عبادی‌اش دفاع نمایند یاری می‌کند و بدون شک این وعدهٔ خدا تحقق یافتنی است. چراکه او قوی و قادر و شکست‌ناپذیر است.

«و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوى عزيز».[2]

---

۱. حج / ۴۰.

۲. تفسیر نمونه: ج ۱۴، ص ۱۱۷.

مسجد کانون استقلال فرهنگی

▣ سیدمحمدرضا طالبیان

▣ **چکیده**

نگـارنده نـخست بـا اشـاره بـه تـفاوت جـهانی شـدن و جـهانی‌سازی، جهانی شدن را اصطلاحی ناظر به یک واقعیت عینی و خارجی دانسته است که در آن حیثیت فاعلی و ارزشی، مدنظر نیست و در مقابل، جهانی‌سازی را اصطلاحی ناظر به حیثیت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضعیت جهانی شدن معرفی نموده است و بـه تـعبیر روشـن‌تر آن را حـاکـی از یک ایـدئولوژی ویک برنامه هدفمندبرای جهان شـمول کـردن پـاره‌ای از امـور شـناسانده است.

در بخش اول این مقاله تحت عنوان جـهانی شـدن، مـبانی، مـؤلفه‌ها و پیامدها، جهانی شدن فرآیندی است در ارتباط با چهار حوزه فنی، اقتصاد، سیاست و حوزه فرهنگ که مقاله در بررسی این نکته که آیا جهانی شدن یک برنامه است یا یک پدیده طبیعی؟

در ادامه با ذکر عناصر اساسی مدرنیسم:

عقل گرایی، اومانیسم (انسان‌گروی)، سکـولاریسم (جـداانگـاری دیـن و دنیا) و آزادی به بحران‌های دامن‌گیر جوامع مدرن مشتمل بر:

بحران معرفتی، بحران اخلاقی و بحران روانی اشاره نموده است و در بخش دوم تحت عنوان کارکردهای مساجد، نقش مسجد در عصر جـهانی شدن را:

تکثیر اندیشه دینی، زدودن شـبهات فکـری، تأمـین بـهداشت روانـی، ترویج اندیشه مهدویت و حل مسأله بازیابی هویت معرفی نموده است.

اشاره

«جهانی شدن» (Globalization) اصطلاحی ناظر به واقعیتی عینی و خارجی است که در آن حیثیّت فاعلی و ارزشی، مدّنظر نیست؛ به دیگر سخن، بحث در بارهٔ پدیده یا وضعی است که آدمیان اینک و در دهه‌های اخیر، با آن مواجه بوده و آن را در حال تحقّق می‌بینند. در مقابل، «جهانی سازی» (Globalizing) اصطلاحی ناظر به حیثیّت فاعلی و ارزشی پدیده یا وضع جهانی شدن است و به تعبیر روشن‌تر: حاکی از یک ایدئولوژی و برنامه‌ای هدفمند برای جهانشمول کردن پاره‌ای از امور است.

این نوشتار ابتدا به تبیین مقولهٔ جهانی شدن می‌پردازد؛ سپس از جهانی‌سازی و راست و ناراست بودن آن سخن می‌گوید، آنگاه در باب نقش و جایگاه مساجد در عصر جهانی‌سازی و کارکردهای مؤثر آن سخن خواهد گفت.

بخش اول: جهانی شدن، مبانی، مؤلفه‌ها و پیامدها جهانی شدن

جهانی شدن فرایندی است مرتبط با چهار حوزه

۱) حوزهٔ فنّی: در این حوزه، از وقوع و شکل‌گیری «انقلاب صنعتی و علمی سوم» سخن به میان می‌آید. «انقلاب صنعتی و علمی اوّل» از نیمهٔ قرن ۱۶ تا پایان قرن ۱۷ شکل گرفت که در طی آن پیشرفت‌های شایان توجه و چشم‌گیری در زمینه‌های مهندسی، کشاورزی، پزشکی و جنگ پدید آمد.

«انقلاب صنعتی و علمی دوم»، در نیمهٔ قرن نوزدهم رخ داد و موجب دگرگونی در عرصهٔ توزیع و ارتباط و نیز تولید دیدگاه‌های علمی بدیع و اساسی گردید. در «انقلاب صنعتی و علمی سوم» ما با انقلابی در عرصهٔ ارتباطات و فناوری اطلاعات مواجه هستیم. در این مرحله، «نظام جهانی اطلاعات» (World Informstion Order) از چند طریق شکل می‌گیرد:

الف. ارتباطات رایانه‌ای و تلفنی؛

ب. ارتباطات ماهواره‌ای؛

ج. شبکه‌های بدون مرز تلویزیونی و رادیویی.

علاوه بر موارد مزبور، توسعهٔ صنعتی حمل و نقل هم در این میان نقش آفرین است. مجموعهٔ عوامل یاد شده، سبب برچیده شدن عامل «زمان و مکان» و جغرافیا در ارتباطات ملل گوناگون شده است. از این ویژگی به «افشردگی مکانی» و «باطل شدن جغرافیا» نیز تعبیر می‌کنند.

در چنین شرایطی است که آدمیان احساس می‌کنند در «دهکده‌ای جهانی» به سر می‌برند.

۲) حوزهٔ اقتصاد: در جهانی شدن اقتصاد، شاهد افول و تضعیف «اقتصاد کینزی» هستیم. براساس اقتصاد کینزی که در مقابل اقتصاد کلاسیک است، دست نامرئی بازار به تعدیل چرخهٔ اقتصادی می‌پردازد و دولت نباید در این چرخه مداخله کند. از آن رو که اقتصاد کلاسیک رفاه اقتصادی به بار نیاورد و به شکاف طبقاتی انجامید، کینز قائل به نقش و مداخلهٔ دولت در اقتصاد برای حل بحران پیشین گردید، اما امروزه با جهانی شدن اقتصاد، حاکمیت و مداخلهٔ دولت در اقتصاد ملّی تضعیف می‌شود و در مقابل، آنچه برجسته و تقویت می‌گردد، نقش شرکت‌های چند ملیتی است که وطن و ملّیّت خاصّی ندارند و در پی تولید ارزان‌تر و با صرفه‌تر هستند. این شرکت‌ها از محدودیت قوانین سیاسی و حقوقی ملی تا حدّ زیادی رهایی می‌یابند. اینجاست که اقتصاد ملّی کم‌رنگ می‌شود. در چنین فضایی، سازمان تجارت جهانی (WTO) پدید آمد که نمادی برای جهانی شدن اقتصاد است.

۳) حوزهٔ سیاست: در حوزهٔ سیاست، شاهد پیدایی و بسط و گسترش روزافزون نهادهای سیاسی بین‌المللی و یا مؤثر در سیاست بین‌الملل هستیم. سازمان ملل، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و مؤسسات بین‌المللی متعدّد مدافع اموری همچون حقوق بشر و محیط زیست، عرصه را بر سیاست ملّی تنگ کرده و رابطهٔ دولت ـ ملّت را دچار چالش متعدد نموده‌اند. به‌این معنا که گاه تصمیمات حاکمیّت، در محدودهٔ ملّی، در تضاد با دریافت‌ها و رهیافت‌های چنین نهادها و مؤسساتی قرار می‌گیرد؛ گاه یک تصمیم قضایی، مخالف حقوق بشر شمرده می‌شود و گاه یک تصمیم اقتصادی دولت، با مخالفت سازمان‌های مدافع محیط زیست رو به رو می‌گردد که اقتدار سیاسی دولت را با چالش مواجه می‌سازد.

٤) حوزهٔ فرهنگ: در حوزهٔ فرهنگ، شاهد تقارب و به تعبیر دقیق‌تر، انتقال فرهنگ‌ها هستیم. در این انتقال و ارتباط، فرهنگ با تمامی اجزا و ارکان خود، همچون دین، آداب و رسوم و باورها انتقال پیدا می‌کند و گسترش می‌یابد. نهادهای فرهنگی ـ حقوقی بین‌المللی همچون مؤسسات پاسبان حقوق بشر، نمادی از جهانی شدن در عرصهٔ فرهنگ هستند.

جهانی شدن یک برنامه یا یک پدیدهٔ طبیعی؟

بحث مهمی که در اینجا مطرح است اینکه آیا با یک پدیدهٔ طبیعی با نام جهانی شدن روبروییم یا با یک برنامهٔ طراحی شده و هدفمند؟ برخی معتقدند آنچه آن را جهانی شدن می‌نامیم مولود طبیعی و جبری پاره‌ای علل و عوامل فنّی و فناورانه است، اما در مقابل، برخی دیگر برآنند که این وضعیت، برنامه‌ای طراحی شده و هدفدار برای تحقق اهداف و امیال غرب است که در این راستا از تعبیراتی همچون «امریکایی‌سازی جهان» یا غربی‌سازی جهان استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد هریک از دیدگاه‌ها بازتاب وجهی از واقعیت‌اند.

از سوی دیگر، انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی و فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی و زوال مرزهای جغرافیایی و مرگ زمان و مکان، مولود طبیعی رشد خیره کنندهٔ دانش فنّی و فناوری است. جهانی شدن به‌این معنا، امری طبیعی جلوه می‌کند. همچنین باید گفت از آن روکه این وسایل پیشرفته ارتباط جمعی، در دامن کشورهای غربی متولد شده و رشد کرده‌اند، ممکن است عاملی برای انتقال آنچه این کشورها طراحی می‌کنند باشند واهداف غربی را محقق سازند. چنین وضعی، اکنون در مسئله جهانی شدن حاکم است و ما در واقع با جهانی سازی مواجهیم.

در اینکه غرب در مسئلهٔ جهانی شدن، چه چیزی را به دیگران تحمیل می‌کند دو دیدگاه مطرح است:

دیدگاه اول: برخی معتقدند در جهانی شدن، آنچه به دیگران منتقل می‌شود «مدرنیسم» (Modernism) است. مطابق این دیدگاه، مدرنیسم که ذاتاً ماهیتی هژمونیک دارد تسرّی می‌یابد و به آخرین مرحلهٔ تجلّی و تکامل خود می‌رسد.

دیـــــدگاه دوم: مطابق این دیدگاه، جهانی شدن در ارتباط اساسی با پست مدرنیسم (Post-Modernism) است. سربرآوردن دیدگاه‌ها و اندیشه‌های جدید در عرصه‌های گوناگون، تسلّط و غلبه و یکپارچگی مدرنیسم را ستانده و جهان را دچار تکثّر می‌کند. «کیت نش»، از مدافعان دیدگاه دوم است. به‌نظر می‌رسد نظریهٔ دوم، چندان مطابق با واقعیت نباشد، زیرا اولاً پست مدرنیسم، دست‌کم طبق پاره‌ای نگرش‌ها، نقدی از درون تمدّن غرب بر مدرنیسم است. پست مدرنیسم، حکایت نارسایی‌های مدرنیسم و البته در چارچوب اندیشهٔ غربی است و از این رو امتداد مدرنیسم است، نه دوران و وضعی مستقل از آن. ثانیاً، حتی اگر در روند جهانی شدن، اندیشه‌ها و فرهنگ‌های دیگر هم رخ بنمایانند، غلبه همچنان با مدرنیسم است. این امر دربارهٔ فرهنگ و تمدن‌های غیر اسلامی به دلایل ذیل صادق است:

۱ ـ ضعف در محتوای فرهنگ‌ها؛

۲ ـ ضعف در روزآمد نبودن فرهنگ‌ها؛

۳ ـ ضعف در ناحیه وسایل ارتباطی و فنّی که منجر به ضعف در فرم می‌شود.

دربارهٔ فرهنگ و تمدن اسلامی، قطعاً مورد اول صادق نیست، ولی مورد دوم به معنای ضعف فعالیت مسلمانان در روزآمد کردن فرهنگ اسلامی (= حفظ محتوا+ زبان و فُرم جدید) و نیز مورد سوم صادق است.

اکنون به پاره‌ای از عوامل اصلی مدرنیسم می‌پردازیم تا دریابیم که با جهانی شدن، پارهٔ دیگر جهان چه هدیه‌ای از غرب دریافت می‌کند:

عناصر اساسی مدرنیسم

۱. عقل‌گرایی (Rationalism)

انسان مدرن، با عقل ابزاری، را جدید برای زندگی خود گشود. عقل ابزاری، عقلی است که به درک جهان اطراف و روابط میان پدیده‌ها پرداخته و نتایج به دست آمده را به صورت قواعدی تنظیم می‌کند.

چنین عقلی، بیشتر کارایی عملی دارد و به انسان امروز، امکان تغییر جهان به‌سوی

وضع مطلوب و زندگی بهتر و راحت‌تر، در راستای لذایذ غریزی می‌دهد. این عقل، بااندیشهٔ دینی و معارف وحیانی ارتباطی ندارد و از آن گریزان است. انسان مدرن، با کنار گذاشتن عقل شهودی، که وجه جداکنندهٔ دوران پیشا مدرن از دوران مدرن بود و می‌توانست در زمینهٔ مفاهیم وحیانی و حقایق کلی هستی کاوش کند، راه و عرصه را برای عقل ابزاری گشود.

۲. اومانیسم (انسان‌مداری) (Humanism)

در دیدگاه مدرن، انسان، محور و کانون هستی است و اصالت دارد. توانایی‌های ذهنی و ادراکی و علمی او برای ادارهٔ زندگی‌اش کفایت می‌کنند. در دیدگاه سنّتی، انسان گرچه شرافت و کرامت دارد، اما این شرافت و کرامت از طریق بندگی و عبودیت حاصل می‌شود؛ انسان رها و گسیخته از عبودیت، انسان شریفی نیست.

در مقابل، انسان جدید بر استقلال خود و کرامت‌های ذاتی خود و حاکمیت خود بر تدابیر آمورش تأکید کرده و امر و نهی صادر از جایی فراتر از خود را نپذیرفته است. در دوران ماقبل مدرن کانون هستی، خداوند و ارزش هر چیز وامدار نسبتش با او بود، اما در عصر مدرن، انسان مرکز عالم شد و ارزش هر چیز، وابسته به خواست و تمایل او گشت.

۳. سکولاریسم (جدا انگاری دین و دنیا)

سکولاریسم، فرایندی است که ضمن آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیّت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این بدان معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه، با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی که اختصاصاً به امور ماورا طبیعی عنایت دارند، عقلانی می‌گردند. امروزه دین در غرب، از اوج، مرتبت، نفوذ فراگیر و حتی تعیین کننده و سرنوشت‌سازی که روزگاری از آن برخوردار بود سقوط کرده و صرفاً به یک بخش از نظم اجتماعی تبدیل گردیده است.

٤. آزادی

انسان مدرن خود را در ساحت اندیشه، بیان و عمل، آزاد و رها می‌بیند. او در اجتماع آزاد است تا هرگونه که می‌خواهد زندگی و رفتار کند. آزادی او هیچ قیدی ندارد بجز آزادی و خشنودی دیگران. فقط زمانی که آزادی دیگران برهم خورد، آزادی محدود می‌شود وگرنه آدمی، اولاً و بالذات هیچ منع و محدودیتی، حتی منع و محدودیت دینی و الهی را نمی‌پذیرد، چراکه عرصهٔ اجتماعی، عرصهٔ حقوق آدمی است و این حقوق را آدمیان خود وضع می‌کنند نه خداوند. به دیگر سخن، در عرصهٔ حیات جمعی و زندگی اجتماعی، مبنای رفتار آدمیان توافقات خود آنان است نه تکالیف دینی. از این رو در جوامع غربی، اموری همچون همجنس بازی مشروع و قانونی می‌شود.

بحران‌های دامنگیر جوامع مدرن

۱. بحران معرفتی

انسان مدرن از زمان «کانت» به بعد، میان خود و جهان واقع، فاصله‌ای پرنشدنی می‌بیند. راه شناخت حقیقت اشیا به روی انسان مدرن بسته است و او با عینک ذهن خود، جهان را می‌بیند و می‌سازد. این جهان، جهان اوست نه جهان واقع. از اینجا ریشه‌های شک‌گرایی انسان جدید متولد شده است. از دیگر سو، نتیجهٔ مطالعات هرمنوتیکی نشان می‌داد که هیچ فهم ناب و کاملی از یک متن، فراچنگ نخواهد آمد. در معرفت‌شناسی، صدق به انسجام با دیگر نظریه‌ها تعریف شد و نه به مطابقت با واقع؛ مبناگروی حریفی به نام «انسجام‌گروی» یافت. نظریه‌های علوم تجربی با مشکل قطعیّت نداشتن مواجه شدند و قصّهٔ تغذیهٔ آنان از علل وعوامل غیرمعرفتی بر زبان افتاد. در این میان، نظریه‌های علوم تجربی شتاب آلود جای خود را به دیگری می‌دادند و این انسان مدرن بود که روز به روز دچار بحران معرفت و فقدان اطمینان و شک و تردید بیشتری می‌شد.

۲. بحران اخلاق

در دوران مدرن، مکاتبی همچون نسبی‌گرایی، سودمداری و لذّت‌مداری در فلسفهٔ اخلاق پدیدار شدند که دست‌کم در برخی شقوق خود (هم‌چون لذت‌مداری یا سودمداری تعدیل نایافته) به مشکلات اخلاقی جوامع غربی و نابهنجاری‌های اجتماعی منجر شد و یا در گسترش آنها نقش داشت. چنانکه ذکر گردید، مطابق با اصل آزادی و نیز اومانیسم، انسان غربی دست خود را برای ارضای بی‌حدّ و حصر و لجام گسیختهٔ شهوات و امیال نفسانی، گشوده دید و این چنین شد که امروزه، غرب گرفتار بحران معنویّت و اخلاق است. غرب، امروزه با معضلات بزرگی همچون خشونت‌های خیابانی، مصرف بسیار گستردهٔ مشروبات الکی و مواد مخدر، داروهای توهّم‌زا، آزار جنسی و هم جنس‌بازی رو به روست. از علل جمله گسترش مشکلات اخلاقی، توسعه و پیشرفت وسایل ارتباطی و فنّاوری اطلاعات است. شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای و سایت‌های اینترنتی، در این زمینه نقشی اساسی دارند. از آثار چنین اوضاعی در جوامع غربی، فروپاشی جایگاه و منزلت خانواده، افزایش مردان و زنان بی‌همسر و یا طلاق گرفته و فزونی عشق‌های خارج از ازدواج است.

۳. بحران روانی

اضطراب و استرس، بیماری قرن و بیماری دوران مدرن است. اروپایی‌ها، خود واژهٔ «عصر اضطراب» را برای توصیف قرن بیستم برگزیده‌اند. شکل خاص اضطراب در قرن حاضر، مولد «بی‌معنایی» و «پوچی و بی‌اهمیّتی» است؛ بی‌معنایی و پوچی زندگی و بی‌هویتی انسان. جهان جدید، کانون معنوی و معنابخش زندگی خود را گم کرده است. انسان جدید ابتدا خدا را کنار زد تا با عقل خود، خود را آرام و قرار دهد، اما دیری نپایید که دانست کنار رفتن خدا از صحنهٔ زندگی، نه فقط آرام و قرار نمی‌دهد، بل اضطراب و تشویش می‌آفریند؛ چنانکه «نیچه» می‌گوید: «خدا مرده است»؛ یعنی در دوران جدید، حضور خدا در زندگی انسان از بین رفته است. چنین است که در غرب امروز، بشر به پوچی رسیده، از ورزش و سینما همچون دین‌های جدید قدردانی می‌کند و خود را به آنها می‌آویزد.

بخش دوم: کارکردهای مساجد و نقش آنها در عصر جهانی شدن

مساجد در عصر جهانی شدن یا جهانی‌سازی دارای کارکردهای اساسی است که بدان‌ها اشاره می‌شود:

۱ . تکثیر اندیشهٔ دینی

همچنان که گفتیم در عصر جهانی شدن، جهان غرب می‌کوشد تا مدرنیسم را به نیمهٔ دیگر جهان تحمیل کند و ذهن و ضمیر افراد سویهٔ دیگر زمین را با زینت و زیورهای فریبندهٔ آن تسخیر کند. برای مقابله با چنین امری، مساجد می‌توانند کانون‌هایی برای طرح اندیشه دینی در مقابل اندیشهٔ غربی باشند. به دیگر سخن، مساجد می‌توانند از ظرفیت‌های خود سود جویند و اندیشهٔ قدسی و الهی راکه زلال و پاک و شفاف است، به مسلمانان و علی‌الخصوص جوانان مسلمان عرضه کنند و در مقابل مدرنیسم که رهاورد مغرب زمین است و سمت و سویی با وحی و معارف قدس و اندیشه‌های الهی ندارد بایستند.

۲ . زدودن شبهات فکری

جهان غرب می‌کوشد با بیان سیل‌آسا و انبوه شبهات فکری، اندیشهٔ جوان مسلمان را به علایق دینی و اعتقادات مذهبی خود سست کند و به‌تدریج از او فردی لاقید بسازد. چنین فردی دیگر نخواهد توانست در خدمت انقلاب اسلامی و اهداف عالیهٔ آن بکوشد و سودای پیشرفت دینی و دنیوی در سر داشته باشد.

مساجد علاوه بر راهکار تکثیر اندیشه‌ی دینی می‌توانند در این عرصه، کانونی برای دفع شبهات جدید فکری و القائات دنیای مدرن باشند و به جوانان راه حل صحیح مشکلات فکری را عرضه دارند و آنان را در برابر این هجمهٔ شدید، بیمه نمایند؛ بدین سان مساجد در سیمای کانون مقابله با «شبیخون فرهنگی» عرض اندام کرده و جلوه‌گر می‌شوند.

۳. تأمین بهداشت روان

بهداشت روان در جهان جدید مسئلهٔ پراهمیت و دشواری است. چنانکه آوردیم یکی از معضلات و مشکلات دنیای معاصر، مسئلهٔ بحران‌های روحی و روانی است تا بدانجاکه عصر جدید را «عصر اضطراب» می‌نامند. دنیای غرب، توأم با تحمیل فرهنگ خود به دیگر جوامع بشری، بیماری دوران مدرن یعنی اضطراب را هم مخفیانه و پوشیده به آنان انتقال می‌دهد. در اینجا هم مساجد می‌توانند نقش فعّالی ایفاکنند و در تطهیر ذهنی و روان و بهداشت روانی فرد کمک شایانی عرضه کنند. این امر از طریق برنامه‌های عبادی همچون دعا، نماز، راز و نیایش و عزاداری که در مساجد صورت می‌گیرد، محقق خواهد شد. نیکوست تا در اینجا به مسئله‌ای جالب توجه اشاره کنیم و آن تأثیر سبک معماری اسلامی مساجد در روح و روان و بهداشت روان افراد است.

«ویلیام جیمز» در کتاب «دین و روان» می‌گوید:

«اجازه می‌خواهم که در اینجا نظری به ساختمان‌های معابد انداخته و ببینیم که در به کار بردن زیبایی‌ها در ساختمان‌های بعضی از معابد همان نیاز و احتیاجی ملاحظه شده است که در نهاد و سرشت آدمی تعبیه شده است.

روحیه‌هایی از مردم هست که به سادگی بسیار علاقه‌مند بوده و به بی‌آلایشی داخلی خود اهمیت به سزایی می‌دهند. در مقابل، مردم دیگری هستند که به زرق و برق و جلال و جبروت اهمیت می‌دهند؛ روحیه‌ای که به جاه و جلال اهمیت فراوان می‌دهد از یک معبد ساده و بی‌آلایش خوشش نمی‌آید. او به یک سازمان روحانیّتی نیازمند است که پرابهت و جلال باشد و یک مقام با عظمتی در رأس آن قرار گیرد. این‌ها در مقابل معبد پرعظمتی که سر به آسمان برافراشته و در آن صدای تکبیر و الله اکبر با لحنی مخصوص طنین‌انداز باشد، عظمت و قدوسیت خداوند را بیشتر و بهتر درک می‌کنند».[۱]

---

۱. ویلیام جیمز، دین و روان، ترجمهٔ مهدی قائنی، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی: ص ۱۵۰ ـ ۱۵۱.

سیّد حسین نصر در کتاب «جوان مسلمان و دنیای متجدّد» می‌نویسد:

«شاهکارهای بزرگ هنر اسلامی، همچون مساجد جامع قرطبه در اسپانیا، قیروان در تونس و ابن‌طولون در قاهره یا نظایر آنها در جهان اسلام مثل: بناها و مساجد استانبول و مخصوصاً اصفهان و سمرقند، نه فقط جلوه‌هایی از روح وحی اسلامی را بلافاصله باز تابانده است، بل طنین جان و جوهر همان روح است و به یک معنا، روشن‌ترین و عینی‌ترین پاسخ را به این سؤال می‌دهد که: «اسلام چیست؟» این بناها برخی از مهم‌ترین جنبه‌های پیام اسلام را در هماهنگی و تناسب و صفا و روشنی و آرامش خود متبلور ساخته است».[۱]

۴ . گسترش اندیشه‌ی «مهدویّت»

مساجد می‌توانند کانونی نقش آفرین و اساسی در جهت گسترش و تعمیق اندیشهٔ مهدویت و به سخن روشن‌تر، جهانی شدن مهدوی (عج) باشند. در اندیشهٔ شیعی، مهدی موعود (عج)، روزگاری دعوت جهانی خود را آغاز خواهد کرد و حکومتی جهانی را به پا خواهد نمود و اندیشهٔ الهی و وحیانی شیعی را در سراسر گیتی خواهد گستراند.

بنابراین شیعه معتقد به جهانی سازی مهدوی (عج) است. این اندیشه نقطهٔ مقابل جهانی‌سازی غربی است که از زلال وحی به دور و بر مبنای فرهنگ و تمدن غرب استوار است. شیعه می‌تواند از اندیشهٔ مهدویت سود جوید و آن را به جهانیان عرضه دارد و دل‌های افسرده و دردمند سراسر عالم را امیدوار سازد و به آنان بفهماند که چنان نیست که اندیشهٔ غالب، اندیشهٔ غرب و جهان کفر باشد. برای نیل به چنین هدفی، باید از مساجد یاری گرفت تا ابتدا خود اندیشه مهدویت در میان شیعیان به تعمیق و رشد و بالندگی برسد و زمینهٔ صدور آن فراهم گردد.

---

۱ . سید حسین نصر، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو: ص ۱۴۸ ـ ۱۴۹ .

۵. بازیابی هویّت

از جمله فرق‌های دوران ماقبل مدرن و جهان‌سنّتی با دوران مدرن این است که در دوران ماقبل مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمی ساده بودند نه پیچیده، این اشیا نشانه‌ها و آیت خداوند بود. آدمی با نظری به آنها به یاد خداوند می‌افتاد و یا آنکه به تأمّل در خود و هستی خود و شناخت حقایق نفس خود کشانده می‌شد؛ به دیگر سخن، جهان چنان دیده می‌شد که گویی محضر و تجلّی‌گاه خداوند است. فرآورده‌های عملی و فنی بشر در آن دروان هم واجد چنین وضعی بود، یعنی انسان با دیدن آنها یا به خدا و یا به نفس خود (به‌عنوان مقدمه‌ای برای رجوع به خدا) ارجاع داده می‌شد و چنین است که در معماری سنّتی مساجد مفاهیم دینی خودنمایی می‌کند. اما در جهان مدرن، جهان و اشیای پیرامون آدمیان، پیچیده شدند و جامهٔ سادگی را به در کردند؛ بشر به جای آن که به تفسیر طبیعت نشیند، به‌تغییر او پرداخت و دنیایی عجیب و پر زرق و برق با انواع و اقسام محصولات فناورانهٔ مدرن پدید آورد.

در این دنیا، اشیا دیگر آیت و وجه الله نبودند. آدمی با نظر به اشیای پیرامون و مکان‌های اطراف خویش، به خدا یا نفس خود ارجاع داده نمی‌شود. به دیگر سخن، دنیای مدرن، دنیایی است که در آن محصولاتی که پدید می‌آیند و مکان‌هایی که ساخته می‌شوند، ناشی از نفسانیّت بشرند، اشیا و مکان‌هایی که چنبن باشد آیات خداوند نخواهند بود.

بنابراین، بشر در دنیای مدرن با نظر به اشیای پیرامون خود، دیگر به خود و خدا باز نمی‌گردد و هویّت و چیستی حقیقی خود را بازیابی نمی‌کند، بل در همان اشیای ظلمانی و نفسانی فرو می‌رود. اما در همین دنیای مدرن، اشیا و مکان‌های سنّتی و دینی که رنگ خدا به خود گرفته‌اند، می‌توانند بشر را به خود یا خدا ارجاع دهند. مسجد از جملهٔ همین مکان‌هاست. مسجد مکانی است که بشر امروز هویت الهی خود را در آن باز می‌یابد.

در مساجد، این مؤلفه بازگشتی (بازگشت به خود و خدا) به خوبی و به زیبایی تمام، جلوه‌گر و آشکار است. معماری مساجد، نوای دلنواز و قدسی اذان که از مناره‌ها به‌گوش می‌رسد، نماز جماعتی که در مساجد برپا می‌شود، نیایش‌ها، دعاها و عزاداری‌هایی که در مساجد تحقق می‌یابد همگی عواملی مؤثر در رجوع انسان به خود و خدای خود است.

فهرست منابع

۱ . گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی.
۲ . ابوربیع، ابراهیم، امکان پاسخی معاصر و اسلامی به جهانی شدن، پگاه حوزه، ض ۱۷، ۱۸، ۱۹ .
۳ . ویلسون، براین.ر، جدا انگاری دین‌ودنیا، ترجمهٔ مرتضی اسعدی در: فرهنگ‌ودین: مجموعه مقالات، انتشارات طرح نو.
۴ . دیویس، تونی، اومانیسم، ترجمهٔ عباس مخبر، نشر مرکز.
۵ . کورتنی موری، جان، انسان بی‌خدای عصر نوگرایی و عصر فرانو گرایی، ترجمهٔ هدایت علوی تبار، ارغنون، ش ۱۱ ، ۱۲ .
۶ . جهانی شدن، دین و جهان گرایی، گفت و گو با عماد افروغ، پگاه حوزه، ش ۸ .
۷ . بشرویه، حسین، جهانی شدن و حاکمیت ملی، هفته نامه آبان، دورهٔ جدید، سال اول، ش ۴ .
۸ . دین و جهانی شدن، تقابل یا تعامل، گفت‌وگو با محمد مسجد جامعی، پگاه حوزه، ض ۱۳ .
۹ . دین و جهانی شدن، گفت‌وگو با حسین کچوئیان، روزنامهٔ همشهری، فروردین ۶۳ ، ش ۳۳۵۰ ، ۳۳۵۱ .
۱۰ . میلاد، زکی، جهانی شدن و اندیشهٔ اسلامی، ترجمهٔ سیّد محمّد موسوی، پگاه حوزه، ش ۱۱ .
۱۱ . سنّت، مدرنیته، پست مدرن، گفت‌وگو با سید جواد طباطبایی، هفته نامهٔ راه نو، ش ۸ .
۱۲ . نصر، سید حسین، جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، انتشارات طرح نو .
۱۳ . شجاعی‌زند، علیرضا، عرفی شدن، دین، فرد و جامعه، مجلهٔ نقد و نظر، سال ۶، ش ۱، ۲ .
۱۴ . عبدالکریم، عمرو، جهان شدن در عرصه‌های سرمایه، تکنولوژی و فرهنگ، ترجمه جهانگیر میرزایی، پگاه حوزه، ش ۲۷ .
۱۵ . لومر، فرانکلین، بحران مدرنیته، ترجمه جمال کاظمی، پگاه حوزه، ش ۲۷ .
۱۶ . فلسفه فرج و جهانی شدن، مجله قبسات، ش ۳۳ .
۱۷ . گرگور، گدس مک، شک و ایمان، ترجمهٔ بهاء الدین خرمشاهی، فرهنگ و دین، انتشارات طرح نو .
۱۸ . پترسون،مایکل، بروس رایشنباخ و...، عقل واعتقاد دینی، ترجمه‌ابراهیم سلطانی و احمد نراقی، انتشارات طرح نو.
۱۹ . نقد روایت ایدئولوژیک از عصر جهانی شدن، گفت و گو با دکتر الهی، پگاه حوزه، ش ۲۴ و ۲۵ .
۲۰ . ویژه‌نامه همایش جهانی شدن و دین، ش ۱، دی ۸۱ .
۲۱ . جیمز، ویلیام، دین و روان، ترجمهٔ مهدی قائنی، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی .

خانوادهٔ اهل مسجد

▣ محمدحسین مردانی نوکنده

▣ چکیده

انسان متشکل از جسم و روح است و همان‌گونه که جسم محتاج و نیازمند بـه غـذاست، روح نـیز مـحتاج غـذاست. اگـر غـذای جسـم مـادی است، غذای روح، معنوی است. آن‌چه به خانواده‌ها آرامش و راحـتی مـی‌بخشد، محبت، صمیمت و اخلاق شایسته اعضای خانواده نسبت به یکدیگر است. از آنجا که محیط خانواده باید پرورشگاه خوب و مناسبی برای کودکانی باشد که پا به آن محیط می‌گذارند، لازم است پدر و مادر هرچه بیشتر در تحکیم اجتماع کوچک خانواده بکوشند و محیط سالم و آرامی را بـا اخـلاق نـیک و رفتار شـایسته خـویش بـه وجـود آورنـد. مـحبت و صـفای بـاطنی ایـن دو اساس و زیربنای اصل تربیت فرزند است.

در خانواده اهل مسجد بهترین و عالی‌ترین مـراقـبت روحـی آن است که والدین فرزندان و اعضای خانواده خویش را به اطاعت از خداوند متعال و اقامه نماز تأدیب نمایند.

باید توجه داشت که فقط در خـانواده اهـل ایـمان و مسـجد است کـه انسان‌های بزرگ ظاهر مـی‌شوند و مسـیر تـاریخ را بـراسـاس اراده والای خویش تغییر می‌دهند. در این نوشتار شاخصه‌های خانواده اهل مسجد مورد بررسی قرار گرفته است:

۱. محبت و صمیمت، ۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس، ۳. تربیت دینی، ۴. خلاقیت. ۵. نظم، انضباط، وقت‌شناسی، ۶. پاکی و طهارت جسم و جان، ۷. عدالت، ۸. مشورت، ۹. دانش‌جویی و حقیقت‌طلبی، ۱۰. آزادی اندیشه، ۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها، ۱۲. اعتدال، ۱۳. اقتصاد مناسب، ۱۴. ساده‌زیستی، ۱۵. تربیت عقلانی، ۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت، ۱۷. اجتماعی بودن، ۱۸. هدفمند بودن، ۱۹. تقسیم‌کار، ۲۰. فداکاری.

این مقاله در پایان خانواده علی علیه‌السلام و فاطمه علیهاالسلام را الگویی برای همه جهانیان خصوصاً خانواده‌های اهل مسجد معرفی کرده است.

اشاره

نهاد خانواده به‌لحاظ چند بعدی بودن و رازها و رمزها داشتن، به مطالعه، تعمیق و عبرت‌آموزی دائمی نیاز دارد. این که برای بقای خانواده توصیه و تأکید فراوان می‌شود و بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها از درون خانواده ریشه می‌گیرد، همه دلیل بر ظرافت، اهمیت و پیچیدگی این نهاد مهم انسان‌سازی است. برنامه‌ریزان به ویژه آنانی که در نهادهای فرهنگی ـ تربیتی فعالیت می‌کنند، نباید به این مهم بی‌اعتنا بمانند و از بررسی مسائل خانواده و ارایه راه حل برای مشکلات و معضلات آن غفلت ورزند. این که خداوند در قرآن، خانواده را با عنوان «آیه» معرفی می‌نماید و آرامش و سکینهٔ قلب آدمی را در گروِ داشتن خانوادهٔ سالم و با ایمان می‌داند، برای شناخت درست این نهاد کافی است.

آیهٔ الهی بودن، نکات حکیمانه زیادی در خود مستتر دارد؛ هرچه نشانهٔ خدا شود، به منزلهٔ این است که صفات الهی در او بروز و ظهور دارد و آن قدر دارای قابلیت است که هم می‌توان راه خدا و مسیر بندگی را در آن آموخت و هم با آن بسیاری از حقایق را باور کرد.

اگر خانواده‌های اهل ایمان و مسجد به همین نکته توجه کنند که رابطهٔ مرد و زن در درون خانواده جلوه‌ای از جلوه‌های الهی است و قاعده‌مندی‌های درونی آن باید با الهام از صفات الهی استنباط شود، در آن صورت زمینه‌های سعادت‌مندی در آن خانواده

شکل می‌گیرد.

خانوادهٔ اهل مسجد و نماز باید تلاش کند نشانه‌هایی از عدل الهی، علم الهی، قدرت الهی، قداست الهی و سایر صفات را در خود پرورش دهد و مودّت را به عنوان اکسیر عظیم خانوادهٔ سالم و متعادل رعایت کند، هم چنین با پیوند عاطفه و عقلانیت در پرتو عنایات الهی، سعادت واقعی را رقم بزنند.

به‌راستی که هم ما و هم‌نهادهای فرهنگی و هم دولتمردان، در مقابل خانواده مسؤولیت داریم. کم توجهی و سستی در مقابل مسائل خانواده، سستی در مقابل آرمان‌های اصیل دینی است؛ زیرا هستهٔ اولیهٔ آرمان‌ها و اعتقادات، قبل از هر جایی از طریق خانواده شکل می‌گیرد.

خانواده، کانونی متشکّل از پدر و مادر و فرزندان است. زن و مردی که روزی جدا از هم زندگی می‌کردند، پس از وصلت و ازدواج، خود تشکیل دهندهٔ خانواده می‌شوند. چیزی که انگیزهٔ تشکیل خانواده می‌شود، عشق و علاقه به زندگی مستقل و نیز ارضای غرایز و از آن جمله غریزهٔ عاطفه و آرام زیستن در کنار همسر است که قرآن نیز بدان اشاره می‌کند:

﴿وَ مِنْ آيٰاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوٰاجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيهٰا﴾.[1]

«و نشانه‌های خداوندی این است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید».

در هر خانواده فرزندانی متوّلد می‌شوند که باید تربیت شوند، البته تربیت به فرایندی الهی و معنوی، زیرا فرزند باید محصول چنین روندی باشد تا براساس فطرتش به سوی مقصد سیر نماید.

تربیت در عالم انسانیّت مانند عشق به زیبایی در عالم هنر است. تربیت، کودک را نمی‌آفریند، بل او را در راه انسان شدن شکوفا می‌سازد. انسان شدن نتیجه‌ی منطقی تربیت درست است. در واقع تربیت، پاسخی معقول و رضایت‌بخش به معنای هستی کودک است.

در خانوادهٔ اهل مسجد، تربیت راز و رمزهایی دارد که دانایی و توانایی و به‌کار بستن اصولی را می‌طلبد، تربیت شور و عشق می‌طلبد، و والدینی در این امر موفق‌اند که عملاً

---

۱. روم / ۲۱.

درست زندگی کنند و الگوی مناسب داشته باشند. باید دانست که انسان‌پردازی، کودک نوازی و شکوفایی تنها در فضای عاطفی خانوادهٔ اهل ایمان و مسجد، شکل، قوّت و استمرار می‌یابد.

خانوادهٔ مسجدی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین واحد اجتماعی است که بنای آن بر الفت، همدلی و همدمی استوار و این بنا محبوب‌ترین بناها در پیشگاه خداوند است. روابط آن بر مودّت و رحمت پایه‌گذاری شده و گرمی کانون خانوادهٔ اهل نماز و مسجد مورد توجّه عمیق اسلام است.

امّا چگونه می‌توانیم خانواده‌ای ایده‌آل و متعادل و اهل مسجد داشته باشیم؟ این سؤالی است که این مقاله می‌کوشد، شاخصه‌ها و نمونه‌هایی کاربردی از آن عرضه کند تا با تمسّک به این شاخصه‌ها و معیارها، قدمی در تعادل بهتر خانوادهٔ خویش برداریم.

خانواده به عنوان هستهٔ مرکزی تعلیم و تربیت از جهات گوناگون می‌تواند در امر تحکیم و تحریض اعضا برای نماز و مسجد، نقش داشته باشد. پدر و مادری که خود دارای تربیت صحیحی باشند، به طور طبیعی فرزندانی معتقد و مؤمن تربیت خواهند کرد و فرزندان خانواده نیز در تعامل فکری و عملی می‌توانند در نحوهٔ رفتار یکدیگر مؤثر باشند. همچنین پدر و مادرانی که به‌طور مرتب در فعالیت‌های اجتماعی و مذهبی حضور پیدا می‌کنند، فرزندان‌شان نیز اجتماعی هستند و از همین رو نه‌تنها در نماز جماعت شرکت می‌کنند، بلکه در امور دیگر نیز حضوری فعال خواهند داشت.

خانواده‌ها باید مراقب اعمال و رفتار فرزندان خود باشند و آنان را ترغیب به شرکت در امور مساجد کنند، همچنین باید فرزندان‌شان را با تشویق‌های کلامی و غیرکلامی به مسجد سوق دهند. یقیناً خانوادهٔ اهل مسجد، در تمامی امور موفق و اسوه‌ای برای سایر خانواده‌ها در تمامی ابعاد خواهد بود.

اهمیت و نقش مسجد

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند:

«لایرجع صاحب المسجد بأقلّ من احدی ثلاث: امّا دعاءٌ یـدعوبه

یدخله الله به اکنّة، و امّا دعاءٌ یدعو به لیصرف الله به عنه بلاء الدّنیا، و امّا أخ یستفیده فی الله عزّوجلّ».[۱]

ملازم مسجد دست‌کم با یکی از این سه به خانه‌اش بر می‌گردد: با دعایی که به درگاه خدا می‌کند و خداوند او را با آن دعا به بهشت می‌برد، یا دعایی می‌کند که به سبب آن خداوند بلای دنیا را از او برمی‌گرداند و یا برادری که در راه خدای عزّوجلّ از وجودش بهره‌مند می‌شود.

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجد، و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت برترین و اصلی‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است. بنابراین در قرآن کریم بر جنبه‌های عبادی مسجد، بیش از هر بعد دیگر تکیه شده است.

مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است:

﴿و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً﴾.[۲]

مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است:

﴿واقیموا وجوهکم عند کل مسجد وادعوه مخلصین له الدین﴾.[۳]

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است:

﴿سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصیٰ﴾.[۴]

مسجد زیارتگاه خاص خداوند است:

﴿الا طوبی لعبد توضا فی بیته ثم زارنی بیتی﴾.[۵]

«خوشا به حال بنده‌ای که در خانهٔ خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت کند».

---

۱. امالی، طوسی: ص ۴۷.
۲. جن / ۱۸.
۳. حج / ۴.
۴. اسراء / ۱.
۵. مستدرک وسائل الشیعه: ج ۳، ص ۳۶۳.

یکی از نقش‌های اساسی مسجد، فراهم کردن زمینهٔ عبادت جمعی و خالصانه است تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال ـ به معنای واقعی کلمه ـ اُنس بگیرند.

ابعاد تربیتی مسجد به‌گونه‌ای با ابعاد عبادی آن مرتبط است؛ زیرا عبادت، پرورش دهندهٔ روح و روان آدمی است و پاسخ به آن، پاسخ به نیازی طبیعی است. کسی که نیازهای جسمی و روانی خود را به طور منطقی پاسخ گوید، شخصیتی متعادل می‌یابد.

عبادت و راز و نیاز با خداوند، نیاز واقعی و فطری هر انسان و مکمل (بلکه مقّوم) شخصیت او است. البته عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را نسبتاً تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. براین اساس باید گفت انسان فطرتاً معبد و مسجد را دوست می‌دارد و بدان عشق می‌ورزد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان و نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای آموزش و تربیت و پرورش و در نهایت کمال ایشان فراهم می‌کند. در مکتب تربیت اسلامی بسیاری از مکاتب دیگر، «انزواطلبی» و «جمع گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود. در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی نشانه‌ی سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به‌حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوستهٔ مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.

افزون بر آنچه گذشت، مسجد معمولاً جایگاه طرح مشکلات و مباحث اجتماعی است و به‌طور طبیعی با حضور در چنین مکانی، روح تعهد و دردمندی در فرد ایجاد می‌شود. مسجد پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو مسجد جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در رفع نارسایی‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود. مسجد در جایگاه اصیل خود الگوی ارزش گذاری است و ارزش‌های فراموش شده در مسجد مطرح می‌شود.

مسجد واحد اجتماعی کوچکی است، ولی نماد جامعه اسلامی و نمونهٔ عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی به‌شمار می‌رود. بنابراین، تحقق ارزش‌هایی از قبیل تقوا، علم، جهاد، برادری، مساوات و عدالت، باید از مسجد آغاز شود.

مسجد صفابخش روح و جان

همه روزه با پخش صوت قرآن و اذان از ماذنه‌های مساجد، فضای شهر، آکنده از یاد خدا می‌شود و آدمی خسته از هیاهوی دنیا را به ماوایی فرا می‌خواند تا روح را از غبار مادیات زدوده، دل را از زنگارها صیقل داده، نور ایمان را تجلّی‌بخش وجود کرده و با نیروی عشق به خداوند، جان دوباره یابد.

هنگامی که صدای ملکوتی قرآن و اذان سراسر شهر را فرا می‌گیرد، رایحه معطر «کلام الهی» چشمان خفته را از خواب غفلت بیدار کرده، فکر و روح را به ملکوت برده و همه وجود انسان خدایی می‌شود. با بانگ اذان در سحرگاهان بوی عطر دل‌انگیز یار در همهٔ جا می‌پیچد و رنگ خدا در تاریکی سحر تجلّی بیشتری پیدا کرده و آن‌گاه حس می‌کنی تنها نیستی و کسی با توست که برایت محبت و عشق را فارغ از همه افت و خیزهای دنیا زمزمه می‌کند.

برخی از مردم در طی روز با شنیدن اذان به مسجد می‌روند و ضمن ادای فریضه نماز و حضور در این مکان مقدس غم‌ها و شادی‌های خود را با یکدیگر تقسیم می‌کنند و با تجدید بیعت روزانه مشکلات خود را به فراموشی می‌سپارند.

مسجد از دیرباز نقشی مهم در زندگانی تمام ایرانیان ایفا می‌کرده، زیرا حفظ، تعلیم و تفسیر قرآن کریم که سرآغاز آموزش و پرورش اسلامی است، در مساجد صورت می‌گرفته است: نقش مسجد فقط محدود به ادای نماز و یا عبادت نبوده و نیست، بل از آن به‌عنوان مرکز آموزش و پرورش نیز استفاده می‌شده است و این کار در زمان حاضر نیز در بسیاری از مساجد انجام می‌شود. مسجد همیشه و در هر زمان کانونی برای گردهمایی مسلمانان، رسیدگی به امور آنان و اطلاع از مشکلات و مسائل جامعه مسلمانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است.

مسجد از زمان ظهور اسلام به عنوان «نماد اسلام» مطرح شد و پیامبر با سوق دادن عمده مراکز عمومی و حکومتی به مساجد، به واقع مسجد را کانون نظام سیاسی جهان اسلام قرار داد. حکومت اسلامی در زمان پیامبر برای اداره جامعه اسلامی، همواره سعی خود را

برای رتق و فتق امور، معطوف به مساجد می‌کرد و مسجد در این زمان نه تنها به عنوان مکان ادای فرائض دینی بود، بلکه شکلی از عمارت نیز بود. بسیاری از تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی و اجتماعی نیز در مسجد صورت می‌گرفت و حتی طرح بسیاری از عملیات‌های نظامی در مساجد پیاده می‌شد. رفته‌رفته در نزد غیرمسلمانان در جهان، مسجد به یکی از مهم‌ترین مراکز و نمادی از اسلام به‌شمار رفت به طوری که موجودیت حکومت اسلامی نیز به آن شناخته می‌شد. به همین علت بود که خلفای اسلامی در سراسر سرزمین‌های فتح شده و به محض استقرار حکومت اسلامی در آن سرزمین‌ها، به ساخت مسجد می‌پرداختند.

مسجد، پایگاه وحدت امت اسلامی و محلی برای تقرب به درگاه الهی، مکانی است که در بین مسلمانان از جایگاهی ویژه برخوردار است. مسجد مهم‌ترین پایگاه برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران بود و نقش اساسی در پیروزی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی داشته است.

مسجد می‌تواند بهترین پایگاه برای وحدت و هماهنگی بین مسلمانان و بهترین پایگاه برای مبارزه با هوای نفس و مبارزه با استکبار و استبداد باشد. این فضای فرهنگی پایگاه عبادت است و این پایگاه می‌تواند بهترین نقش را در از بین بردن مسائل ضد فرهنگی ایفاکند.

مسجد مکانی است که مسلمانان را متحد می‌کند و می‌شود موضوعات مختلف به ویژه مشکلات مردم را در آن مطرح و حل کرد، مسجد محلّی است که انسان را از گناه و معصیت باز می‌دارد و انسان را به خداوند نزدیک‌تر می‌کند.

مسجد پاک‌ترین مکان و تجلّی‌گاه مقام والای انسانی برروی زمین است، بی‌آلایش‌ترین هدیه‌ای که به آستان نیلوفری دل زلال میهمانان خود تقدیم می‌کند قرب پروردگار است. بوی عطر وگلاب این مکان مقدس، مشام هر انسان تشنه نیاز به پرستش معبود را چنان پر می‌کند که گویی در این دنیای پر هیاهو نیستی و در آسمان لایتناهی پرواز می‌کنی. مساجد، این خانه‌های مقدس که در سکوتی معنادار، درهای رحمت و راز و نیاز را به روی مؤمنان می‌گشایند، نخستین سنگر مسلمانان و به خصوص مؤمنان هستند.

شاخصه‌های خانوادهٔ اهل مسجد

۱. محبّت و صمیمیت

خانوادهٔ اهل مسجد، خانواده‌ای سرشار از محبّت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی، اسوه و الگویی برای سایر خانواده‌ها به شمار می‌رود.

کودک می‌خواهد، پدر و مادر بیش از حد او را دوست بدارند و نسبت به او اظهار علاقه نمایند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده‌اش در کاخ زندگی می‌کند یا در کوخ و یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه، امّا بدین موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش می‌دارند یا نه؟ این احساس درونی را چیزی جز اظهار محبّت و نوازش خانوادهٔ مسجدی ارضا نمی‌کند.

اخلاق و شخصیّت آیندهٔ فرزندان در همین اظهار محبّت‌ها شکل می‌گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش‌های مخلصانهٔ پدر اهل مسجد است که روح بشر دوستی و علاقهٔ به همنوع را در فرزند می‌دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده‌اش می‌سازد و نیز از گوشه‌گیری و انزوا می‌رهاند. به واسطهٔ محبّت خانواده اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیّت می‌کند و خود را لایق دوستی می‌داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می‌شود. این فضایل که در مسجد پایه‌ریزی و نهادینه شده‌اند، شامل کلیهٔ کمالات از قبیل محبّت و دوستی، ایثار و فداکاری، عفو و گذشت، بذل و بخشش، تعاون و همکاری، دلسوزی و غمگساری و به‌طور کلّی تقدم غیر بر خود است که براساس «دیگرخواهی» در انسان پدید می‌آید. در همهٔ این موارد، انسان برخلاف اقتضای خودخواهی‌اش، قدم از دایره تنگ «خود» فراتر نهاده، گامی به سوی غیر برمی‌دارد و با مقدم داشتن او بر خود، و در دل گرفتن مهر و علاقهٔ او، از فردیت خویش خارج می‌شود.

پیامبر اکرم فرمودند:

«آگاه‌باشیدکه‌موّدت ودوستی‌مؤمن،ازبزرگ‌ترین عوامل‌ایمان است».[۱]

---

۱. بحارالانوار: ج ۷۴، ص ۲۸۱.

و در جایی دیگر فرموند:

«سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید مگر این که ایمان بیاورید و ایمان نمی‌آورید، مگر این که همدیگر را دوست بدارید».[۱]

در نتیجه، نخستین ویژگی برجستهٔ خانوادهٔ اهل مسجد، محبّت و صمیمیّت میان اعضای آن است و خانوادهٔ فاقد صمیمیّت و مهربانی، اهل مسجد و متعادل نامیده نمی‌شود.

۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس

دانشمندان روان‌شناس می‌گویند، تربیت‌کننده باید شخصیّت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند، هم چنین او را بزرگوار و با شخصیت بار بیاورد. خانواده‌هایی که به فرزندان احترام نگذاشتند، آنها را کوچک شمردند و شخصیّت‌شان را خرد کردند، طبعاً فرزندانی ترسو و بی‌شخصیّت بار می‌آورند که خود را زبون و بی‌ارزش می‌پندارند. هنگامی که بزرگ شوند، خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند، چنین افرادی در اجتماع منشأ اثر واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلّت خواهند رفت.

امّا اگر فردی در خانوادهٔ اهل مسجد رشد و نمو پیدا نماید، خودش را بزرگ و با شخصیّت می‌داند، لذا به کارهای پست تن در نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلّت نمی‌رود. البته این شخصیّت نفسانی تا حدودی به تربیت خانوادگی و روحیات پدر و مادر بستگی دارد. برای پرورش شخصیّت انسانیِ کودک، باید صفات خوب او را یادآوری و او را در حضور خود و دیگران تعریف و توصیف نمود و بزرگی نفس را به او تلقین کرد که بهترین شیوه آن در خانواده‌های مسجدی و اهل نماز دیده می‌شود.

هم‌چنین خانوادهٔ اهل مسجد، کودکان خود را دوست می‌دارد، چراکه برخورداری از محبّت، اساس عزّت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف عالی رهنمون می‌کند.

---

۱. آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، شهید ثانی: ص ۴۵۸.

«امرسون» می‌گوید:

«اعتماد به نفس، اوّلین رمز پیروزی است و (در مقابل) فقدان آن اندیشه را فلج می‌کند».[۱]

«دیل کارنگی» می‌نویسد:

«اگر از من بپرسند: چه کسی موفق است؟ خواهم گفت: کسی که با قدرت تمام توانسته است، خودش را متقاعد کند که موفق می‌شود. برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازهٔ اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر از اجرای کاری بترسید و فکر کنید که قادر به اجرای آن نیستید، تحت هیچ شرایطی آن کار را به نحو مطلوب نمی‌توانید انجام دهید. ترس، نیروی محرکهٔ ماشین را که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می‌اندازد و نقش ترمز را در آن ایفا می‌کند. در مقابل، اعتماد و ایمان به توانستن و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می‌دهد و بر کارآیی آن می‌افزاید».[۲]

استاد فقید شهید مرتضی مطهری می‌گوید:

«اگر انسان خودِ واقعی را پیدا کرد، دیگر احساس حقارت نمی‌کند؛ احساس قدرت و عظمت می‌کند، و تکبّر و تجبّر نمی‌کند، چون با روحش ناسازگار است».[۳]

بنابراین، خانوادهٔ اهل مسجد و عبادت، پرورش دهندهٔ شخصیت و تقویت کنندهٔ اعتماد به نفس در فرزندان است. چرا که والدین فهیم و دلسوز به خوبی در مکتب مسجد آموخته‌اند که فرزندان فاقد شخصیت و اعتماد به نفس، از آینده‌ای مبهم و تاریک برخوردار خواهند بود.

---

۱. ونیست پیل، معجزهٔ اراده، ترجمه وجیهٔ آزرمی: ص ۷۱.
۲. دیل کارنگی، رمز موفقیت: ص ۲۲۷.
۳. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، صدرا: ص ۱۸۴.

۳. تربیت دینی

در خانوادهٔ اهل مسجد، اساس و پایهٔ تربیت، متکی بر «تربیت دینی» است. خانوادهٔ خداپرست از آن جاکه جهان مادی را با تمامی نعمت‌ها و موهبت‌هایش همواره در حد «وسیله» می‌نگرد و سعادت و نیک‌بختی خویش را هرگز درگرو عوامل مادی نمی‌داند، لذا نه تنها ناملایمات و ناکامی‌ها، روحیهٔ چنین خانواده‌ای را تضعیف نکرده و وضع روانی آنان را متزلزل نمی‌گرداند، بل همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسایل هستند که مانع تخدیر روحی آنان شده و از هرگونه سستی حاصل از خوگرفتن به زندگی بی دغدغه، جلوگیری می‌کنند.

جهان سرد ماشینی و بی‌روح که در بینش مادی وجود دارد، برای خانوادهٔ با ایمان، جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا می‌گردد که به زندگی، روح، معنی و هدف می‌بخشد.

در سایهٔ تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعهٔ جهان، به خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوندی سرچشمه گرفته است، تقدّس می‌یابد و ارزشمند می‌شود؛ فعالیت‌های روزانه و تکالیف فردی و اجتماعی، در چارچوبی از «قداست و معنویت قرار می‌گیرد، و دنیای مادی مقدمه‌ای می‌شود برای رسیدن به «عالم ابدیّت و جهان آخرت».

تجربهٔ تاریخی نشان می‌دهد، که هر کجا ایمان واقعی تجلّی پیدا کرده، عالی‌ترین جلوه‌های انسانی را با خود به همراه آورده است. عمیق‌ترین عواطف ملکوتی و پرهیجان‌ترین شور، عشق و حرکت از دل‌هایی سرچشمه گرفته، که نور ایمان حقیقی در آن‌ها تابیده، و همه جا را به نور خود روشن کرده است.

«ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می‌بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و تنهایی و غربت رها می‌سازد، بلکه به آن روح و صفا می‌بخشد و شوق و حرکت می‌آفریند؛ گرمی و حرارت می‌دهد، و همچنین آرامش آمیخته با رضایت به همراه می‌آورد.

٤. خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل، ثمرهٔ شایستهٔ خانواده‌های اهل مسجد و عبادت است، چراکه در چنین

خانواده‌ای بستر برای رشد همهٔ استعدادها فراهم است. لازمهٔ خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به طور کلی ویژگی‌های تفکر خلاق را که در خانوادهٔ اهل مسجد بروز می‌کند، می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. جرئت و شهامت اظهار نظر؛

۲. حقیقت جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛

۳. اجتناب از سطحی نگری؛

۴. نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده‌ها؛

۵. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛

۶. داشتن طرز تکفر انتقادی؛

۷. داشتن پشتکار و انضباط؛

۸. افق‌های دید وسیع؛

۹. تلاش اجتهادی.

این ویژگی‌ها، عمدتاً باید در خانواده‌های مسجدی، بروز کند و متجلّی شود، چرا که شرایط رشد تفکرات خلاق فراهم است. والدین اهل نماز و مسجد، به فرزندان خویش، اعتماد به نفس می‌دهند و شرایط را برای اظهارنظر و کارهای خلاقانه فراهم می‌آورند و در چنین وضعیت خانوادگی، فرزندانی خلاق و مبتکر و نوآور ظاهر می‌شوند.

۵. نظم، انضباط و وقت‌شناسی

از جمله شاخصه‌های مهم اعضای خانوادهٔ اهل مسجد و نماز، رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی است. هم چنان که انضباط و وقت‌شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است، هر یک از افراد خانوادهٔ مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظّم کند و در وقت مخصوص انجام دهد. در خانواده‌ای که نظم حاکم است، آرامش، صفا و صمیمیّت برقرار است و همهٔ افراد بدون نگرانی و ناراحتی و بدون این که مزاحمتی برای دیگران به‌وجود آورند، کارهای خود را انجام می‌دهند.

نظم و وقت‌شناسی، نشان دهندهٔ پای‌بندی انسان به مقررات و برنامه‌های زندگی است و در موفقیت انسان بسیار تأثیر دارد. امیرمؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام به دو فرزند عزیزش امام حسن و امام حسین علیهماالسلام می‌فرماید:

«اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم».[1]

«شما و همهٔ فرزندانم و خاندانم و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم».

از جمله نکات مهم و برجستهٔ زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت‌شناسی آنان است. در بارهٔ امام خمینی قدس‌سره نوشته‌اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظّم بودند. در واقع یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام، زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این‌رو دستور کار خود را از روی کار امام منظّم می‌کردند. آنان دقیقاً می‌دانستند که امام چه ساعتی می‌خوابد، چه ساعتی بیدار می‌شود، کی باید چای بخورد و چه زمانی برای ملاقات بیرون می‌آید. هنگامی که امام در نجف بود، طلاب، ساعت‌های خود را از با در نظر گرفتن کارهای امام تنظیم می‌کردند.[2]

پس خانواده‌ای که فاقد نظم و انضباط باشد و از فرصت‌ها بهره نبرد، با خانوادهٔ اهل مسجد که سرشار از نظم و وقت‌شناسی است، فاصله‌ای بسیار دارد.

۶. پاکی و طهارت جسم و جان

خانواده‌های مؤمن، نمازگزاز و مسجدی از سلامت جسمانی و روانی برخوردارند، چرا که آلودگی هر یک از این دو، انسان‌ها را از تعادل خارج می‌سازد و آنان را در مسیری ناشایست قرار می‌دهد.

در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه‌ای اهمیت دارد که یکی از هدف‌های دین،

---

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام: نامهٔ ۴۷.

۲. مجلهٔ با معارف اسلامی آشنا شویم: ش ۵۱، ص ۱۰۳.

و جزئی از ایمان شمرده شده است:

«خداوند نمی‌خواهد برای شما رنج و زحمتی ایجاد کند، اما می‌خواهد شما را پاک کند و نعمت خویش را بر شما تمام نماید، باشد که سپاس‌گزار نعمت‌های او باشید».[۱]

در روایتی از پیامبر اکرم نقل شده است که:

«پاکیزگی جزو ایمان است».[۲]

و امام باقر علیه السلام فرمودند:

«پاکیزه کردن منزل، نیازمندی را برطرف می‌کند».[۳]

هم چنین امام صادق علیه السلام فرمودند:

«مسواک کردن از آداب پیامبران است».[۴]

خانهٔ پیامبر که الگویی برای همه خانواده‌های اهل مسجد به شمار می‌رود، با همه سادگی، همیشه پاکیزه بود. آن رسول بزرگوار می‌فرمود: محوطهٔ جلو خانهٔ خود را جارو بزنید و تمیز کنید. آن بزرگوار مردم را از ناشسته رها کردن ظرف‌های غذا، هم چنین از بدون سرپوش گذاردن ظرف آب و غذا نهی می‌کرد. رسول گرامی دستور داده بود که آب‌ها را مطلقاً آلوده نسازند و در موقع شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند.

پس اگر ما بخواهیم، الگویی برای خانوادهٔ اهل مسجد و نمازگزار ارائه نماییم، از جمله شرایط چینن خانواده‌ای، تأسی کردن به کلام خداوند و دستورهای پیشوایان دین و پاکیزگی جسم و جان از هر نوع پلیدی و ناپاکی است، به عبارت دیگر سلامت جسم و جان، نقطهٔ آغازین تکامل اعضای خانوادهٔ اهل مسجد است.

---

۱. مائده / ۶.

۲. مفاتیح السعادة، محمد حسابدار، انتشارات توشه، اراک: ص ۹۵.

۳. مأخذ قبل.

۴. مفاتیح السعادة.

۷. عدالت

خانوادهٔ اهل مسجد، عدالت را در همهٔ مراحل زندگی و امور رعایت می‌کند، چراکه خانوادهٔ فاقد عدالت از حالت تعادل خارج می‌شود و نمی‌تواند پرورش دهندهٔ انسان‌های بزرگ در آینده باشد.

سعادتمندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعدادهای گوناگون و بلکه متناقضی وجود دارد که اگر پدر و مادر عدالت و مساوات را رعایت ننمایند و فرزندی یا عضوی را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری‌هایی ایجاد می‌شود و چه بسا آرامش خانواده‌ای در خطر بیفتد وگاهی سرچشمهٔ کینه‌توزی‌ها و بدبینی‌ها را در همین جا باید پیدا کرد. بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها سه خطر را متوجه خانواده‌ها می‌سازد:

۱. فرزند به خواهران و برادران خود که محبوب‌تر از او هستند، بدبین می‌شود و کینه به دل می‌گیرد.

۲. نسبت به والدین احساس خشم و کینه می‌کند.

۳. این بی‌اعتنایی و تبعیض‌ها، شخصیت طفل را ضعیف می‌کند و موجب می‌شود وی در همهٔ مراحل زندگی احساس حقارت کند.

در خانوادهٔ نمازگزار و اهل مسجد، والدین در توزیع توجّه، محبّت و نگاه به فرزندان، براساس آموزه‌های پیشوایان دین با نهایت عدالت و انصاف رفتار می‌کنند و به فرزندان خود مستقل از جنسیت، سن و سال و زیبایی و هوش، محبت می‌کنند و از مقایسه بین فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزردگی خاطر می‌شود پرهیز می‌نمایند.

پس خانوادهٔ مسجدی در همهٔ امور از افراط و تفریط پرهیز می‌کند، و برای این که زمینه‌های ارتقای علمی و معنوی فرزندان خویش را فراهم کند، عدالت را به معنای واقعی آن در هر امری در خانواده در نظر می‌گیرد.

۸. مشورت

از جمله شاخصه‌های اعضای خانوادهٔ مسجدی، توجه به اصل مشورت و همفکری در ادارهٔ زندگی خانوادگی است. پدر و مادر و فرزند باید در سامان بخشیدن به امور زندگی و تنظیم برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها از این امر مهم استفاده کنند. تحکّم و زورگویی، امر و نهی‌های یک طرفه و رفتارهای تحقیرآمیز، صفا، صمیمیّت، رفاقت و دوستی را از محیط خانه دور می‌کند.

پدران و مادرانی که در کمال صداقت و یک رنگی و ضمن احترام به شخصیت فرزندان‌شان، با آنان مشورت و در امور خانه از فکر و نظرشان استفاده می‌کنند و آمرانه با آنان سخن نمی‌گویند، این عمل آنان موجب خواهد شد که فرزندان نیز به والدین خود احترام بگذراند و با آنان مشورت کنند، همچنین اسرار زندگی خود را با ایشان در میان بگذارند و از راهنمایی‌های آنان استفاده کنند.

در چنین خانواده‌های متعادل و مسجدی، نوجوانان و جوانان، احساس می‌کنند که عضوی از خانواده هستند و به نظرهای آنان توجه می‌شود. بنابراین از بسیاری انحرافات ناشی از کمبودهای عاطفی و شخصیتی همچون احساس حقارت، کینه‌جویی و یا خشونت و گریز از خانه در امان می‌مانند.

در مورد اهمیت مشورت در همهٔ امور به ویژه در خانواده، امیرمؤمنان، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«با افراد آزموده و صاحب تجربه هم‌نشین باش، چرا که آنان تجربه‌ها را با گران‌ترین بها به دست آورده‌اند و تو آن متاع گران قیمت را با ارزان‌ترین قیمت به دست می‌آوری».[۱]

وجود شوراهای خانوادگی سبب می‌شود که رفتار فرزندان تحت کنترل در آید و آنان دریابند که در همهٔ اعمال و رفتار آزاد نیستند، همچنین در روابط و عمل‌کردها باید دیگران هم به حساب آیند و هنجارهای جمعی‌شان پذیرفتنی باشد تا بتوانند راه زندگی را بدون لغزش طی کنند.

---

۱. نهج‌البلاغه، ابن ابی‌الحدید: ج ۲۰، ص ۳۳۵، کلمهٔ ۸۴۶.

شور و مشورت‌های خانوادگی، رابطهٔ اعضای خانواده را هم دوستانه می‌کند و هم قدمی در راه انس و الفت بیشتر برداشته می‌شود. مرد، رئیس شورا، زن، معاون، و فرزندان، صاحب رأی و نظرند و این در رشد سیاسی و اجتماعی‌شان فوق‌العاده مؤثر است.

۹. دانشجویی و حقیقت‌طلبی

دانش‌جویی و طلب علم از شاخصه‌های مهم خانوادهٔ مسجدی و نمازگزار است، چراکه دین اسلام علم را چراغ عقل، زینت اغنیا، جمال فقرا و بهترین هدایت می‌داند و هیچ گنجی را نافع‌تر از علم نمی‌داند.

پیامبر اکرم فرمود:

«**العلم رأس کل خیر والجهل رأس کل شر**».[۱]

«دانایی سرآمد همهٔ خوبی‌ها و نادانی سرآمد همهٔ بدی هاست».

والدین اهل مسجد، باید فرزندان خود را به علم و دانش تشویق نمایند و فضایل، ارزش‌ها و مزایای علم و علما را به آنان تذکر دهند، و یادآور گردند علما و دانشمندان، وارثان انبیا و پیامبران‌اند که بر کرسی‌هایی بلند، فرازنده و درخشان از نور جای دارند، جایگاهی که انبیا، شهدا و جانبازان راه خدا، این موجودات مقدّس و الهی، به آن غبطه می‌خورند.

خانواده‌ای که در مسجد رشد و تعالی یافت می‌داند که علم و آگاهی، نخستین شرط موفقیت انسان، بلکه پایه و اساس سعادت اوست، و خوشی‌های دنیا و آخرت به وسیلهٔ علم به دست می‌آید. بنابراین همهٔ تلاش خویش را در فراگیری دانش و حقیقت به کار می‌بندد. علم، سبب رشد عقلانی انسان است و استعدادهای نهفتهٔ وجودی را به فضیلت می‌رساند.

---

۱. هدایة العلم: ج ۲، ص ۹۹۴.

امام صادق علیه‌السلام در سخنی فرمودند:

«**کثرة النظر فی العلم یفتح العقل**».[۱]

«درس خواندن و مطالعهٔ مستمر و زیاد، عقل را شکوفا می‌کند».

خانوادهٔ اهل مسجد، به خوبی می‌داند که انسانِ بدون آگاهی و شناختِ راه‌های موفقیت و شرایط بهترِ زندگی کردن، نمی‌تواند به کمال برسد.

حضرت علی علیه‌السلام به کمیل فرمود:

«**ما من حرکة الّا و أنت محتاج الی معرفته**».[۲]

«ای کمیل، هیچ حرکت و کاری پیش نخواهد رفت، جز این که در بارهٔ آن شناخت لازم را داشته باشی».

۱۰. آزادی اندیشه

در خانوادهٔ اهل نیایش و مسجد، امکان اندیشیدن برای همگان فراهم است؛ روحیهٔ تحقیق و تتبّع، نتیجهٔ آزادی اندیشه است. در چنین خانواده‌ای، حس کنجکاوی فرزندان تحریک می‌شود و در نتیجه میل به فکر کردن، مطالعه، و تحقیق کردن افزایش پیدا می‌کند و این خود مؤثرترین فعل تربیتی است؛ زیرا فرزندان به توانمندی‌های فردی و اجتماعی خود واقف می‌شوند و به هر چیز که در اطراف آنان می‌گذرد، با دقت و کنجکاوی می‌نگرند.

در چنین خانوادهٔ اهل مسجدی، قدرت اندیشیدن و مواجهه با اندیشه‌های دیگران فوق‌العاده تقویت می‌شود و با توجه به این که تربیت، یعنی حرکت به سمت بهتر شدن، یعنی راضی و قانع نبودن به وضع موجود، این که انسان هنوز وظایف خود را به خوبی انجام نداده است، لذا با امید و اعتماد به آینده، قدم‌هایی برای ادای مطلوبِ وظایف بر می‌دارد، و لازمهٔ این امر، برخورداری انسان از آزادی اندیشیدن است که زمینه و بستر آن در خانوادهٔ اهل مسجد و نمازگزار وجود دارد. ضمناً میان آزادی در اندیشیدن با امید به آینده رابطهٔ

---

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل: ج ۲، ص ۲۸۷.

۲. تحف العقول: ص ۱۱۹.

مستقیم و معنی‌داری وجود دارد، به هر میزان انسان‌ها از قدرت اندیشیدن بیش‌تری برخوردار باشند، به آینده امیدوارتر می‌شوند و برعکس یأس و ناامیدی در میان کسانی پرورش می‌یابد که فقط به یک قرائت و یک نوع اندیشیدن پای بند هستند و آن چه راکه خود می‌اندیشیده‌اند، مطلق می‌انگارند و در مواقع ناکامی، بذر یأس و ناامیدی در جامعه می‌افشانند.

در خانوادهٔ مسجدی، آزادی اندیشه، مقدمهٔ آزادی عقیده است. با آزادی اندیشه، عقیده، کامل و بلکه تصحیح می‌شود و آزادی عقیده بستر تربیت صحیح، درونی و ماندگار است.

عقل باید طوری پرورش یابد که بتواند افکار و عقاید گوناگون را بسنجد و دربارهٔ آن‌ها قضاوت کند. قرآن مجید، هدایت و ارشاد خدا را شامل کسانی می‌داند که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن‌ها را پیروی می‌کنند.[۱]

۱۱. مقاومت در برابر سختی‌ها

خانوادهٔ اهل مسجد به خوبی در برابر سختی‌ها و شداید مقاومت می‌کند، چرا که می‌داند مواجهه با شداید، مربّی، مکمل، صیقل دهنده، جلابخش و کیمیا اثر است.

دانشمندان معتقدند بزرگ‌ترین دشمنی که در حق اطفال و کودکان می‌شود، این است که پدران و مادران ناآگاه از اصول تربیتی برای محبّت و مهربانی کردن به فرزندانشان استفاده می‌کنند. یعنی نوازش‌های بی‌حساب، مانع شدن از برخورد با سختی، ناز پرورده بار آوردن آنان و امثالهم، که این‌ها موجب می‌شود طفل ضعیف و ناتوان بار آید.

ژان ژاک روسو در کتاب امیل می‌گوید:

«اگر جسم، در آسایش پیش از اندازه باشد، روح فاسد می‌شود؛ کسی که درد و رنج را نشناسد، نه لذت شفقت را می‌شناسد و نه طراوت ترحم را، چنین کسی قلبش از هیچ چیز متأثر نخواهد شد و بدین سبب شایسته معاشرت نیست زیرا مانند دیوی خواهد بود در میان آدمیان».[۲]

---

۱. زمر / ۱۸.

۲. مرتضی مطهری، بیست گفتار: ص ۱۸۳.

خانوادهٔ مسجدی به خوبی می‌داند که خداوند برای تربیت و پرورش جان انسان‌ها دو برنامه تشریعی و تکوینی دارد و در هر برنامه، شداید و سختی‌ها را گنجانده است. در برنامه تشریعی، عبادات را فرض کرده و در برنامه تکوینی، سختی‌ها را بر سر راه بشر قرار داده است؛ گرسنگی، ترس، تلفات مالی و جانی، شدایدی است که در تکوین پدید آورده شده تا موجب تکمیل نفوس و پرورش استعدادهای عالی انسانی شود.

گوته در مورد تأثیر آلام و شداید در روحیات انسان می‌گوید:

«آلام و شدایـد، هـوش انسـان را تـیزتر مـی‌کند و طـوفان حـوادث، روحیات انسان را تقویت می‌نماید».[۱]

افراد قوی و نیرومند کسانی هستند که در گهواره رنج، پرورش یافته‌اند. آنان می‌توانند در برابر بزرگترین مصایب مقاومت کنند، ولی کسانی که در مهد عزت و نعمت پرورش یافته‌اند، با یک نسیم سرد پژمرده و با یک باد شدید از جای کنده می‌شوند.

۱۲. اعتدال

اساس خانوادهٔ متعادل و مسجدی بر اعتدال بنا شده است لذا به افراط و تفریط کشیده نمی‌شود. خدای متعال امت اسلامی را امتی متعادل و میانه معرفی می‌کند. امت میانه یعنی امتی که همهٔ برنامه‌هایش در حد اعتدال باشد و باید توجه داشت که راه و رسم اعتدال، کوتاه‌ترین و استوارترین راه تربیت است.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«بر تو باد میانه‌روی؛ زیرا یـاری کـننده‌ترین چـیز بـرای خـوب زنـدگی کردن است».[۲]

در حقیقت سلامت فرد و جامعه درگرو تربیتی متعادل است. روان‌شناسی تربیتی ثابت کرده است که هرگاه انسان از مسیر اعتدال خارج شود، نقطهٔ آغازین انحراف و گمراهی

---

۱. جعفر سبحانی، رمز پیروزی مردان بزرگ، انتشارات نسل جوان: ص ۱۵۵.
۲. غررالحکم: ج ۲، ص ۲۳ و ۲۴.

وی همان نقطهٔ خروج از اعتدال خواهد بود. پس خانوادهٔ اهل مسجد، آن خانوادهٔ شایسته‌ای است که اعتدال را در همه زمینه‌ها رعایت و اجرا کند، چرا که خانوادهٔ نامتعادل از رشدی یک بعدی برخوردار است و ارزش‌هایی که از طریق آن حاصل می‌شود. از آن جا که تک بعدی است تبدیل به ضد ارزش و ضد هنجار می‌شود.

در نتیجه باید اذعان داشت که اعتدال یکی از ارکان خانوادهٔ اهل مسجد است، فی‌المثل در مسائل اقتصادی ریخت و پاش وجود ندارد و از سوی دیگر سختگیری بی‌حساب هم نیست. نه بریز و بپاش است و نه بخور و نمیر.

۱۳. اقتصاد مناسب

اقتصاد مناسب و شایسته، ویژگی دیگر خانوادهٔ اهل مسجد است. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تدبیر اقتصادی را بخشی از دین و از نشانه‌های مؤمن برشمرده‌اند.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

«**من علامات المؤمن... حسن التدبیر فی المعیشة**».[1]

«از نشانه‌های مؤمن، تدبیر نیکو در معیشت (اقتصاد) است».

غفلت از مال یا سوء تدبیر درخصوص آن، زایندهٔ فقر، و فقر زمینه‌ساز کفر است. تأمین آبرومندانه و کریمانهٔ معیشت خانواده، از ویژگی‌های مطلوب خانوادهٔ مسجدی و مؤمن است.

هم چنین لازمهٔ داشتن اقتصاد مناسب، کار، تلاش و فعالیت است. کار و تلاش از عوامل خوش‌بختی و سعادت انسان، مایهٔ نجات او از افسردگی؛ موجب شادی و نشاط روان، سبب رشد و سلامت اعضا، عامل استقلال و سرپا ایستادن، و مانع رنج‌ها و غصه‌هاست. فقر و ناداری، بلایی مخوف و مصیبتی جان‌کاه برای انسان است. بخشی از درگیری‌های خانواده، سستی‌ها و سردی‌ها در روابط و بی‌اعتنایی به حقوق و مقام همسر، به علت جنبه‌های مالی به ویژه با فقر و تنگ‌دستی است.

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۴۲.

خانوادهٔ مسجدی به این مسائل وقوف کامل دارد و از اقتصادی مناسب و شایسته برخوردار است. فقدان کار و معیشت مناسب، برابر است با فقر و نداری، و هر کجا که پای فقر باز شد، معضلات رشد می‌کند و زمینه‌های ارتقا و تعالی اعضای خانواده مسدود می‌شود.

۱٤. ساده زیستی

با یک بررسی عاقلانه، دربارهٔ زندگی‌های تجّملاتی و تشریفاتی به این نتیجه می‌رسیم که با پرهیز از چشم و همچشمی‌ها و تقلید نکردن از رسم‌های غلط و نیر بی‌اعتنایی به حرف‌های بی‌ارزش افراد نادان، چنان چه زندگی‌مان با نظم و حساب و قناعتی صحیح همراه باشد، ناراحتی‌ها و نگرانی‌ها از بین می‌روند و به آرامش واقعی می‌رسیم، چرا که آسایش واقعی در ساده‌زیستی نهفته است.

در این زمان که تقلید از یک دیگر و نیز از رسوم غلط، اساس زندگی صحیح اسلامی و انسانی را با خطرهایی روبه رو کرده، حرکتی فرهنگی و بازدارنده از سوی خانواده‌های اهل مسجد، ضروری است تا با الگو قرار دادن تعالیم سعادت‌بخش اسلام، مردم عزیزمان خصوصاً نسل جوان، با بینش بهتر و آگاهی بیش‌تر در کمندهای نامرئی شیطان و استکبار جهانی گرفتار نشوند. در مورد زندگانی پیامبر نقل شده است:

«**و کان خفیف المؤنة**».[1]

«پیامبر اکرم زندگانی ساده و کم هزینه‌ای داشت».

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«پیامبر به کم‌ترین مقدار از نعمت‌های دنیا بسنده می‌کرد. کم می‌خورد، کم می‌نوشید و جامه‌ای بسیار ساده می‌پوشید. زندگی او در خانه، بی‌تکلّف و آکنده از عشق، آرامش و محبّت بود. از غذایی که به آن رغبت نمی‌کردند، عیب‌جویی نمی‌کردند، روی زمین می‌نشستند و با بینوایان غذا می‌خوردند».

خانواده اهل عبادت و مسجد نیز با الگوبرداری از زندگانی پیامبر و پیشوایان دین که

---

۱ . وسائل الشیعه: ج ۵، ص ۵۴.

کامل‌ترین نوع زندگانی را داشتند، ساده زیست هستند، چرا که تجربه ثابت کرده است، اگر خانواده‌ها از مسیر ساده زیستی خارج شوند، به عرصهٔ رقابت و چشم هم‌چشمی وارد می‌شوند و در نتیجه همهٔ نیرو و توان آنان در این زمینه هدر می‌رود و از تکامل حقیقی فاصله خواهند گرفت.

۱۵. تربیت عقلانی

تربیت عقلانی شاخصهٔ ممتاز خانوادهٔ مسجدی است؛ زیرا در وجود انسان هیچ موهبتی به اندازهٔ عقل و نیروی تفکر، ارزش حیاتی و انسانی ندارد. نقشی که تعقل در زندگی انسان و در سعادت، تکامل و موقعیت وی در رویارویی با مشکلات بنیادین دارد، مقایسه شدنی با هیچ نیروی دیگری نیست.

اصولاً قوای خدادادی و موهبت‌ها هنگامی برای انسان سودمند است که تحت رهبری و اختیار کامل عقل باشد، هم‌چنین مواهب اکتسابی تنها از طریق به کارگیری قوای عقلانی و نیروی تفکر به دست می‌آید.

برخورداری انسان از موهبت ایمان، معرفت و دانش گرفته تا موهبت‌های زودگذر مادی دیگر، همه و همه در سایهٔ تعقل و تفکر بوده و هم چنین هر نوع تکامل و ترقی معنوی و مادی انسان مرهون به کارگیری این موهبت بزرگ و مقدس است.

پس چه موهبتی باارزش‌تر و مقدس‌تر از این نیرو، که وقتی انسان متحیّر، برای رفع تحیّر خویش به آن تمسّک می‌جوید، او را به راه صلاح و مستقیم رهنمون و باعث می‌شود که او راه هدایت را از ضلالت، و سعادت را از فساد و تباهی تشخیص دهد.

از پیامبر نقل شده است:

«خداوند به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است، زیرا خوابیدن عاقل از شب بیداری جاهل و نادان بهتر است و در منزل بودن عاقل از مسافرت جاهل (به سوی حج و جهاد) نیکوتر است و خداوند، پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد، مگر زمانی که عقل او کامل شد و بر عقول همهٔ امتش برتری یافت».[۱]

---

۱. اصول کافی، ج ۱، کتاب عقل و جهاد.

ضمناً با تأمل در قرآن متوجه می‌شویم که روی سخن قرآن همه جا با اندیشمندان، متفکران و صاحبان خرد است.

خواجه عبدالله انصاری رحمه‌الله می‌گوید:

«خدایا، به کسی که عقل دادی چه ندادی؟ و به کسی که عقل ندادی چه دادی؟».

پس در خانوادهٔ اهل مسجد و با ایمان است که با شکوفایی «قوای عقلانی» همگان به رشد مناسب و شایستهٔ خویش می‌رسند.

۱۶. تصمیم‌گیری و قاطعیت

در خانواده‌ای که اعضای آن حضوری فعال در مسجد دارند، افرادی ظاهر می‌شوند که انسان‌هایی با اراده و جدّی هستند و همیشه در هنگام انجام دادن کارها اراده را حاکم می‌کنند نه عادت را.

ارادهٔ استوار و تصمیم قاطع است که می‌تواند در لحظات حساس زندگی و در پیچ و خم مشکلات، دودلی و سستی را از بین ببرد و انسان را از پیچ و خم مشکلات عبور دهد و در مخاطرات یاری کند.

با مطالعهٔ تاریخ درخشان زندگانی کاشفان، مخترعان، سیاست مداران و متفکران بزرگ به این حقیقت می‌رسیم که همهٔ پیشرفت‌ها و موفقیت‌های آنان مرهون ارادهٔ قوی، عزم راسخ و پشتکار فوق‌العادهٔ آنان بوده که وقتی برای رسیدن به هدفی تصمیم می‌گرفتند، هیچ مانعی نمی‌توانست آنان را از تصمیم خویش منصرف کند و تردید و تزلزل را جانشین آن سازد.

حضرت علی علیه‌السلام نمونهٔ کامل قاطعیت و استواری در تصمیم‌گیری و تسلیم‌ناپذیری است، در سخن پر ارجی که نشان دهندهٔ همت بلند ایشان است، فرمودند:

«**والله لو تظاهرت العرب علی قتالی ما ولیّت عنها**».[۱]

«سوگند به خدا، اگر تمام عرب به جنگ با من برخیزند، هرگز در صحنهٔ نبرد پشت به آنان نخواهم کرد».

و هم او هنگامی که پرچم را در جنگ جمل به دست پسرش، محمّد حنفیه داد، با این جملات به وی درس قاطعیت آموخت:

«**تزول الجبال و لاتزل**».[۲]

«اگر کوه‌ها متزلزل شدند، تو تکان نخور».

اراده و تصمیم‌گیری صحیح از جمله رموز موفقیّت خانوادهٔ اهل مسجد است، چراکه تا وقتی انسان اراده و عزم راسخ نداشته باشد، رسیدن به موفقیّت در کار محال است. سست بودن اراده و تصمیم‌گیری در خانواده موجب می‌شود ساده‌ترین کارها را نتوانند انجام دهند و به خانواده‌ای بی‌هدف و سرگردان تبدیل شوند.

به راستی افرادی که در خانواده‌ای مسجدی و نمازگزار رشد و نمو می‌نمایند، متفکرانه تصمیم می‌گیرند و در طوفان مشکلات سرخم نمی‌کنند.

۱۷. اجتماعی بودن

خانواده‌ای که حضوری فعال در مساجد دارد، خانواده‌ای جدای از اجتماع و مردم نیست، چراکه نوع زندگی انسان و نیازهای او همانند تهیهٔ آب، غذا، مسکن، لباس، ابزارهای زندگی و ضرورت‌های آن در ابعاد گوناگون فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و امثالهم انسان‌ها را به گردهمایی، تقسیم کار و تنظیم امور برای تسهیل در تأمین نیازهای یکدیگر وادار می‌کند.

انسان به لحاظ میل باطنی خویش با دیگران رابطه و معاشرت و همزیستی دارد. حتّی اگر ترس از حیوانات یا نیازهای متنوع و یا عوامل دیگر وجود نمی‌داشت، باز هم انسان به زندگی اجتماعی تمایل داشت، براساس همین نکته است که انسان را مدنی بالطبع خوانده‌اند.

---

۱. نهج‌البلاغه: خطبهٔ ۴۵.
۲. مأخذ قبل: خ ۱۱.

در سخنان پیشوایان دین نیز به اجتماعی بودن انسان به طور صریح اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«بدانید که معاشرت مردم برای زندگی شما لازم است و کسی نیست که تا زنده است از مردم بی‌نیاز باشد، زیرا وجود شما برای همدیگر لازم است».[۱]

اسلام که خیر و سعادت خانوادهٔ متعادل را تأمین و تضمین می‌نماید، دینی است که بسیاری از دستورهای آن در اجتماع تحقّق پیدا می‌کند. حتّی می‌توان گفت که مجموع برنامه‌های فردی آن نیز با اجتماع پیوند دارد و براساس مصالح فردی و اجتماعی تنظیم شده است. نماز جمعه و جماعت، روزه، زکات، خمس، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و ده‌ها نمونهٔ دیگر، غالباً باتوجه به مصالح فردی و اجتماعی تنظیم و مقرر گردیده‌اند. اسلام با دیدی همه جانبه و براساس هدف‌های خلقت و با در نظر گرفتن مصالح بندگان خدا، می‌کوشد تا خانواده‌ها در صحنه‌های گوناگون اجتماعی حضور یابند و در مسابقه‌های بزرگ به رقابت بپردازند و به رشد و بالندگی در علوم و فنون گوناگون و کسب مدارج کمال و مدال‌های افتخار نایل آیند.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرموده است:

«**من فارق الجماعة قید شبر خلع ربقة الاسلام من عنقه**».[۲]

«هر کس به اندازهٔ وجبی از اجتماع دوری گزیند، بند اسلام را از گردن خود در آورده است».

بنابراین خانوادهٔ پرورش یافته در مکتب مسجد، تحت هیچ شرایطی خود را از جامعه جدا نمی‌داند، بلکه در جامعه فعالیت می‌نماید و در ارشاد و بازسازی جامعه نیز تمام تلاش خود را به کار می‌بندد.

---

۱. وسائل الشیعه: ج ۱۲، ص ۷.
۲. بحارالانوار: ج ۲۷، ص ۷۲.

۱۸. هدفمند بودن

از دیگر شاخصه‌های ممتاز خانواده اهل مسجد، هدفمند بودن است. خانواده‌های هدف‌دار که شیوهٔ رسیدن به هدف‌شان را در مکتب مسجد آموخته‌اند، نه تنها در زندگی شکست نمی‌خورند، بلکه احساس می‌کنند، قدرت، اراده و اختیار فزون‌تری کسب کرده‌اند، از این رو سعی بیشتری در راه رسیدن به تکامل می‌کنند. روان شناسان معتقدند که انسان در لحظه‌هایی رشد می‌کند که تصمیم می‌گیرد هدفی را دنبال کند و چنین افرادی در امور زندگی همواره موفق‌اند.

البته در هر حرکتی باید بدانیم چه می‌خواهیم، به کجا باید برویم و از چه ابزارهایی برای رسیدن به مقصد بهره ببریم، تا بتوانیم بهترین راه رسیدن به آن را برگزینیم زیرا تا مقصد و مقصود برای ما مشخص نباشد، انتخاب راه و رسیدن به آن هم مقدور نخواهد بود.

خانواده‌های بلند همت اهل مسجد، زمانی که توفیقی به دست می‌آورند، کوشش می‌کنند با انتخاب هدف‌های عالی‌تر و کوشش‌های جدّی‌تر آن را وسیلهٔ تکامل بیش‌تر قرار دهند و از آن عبور کنند و به موقعیت بهتری دست یابند. در واقع هدف عالی برای آنان به سان آب زلالی می‌شود که به ریشهٔ شخصیت انسانی آنان نفوذ کرده است و آن را شکوفا و بارور می‌سازد.

افرادی که از محیط‌های کوچک و با امکانات کم و زمینه‌های نامساعد به موفقیّت‌های شگفت‌انگیز دست یافته‌اند، این حقیقت را به خوبی ثابت کرده‌اند که انتخاب هدف و ایمان به آن می‌تواند ایشان را به اوج کمال برساند.

بسیاری از جوانان، می‌پندارند که توفیق و خوشبختی، هدف و کیمیایی است که خارج از وجود آنان است و اگر ستاره‌ی اقبال و شانس در آسمان زندگی کسی بدرخشد، او را به موفقیّت و خوشبختی خواهد رساند. این‌گونه افراد باور ندارند که موفقیّت زاییدهٔ اندیشه و عمل خود انسان است، انسان باایمان و توکّل به خدا و تلاش و کوشش خویش می‌تواند آیندهٔ خود را بسازد. از این‌رو موفق‌ترین افراد کسانی هستند که با تأسی به تعلیمات مکتب مسجد به عمق وجود خود پی می‌برند و عملاً عالی‌ترین بهره‌ها را از ذخایر وجودی خویش می‌برند.

اصول سادهٔ موفقیّت و رسیدن به هدف عبارت است از:

۱. شکست را فراموش کنید؛

۲. خود را بشناسید؛

۳. فکر کنید و بر تفکر خود مسلط باشید؛

۴. تصمیم درست و منطقی اتخاذ کنید؛

۵. به خودتان اعتماد کنید؛

۶. به پیروزی ایمان بیاورید و باور کنید، خواستن توانستن است.

۱۹. تقسیم کار

در هر خانه کارهای گوناگونی وجود دارد، کسب درآمد، خرید نیازهای زندگی، پخت و پز، نظافت و بسیاری از مسائل دیگر، طبیعی است که انجام دادن این امور به دست یک تن بسیار طاقت‌فرسا و شاید غیرممکن باشد، پس باید با تقسیم کار، همهٔ نیازهای خانواده را تأمین کرد. از این‌رو هر یک از اعضای خانوادهٔ مسجدی باید متناسب با شأن و منزلت، ذوق و سلیقه، هنر و توان خود، باری از زندگی را بر دوش گیرند.

حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام پس از ازدواج، از رسول خدا درخواست کردند که کارهای زندگی را بین آنان قسمت کند، آن چنان که هر یک وظیفهٔ خود را بداند و رسول خدا فرمودند: کارهای داخل خانه با فاطمه زهرا و کارهای بیرون خانه با علی باشد.

فاطمه زهرا علیها السلام بعدها فرمود: خدا می‌داند که این تقسیم، مرا بسیار خرسند ساخت، زیرا از رنج وارد شدن در اجتماع مردان معاف شدم.

بنابراین در خانوادهٔ پرورش یافته مکتب مسجد، تقسیم کار به نحوی مطلوب و شایسته وجود دارد و این تقسیم کار در بلند مدت، خود موجب ارتقای همه جانبهٔ اعضای خانواده می‌گردد.

۲۰. فداکاری

خانوادهٔ اهل مسجد، با تأسی به اهداف والای اسلام، درصدد است با ایجاد روح جمعی و تبدیل من انسانی به ما شور، عشق، و احساس مسؤولیت و دلسوزی نسبت به دیگران و روح فداکاری، ایثار و صمیمیّت را در کالبد اجتماع بشری و یکایک افراد آن بدمد و آنان را از انحصارطلبی، انزواطلبی و گوشه‌گیری که مانع رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی است، باز دارد.

تربیت شده مکتب مسجد، در هر مقام و موقعیتی که باشد، همواره مصالح جمعی را بر خواسته‌های شخصی خود مقدم می‌دارد، فداکار است، درد اجتماع را درد خود می‌داند، در غم و شادی دیگران شریک است و خود را در برابر سختی‌ها و مشکلات اجتماعی مسؤول می‌داند و بی‌اعتنا نیست.

خانوادهٔ علی و فاطمه علیهما السلام، الگوی خانواده‌های اهل مسجد

زندگانی این دو اسوه خانواده‌های اهل مسجد و همهٔ عالم امکان، طبیعی، عادی، نشاط‌انگیز و روح پرور بود. این روح پروری به‌لحاظ صفا و سادگی زندگی آنان بود. ایشان در خانه‌ای کوچک و گلین، ساده و بی پیرایه که تنها به این اندازه می‌ارزد که سایبانی برای جلوگیری از تابش خورشید و یا سقفی برای جلوگیری از باران باشد زندگی می‌کردند.

در تاریخ آمده است که پیامبر اکرم روزی وارد منزل زهرای اطهر شد و دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته و شیر می‌دوشد و در دست دیگر با آسیاب دستی گندم آرد می‌کند. اشک در چشمان رسول خدا حلقه زد و فرمود:

«دخترم تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز».[1]

سلمان فارسی می‌گوید:

«روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده بر سر

---

۱. نهج‌الحیاة، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، محمد دشتی: ص ۱۶۱.

داشت، در شگفتی ماندم و گفتم: عجبا! دختر پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زر بافت به تن می‌کنند؛ این دختر رسول خداست که نه چادری گران قیمت بر سر دارد و نه لباس‌های زیبا؟!».[۱]

حضرت علی علیه‌السلام به جنگ می‌رفت و جهاد می‌کرد و حضرت فاطمه علیهاالسلام شمشیر خونین ایشان را می‌شست. حضرت فاطمه علیهاالسلام کانون خانواده را گرم و پناهگاه می‌کرد و می‌دانست پیروزی حضرت علی علیه‌السلام در عرصه‌های گوناگون تا حدود زیادی مربوط به اعتماد او به کانون خانواده است و با این اقدام کمک می‌کرد تا رزم حضرت علی علیه‌السلام چشم‌گیر گردد، و حقیقتاً نقش زن در موفقیت شوهر تا چه حد مؤثر است.

حضرت علی علیه‌السلام از جبهه برمی‌گشت و حضرت فاطمه علیهاالسلام با مهربانی همیشگی خود او را دل‌گرم می‌کرد، تقویتش می‌نمود، زخم‌هایش را می‌بست، کوفتگی بدنش را می‌زدود و البته حضرت علی علیه‌السلام مردی قدرشناس بود، وقتی به خانه می‌آمد از حال حضرت فاطمه علیهاالسلام جویا می‌شد، از تن خسته‌اش سؤال می‌کرد و او را دل‌داری می‌داد زیرا این دو دل دارِ هم بودند.

امام خمینی قدس‌سره در مورد شخصیت حضرت زهرا علیهاالسلام فرمودند:

«زهرای اطهر از معجزات تاریخ و افتخارات عالم وجود است، زنی که در حجره‌ای کوچک و خانه‌ای محقّر انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلیٰ می‌درخشید».[۲]

باید توجه داشت که محیط خانوادهٔ پرورش یافته در مکتب مسجد، ضامن خوش‌بختی برای زن، ارج نهادن به ارزش‌های معنوی شوهر و اصالت دادن به آن هاست. زیرا همهٔ ما بارها دیده و شنیده‌ایم که اکثر اختلافات، تلخی‌ها و سردی‌ها، بی‌اعتمادی‌ها، جدایی‌ها و دیگر مشکلات و سختی‌ها بر اثر برخوردار نبودن خانواده از ارزش‌های معنوی و فضایل انسانی است و برعکس همهٔ شادی‌ها، گرمی‌ها، گذشت‌ها، پیوندها و سایر عوامل سعادت خانواده

---

۱. نهج‌الحیاة، فرهنگ سخنان فاطمه علیهاالسلام، محمد دشتی: ص ۱۶۲.

۲. جلوه‌های رفتاری حضرت زهرا علیهاالسلام، عذرا انصاری، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه قم: ص ۵.

و استحکام رشتهٔ الفت و انس و خوش بختی در آن، معلول وجود آن ارزش‌ها بوده است.

آنان که در ازدواج، اصالت و ارزش را به مادیات و امتیازات ظاهری و غیرمعنوی داده‌اند، هرگز در سایهٔ ثروت، رفاه، و نعمت‌های بسیاری که داشته‌اند روی سعادت را ندیده و لذّت زندگی بی‌دغدغه و آرام و گرم را نچشیده‌اند و برعکس، روشن ضمیران و بلندهمتانی که به دنبال مظاهر معنوی و ارزش‌های مکتبی، اخلاقی و انسانی بوده‌اند، با وجود فقر، فشار و مشکلات از زندگی عالی، لذت‌بخش و ارزشمند برخوردار گشته‌اند و این درسی است که حضرت علی و حضرت فاطمه علیهما السلام به ما می‌دهند.

حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام درس بندگی خدا و مطیع و تسلیم اوامر الهی بودن را از طریق تمرین عبادت به فرزندان خویش آموخته‌اند.

خانوادهٔ اهل مسجد حضرت علی علیه السلام دارای امنیت روانی بود و کانونی بود که افراد آن در کمال آرامش، صفا، صمیمیّت، همدلی و همراهی در کنار هم زندگی می‌کردند. ملاطفت و نرمی حضرت فاطمه علیها السلام در مقابل کودکان و همسر گرامی‌اش، محیط کاملاً مساعدی را برای پرورش روح و جان به وجود آورده بود.

روی این اصل بر زنان، عموماً و زوجین جوان خصوصاً لازم است با سرمشق قرار دادن زهرای مرضیه علیها السلام محیط خانه و خانواده را برای شوهر و فرزندان خود مصفّا و پاک سازند و با ایجاد آرامش و سکینه در منزل، موجبات موفقیّت اعضای خانواده را در مقابله با مسائل بیرونی ـ اجتماعی فراهم نمایند.

الگوگیری از زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، برای داشتن خانواده‌ای متعادل

۱. امیرالمؤمنین، حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

«به خدا قسم بعد از ازدواج با فاطمه علیها السلام تا هنگام مرگِ او، هرگز کاری نکردم که فاطمه علیها السلام غضبناک شود و فاطمه علیها السلام هم هیچ‌گاه مرا خشمگین ننمود و از دستورهایم سرپیچی نکرده است».[۱]

---

۱. کوثر عفاف، اصغر تقی‌زاده شکیبا، انتشارات اسلامی: ص ۱۴۱.

و این نخستین درس به زوجین در همهٔ تاریخ خواهد بود.

۲ . حضرت فاطمه علیها السلام در تولید کوشا بود و در مصرف حسابگر، زیاده‌روی نمی‌کرد و هرگز از حدّ متوسط جامعه قدمی فراتر نمی‌گذاشت و زندگی‌اش اغلب پایین‌تر از حد متوسط بود.

۳ . فاطمه زهرا علیها السلام مانند زنان دوران جاهلیّت، آرایش و خودنمایی نمی‌کرد. ایشان خود را فقط برای شوهر خود می‌آراست. اگر زنان جامعهٔ ما مسلمان و شیعهٔ آن بانوی معظّم هستند، پس این جلوه‌های ناپسند برای چیست؟!

۴ . پیامبر اسلام می‌فرمود:

«بهترین زنان شما کسانی هستند که در برابر همسرشان مهربان‌تر، و برای فرزندان خود رحیم‌تر باشند».[۱]

مصداق عینی این سخن، فاطمه زهرا علیها السلام بود. او که همدم و مونس فرزندان خود بود، کارهایشان را زیرنظر داشت و در موارد لزوم تذّکر می‌داد.

و اینک شما خواهر و بانوی مکّرمه، چه شیوه‌ای را با شوهر و فرزندان خود در پیش گرفته‌اید؟ آیا سعی می‌کنید شما هم مصداق فرمایش رسول گرامی اسلام باشید؟

۵ . حضرت زهرا علیها السلام خطاب به امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام می‌فرمود:

«ای اباالحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را از تو درخواست نمایم که در توانت نیست».

متأسفانه بعضی‌ها فراموش کرده‌اند که توقّعات زیاد، بی‌مورد و غیرمنطقی، نشاط روحی و روانی خانواده را از بین می‌برد. آیا بهتر نیست همسر خود را با شرمندگی اذیّت ننماییم!؟

۶ . هنگامی که تمام سنگینی بر دوش حضرت فاطمه علیها السلام بود، چون کوه در برابر همهٔ سختی‌ها می‌ایستاد.

---

۱ . کوثر عفاف، اصغر تقی‌زاده شکیبا، انتشارات اسلامی: ص ۱۴۲ .

پس بر ماست که همچون او راه ایستادگی در مقابل سختی‌ها را بر خود هموار سازیم...!

۷. مهریهٔ فاطمه زهراعليهاالسلام در حدّ بسیار معمولی و مختصر بود، و زندگی سعادتمندی داشت. چه‌قدر شایسته است والدین و زوج‌ها به این نکته با اهمیّت توجّه نمایند.

۸. حضرت علی و فاطمه عليهماالسلام در شب عروسی هر دو به عبادت خدا مشغول بودند، تا شکرگزار نعمت عظمای ازدواج باشند. نظر شما چیست؟ آیا شما نیز چنین کرده و یا خواهید کرد؟!

۹. فاطمه زهراعليهاالسلام اصالت را به کارها و مسئولیّت‌های خانه و خانواده می‌داد و معتقد بود آن لحظه‌ای که زن در خانهٔ خود می‌ماند و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد به خدا نزدیکتر است. شما اصالت را به چه چیزی می‌دهید؟ خانه یا بیرون؟ در هر صورت آیا به برنامه‌ای اندیشیده‌اید که به بنیاد خانواده لطمه وارد نشود؟

۱۰. فاطمه زهراعليهاالسلام آن‌گاه که کودکان خود را به بازی می‌گرفت و به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت، و مفاهیم ارزشمند انسانیّت، شرف، احسان، نیکی و طرف‌داری از حقّ را در قالب اشعار ادیبانه، به آنان می‌آموخت. به راستی ما چگونه عمل می‌کنیم؟

خانهٔ حضرت علی و فاطمه زهراعليهماالسلام کانون مهر و صفا بود. بیایید صفابخش کانون گرم و پر مهر خانوادهٔ خود باشید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رسول خداصلى‌الله‌عليه‌وآله فرمودند:

«بهترین مردم کسانی‌اند که پیش از همه به مسجد داخل می‌گردند، و آخر از همه از مسجد خارج می‌شوند».[1]

در این زمان که انسان‌های دچار بی‌هویتی، سردرگمی، اضطراب، و پریشانی گشته‌اند

---

۱. مجلهٔ مسجد: ش ۶۳، ص ۵۱.

و رو به سوی مقصدی نامعلوم و ناهموار نهاده‌اند و آینده‌ای مبهم و تاریک را در فراروی خویش ترسیم می‌نمایند، گرایش جوانان و نوجوانان و خانواده‌ها به مسجد می‌تواند راهنما و هادی نسل حاضر و آینده، و روشن کنندهٔ آینده‌ای بس درخشان برای خانواده‌ها باشد.

با توجه به اینکه خانواده، خشت اوّل بنای اعتماد و مسؤولیت در هر جامعه است، رشد و انحطاط هر قوم و ملتی تا حدود بسیاری به خانواده مربوط است و سرآغاز هر حرکت و تقویت اندیشه‌ای را باید در آن جست و جو کرد و به لحاظ این اهمیت است که اسلام توصیه به حفظ آن دارد. ﴿**قوا انفسکم و اهلیکم**﴾[1] و هم رسیدگی مجددانه به آن شده است.

خانواده به جهت نقش و اهمیتی که در رشد و سرنوشت نسل‌ها و حیات فردی و اجتماعی انسان دارد، موضوع بحث ادیان گوناگون، مذاهب و نیز دانش‌های متعددی چون روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی و دیگر شاخه‌های علوم انسانی، قرار گرفته است.

در حقیقت خمیر مایهٔ شخصیت انسان در خانواده شکل می‌گیرد و نگرش‌ها، رغبت‌ها و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند درخصوص پدیده‌های گوناگون از خانه سرچشمه می‌گیرد.

پس خانواده اولین مرکز و هسته‌ای است که کودکان همه چیز را در آن یاد می‌گیرند و از همهٔ سکنات و آداب و اطوار والدین تأثیر می‌پذیرند و خودآگاه و ناخودآگاه رفتار و خلق و خوی آنان را تقلید می‌کنند.

مادر و پدر بدون این که تعهدی داشته باشند، سرمشق و الگوی کودکان می‌شوند. اگر مادر و پدر سعی کنند که از سرمشق قرار گرفتن جلوگیری کنند کودکان به سرمشق‌های دیگر روی خواهند آورد و به نظر می‌رسد که این نیازی فطری است.

دربارهٔ تأثیر و نقش الگو در شکل‌گیری شخصیت انسان فراوان سخن گفته‌اند، در این جا ذکر خاطره یکی از عارفان بزرگ می‌تواند شاهد نیکویی بر این موضوع باشد:

«روزی از سهل شوشتری که از عرفای بزرگ و دارای کرامت بود، پرسیدند: چگونه به این مقام و مرتبه رسیدی؟ او پاسخ داد: «من در کودکی نزد دایی‌ام زندگی می‌کردم. وقتی هفت ساله بودم، نیمه شب ادرار به من

---

۱. تحریم / ۶.

فشار آورد، ناچار از رختخواب برخاستم و به دست‌شویی رفتم. وقتی برگشتم که بخوابم، دایی‌ام را دیدم که رو به قبله نشسته، عبایی بر دوش کشیده، عمامه‌ای دور سرش پیچیده و مشغول نماز خواندن است. از حالت او خوشم آمد، کنارش نشستم، نمازش تمام شد، آن گاه از من پرسید: «چرا نشسته‌ای؟» برو بخواب. گفتم: از کار شما خوشم آمده و می‌خواهم پهلوی شما بنشینم. گفت: «نه» برو بخواب. رفتم و خوابیدم. شب بعد نیز از خواب بیدار شدم. باز هم دایی مشغول نماز خواندن بود. وقتی کنارش نشستم به من گفت: «برو بخواب». گفتم: «دوست دارم هرچه شما می‌گویید، من هم بگویم». دایی‌ام مرا رو به قبله نشاند و گفت: یک مرتبه بگو «**یا حاضر و یا ناظر**» من هم تکرار کردم. سپس دایی‌ام گفت: «برای امشب کافی است، حالا برو بخواب». این کار چند شب تکرار شد و هر شب عبارت «**یا حاضر و یا ناظر**» را چند بار تکرار می‌کردم. کم‌کم وضو گرفتن را نیز آموختم و پس از آن که وضو می‌گرفتم، هفت بار می‌گفتم: «**یا حاضر و یا ناظر**».

هر آن کو غافل از حق یک زمان است

در آن دم کافر است، اما نهان است

عاقبت کار به جایی رسید که من بدون این که نزد دایی‌ام بروم، خودم قبل از اذان صبح بیدار می‌شدم و پس از نماز، تسبیح به دست می‌گرفتم و پیوسته تکرار می‌کردم: «**یا حاضر و یا ناظر**» از این کار لذتی روحی می‌بردم تا این که به این مقام و مرتبه رسیدم».[۱]

در دنیای پیشرفتهٔ امروز که فناوری مدرن، بسیاری از معضلات زیستی و اجتماعی مردم را حل نموده است، جهان شاهد بسیاری از معضلات اخلاقی، نابسامانی‌ها، و فروپاشی خانواده هاست. وجود آمار خودکشی بالا، اعتیاد، فحشا، فرار کودکان و نوجوانان از خانواده

۱. افروز،غلامعلی، پرورش احساس مذهبی در کودکان و نوجوانان، تهران،انجمن اولیاء و مربیان،۱۳۷۱ : ص ۱۹ .

و مشکل بیماری خطرناک ایدز، گواه و دلیل محکمی بر بی‌توجهی رهبران و مسؤولان به خصوص والدین در امر تعلیم و تربیت و محافظت و مراقبت نکردن از این نهاد مقدس است.

تحقیقاتی که از جامعهٔ اروپا به خصوص آمریکا به همت محققانی چون پروفسور کوهن انجام شده است، نشان می‌دهد که توسعهٔ روزافزون جرم و بزه‌کاری نوجوانان در آمریکا نتیجهٔ تحولّی است که در خانواده‌های آنجا پدید آمده است. شرایط نیک و بد خانواده نخستین و مهم‌ترین مدرس و مهد تربیت و موفق‌ترین کارگاه انسان‌سازی است و بیشترین دانسته‌ها، تجارب، فرهنگ و تمدن و اخلاق و اندیشه از این راه به‌کودک سرایت می‌کند.

و خلاصه کلام این که گرایش خانواده‌ها به مسجد راه حل بسیاری از معضلات و مشکلات فراروی بشر به شمار می‌رود. خانوادهٔ اهل مسجد، خانواده‌ای متعادل و سالم در همهٔ ابعاد که پرورش دهندهٔ انسان‌های بزرگ تاریخ است.

به امید آن‌که روزی همهٔ خانواده‌ها اهل مسجد، نماز و عبادت باشند. ان‌شاء الله

ضرورت بهسازی تبلیغات دینی در مساجد

▣ علی محمدی آشنانی

▣ چکیده

نگارنده نخست با اشاره به نقش و تأثیر شگرف تبلیغات در جهان معاصر، ضرورت بهسازی تبلیغات دینی در مساجد را خاطر نشان نموده، سپس سه عامل شناخت ابزار دوران معاصر و روحیه جوانان، دریافت راز موفقیت یک پیام و بکارگیری راهکارهای صحیح تبلیغات دینی را به‌عنوان عوامل موفقیت در این عرصه مطرح کرده است و در پایان بازنگری اصول و شیوه تبلیغ کنونی را به همراه جوان‌گرایی موجب بهسازی کارکرد دینی ـ فرهنگی مساجد معرفی کرده است.

اشاره

تبلیغات از اصلی‌ترین و مؤثرترین امور در بنیان‌های عملی و کارکردی زندگی بشر امروزی است. امروزه، نگاه علمی ـ تبیینی، به شکل غیرمستقیم و جذاب به مسائل، رکن اصلی گرایش انسانها به امور شده است به طوری که در پرتو این رویکرد و شیوه نوین، فرعی‌ترین مسائل بر اصلی‌ترین مسائلی که سنتی بیان شده‌اند، چیره شده است.

در دوران معاصر نیز مسجد به عنوان مکانی که در اسلام اصلی‌ترین و اصیل‌ترین پایگاه برای تبلیغ و نشر معارف اسلام بوده، انتظار می‌رود که کارکرد تبلیغی خود را همراه با به‌کارگیری ابزار و شیوه‌های عصر حاضر نه تنها حفظ، بلکه تقویت کند.

آنچه در پی می‌آید نکاتی است که در راستای بهسازی تبلیغات دینی در مساجد به اختصار بیان می‌گردد.

۱ . شناخت ابزار دوران معاصر و جوانان

جنگ عقاید درگذشته نیز سابقه داشته، اما در عصر حاضر به دلیل پیشرفت روزافزون از نظر علم و تکنولوژی، زندگی بشر بیشتر جنبه فکری پیدا کرده، بر این اساس تبلیغ نوعی مبارزه و شرکت در جنگ فکری و نیازمند تشکیلات، فرماندهی، تاکتیک، جبهه‌گیری صحیح، مهارت، صف‌بندی و انضباط ویژه می‌باشد.

همان طوری که در جنگ‌های نظامی در هر زمان باید از وسائل موجود همان زمان استفاده کرد، در مبارزات عقیدتی فکری معاصر نیز باید از امکانات و وسائل جدید، بهره‌برداری کرد.

امروزه قناعت کردن به وسائل قدیم عیناً مثل این است که بخواهیم با دشمن مجهز به بمب اتمی و هیدروژنی با نیزه و شمشیر جنگ کنیم.

افزون برآن باید روحیه جوانان و مقتضای دوران جوانی را شناخت. با کمال تأسف بزرگسالان معمولاً از نگاه خود به جوانان می‌نگرند و به جای آن‌که خود را به دنیای نوجوانی نزدیک گردانند، می‌خواهند جوان را به دنیای خود وارد سازند.

۲ . دریافت راز موفقیت یک پیام

موفقیت یک پیام، برآیند نکات ذیل است که باید به آن توجه نمود:

الف) قدرت و قوت و غنای محتوا

پیام باید قابل جذب بلکه برای فکر و عقل گوارا بوده و از نظر احساسی و اقناع ضمیر و احساسات و نیازهای قلبی، و از نظر عملی و حل مشکلات زندگی پر جاذبه ظاهر شود.

ب) حسن ابلاغ و صلاحیت فنی و اخلاقی پیام رسان

از آنجاکه در تبلیغات، هدف ذهن و اندیشه و در واقع زمینه‌کاری مبلغ، ذهن و فکر و اندیشه است، آیا کسی که خود اطلاع کافی از زمینه‌کاری خود ندارد، می‌تواند بازده خوبی داشته باشد؟ هرگز!

بدینسان آشنایی با مباحث جامعه‌شناسی و روانشناسی از ضروریات یک حرکت تبلیغی مؤثر است. آری پیام رسان باید بداند چه پیامی برای بشر از نظر اندیشه، از نظر دل، از نظر نیاز و واقعیت‌های زندگی و از نظر تضاد طبقاتی و اصول حاکم و محکوم با خود آورده است.

همچنین مبلغ باید از اطلاعات فنی در فن تبلیغ برخوردار باشد و صفات و ویژگی اخلاقی امانت و راستگویی و دست نزدن به دروغ برای گرم کردن صحبت، سعه صدر و عصبانی نشدن از شنیدن دردها، آشنایی با نیازها و دردهای مردم خصوصا جوانان و عدم دخالت در رشته‌ای که تخصصی در آن ندارد و... برخوردار باشد تا ابلاغ یک پیام با موفقیت مقرون گردد.

ج) استخدام وسائل و ابزار ابلاغی مناسب

برای رساندن هر پیام باید بهترین وسیله را انتخاب کرد، نه این که برای رساندن هر پیامی از یک کانال کلیشه‌ای اقدام کرد. بر این اساس برای تبلیغ هر یک از آموزه‌های عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و... باید از روشی خاص بهره جست، نه آنکه برای همه آنها از یک ابزار استفاده کرد.

د) دکترین و متد تبلیغ

مسأله سبک صحیح غیر از سخن صحیح و مدعای صحیح و ابزار نوین است. سبک و اسلوب مربوط است به کیفیت و چگونگی تبلیغ و پیام رسانی. امروزه مساله سبک و متد در تعلیم، در تحقیق، در تربیت، در معالجه بیماران جسمی و بیماران روحی اهمیت فراوانی یافته است.

اگر سبک صحیح باشد انسان از کار خود با صرف حداقل نیرو، حداکثر نتیجه را می‌برد ولی اگر سبک صحیح نباشد در برخی موارد نتیجه معکوس گرفته می‌شود؛ زیرا همان طوری که دوختن یک پارچه نو ساده‌تر است تا دوختن یک کت و شلوار از نو، یعنی بازکردن و از نو دوختن هماره دشوارتر است همچنین در بازسازی‌های دیگر، رساندن پیامی که معکوس در اذهان جاگرفته، بسی دشوارتر است از رساندن آن به اذهانی که آن پیام را برای اولین بار تلقی می‌کنند.

۳. به‌کارگیری راهکارهای تبلیغات دینی

فرزند آدمی به حکم فطرت پاک و خدایی، آماده نیک‌اندیشی و نیک خواهی و نیک‌کرداری است. بنابراین، تبلیغات اولاً باید معطوف به این آمادگی و قابلیت‌ها باشد ثانیاً چون برای فعلیت بخشیدن و ابراز و اظهار آن، نیازمند محرک‌ها و مشوق‌هایی است که این قابلیت ذاتی را نمایان کند، باید از هرگونه اجبار و اکراه و یا زودرسی و شتاب زدگی در فعلیت بخشیدن به استعدادها و قابلیت‌ها اجتناب نمود همان‌گونه که باید از سرپوش گذاشتن و نادیده گرفتن و سرکوب کردن آن‌ها دوری کرد.

نکته مهم دیگر آن است که در تبلیغات دینی، موعظه نیک فقط در گفتار نیک نیست؛ بلکه افزون بر آن، در خلق، سیرت و عمل نیک است آری امروزه تنها ذکر حقایق و گفتن مطالب نیک کافی نیست آنچه مهمتر است از گفتن و نصیحت کردن است نشان دادن و عمل کردن به آن است باید آنچه راکه می‌خواهیم به زبان بیاوریم در رفتار خود به نمایش بگذاریم. البته بیان باید با نگاهی لطیف و زیبا و مقرون به عمل باشد و همه اینها در آمیخته با محبت و مهربانی و ملایمت است که جلوه‌ای از تبلیغ رسا و نافذ را به نمایش می‌گذارد.

همچنین لازم است گفتار و نمایش عملی مبلغ صادقانه باشد، نه از روی ریا و تصنع و تکلف بلکه براساس ایمان و اعتقاد قلبی و با نیت الهی و خلوص درونی انجام گیرد.

افزون بر آن ارائه محتوای تبلیغی باید به صورت غیرمستقیم باشد؛ صاحب‌نظران روانشناسی تبلیغ معتقدند مبلغ باید به گونه‌ای تعلیم دهد که مخاطب به شیوه غیرمستقیم

پیام مورد نظر را از درون خود کشف کند، بدون آن که احساس کند کسی آن مطالب را به او آموخته است.

شناخت جامعه و فرهنگ آن نیز از ضرورتهای بهسازی تبلیغات دینی است؛ پیام رسان باید بداند که کافی نیست که تنها سخن صحیح و درست بگوید و توجه به عکس‌العمل روحی افراد و به عبارت دیگر توجه به تعبیرها و تفسیرهای جامعه از آن نداشته باشد. از این رو لازم است دقیقاً نسبت به اجتماع خود، از روانشناسی عملی و تجربی دقیقی برخوردار باشد.

بدون تردید در صورت به‌کارگیری همه موارد فوق تلاش تبلیغی مبلغان اسلامی خود به خود اثر گذار خواهد بود و تاثیرش در تمامی ارکان و ابعاد شخصیت مخاطب جاری و ساری می‌گردد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ساختن انسان‌هایی خداترس، متقی و تسلیم در برابر رضای حق و معبود حقیقی در سایه تربیت دینی و مذهبی که هم مقتضای فطرت است و هم کنترل کننده غریزه و هوای نفسانی، از مؤثرترین روش‌هایی است که تنها در مسجد می‌تواند در مقابل سیل بنیان کن و ویرانگر فرهنگ فاسد غرب بایستد و مقابله کند؛ زیرا مقابله با تحریک غرایز و هواهای نفسانی که از طرق مختلف مانند فیلم‌ها، نوارهای مبتذل، تصاویر مستهجن و... به آن دامن زده می‌شود و نجات نسل جوان از خطر سقوط در منجلاب گناه و آلودگی‌های ناشی از تحریک غریزه جنسی، تنها با حاکم کردن نیروی بازدارنده و کنترل کننده‌ای چون مسجد امکان‌پذیر است، ولی درک موقعیت روحی و روانی جوان و شرایطی که جوان در آن به سر می‌برد، به همراه انعطاف یا «تنزل» از دنیای خویش به دنیای جوان و صبوری در مقابل رفتار و گفتار او به همراه بیان زیبا و عمل نیک، شرایطی را فراهم خواهد ساخت که جوان قلبش را به ما بسپارد و در پی آن ذهن و اندیشه وی نیز کاملاً تسلیم ما می‌شود، آری با لحن جوان، هیئت جوان، برخورد جوان، و مهمتر از هر چیز احساس و عاطفه و رویه جوان تفهیم و تفاهم سریع‌تر اتفاق می‌افتد.

ائمه جماعات هر چند پیرمرد ولی نباید با دنیای جوان بیگانه باشند؛ بلکه باید خوش‌اندیش، خوشرو، توانا و جوان‌گرا باشند تا تفاوت نسل‌ها، کندی رفتار، طولانی کردن نماز، طرح مسائل بیگانه با فضای امروز، میان گوینده و مخاطب فاصله نیافکند.

در حقیقت بازنگری با شهامت به اصول تبلیغی، کارکرد دینی و فرهنگی مساجد را افزایش می‌دهد و توجه به مسائل فوق که ممکن است خیلی جزیی و ریز به نظر آید، بازده فعالیت‌های دینی و فرهنگی را چندین برابر می‌کند.